

طبقه کارگر

از دریاچه فولاد و هفت تپه



طبقه کارگر

از دریچه فولاد و هفت تپه

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist

hekmatist.com



مجموعه مقالات و اطلاعاتی های حزب همراه حمایت‌های بین المللی و ایران
اخبار و اتفاقات و نوشته هایی از سندیکای کارگران هفت تپه و کارگران گروه ملی فولاد

انتشارات حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

ژانویه ۲۰۱۹ - دی ماه ۱۳۹۷

فهرست مطالب

الف- مطالب در مورد اعتراضات و اعتصابات هفت تپه

۱ مقدمه: طبقه کارگر از دریچه فولاد و هفت تپه
۸ شهر شوش در اشغال، اسماعیل در زندان، بعد چی؟
۱۰ قلب ما با قلب هفت تپه ای ها میطپد
۱۲ نیشکری ها، کارناوال با شکوه و چویدستی های آن
۱۴ هفت تپه و فولاد در کنار هم تا آزادی همه
۱۶ کارخانه نیشکر: هفت تپه با یا بدون آن؟ زنده باد بیمه بیکاری!
۱۸ یاغیان نیشکر و فولاد
۲۰ تقویم تاریخ با ساعت هفت تپه
۲۵ ایران در آینده زمان (قسمت سوم)
۲۹ قیام بردگان / شعر
۳۷ صندوقهای همبستگی مالی کارگری
۳۹ فقط هفت تپه ای ها حق دارند
۴۱ جنگ نان
۴۷ هفت تپه و فولاد نماد مقاومت طبقه کارگر ایران
۵۵ عملیات ایزدایی بزدلانه جمهوری اسلامی در هفت تپه
۵۸ موج سرکوب و تفرقه را فقط با اتحاد محکم می توان پس زد!
۶۰ شبیح هفت تپه بر فراز ایران
۶۳ جنگ ما با دستگیری
۶۷ ایران در آینده زمان (قسمت چهارم)
۷۰ از یک پیروزی به پیروزی بعدی! در مورد آزادی اسماعیل و میثم
۷۱ یورش شبانگاه به کارگران فولاد
۷۳ فراخوان اعتراض به دستگیری کارگران فولاد
۷۴ ۲۶ آذر، بهار عربی، هشت سال بعد، آیا نوبت اهواز است؟
۷۶ زنده باد کارگران فولاد و هفت تپه
۷۸ هفت تپه، فولاد و ژاندارم های خانه کارگر
۸۲ میدان حقیر قدرت نمایی در مقابل طبقه کارگر!
۸۴ اعتصابات هفت تپه و فولاد، وقایع و دستاوردها
۹۰ نقطه قوت های اعتصابات هفت تپه و فولاد
۹۴ قدرت طبقه کارگر و انگل شورای اسلامی

- ۹۷ فضای سیاسی جامعه ایران و قدرت طبقه کارگر
- ۱۰۵ در اعتراض به شکنجه و ارباب کارگران در ایران
- ۱۰۷ "سناریوی سوخته" تعرض زبونا نه

ب- روز شماره اعتصابات و اعتراضات

- ۱۰۹ روز شمار اعتصاب و اعتراضات کارگران هفت تپه
- ۱۴۴ روز شمار اعتصاب و اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد

پ: حمایت‌های بین‌المللی

- ۱۷۳ اتحادیه معلمان انگلستان
- ۱۷۵ س. ژ. ت و حمایت از کارگران هفت تپه
- ۱۷۷ نامه اعتراضی ۸۰ سندیکا و اتحادیه در دفاع از کارگران و معلمان
- ۱۸۲ کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری
- ۱۸۳ قطعنامه اضطراری کنگره کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری در همبستگی با کارگران و دانشجویان در ایران
- ۱۸۵ حمایت اتحادیه جهانی کارگران صنعتی از کارگران هفت تپه و فولاد
- ۱۸۶ حمایت اتحادیه جهانی کارگران صنعتی از کارگران هفت تپه و فولاد و تاکید بر آزادی فوری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان
- ۱۸۷ اعتراض شدید کنگره اتحادیه‌های کارگری انگلستان TUC به سرکوب کارگران فولاد اهواز
- ۱۸۹ حمایت از اعتراضات و مطالبات کارگران هفت تپه در ایران (حزب کمونیست کارگری کردستان)
- ۱۹۱ بخش کارگری حزب اتحاد سرخ و سبز کشور دانمارک
- ۱۹۲ بیانیه همبستگی صنایع فولاد آرژانتین و معدن کاران بولیوی
- ۱۹۴ در کنار کارگران رزمنده و بی‌خاسته ایران می‌ایستیم! (حزب همبستگی افغانستان)
- ۱۹۶ به برخوردهای امنیتی با فعالین کارگری پایان دهید! (اتحادیه‌های کارگری سوئد)
- ۱۹۸ در همبستگی با کارگران ایران (اتحادیه‌های سراسری کارگران عراق- بغداد)
- ۱۹۹ حمایت کارگران زندانی شرکت نفت لاهراس از کارگران زندانی فولاد اهواز

ت: حمایتها از ایران

- ۲۰۰ بیانیه جمعی از کارگران و خانواده‌های کارگری سنندج
- ۲۰۲ اعلام حمایت کارگران در دماوند با کارگران اعتصابی هفت تپه
- ۲۰۳ گزارش حمایت کارگران بازنشسته هفت تپه از اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه
- ۲۰۴ بیانیه ۲۰۰ نفر از کارگران و فعالین کارگری
- ۲۰۷ بازداشت اعضای "مجمع نمایندگان کارگری نیشکر هفت تپه" را محکوم می‌کنیم!
- ۲۰۸ دستگیری اعضای مجمع نمایندگان کارگری نیشکر هفت تپه اقدامی دیگر در جهت سرکوب و انحلال تشکل‌های مستقل کارگری است!

۲۱۰ انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه
۲۱۲ بیانیه جمعی از معلمان_عدالتخواه ایران
۲۱۵ بیانیه حمایت کارگران فصلی و ساختمانی شهرهای ایران در حمایت از کارگران هفت تپه
۲۱۷ بازداشت اعضای "مجمع نمایندگان کارگری" نیشکر هفت تپه را قویا محکوم می کنیم! (سندیکای اتوبوسرانی)
۲۱۸ اعلام همبستگی با کارگران "گروه ملی فولاد اهواز" (سندیکای اتوبوسرانی)
۲۱۹ پیروز باد اعتصاب شکوهمند کارگران هفت تپه
۲۲۰ کارزار حمایتی در حمایت از کارگران فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه
۲۲۷ بیانیه شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران
۲۲۹ حمایت سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه از کارگران فولاد اهواز!
۲۳۱ فراخوان کارزار سراسری در حمایت از کارگران هفت تپه و برای آزادی اسماعیل بخشی، علی نجاتی و سپیده قلیان
۲۳۴ حمایت دانشجویان دانشگاه های مختلف ایران
۲۴۱ جمعی از وکلای دادگستری به حسن روحانی؛ شکنجه اسماعیل بخشی دردناک و مایه شرمساری است
۲۴۳ بیانیه ۵۱ تن از وکلای دادگستری در حمایت از حقوق کارگران معترض سراسر ایران
۲۴۵ بیانیه جمعی از معلمان ایران در حمایت از اسماعیل بخشی و اعتراض به خط سرکوب فعالان صنفی و مدنی
۲۴۷ پیام ارسالی

ث: مطالبی درباره هفت تپه و فولاد اهواز

۲۴۸ نامه ۳۴ تشکل دانشجویی خطاب به وزیر اطلاعات
۲۵۱ جمعی از کارگران هفت تپه، خطاب به ۳۴ تشکل اسلامی دانشجویی
۲۳۵ حمایت شوراهای دانشجویان کشور از افشاگری اسماعیل بخشی
۲۵۵ هفت تپه و تحمیل انتخابات شورای اسلامی کار
۲۵۷ نامه ای خطاب به رئیس اداره اطلاعات شوش
۲۶۰ نامه اسماعیل بخشی به وزیر اطلاعات
۲۶۲ نامه سپیده قلیان
۲۶۳ برای رفقای روزهای سخت؛ سپیده قلیان و اسماعیل بخشی
۲۶۵ امیل زولا در هفت تپه: داستان یک اعتصاب
۲۷۰ نبرد گرسنگان
۲۷۲ تصاویری از اعتصابات و اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز

طبقه کارگر از دریچه فولاد و هفت تپه

خالد حاج محمدی

دوم ژانویه ۲۰۱۸

مقدمه: کتابی که در دست دارید علاوه بر جمع آوری بخش مهمی از اخبار و اتفاقات و نوشته هایی از سندیکای کارگران هفت تپه و کارگران گروه ملی فولاد و سیر مبارزه این دو مرکز به عنوان روزشمار مبارزات هفت تپه و فولاد از زبان خودشان، گوشه ای از حمایت‌های کارگران، بخش‌های مختلف جامعه ایران از دانشجو و معلم تا مردم آزادیخواه و... و همزمان بخشی از حمایت‌های بین‌المللی از کارگران فولاد و هفت تپه و مبارزات عدالتخواهانه آنها است. در این کتاب همچنین مطالب و اعلامیه های حزب حکمتیست (خط رسمی) و رفقای که در این زمینه اظهار نظر کرده اند آمده است. نوشته "طبقه کارگر از دریچه فولاد و هفت تپه" به عنوان مقدمه ای بر این مجموعه در حقیقت نگاهی به جایگاه این اعتراضات و نقش آن در دوره ای معین است که این دو اعتصاب در آن اتفاق افتاده است.

امیدواریم رهبران و فعالین و سخنگویان کارگران هفت تپه و فولاد، کسانی که در دل بیش از یکماه جدال و در اعتراضی وسیع و متحد علیه استثمار و بردگی و در جنگی بسیار نابرابر و همه جانبه با دولت و کارفرما و همه عوامل آنها، تلاش کردند هم طبقه ای های خود را سربلند و پیروزمند از همه تند پیچها عبور دهند، بتوانند تجربیات این دوره و تجارب خود و ارزیابی از این تحركات را در اختیار طبقه کارگر و جنبش برابری طلبانه قرار دهند.

طبقه کارگر از دریچه فولاد و هفت تپه

امروز در شرایطی بحث از جایگاه اعتراضات هفت تپه و فولاد میشود که هنوز و تا این لحظه هفت نفر از کارگران فولاد در زندانند، هنوز علی نجاتی عضو سندیکای هفت تپه در زندان است. اسماعیل بخشی با فشار رفقای کارگرش و سیل مردمی که در این روزها همراه و پشتیبان هفت تپه بودند با وثیقه ای سنگین آزاد شد. بعلاوه سپیده قلیان و عسل محمدی که به جرم حمایت از کارگران هفت تپه و فولاد دستگیر شدند، با وثیقه های سنگین آزاد شدند. هنوز علیرغم پادگانی کردن این دو مرکز کارگری، تلاش و مبارزه کارگران هفت تپه و فولاد برای آزادی دستگیر شدگان ادامه دارد. هنوز هر روز کارگران و خانواده های آنها در اهواز و در مقابل مراجع دولتی برای آزادی ۷ کارگر زندانی تجمع میکنند. امروز و علیرغم پرداخت حقوق معوقه چند ماه و اقداماتی کوچک دیگر

در این مراکز اما هنوز بخش قابل توجهی از مطالبات کارگران در هر دو بخش فولاد و هفت تپه برآورد نشده است. با این حال نگاه به هفت تپه و فولاد از دریچه این مطالبات و اتفاقات مورد اشاره بسیار محدود نگرانه و گمراه کننده است. هفت تپه و فولاد دستاوردهای بزرگی در این دوره نصیب خود و کل طبقه کارگر ایران کردند که اینجا به نکاتی از آن اشاره میکنیم.

دو اعتصاب فوق در یک توازن قوای معین و بعد از اعتراضات دیمه و تغییر توازن قوا در جامعه به نفع محرومین اتفاق افتاد. اگر در یک سال گذشته و در تحرک دیمه مسئله جدال علنی با حاکمیت از جانب اقشار محروم جامعه علنا و در ابعاد بزرگ اتفاق افتاد و مسئله سرنگونی جمهوری اسلامی با همه جناح و دسته بندی های آن را روی میز جامعه قرار داد، اعتصاب قدرتمند و متحدانه کارگران هفت تپه و فولاد پرچم عدالتخواهی طبقه کارگر و جنبش برابری طلبانه آنرا به عنوان پرچم یک جنبش عظیم در جامعه به اهتزاز در آورد و حمایت اکثریت استثمار شدگان و اقشار محروم و تشنه رفاه و آزادی را به همراه آورد. حق طلبی کارگران این دو مرکز و ایستادگی قاطعانه آنها در مقابل کل بورژوازی ایران با دولت و همه ارگانهای مختلف آن، مهر عدالتخواهی و مساوات طلبی کارگری را به فضای سیاسی و اجتماعی ایران زد. در چهل روز گذشته فضای سیاسی جامعه ایران، صحبت محافل و جمع و نهاد و هر مرکز کاری و اداری از مردم تا حاکمیت، از کارخانه و دانشگاه تا مجلس و دولت و ... بحث فولاد و هفت تپه بود. در این مدت طبقه کارگر و اقشار محروم جامعه و هر انسان عدالتخواهی، به هفت تپه ای ها و فولادی ها به عنوان پیشقراولان رادیکال و شایسته جنبش خود نگاه کردند. همه نگاهها به هفت تپه و فولاد و به تحرک غول عظیم طبقه کارگر در ایران و امید به پیشروی و پیروزی آن دوخته شد. در این مدت دهها میلیون کارگر شاغل و بیکار و خانواده های آنها و اقشار مختلف مردم آزادیخواه، پیروزی خود در این جدال را به پیروزی کارگران هفت تپه و فولاد گره زدند. به حق هر پیشروی کارگران فولاد و هفت تپه را پیشروی خود در جدال بر سر رفاه و سعادت و آزادی میدیدند. برای اولین بار بعد از اعتصاب کارگران نفت در سال ۵۷، کارگران فولاد و هفت تپه و رهبران و فعالین آنها به عنوان نماد مقاومت جامعه و کل صف استثمار شدگان در راس قرار گرفته اند. مرکز جدال در هفت تپه و فولاد و شهر شوش و اهواز بود اما دامنه آن کل جامعه را فرا گرفت.

اعتراضات کارگران فولاد و هفت تپه موقعیت طبقه کارگر را در جامعه و در تقابل آن با حاکمیت گامها به جلو برد. در این مدت علاوه بر خود کارگران این دو مرکز و خانواده های آنها که با اتحادی بالا جدالی قابل تقدیر را در خوزستان پیش بردند و مردم آزادیخواه شوش و اهواز را همراه خود کردند، موجی از حمایتها در سراسر ایران به طرف شوش و اهواز سرازیر شد. نسل جوان تحصیل کرده طبقه کارگر با بانگ رسا فضای همه دانشگاهها را، علیرغم تهدید و اربابی که حاکمیت انجام داد، به هفت تپه و فولاد اختصاص داد. "اسماعیل زندان است، ما همه بخشی هستیم"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "ما فرزند کارگرانیم در کنارشان می مانیم"، "کارگر، معلم، دانشجو اتحاد، اتحاد"، "درود بر کارگر، مرگ بر ستمگر" و بسیاری شعارهای از این قبیل در بسیاری از دانشگاهها

طنین انداز شد. معلمین، بازنشستگان، و کلا، نویسندگان، هنرمندان انواع محافل و مراکز کارگری از شرکت واحد تا جمعهایی از کارگران و مردم آزادیخواه به اشکال مختلف، از کارگران این دو مرکز و فعالینش حمایت کردند. شعرا برایشان شعر گفتند و نوازندگان به افتخار آنها نواختند و هنرمندان در دفاع از آنها روی صحنه رفتند. در یک کلام جامعه و استثمار شدگان به جدال هفت تپه و فولاد با کارفرما و حاکمیت به عنوان جدال خود با بورژوازی و دولتش نگاه کردند، به آن دل بستند و از آن انرژی و شور و قدرت گرفتند. در این مدت علیرغم دیوار سانسور میدیا و رسانه های جمهوری اسلامی، بانگ و حق خواهی کارگران و صدای نماینده و سخنگویان آنها دهان به دهان با شور و شوق به خانه های مردم رفت و بحث مجالس و تجمعات آنها شد. امروز جامعه بسیاری از فعالین این دو مرکز را که قبلا اسمی از آنها نشنیده بود، بعنوان سخنگویان صالح خود نگاه میکنند و در قلب آنها جای دارند. همین حقیقت کار حاکمیت در سرکوب آنها را با مشکلات جدی روبرو کرده است.

در این مدت مهمترین اخبار جامعه و رسانه های آنها از جدال جناحها و دعوی آمریکا و ایران و حتی بحث استیضاح وزرای دولت در مجلس، در زیر فضای حاکم بر جامعه حول مبارزات هفت تپه و فولاد به حاشیه رانده شدند. جامعه از دریچه هفت تپه و فولاد شاهد بروز یک عدالتخواهی عمیق، یک مساوات طلبی ضد سرمایه داری شد. همین حقیقت جایگاه طبقه کارگر ایران را در ذهن جامعه و در روانشناسی آن به طور جدی تغییر داد و بالا برد. در دوره انقلاب ۵۷ عروج طبقه کارگر و خصوصا به میدان آمدن کارگر نفت کمر رژیم پهلوی را شکاند و "کارگر نفت ما رهبر سرسخت ما" به یکی از شعارهای اصلی تجمعات اعتراضی تبدیل شد. همزمان عروج کارگر نفت در ابعاد سیاسی و اجتماعی زمینه ها و شرایط عروج کمونیسم این طبقه و جواب و افق آن را فراهم ساخته و شروع دوره پایان همه سیاستها و افقهای خرده بورژوازی و چپ خلقی آن دوره را هم به نام مارکسیسم و کمونیسم خط بطلانی کشید. در این دوره هم عروج کارگر این دو مرکز و حق طلبی و مدعی بودن آنها، بیان اینکه این مراکز را ما و پدران ما بنا نهاده ایم و خود و توسط شورای کارگری خود اداره اش میکنیم، مستقل از ممکن بودن و ممکن نبودن آن در این اوضاع، اما همین مدعی و صاحب پاسخ و آلترناتیو بودن، طبقه کارگر و رهبران آنرا در قامت صاحبان جامعه و مدعی نمایان ساخت و خط باطلی بر کارگرپناهی صف طولانی جریانات و گروههای راست و چپ از خانه کارگر تا کارگرپناهی چپ های خلقی و ملی و قومی و... کشید.

همبستگی کارگران این دو مرکز، اتکای آنها بر تجمعات و مجامع عمومی خود، طرح بحث شوراها، کارگری و تلاش برای ایجاد آن، آرتیاسیونهای هر روزه شخصیتها و نمایندگان آنها، افشا و خنثی کردن همه برنامه و ترفندهای حاکمیت و نمایندگان مختلف آنها در جمع کارگران و در مقابل چشم جامعه، همبستگی عمیق و یکپارچه ای ایجاد کرده بود که دست و بال کارفرما و حاکمیت و ارگانهای سرکوب و تلاش برای چند دستگی و انشقاق را بشدت سخت کرد. این تحرک یک بار دیگر اهمیت مجامع عمومی و دخالت مستقیم کارگران در

تصمیمات و اجرای آن به عنوان ساده ترین و ممکن ترین راه و دمکراسی مستقیم کارگری را در خون طبقه کارگر جاری کرد. این تجربه بطور قطع نه تنها در مبارزات آتی کارگران این دو مرکز که در کل مبارزات طبقه کارگر ایران دستمایه و تجربه ای ارزشمند و قابل تکثیر خواهد بود.

واقعیت این است که ابعاد حمایت مردم اهواز و شوش از کارگران این دو مرکز، سمپاتی بزرگ کل جامعه به آنها و ترس از تبدیل آن به تحرکی بزرگ کارگری، حاکمین را دست پاچه کرده بود. همین حقیقت است که همه دشمنان رنگارنگ و قسم خورد طبقه کارگر ایران از دولت و مجلس و قوه قضائیه تا فرماندار و استاندار و محبوب و عوامل خانه کارگر و امام جمعه و... را مجبور کرد برای مقابله با کارگران و پیش برد نقشه های شوم خود، ریاکارانه لباس کارگر دوستی به تن کنند. زمانی که نمایندگان دولت و سپاه پاسداران و... بدنبال دستگیری تعدادی از نمایندگان هفت تپه از جمله اسماعیل بخشی، فرصت را برای آرام کردن و خواباندن اعتراضات و فریب کارگران مناسب دیده بودند، گارد حفاظتی آنها برای اجازه ورود به جمع کارگران و امکان صحبت کردن، عکس اسماعیل بخشی را بلند کرده و با ریاکاری و اینکه "ما هم اسماعیل بخشی هستیم" و خودی وارد جمع آنها شدند. در دل این جدال صفی از فعالین و سخنگویان کارگری در این دو مرکز عروج کردند و نه تنها در میان کارگران این دو مرکز که در سطح جامعه به عنوان شخصیت‌های سیاسی جدی، قابل احترام، برابری طلب و بی توهم شناخته شدند. همین حقیقت و شناختن آنها از جانب مردم آزادیخواه و جایگاه والای آنها در قلب میلیونها انسان، سرکوب آنها را امروز دیگر سخت تر کرده است.

نقش رهبران و تاکتیک جمهوری اسلامی

نقش رهبران و فعالینی که در این دوره عروج کردند و جایگاه هر یک از آنها، بر کسی پوشیده نیست. دامنه خودآگاهی و روشنی سیاست و افق آنها به عنوان سخنگو و نماینده کارگران این مراکز، توان و کالیبرشان و نقشی که هر یک از آنها ایفا کرد، نه تنها در مبارزه این دوره نقش جدی داشت، بعلاوه دامنه اعتبار و اتوریته آنها را در میان طبقه کارگر ایران و مردم آزادیخواه بطور وسیعی گسترش داد.

جمهوری اسلامی و کارفرما با همه عوامل و ارگانهای آنها، تلاش جدی کردند، که میان نمایندگان کارگران و توده کارگر فاصله بیندازند. از تهدید تا پخش شایعات، پاپوش دوزی و دسیسه و پرونده سازی و... بکار گرفته شد. اما همه این توطئه و ترفندها در مقابل هوشیاری کارگران این دو مرکز و نمایندگان آنها خنثی و نقش بر آب شد. تلاش کردند سخن چینان و جاسوسان خود را فعال کنند و علاوه بر نمایندگان کارگران سر به هر جمع و محفلی بزنند تا مدافعان آنها را نیز زیر فشار پلیسی بگذارند. تهدید و ارباب را در دانشگاهها افزایش دادند. اما این هم مانع حمایت وسیع نسل جوان از کارگران نشد. در کل این دوره شهر اهواز و شوش زیر نظر موجب بگیران

آنها بود. نهایتاً و زمانی که اینها کارساز نشد، مستقیم حمله به نمایندگان و دستگیری دهها نفر از آنها در دستور قرار گرفت.

دستگیری و زندانی کردن بخش عمده نمایندگان کارگران، امکانی فراهم کرد که اولاً فعالین کارگری را در تنهایی و در گوشه زندان به کمک همه ابزارهای قرون وسطایی زیر فشار بگذارند. تلاش کردند با تهدید به اخراج، زندان طولانی مدت و قطع نان خانواده کارگری، شکنجه و ترساندن، آنها را به زانو در آورند و تلاش کردند آنها را علیه هم تحریک کنند. تلاش کردند با زور چاقو از آنها برای تأیید پرونده های مهندسی شده خود و پاپوش دوزی علیه نمایندگان که در نظر گرفته بودند شهادت بگیرند. تلاش کردند در تنهایی افرادی را مستاصل و برای برنامه های آتی خود در این مراکز و خواباندن فضای اعتراضی، به زانو در آورده تا علیه وجدان و خواست و تمایل خود عمل کنند. بعلاوه عدم حضور نمایندگان در جمع کارگران امکانی فراهم کرد که بتوانند با استفاده از عوامل خود و کارفرما، راحت تر بتوانند به توده کارگران فشار بیاورند و اعتصاب و اعتراض قدرتمند آنها را آرام کنند. در این میان افراد انگشت شماری را به نام کارگر و "نماینده" کارگری نیز به جان کارگران انداختند و از آنها نیز استفاده بردند. این تاکتیک قطعاً برای حاکمیت و کارفرما دستاوردهایی داشت و اما در میان طبقه کارگران این دو مرکز و کل طبقه کارگر ایران نفرت عمیقی ایجاد کرد و همزمان آنها را پخته تر، هوشیارتر و آماده تر برای جدالهای آتی کرده است.

کسانی که در این پروسه و علیرغم همه فشارها ایستادگی کردند و تن به هیچ سازش و تسلیمی ندادند، کسانی که علیرغم کل این دسیسه چینی ها هوشیارانه منافع کارگری کل رفقای خود و طبقه کارگر ایران را نمایندگی کردند و استوار ایستادند، امروز از زاویه کارگران هفت تپه و فولاد و کل جامعه کارگری ایران نه تنها به عنوان نمایندگان صالح و راستین خود نگاه میشود که به عنوان رهبران هوشیار و مصمم آنها مورد احترام و اعتماد عمیقی هستند. امروز این شخصیتها در سراسر ایران و در میان دهها میلیون کارگر و معلم و دانشجو و حتی در بعد فراتر از ایران هم شناخته شده و مورد احترامند.

بعلاوه اهمیت دفاع و حفاظت از نمایندگان، رهبران و سخنگویان راستین این طبقه در ذهن خود کارگران فولاد و هفت تپه و همه کارگران ایران به امری پذیرفته شده تبدیل شد. این اتفاقات یک بار دیگر اهمیت دفاع از فعالین و رهبران کارگری در مقابل حاکمیت و کارفرما و دستگاه سرکوب آنها را بیش از هر وقت برجسته کرد و به عنوان یک فاکتور جدی در آینده و در هر مبارزه و اعتراض و اعتصابی مورد توجه خواهد بود.

دو صف متحد در مقابل هم

کارگران هفت تپه و فولاد و خانواده های آنها، با حمایت بخش وسیعی از مردم آزادیخواه در سرتاسر ایران، در این مدت در کنار هم ایستادند و متحدانه از هم دفاع کردند. اما در مقابل صفی متشکل از دولت و گارد ضد شورش، مراکز پلیسی و اطلاعاتی، زندانبانان و شکنجه گران، تا میدیای رسمی آنها از صدا و سیما تا ایلنا، از مجلس و بیت رهبری و سپاه، از خانه کارگر و شورای اسلامی تا امام جمعه محل و عوامل آنها، همگی متحدانه علیه کارگران این دو مرکز انجام وظیفه کردند و یک نقشه همه جانبه ضد کارگری را مشترکاً پیش بردند. یکی حربه سرکوب و تهدید و زندان و شکنجه و اخراج و گرسنگی را بلند کرد و دیگری ابزار فریب و ریاکاری و تلاش برای انشقاق و چند دستگی. یکی تلاش کرد کارگران را با تهدید و ارباب به تسلیم وادار و دیگری کوشید با چرب زبانی و ریاکاری و کارگر پناهی آنها را وادار به زانو زدن در مقابل بیت رهبری و ارگانهای حاکمیت، برای کسب ابتدایی ترین مطالبه، کند. تلاش کردند به این شکل عزم و اراده و حق طلبی و شخصیت و کرامت بالای آنها را بشکنند و به جای آن التماس و تسلیم و پابوسی حاکمان را در دوران آنها جایگزین کنند. اما همه اینها از حق طلبی کارگران کم نکرد و سر تسلیم و خواهش و تمنا در بارگاه حاکمین و کارفرما را وارد فضای کارگران نکرد.

در این دوره انواع دسیسه ها، حقه بازی و قول و قرار دروغ و وقت خریدن ها و شایعه پراکنی علیه کارگران هفت تپه و فولاد، علیه نمایندگان خوشنام آنها و پرونده سازی به قصد "خراب کردن" شخصیت آنها توسط این ارگانها، صورت گرفت. اما در دل همه این توطئه ها کارگران متوجه شدند که همه اینها دشمنان و دوستان دروغین شان در حقیقت دشمنان قسم خورده این طبقه هستند. این واقعیت که بارها در سخنرانی و صحبتها و نوشته های فردی و جمعی کارگران این دو مرکز و در افشای دسیسه های کارفرما و ارگانهای مختلف دولت بیان شد، خودآگاهی بالایی را در میان آنها و به طبع آن در میان طبقه کارگر ایران بوجود آورد.

همین حقایق یک بار دیگر این واقعیت را که طبقه کارگر یک طبقه با منافع مشترک است و بورژوازی ایران و دولت و ارگانهایش با هر اختلافی با هم، ارگان و حاکمیت طبقه سرمایه دار و ضد کارگری اند را نمایان کرد و در تجربه عملی و در دل یک جدال جدی در فولاد و هفت تپه، حتی برای متوهم ترین ها، هم اثبات کرد.

کل این حقایق در ذهن جامعه و در ذهن خود طبقه کارگر حقایقی را برجسته کرد که کارگران مستقل از تقسیم بندی های ملی و قومی و مذهبی و جنسی و نژادی، مستقل از همه هویت تراشی های کاذبی که روزانه چون سم علیه آنها تولید میکنند، یک طبقه اند. فضای بعد از دیماه و تحولات سراسری در این دوره و متعاقباً فضای این دوره جامعه و اعتراضات کارگری از هپکو و خصوصاً هفت تپه و فولاد و بازتاب آن در جامعه، دریچه ای را بر روی عروج یک آلترناتیو برابری طلبانه و سوسیالیستی در جامعه ایران باز کرد. در کنار این و پا به پای رشد این عدالتخواهی کارگری و سوسیالیستی در طبقه کارگر و در میان محرومان جامعه، آلترناتیوهای دیگر از جوابها

حاکمیت و اصلاح طلبان حکومتی، نیروهای لیبرال و به اپوزیسیون رانده شده، ناسیونالیسم پرو غرب ایرانی و اتکا به جدال آمریکا و غرب با جمهوری اسلامی، جریانات قومی و فرقه های مذهبی و.. و همه طرفداران رژیم چینج به کمک غرب، جریاناتی که تلاش میکنند یکی به نام ایرانیت و تمامیت ارضی ایران و دیگری به نام اقوام و ملیتهای مختلف کرد و ترک و عرب و...، رنگ قومی، ناسیونالیستی و مذهبی به مبارزات آزادیخواهانه مردم بزنند، بدرجه ای عقب و به حاشیه رانده شدند. زمانی که از این دریچه به مبارزات این دوره کارگران فولاد و هفت تپه و صف بندی های حول آن نگاه خواهید کرد، مستقل از مطالبات خود کارگران هفت تپه و فولاد، تاثیرات و دستاوردهای بسیار جدی تر آن را در بعد ماکروتر و در سطح کل جامعه ایران خواهید دید. جامعه موقعیت خود و طبقه کارگر ایران را از دریچه جدال این دوره هفت تپه و فولاد نگاه میکند. جامعه در حال صنفبندی حول جدال طبقه کارگر و بورژوازی است!

شهر شوش در اشغال، اسماعیل در زندان، بعد چی؟

مصطفی اسد پور

به یمن وجود سندیکا و رهبران کارگری حمله گارد ویژه میتواند به عکس خود تبدیل گردد. اشغال شوش و هفت تپه میتواند لقمه بزرگ اعتراض کارگری در گلوی جمهوری گردد.

بعد از چندین ماه تهدید و مقدمه چینی سرانجام گارد ضد شورش متشکل از واحدهای تکاوران قسم خورده و سنگدل و شش دانگ فرمانبر و تا دندان مسلح به شهر شوش رسید. کسی از چند و چون گزارش فرمانده گارد به هیئت ارتشدهای نجات مام وطن مستقر در کاخ ریاست جمهوری خبر ندارد، بهر صورت "نجات" شهر و به طریق اولی محاصره کارخانه هفت تپه نمیتواند هنر قابل توجهی بنظر برسد. هر چه هست، با هر تفسیری و مستقل از هر آینده در راه، کارگران هفت تپه و اعتصاب آنها بدون تردید، یک پیروزی بزرگ را به نام خود ثبت کرده است؛ و آن اینکه دولت ناچار میشود به شانه بالاختن، وعده های پوچ سرسری از راه دور پایان دهد و کارگران هفت تپه را در محل به هماورد بطلبد. نیشکریها بدرستی با اعلان قبلی نیروی مسلح اعزامی را در محل کارخانه رو در رو پذیرفتند. به این ترتیب در مواجهه با اعتصابیون که تنها سلاح آنها از تکرار شعارها فراتر نمیرفت حمله نیروهای اعزامی بدون رعب و عاری از شکوه "پنجر" شد. خفت و جبن دولت مرکزی در باتلاق فعلی گریز ناپذیر است. این حمله و ورود نیروهای اعزامی از مرکز آتش اعتراضات را تندتر میکند، فرجه تازه تری در دسترس کارگران خسته از بی عرضگی مقامات محلی قرار میدهد، و بر عکس تصور دولت، امروز نورافکن ناشی از توجه افکار عمومی کارگران را در پافشاری بر مطالبات خویش جری تر خواهد نمود. تبدیل اشغال نظامی شوش و هفت تپه به سکوی پرش اعتراضات کارگری و بهم بافتن پیوندهای تازه و قوی تر در گرو اشتها و برنامه ریزی فعالین عملی در محل است. در این مورد مشخصا سه عرصه قابل توجه است:

اول: توجیه اخلاقی - سیاسی حمله

امروز هر کودک ده ساله از شهر شوش میپرسد این لشکر کشتی بر علیه چه کسی و چرا؟ تا بحال کجا بودید؟ مگر نه اینستکه یک سال است کارگران در انتظار، و به معنای واقعی در انتظار پاسخ درست و حسابی، نه در خندق و سنگر، بلکه در محوطه کارخانه زمین و زمان را بهم بافته اند؟ همین کودک در محاسبه سرانگشتی هاج و واج میماند مگر نه اینستکه مخارج اعزام و نگهداری واحد سرکوب به چندین برابر طلبکاری کارگران در دستمزدهای

معوقه بالغ میگردد؟ حتی برای یک کودک به غایت خنده دار است که به جای نان و دستمزد، گلوله و باطوم برای شکم گرسنه کارگران به تحفه آورده شود!

دوم: نظم، قانون و مالکیت مقدس

در طول چند ساله اخیر اگر سنگی از نیشکر هفت تپه روی سنگ بند است حاصل دخالت و احساس مسئولیت عمیق و داوطلبانه خود کارگران است. تا همین جا ماشینها، زمین، اموال و داراییها، کشتزارهای هفت تپه در همدستی مافیای مخوف دولتی و جملگی با مجوز قانونی در راه منافع فردی مقامات و خویشان آنها به تاراج رفته است. هفت تپه دو بار با خون و عرق کارگران عجین است، یکبار در ساختن آن، و بار دیگر در حفظ آن از چنگ دزدان رسمی.

دولت مرکزی اعزام نیروی نظامی را با اعاده نظم توجیه میکند که یک سر سوز حقانیت در آن یافت نمیشود. شهر شوش با میزبانی دهها اعتراض و راه پیمایی کارگران در امنیت و آرامش بی سابقه غرق بوده است. حضور دائمی فضای اعتراضات جو کارگری، متحدانه و فارغ از تعلقات ملی و یا تفرقه استخدامی - فصلی از تجربیات پرارزش معاصر طبقه کارگر به حساب میاید.

سوم: اشتغال و دستمزدها

جمهوری اسلامی هر تصویری از یک دستگاه مستقیما قره نوکر و باجگیر سرمایه را برای خود قایل باشد، بی جا میکند از صغیر و کبیر خانواده های کارگری بخواهد در انتظار رونق اقتصادی و رشد مطلوب سود مراکز تولیدی از گرسنگی تلف شوند؛ کار نخواهند، دستمزد نخواهند و دم بر نیاورند. تا امروز این کارگران بوده اند که علاوه بر یاره گویی و وعده های هذیان آلود دستمزدهای عقب افتاده تن به جهنم بردگی مزدی در ایران داده اند. دیگر بس است.

شوش و هفت تپه در اعتصاب و تظاهرات شهری بارقه و آمادگی تکرار کمون پاریس در دنیای معاصر را به نمایش گذاشته اند. در تشابه با پاریس شهر شوش توسط نیروی بمراتب برتر اشغال شده است، اما کارگران تسلیم نشده اند. درست در تشابه با کمون پاریس، قدرت واقعی کارگران در جبن دشمن هویدا است. مرز پیروزی کمونارهای هفت تپه ای را اما نقشه دقیق برای یک نبرد متنوع و توأم با عقب نشینی و پیشروی رقم میزند.

پایان اشغال نظامی و تضمین سلامتی و آزادی کارگران زندانی یک قدم در موازات سایر اقدامات در سطح سراسری است. بعد از آن چی؟ این سوالی است که روی میز کارگران شوش و هفت تپه قرار دارد.

قلب ما با قلب هفت تپه ای ها می‌تپد

امروز یکشنبه ۲۷ آبان، در چهاردهمین روز اعتصاب و ششمین روز تجمع کارگران هفت تپه در مقابل فرمانداری شوش، یگانهای ویژه ضد شورش که از دیروز برای سرکوب اعتراض کارگران وارد شوش شده بودند، محوطه هفت تپه را محاصره و مانع خروج کارگران و پیوستن آنها به رفقا و خانواده هایشان و مردم حامی آنها در جلو فرمانداری شدند و دو نفر از نمایندگان کارگران هفت تپه، اسماعیل بخشی و مسلم آرمند و یک خبرنگار را دستگیر کردند.

چهارده روز گذشته طبقه کارگر ایران و محرومان جامعه، هفت تپه و مبارزه و تلاش آنها را تعقیب کردند و موفقیت خود را در پیروزی آنها به تصویر کشیدند. در این مدت با همه سد سانسور رسانه های جمهوری اسلامی و رسانه های رسمی جهان، صدای حق طلبی کارگران هفت تپه و خانواده هایشان، به گوش دهها میلیون نفر از هم طبقه ای های آنها و صف وسیعی از مردم آزادیخواه ایران رسید. میلیونها کارگر و انسان عدالتخواه در جامعه ایران هر لحظه و هر ساعت اعتراض و تجمعات و سخنرانی نمایندگان کارگران هفت تپه را تعقیب کرده و برای پیروزی کارگران هفت تپه لحظه شماری کردند.

اما امروز با تعرض گارد ضد شورش به کارگران و دستگیری دو تن از نمایندگان کارگران هفت تپه، اسماعیل بخشی و محسن آرمند، جدال کارگران هفت تپه وارد فاز دیگری شده است. این تلاشی برای فلج کردن، ترساندن و به شکست کشاندن کارگران هفت تپه است.

بدون تردید این تعرض مورد نفرت طبقه کارگر و مردم آزادیخواه نه تنها در هفت تپه و شوش بلکه و بعلاوه در سراسر ایران است. اما این نفرت از حاکمان و این سمپاتی وسیع به کارگران هفت تپه، علیرغم اهمیت والای آن، تا زمانی که در عمل به حمایت و تقویت صف کارگران و خانواده هایشان تبدیل نشود، هنوز هفت تپه ای ها را تنها میگذارد.

امروز نه تنها تلاش برای موفقیت کارگران و تامین مطالبات آنها، بلکه و بعلاوه تلاش برای آزادی فوری و بی قید و شرط دستگیر شدگان، بر دوش کارگران سایر مراکز صنعتی است. باید کارگران هفت تپه را مورد حمایت قرار داد و صدای اعتراض خود را در کنار هفت تپه ای ها و برای تقویت آنها قرار داد. باید بطور عملی در هر مرکز کارگری، در مدارس و محلات دست به اقدامی عملی و حمایتی از کارگران هفت تپه و برای آزادی نمایندگان آنها زد. امروز کارگران هفت تپه باید ببینند که صف وسیعی از هم طبقه ای های خود و مردم آزادیخواه در کنار

آن آنها هستند. باید آنها را به اشکال مختلف از اعلام حمایت علنی، از تجمعات حمایتی، اعتصاب و...، تا سازماندادن صندوقهای مالی برای تامین زندگی کارگران اعتصابی و خانواده های آنها و را سازمان داد.

تا کنون مردم شرافتمند شوش و جمعهایی از کارگران و اقشار مختلف مردم در این منطقه، همراه با کارگران فولاد اهواز، صمیمانه از کارگران اعتصابی حمایت کرده اند. اما امروز و با تعرض نیروهای ضد شورش به کارگران و دستگیری نمایندگان آنها، باید دامنه حمایت از کارگران و خانواده های آنها را به شهرها و مناطق دیگر کشاند.

حاکمیت باید بداند که هر نوع دست درازی به کارگران، نمایندگان و خانواده های آنها در هفت تپه، با اعتراض صف وسیع و همبسته طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در سراسر ایران جواب میگیرد. خواست آزادی دستگیر شدگان نه تنها در هفت تپه و شوش بلکه و بعلاوه باید در همه جا در راس مطالبات کارگران و مردم آزادیخواه قرار بگیرد. کارگران هفت تپه تا کنون هر چه از توانشان بر آمده است، برای احقاق حقوق خود انجام داده اند و امروز به حمایت عملی و سازمانیافته هم طبقه ای های خود و مردم آزادیخواه در سراسر ایران نیاز دارند. کارگران هفت تپه و خانواده های آنها لایق وسیعترین حمایتها هستند.

حزب کمونیست کارگری_ حکمتیست(خط رسمی)

۲۷ آبان ۱۳۹۷- ۱۸ نوامبر ۲۰۱۸

نیشکری ها، کارناوال با شکوه و چوبدستی های آن

مصطفی اسد پور

"عزا، عزا است امروز، روز عزا است امروز، کارگر هفت تپه صاحب عزا است امروز!" آیا کسی میداند از کجا و چگونه این شعار به اکسیونهای کارگری وصله شد؟ مظلومیت بد قواره و منحوس این شعار و در همراهی با پلاکارد "ما گرسنه ایم" تیری است که یک اکسیون کارگری مستقیماً به پای خود شلیک میکند. این ظلم نابجایی است که یک اعتصاب علیه فلسفه وجودی خود، علیه اهداف اعتراض، و در عین حال علیه فضای سیاسی جامعه روا میدارد. تازه ترین مورد، راه پیمایی ۲۵ آبان شهر شوش با شرکت خانواده نیشکری ها گواه این واقعیت است.

این روز عزا نبود، بر عکس، یک روز نمایش قدرت، روز پیوستن زنان خانواد های کارگری به خطوط اول جبهه های مصاف بر سر دستمزد، و به این اعتبار میبایست یک روز جشن به حساب آید. رژه آبان شهر شوش، قبل از آنکه رژه زحمتکشانی به تنگ آمده از گرسنگی باشد، عرض اندام نیروی طبقه کارگر بر علیه فقر و بیحقوقی، بر علیه نظم مبتنی بر سود، نمایش خیابانی نیرو آلترناتیوی برای ریشه کن کردن گرسنگی بود.

اگر قرار باشد لحظه ها، و تک رویدادها شاخص و بیانگر روندها و تحولات مهم در دل یک جامعه قرار بگیرند، راه پیمایی نیشکری ها آینه تمام قد تحولات طبقاتی جامعه ایران، و گواه تلاش طبقه کارگر برای اشغال صندلی شایسته در ردیف اول نیروهایی است که میخواهند و میتوانند سرنوشت جامعه را به نفع خود، به نفع آفرینندگان نعمت و ثروت رقم بزنند. در متن این تحول جامعه ایران یکبار برای همیشه باید در ادبیات سیاسی خود درمواجه با اعتصابات کارگری تجدید نظر کند. دوران قریب یک قرن قدر قدرتی سرمایه متکی بر کارگر ارزان و خاموش، دوران آروغهای باسنهای فربه، دوران بوزینه های نظم به پایان رسیده است. این جامعه باید روایت شلوغکاران از کارگران اعتصابی و "آرام کردن عصیان با ترساندن و گول زدن" حاصل دخالت سرهنگها و چرب زبانان به انداره کافی خبره را فراموش کند. فرهنگ غالب باید به نفع احترام به اعتصاب کارگری خانه تکانی شود.

در دل یک دنیا و منطقه پرتحول، در دل نارضایتی عمومی و عمیق علیه جمهوری اسلامی تماشایی است که کدام طیف بزرگی از بخشهای بورژوازی برای سهم هر چه بیشتر از بهره کشی همچنان پر سود از طبقه کارگر در مسابقه مسخره و مضحکی از الاکلنگ سیاسی هر روز بنوعی ملی، ناسیونالیست، شووینیست، دمکرات، مونارکیست، لیبرال، جمهوریخواه از آب درمیآیند؛ چگونه در مسابقه فضیلت و کاردانی در براه اندازی تولید سبقت میگیرند؛ در مقابل در قطب امید و رفاه در ایران این اعتصابات کارگری است که در حال رشد است. اعتصاب پس از اعتصاب، بخش های جدیدی از طبقه کارگر در ایران پایان توهم و تفرقه را میان صفوف خود اعلام میدارند.

اعتصاب پیام آور سازمان، نقشه، رهبری در صفوف کارگران؛ مستلزم همفکری و چاره جویی؛ مستلزم ورق زدن تجربیات گذشته است. اعتصاب، بر عکس تصویر دشمنانه بورژوازی، آخرین آلترناتیو "خیل کارگران گرسنه" زمانی که به "سیم آخر" میزنند، نیست. اعتصاب نقطه اوج خوش بینی کارگران در حصول بیشترین وحدت، اعتماد به سایر همزمان، و اطمینان به پیروزی است، یک پیروزی که در هر گام خود و از همین امروز بر نفی بهره کشی و استثمار و همه چرک و کثافت توجیه گر آن استوار است.

طبقه کارگر در ایران خود را برای بزرگترین تحول فکری و سیاسی در آن جامعه آماده میکند، صفوف خود را صیقل میدهد و ره به جلو میگذارد. در این مسیر اعتصابات هر چه بیشتری باید پیروز شود، و برای کسب پیروزی اعتصابات کارگری چاره ای ندارند بجز اینکه با همه قامت و با همه ادعای خود ظاهر شوند، چوبدستی ها را کنار بگذارند و آنچه میخواهند را با صدای رسا اعلام بدارند.

اجازه دهید خبر را یکبار دیگر و از منظر متفاوت باز خوانی کنیم: روز جمعه، شهر شوش در قرق کارناوال عظیم و با شکوه، صدها نیشکری گوشها و چشمها و توجه این شهر و عالم و آدم را به آلترناتیو خود برای آینده کارخانه، مقاصد خود برای زندگی بیکاران احتمالی، و تعیین تکلیف با دستمزد شاغلین جلب نمودند. صف کارگران درر حلقه تنگاتنگ دوستداران و فعالینی بود که با اعلامیه ها، دامن زدن به بحث، قرار و مدارها، صندوقهای کمک مالی ملزومات پیروزی مشترک برای کل شهر را تدارک میدیدند...

۲۸ آبان ۱۳۹۷

به نقل از علیه بیکاری

هفت تپه و فولاد

در کنار هم تا آزادی همه

تا کنون تعدادی از کارگران هفت تپه و نمایندگانشان با تلاش مشترک کارگران هفت تپه و فولاد و حمایت بی دریغ مردم آزادیخواه شوش و بخشهایی از طبقه کارگر و مردم آزادیخواه آزاد شده اند. طبق آخرین اخبار منتشر از جانب سندیکای نیشکر هفت تپه، امروز سه نفر از دیگر نمایندگان آنها، محمد خنیفر، مسلم آرمند و سید فاضل خنیفر آزاد شده اند و اما هنوز اسماعیل بخشی نماینده کارگران و سپیده قلیان فعال مدنی و از مدافعان کارگران هفت تپه در زندانند.

کارگران هفت تپه امروز اعلام کرده اند که تا آزادی اسماعیل بخشی و سپیده قلیان هیچ مذاکره ای در کار نیست و به اعتراض و اعتصاب خود ادامه میدهند.

همزمان با اعتراضات هفت تپه کارگران فولاد نیز در کل این مدت ضمن ادامه اعتراضات خود از هفت تپه ای ها به گرمی حمایت و خواهان آزادی همه دستگیر شده گان شده اند.

بی تردید آزادی کارگران هفت تپه و از جمله سه نفر اخیر، عقب نشینی حاکمیت و همه ارگانهای سرکوبگر آنها و یک موفقیت کارگران هفت تپه، فولاد و همه حامیان آنها است. اما این تنها یک قدم است که به همت تلاش و هوشیاری کارگران هفت تپه و حمایتی تا کنونی و از جمله تلاش صمیمانه کارگران فولاد و مردم شوش ممکن شده است. این تلاش مشترک و حمایتی همه جانبه تا کنونی هیجان انگیز است. اما و همچنانکه خود کارگران هفت تپه بیان کرده اند، هیچ مذاکره ای با روسای دولت و نمایندگانشان تا آزادی اسماعیل بخشی و سپیده قلیان نباید صورت بگیرد. این اولین شرط هر نوع مذاکره و نشست با مقامات دولتی است. اما و علاوه بر این همه پرونده های تا کنونی و ادعاهای پوچ حاکمیت علیه نمایندگان هفت تپه و حامیان آنها باید باطل شود. دولت و نمایندگان و از جمله دادگاههای آنها باید رسماً حکم براءت همه هفت تپه ای ها و حامیان آنها را اعلام کنند. هیچ ارگان و دستگاهی حق ندارد با اتکا به ادعاهای خود ساخته امروز و پرونده های سرهم بندی شده مراکز پلیسی و اطلاعاتی، در آینده هم به نمایندگان و سخنگویان هفت تپه و حامیان آنها از فولاد تا هر جای دیگر دست درازی کنند. آزادی دستگیر شدگان تنها قدم اول است و هنوز همه مطالبات کارگران هفت تپه جای خود مانده است.

این روزها و در دو سه هفته گذشته شاهد انواع توطئه و پاپوشدوژی علیه کارگران هفت تپه و فولاد و خصوصاً نمایندگان آنها بودیم. از تلاش برای پرونده سازی امنیتی تا تلاش برای تبدیل اعتراض کارگران این مراکز به

دستمایه دعوای درونی جناحهای جمهوری اسلامی، همه و همه با آگاهی بالای کارگران هفت تپه یک به یک نقش بر آب شد. دستگاه سرکوب در مقابل صف متحد کارگران هفت تپه و فولاد و حمایت وسیع کارگران، معلمان و مردم آزادیخواه، ناتوان مانده است.

جمهوری اسلامی مسئول فقر و محرومیتی است که به کارگران هفت تپه، فولاد، هپکو و... تحمیل شده است. اینکه این مراکز امروز سودبالایی میدهند یا نه، در مالکیت خصوصی اند یا دولتی، مشکل معیشت کارگران را حل نمیکند. طبقه کارگر ایران با شاغل و بیکار آن حق دارد و باید زندگی مرفه و انسانی داشته باشد و این ممکن است. پرداخت بیمه بیکاری مکفی و تامین زندگی شرافتمندانه برای همه وظیفه دولت و حاکمیت است.

حمایتهای تا کنونی از هفت تپه و فولاد ارزشمند است و باید قدر آن را دانست. اما تلاش برای تامین یک زندگی در شان انسان برای طبقه کارگر و اکثریت بزرگی از مردم ایران، احتیاج به یک صف متحد و همبسته و سازمانیافته دارد. این همبستگی و قدرت متحد امروز خود را باید تقویت کرد. اتحاد طبقه کارگر در دل این اعتراضات و خودآگاهی صفوف ما به عنوان یک طبقه واحد در مقابل حاکمین و سرمایه داران، باید سازمان پیدا کند و گسترده تر شود. همبستگی و اتحاد تا کنونی تنها گوشه ای از قدرت عظیم طبقه کارگر ایران است. این غول عظیم امروز قد علم کرده است. اتحاد ارزشمند و شرف انگیز این دوره باید به کل طبقه ما با شاغل و بیکار آن، با خانواده کارگری و فرزندان آنها و با اقشار محروم جامعه در همه مراکز کار و زندگی سرایت کند. این وظیفه بزرگ بر دوش فعالین و رهبران هوشیار طبقه کارگر است. نقش این رفقا در مسیری که داریم حیاتی است.

زنده باد همبستگی و اتحاد همه جانبه طبقه کارگر

حزب کمونیست کارگری_ حکمتیست (خط رسمی)

اول آذر ۱۳۹۷ - ۲۲ نوامبر ۲۰۱۸

کارخانه نیشکر: هفت تپه با یا بدون آن؟

زنده باد بیمه بیکاری!

مصطفی اسد پور

کارخانه نیشکر هفت تپه جنازه ای است که از شوش تا تهران بر دوش چرخانده میشود. بنا به منطق تکنیک و بازار، در تشابه با بسیاری کارخانه های دیگر، عمر نیشکر هفت تپه سالهاست به پایان رسیده است. نیشکر هفت تپه حتی در دوره طلایی خود از زاویه رفاهیات و دستمزد برای کارگران آن آش دهان سوزی نشد. رونق این کارخانه در استثمار وحشیانه کارگران فصلی و شهر فقیرانه کارگری شوش خلاصه میشود، اما امروز، در تابوت بحران و سقوط هم براحتی دست از سر طبقه کارگر برنمیدارد. هفت تپه یک لاشه یک گاو نر است که به امید دوشیدن شیر از آن با بهره گیری از شرایط جهانی کار در ایران هنوز در دفتر و دستک مخوف کارآفرینی جمهوری اسلامی، در انتظار هر الدنگ سوداگر اهل بیزینس به گورش نمیسپارند. طنز تلخ ماجرا و هنر بورژوازی در اینستکه تابوت بر دوش خود کارگران در گردش است. هفت تپه، با ارتزاق از کار و خون کارگران به هیولایی تبدیل شده است که به نوبه خود اکنون نه فقط بر زندگی روزمره و معاش، بلکه بر ترسیم افق و انتظارات حتی در دل بزرگترین نمایش مبارزاتی کارگران سنگینی میکند.

خصوصی یا دولتی: معجزه فریب بورژوایی در ایران!

هر کارگری، تا چه برسد به کارگر هفت تپه ای با آن سوابق مبارزاتی و اتحادیه قدرتمند خود، بنا به تجربه مستقیم خود میداند که سگ زرد برادر شغال است؛ میداند که این یک سوال و یک انتخاب در مقابل کارگران نیست، بلکه بالایی ها دارند برای از سر گذراندن بحران و برای سرشکن کردن این بحران بر سر کارگران وقت میخرند؛ میداند که هر قدم از موفقیت کارفرما جز با استثمار شدیدتر کارگران ممکن نیست؛ میداند که کارفرماها و دولت منافع خود را خوب تشخیص میدهند؛ میداند بهترین کارفرما، کلاه گذارترین، دزدترین و فاسدترین این قبیله است چرا که قبل از هر چیز رابطه کارمزدی مبتنی بر رذیلانه ترین شکل رابطه انسانی استوار است. میداند شرافت و حقیقت، میداند مقدسات و پروردگار، میداند علم و آمار و آمال، همه چیز طبقاتی و آن نیز بر تحمیل آن به کارگر جامعه است. تنها انتخاب کارگر در اینست که این واقعیت را با زبان خوش و یا با زور گردن بگذارد. اینجاستکه هیولای هفت تپه خود را علیه تمام طبقه کارگر در ایران عیان میسازد.

مگر در دل مبارزه طبقتی کم کارخانه تعطیل شده است، آیا مگر نه اینستکه جایی که اتحادیه ها پرزورتر هستند، زندگی کارگران با دریافت بیمه بیکاری بیشتر و طولانی تر از قمار صاحبان سرمایه مصون میماند؟ بحث بر سر فریب رهبران کارگری و یا فرمول معجزه آسا آنهم نزد دولت و کارفرماهای امتحان پس داده جمهوری اسلامی محلی از اعراب ندارد. نسل حاضر از رهبران کارگری در ترکیب درخشانی از هوشیاری و کاردانی معنای نوینی به آژیتاتور و آژیتاسیون کارگری بخشیدند، تحت هدایت آنها هزاران اعتصاب کارگری از توطئه بزرگترین شبکه ضد کارگری دنیای معاصر، متشکل از ترکیب خانه کارگر و سرکوب مسلح ارگانهای امنیتی جان سالم بدر برده اند، به یمن فعالیت چند بعدی و حرفه ای این رهبران، مسایل کارگری از گوشه زندانها و از ستون نشریات الیت سیاسی به کوچه و بازار راه پیدا کرد و برای نخستین بار در تاریخ ایران و بیشتر از هر کشور دیگر مسایل مربوط به طبقه کارگر و مسایل دنیا و مافیا از زاویه طبقه کارگر از زبان چهره های شناخته شده به مشغله عام و خاص تبدیل شده است. فقط بعنوان نمونه شاهرخ زمانی، اسانلو، جراحی، صالحی، شهابی، ثقفی، عظیم زاده، پروین محمدی و در نمونه آخر اسماعیل بخشی با همه وجهه شخصی خود دستمایه عزت و احترام برای دنیای بهتر کارگری در دل یکی از سیاه ترین دوره های تاریخ جهانی بوده اند.

بحث بر سر اینستکه هر اعتراض کارگری باید با دینامیسم خود، نیرو و توازن قوای موجود به پیروزی معینی دست یابد. توان ضعیف اقتصادی کارگران بخصوص در زمان اعتصاب، بلبشوی مطلق در مالکیت کارخانه و طویله تشخیص مسئولین در مقابل حقوق کارگران، ترفند پرداخت نوبتی و کشدار دستمزدهای عقب افتاده، دستگیری و پیروسه پرمرات آزادی زندانیان هر یک به نوبه خود تشخیص دستاوردهای اعتصاب و تصمیم به نشانه گیری به سوی مطالبات سراسری، هر چقدر هم مانند خواست بیمه بیکاری بدیهی بنظر برسند، را دشوار میسازد.

در بازگشت به اعتصاب جاری هفت تپه باید هنوز منتظر پیروزیهای بزرگی بود، به خاطر داشت که در همراهی با فولاد اهواز و هپکو چه نمایش بزرگ قدرت کارگری را تجربه کردیم و چشم به قله های بلند دستاوردهای آتی بدوزیم. در آبان سال ۱۳۷۹ به اندازه دو سال جوانتر شدیم...

زنده باد اتحاد کارگری!

۴ آذر ۱۳۹۷ - ۲۵ نوامبر

یاغیان نیشکر و فولاد

مصطفی اسد پور

بسیار طبیعی است و بسیار بجاست که خشم فروخورده کارگر و مردم زحمتکش در خیابانها، بانیا این جهنم را هدف قرار دهد. این شور و یاغیگری باید در عین حال در هیئت یک جنبش توده ای و سازمان یافته، پیروزی را برای خود و جامعه، معین و تضمین نماید.

جامعه ما در تب نارضایتی گسترده میسوزد. دوست و دشمن، از دور و نزدیک وقوع شورش و طغیانهای خیابانی را انتظار میکشند. فقر و فاقه عمومی جاری که بر بستر بیکاری گسترده استوار است باید زمانی منفجر شود. مقامات و مراجع گوناگون علنا هشدار میدهند و تدارک و آمادگی دولت برای مقابله با شورش و ناآرامی ها با حدت ادامه دارد. چاپ گزارشات مصور و مبسوط از مانور گردانهای رنگارنگ نقشی بجز یک زنگ خطر را ایفا نمیکند. واحدهای ضد شورش مسلح میشوند، محاصره و کتک و شکنجه علیه معترضین شرکت کننده در اجتماعات را شب و روز تمرین میکنند، زندانها و سلولهای بازجویی رفت و روب میشود. اما مهمتر اینکه فضای فکری از پیش برای مشروعیت سرکوب دولتی ساخته و پرداخته میشود. بر متن اقدامات قبلی، در روز موعود، کارگران بیکار به شورشیان، به گرسنگان و بینوایان حاشیه جامعه، سرخوردگان، دشمنان نظم و قانون تبدیل میشوند تا با نام نظم بتوان سرکوب و توحش برنامه ریزی شده علیه مردم زحمتکش را توجیه کرد.

سناریوی طبقه حاکم برای کارگران ساده و سر راست است. فقر و بی پناهی کارگران شاغل را به محافظه کاری در میغلطاند و برای کارگران بیکار ماشین مرگ آوری خواهد شد که آنها را در لابلای چرخ دنده های نداری و استیصال له کند. هیچ کس به اندازه بورژوازی واقف نیست که همواره بخشی از مردم زحمتکش در مقابل مرگ تدریجی برنامه ریزی شده توام با تحقیر، به مقابله برخوانند خاست. فریب و کلاشی یک مشت سودجو و خونخوار را کنار خواهند زد. خونشان به جوش خواهد آمد و خود به فکر چاره ای برای گرسنگی فرزندانیشان میافتند. طغیانهای اجتماعی همانقدر که طبیعی بحساب میآیند به همان اندازه غیر قابل پیش بینی و خودجوش هستند. هنر بزرگ بورژوازی پس زدن این طغیانها با بیرحمی تمام است. یاغیان برای دولت سرمایه داران یک "نعمت" است که با نمایش قدرت مابقی مردم را مرعوب کند. صد البته معماران فقر و فاقه عمومی جامعه برای فرصتی که ژنرالهایشان را به خیابانها گسیل بدارند، و مقاومت را بیهوده اعلام بدارند، لحظه ای تردید نخواهند کرد. عملیات

"ضد شورش" آنها بر تحریک هر چه بیشتر جمعیت خشمگین و دامن زدن به عصیان هر چه بیشتر است. آنها دنبال "طعمه" میگردند.

برای طبقه کارگر یاغیان این صف یک بخش مهم مبارزه بحساب می‌آیند. کسانی که پرچم چاره جویی را در دست دارند، بردباری بیشتر به کتشان نمی‌رود، خواهان بدست گرفتن سرنوشت خود هستند، به نیروی خود باور دارند، بذر اعتماد می‌باشند، از صدقه و تحقیر بیزارند. اما طبقه کارگر شجاعترین عناصر خود را در سازمان قوی و توده ای خود ادغام میکند. از آنها موتور محرکه ای برای بسیج هر چه بیشتر مردم زحمتکش می‌سازد. در مبارزه طبقه کارگر نمایشات خیابانی مطلوبیت خواهد داشت مشروط به اینکه کنترل زمان و مکان و چگونگی آن را در دست داشته باشد. در مبارزه طبقه کارگر دستگیری هر نفر باید موج تازه ای از اعتراض را برای آزادی او بدنبال بیاورد. طبقه کارگر در مصادره انبارهای مواد غذایی تردیدی بخرج نخواهد داد به این شرط که تعداد هر چه بیشتری از مردم زحمتکش از آن بهره ببرند و هر مورد از اقدامات عملی مستقیماً به تحکیم اتحاد در صفوف کارگران منجر گردد. آبان ماه نوبت خودنمایی یاغیان طبقه کارگر در اهواز و در اعتراضات مشترک فولاد و نیشکر بود. این اعتراضات، بجای طعمه، استخوان گلوی کل دستگاه حکومتی در ایران گشتند. نیشکری ها بر متن نارضایتی بسیار "معمول" در جامعه کارگری ایران - دستمزدهای معوقه - وارد میدان شده و بعد از دو هفته نور چشم اعتراض کارگر و زحمتکش کل آن جامعه، کیفرخواست بلند بالایی را به گردن دولت، وزارت کار، خصوصی سازیها، رسانه ها و سیستم قضایی سراسر جانبدار بورژوازی بجا میگذارند. نیشکری و فولاد کک به تنبان اپوزسیون ترامپی "تظاهرات، تظاهرات تا پیروزی!!! " انداختند، اما راه طبقاتی خود را رفتند...

یاغیگری تا آزادی تمام زندانیان، تا وصول تمام دستمزدها، تا خروج گارد ضد شورش هنوز میدان مانور خواهد داشت، اما شور واقعی و حاصل آنرا در انواع شکل اتحاد و سازمان یابی شاغل و بیکار، در محلات و مراکز تولیدی، از شوش تا اهواز باید درو کرد. تجربه نیشکر و فولاد تازه فصل اول خود را به سرانجام رسانده است.

تقویم تاریخ با ساعت هفت تپه

ثر یا شهابی

قریب یک ماه است سراسر ایران به نحو برق آسایی، با پیشتازی اعتصاب و اعتراضات کارگران "نیشکرهفت تپه" و بدنبال آن کارگران "مجتمع فولاد اهواز"، در اشغال طبقه کارگر معترض، آگاه و متحدی در آمده است که حاضر و قادر به عقب نشینی از ابتدایی ترین خواست هایش، در مقابل مشتی انگل مفت خور و سودجو و نمایندگان شان در حکومت نیست، و هرروز دامنه مقاومت اش گسترده و گسترده تر میشود.

در ایران، این روزها عقربه تقویم تاریخ با ثانیه شمار هفت تپه، ساعت شمار فولاد اهواز، روز شمار و گاه شمارهای هپکو و عسلویه و معلمان، دانشجویان، کشاورزان و دهها انجمن صنفی کارگران ساختمانی و ... می چرخد. تاریخی که نوید بهار و فصول بی نظیری در تاریخ معاصر ایران و جهانی را میدهد. رسانه های قدرت های جهانی، دولت های اروپایی، پرواصلاحاتی های طرفدار جمهوری اسلامی و آمریکا و اسرائیل متخاصم با جمهوری اسلامی همه، ساعت هایشان را با این زمان شمار کوک میکنند.

از بیت امام، تا دفتر پرزیدنت "امید و اعتدال"، از کاخ سفید و دفتر ترامپ تا شیخ پشم الدین های نشسته بر چاه های نفت در امارات و عربستان و اردوغان ها و .. تا اسرائیل و دفتر آقای پهلوی، که همین چند هفته پیش همراه نخبگان "فرشگرد"ی به کمک بخشی از سپاه و بسیج و به امید مچ پیچاندن های بیشتر آقای ترامپ، قصد "یک سره" کردن حکومت در تهران را داشتند، منتظراند ببینند که هفت تپه ایران را به کجا می برد! طبقه کارگر ایران را به کجا میبرد!

ایران، این روزها در اشغال طبقه کارگر معترض، مصمم، همبسته و آگاه است. طبقه ای که تنها چند خواست حداقلی اش، که عبارت است از معیشت (حقوق های معوقه (و مسئولیت پذیری مستقیم دولت) در شکل خواست مالکیت دولتی (، و اعلام اتکا و اعتماد به نیروی متشکل خود) تلاش برای ایجاد شوراهای کارگری و مردمی (برای حسابرسی و اداره تولید و برای اداره مناطقی که مردم و طبیعت اش تماما" بی صاحب"رها شده است، تمام ایران را به تحرک درآورده است.

این یک جنبش مقاومت و سراسری طبقه کارگر است. تحرک بخشی از طبقه کارگر است که حمایت بخش های دیگر طبقه و محرومین را، چون معلمان و دانشجویان و بازنشستگان و کشاورزان و رانندگان کامیون همه شهروندانی را که دست شان در دست مافیای قدرت و ثروت نیست، با خود دارد.

طبقه ای به میدان آمده است که در مقابل تعرض افسار گسیخته به هستی، زندگی، کار، معیشت، حرمت و

کرامت انسانی خودش و همه اعضا خانواده اش، سرسختانه مقاومت میکند. بخش های مختلف مردم از سراسر ایران، در حمایت از مقاومت فرزندان طبقه مولد اش، به این صف می پیوندند! خانواده ها، همسایه ها، همشهری ها، همکاران و همدردان، قدم به قدم اعلام همبستگی ملی میکنند. جامعه بدور گردان جنگجویان این مقاومت، و در راس آن گرد رهبران زندانی خود، امثال اسماعیل بخشی ها، حلقه زده است. هر کس به نوعی، کمک رسانی و خبر رسانی میکند. کارگران با پیشینه افغانی ساکن ایران، حمایت کرده اند! هنرمندان جوان برایشان سرود ساخته اند! جامعه آنها را بعنوان سمبل اعتراض به فقر، سمبل مقاومت طبقه کارگر، سمبل ضدیت با استثمار، ستایش میکنند. جامعه محروم و قهرمانان خود را می ستایند.

مردم ایران، حول یکی از پرجمعیت ترین، مولد ترین و در عین حال بی حقوق ترین و عدالتخواه ترین فرزندان و شهروندانش، طبقه کارگر، متحد و متشکل میشود. در خارج از کشور حمایت اتحادیه معلمان گروه های سیاسی و اتحادیه های کارگری و .. جلب شده و حمایت سایر بخش ها در راه است.

مقاومت ادامه دارد! اعتصاب و تظاهرات و برپایی جلسات با سخنرانی های کوتاه آژیتاتورهای مردمی و کارگری، زنان و مردان، جریان دارد. جای رهبر و کارگران دستگیر شده را دهها و دهها نفر جدید پر میکنند. دولت و کارفرمای مفت خور، سر کیسه را شل می کنند و حقوق پرداخت نشده و بدهی یک ماه کارگران را میپردازند، اما موج عقب نمی نشیند. میگویند تا آزادی رهبران و دستگیر شدگان، مذاکره ای در کار نخواهد بود. کارگران پشت رهبران اش را خالی نمی کنند!

در اهواز کارگر، جامعه را خطاب قرار میدهد تا تبلیغات عفونت بار دستگاههای حاکم را خنثی کند و میگوید "همشهری به هوش باش؛ ما کارگریم نه اوباش" اهواز و شوش زیر پای کارگران فولاد و هفت تپه می لرزد! "کارگران بیدارند از استثمار بیزارند" در فضا موج میزند. رسانه های جهانی، "انعکاس" یا "سانسور" رویدادهای کارگری ایران را در ادامه و متناسب با سیاست های خارجی "دوستانه" یا "دشمنانه" شان با حکومت ایران، منعکس میکند. یکی چون "بی بی سی" خفقان میگیرد و دروغ تولید میکند و دیگری چون "صدای آمریکا" آن را منعکس میکند. این رویداد و حاکم شدن این کاراکتر به فضای سراپا به منجلا ب کشیده شده سیاسی در صحنه جهانی، باشکوه و امید بخش است.

در ایران، این روزها، نه ملیت و قومیت و مذهب و "داخلی" و "خارجی" بودن، منشا حرکت و تقابل با حاکمیت، که دردمشترک و فریاد مشترک ای است که از هفت تپه برخاسته و در فضای سراسر ایران پخش میشود. همه همدردان مشترک، با هر زبان و مذهب و پیشینه ملی و قومی و مذهبی، آن را متعلق به خود میدانند و در آن نفس تازه میکنند. این درد مشترک که از گلوی کارگر هفت تپه و فولاد اهواز شنیده میشود، با فریاد های "ما همه هفت تپه ای هستیم" و "اسماعیل را گرفتند ما همه بخشی هستیم"، توسط مردم، معلمان، رانندگان کامیون، کشاورزان، شرکت واحد، دانشگاه و هر آزادیخواه و انسان شریفی، مورد حمایت قرار میگیرد. مقاومت جریان دارد و در حال گسترش و سراسری شدن است.

صاحب شرکت هفت تپه گفته میشود فراری شده، یا غیب شده، یا پنهان یا .. نامعلوم است! با این وجود

دولت تماما در خدمت طبقه اش است. دستگیری رهبر کارگری و تعداد دیگری از کارگران زندانی و حتی خبرنگاری که تنها برای خبرنگاری در محل بوده است، ضرب و شتم کارگران توسط گردان ویژه در جریان است! کاری نتوانسته اند، پیش ببرند جز شعله ور تر کردن آتش خشم برحق شهروندان در سراسر ایران.

مقاومت طبقه کارگر در مقابل فقر و بیکاری و تباهی و فساد و گندیدگی نظام و مسئولینی که کمترین بویی از انسانیت نبرده اند، نمی تواند یک روز و یک لحظه در یک نقطه متوقف شود. این جنگ، جز پیشروی در سراسر ایران، پیشروی نقشه مندی که همه مردم را در اشکال و سطوح مختلف متشکل میکند و متحد نگاه میدارد، نقشه ای که فازهای پیشروی را تعریف میکند، طرفندهای دشمن را خنثی میکند، اگر آگاهانه عقب بنشیند اما تسلیم نمی شود، چاره ای ندارد.

این مقاومت که به اعتراف خودشان، برای حاکمیت به یک "فاجعه ملی" تبدیل شده است و می رود که گسترده تر شود، عملا بیرق تعیین سرنوشت مرگ و زندگی نظام تا مغز استخوان گندیده حاکم، را در دست دارد. حکم و بیرق مرگ و زندگی نظام، از پس از آغاز مقاومت انقلابی طبقه کارگر ایران در مقابل فقر و تباهی که بر سرش خراب کرده اند، دیگر نه در دستان ترامپ و عربستان و دستجات حاضر به یراق قومی و ملی و مذهبی برای شرکت در جنگ های نیابتی و کودتاهای جناحی، که در دست بخشی از جامعه است که بیش از همه محق است که خود را نماینده نماد ملی، همبستگی ملی بداند.

طبقه کارگر، می رود که ایران را از آن خود، مطالبات انسانی و رفاهی و آزادیخواهانه و امنیت انقلابی خود کند و همراه خود، همه را آزاد کند.

هم هفت تپه و هم سایر مراکز کارگری بیش از یک دهه است که برای مطالبات شان، حقوق های معوقه و به زیر بار پاسخ گویی و مسیولیت کشاندن دولت، جریان داشته است. تحرک این یک ماه اما، از این و آن کارخانه فراتر، به یک "ماجرای ملی" تبدیل شده است.

از سرمقاله روزنامه رسالت ۲۹ آبان، تحت عنوان "هفت تپه و ۹ نکته" بخوانید که میگوید: "اعتراض کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه شوش حالا وجهه ای نمادین به خود گرفته و هفت تپه به یک ماجرای ملی تبدیل شده است". و تعدادی از نکات اش، جالب توجه است.

"سه. لیدرهای کارگران معتقدند که در روند واگذاری تخلف هایی صورت گرفته است،"

"پنج. در عین حال که معترضین معتقدند اعتراضشان کاملا صنفی و کاری است، ولی به نظر می رسد شباهت های زیادی به جنبش های کارگری کمونیستی و چپ داشته باشند. این ماجرا در شعارها و حتی مدل کمیته های آنها نیز مشهود است. چیزی که شاید دستگاه های امنیتی را نگران کند. با این همه این ماجرا هم چیزی از مشکلاتی که برای مردم به وجود آمده است کم نمی کند."

"شش. بعد از بازداشت چند نفر از لیدرهای تحصن کنندگان ماجرا وارد فازهای جدید خود می شود. با این که دولت قول داده است که بدهی کارخانه را پرداخت خواهد کرد، معلوم نیست ادامه ماجرا به چه شکل خواهد بود."

"نه. ماجرای هفت تپه به زودی تمام خواهد شد. اگر از این اتفاق تجربه نگیریم و رویکردها را اصلاح نکنیم ممکن به مشکلات لاینحلی برای کشور تبدیل شوند".

سرمقاله نویسنده روزنامه رسالت، صادق وفایی، حقایقی را میگوید در چند نکته، و تلاش هایی هم در چند جهت برای دور زدن یا حذف آن حقیقت! حقایقی که به آن اعتراف میکنند این است که:

یک: اعتراض برحق هزاران کارگر هفت تپه، به یک تحرک ملی تبدیل شده است و هرروز بر دامنه اش افزوده میشود.

دو: طبقه کارگر توسط نمایندگان، رهبران و آژیتاتورها و شخصیت های خود، از درون و بامکانیسم های خود، سخن میگوید و رهبری میشود. علیرغم میل شان هنوز نتوانسته اند و نمی توانند از زیر تخت خواب رهبر آن عکس دونالد ترامپ و از جیب خالی اش پول عربستان جاسازی و کشف کنند!

سه: این حرکت کاملاً صنفی است اما از منظر ایشان رنگ چپ، جنبش های کارگری و کمونیستی دارد و به شکل آن متشکل میشود.

اما تلاش هایش:

یک: چرا مقامات امنیتی سریع نمی شتابند و آژیر خطری که روزنامه رسالت به صدا در میآورد از طرف مقامات سرکوب به اندازه کافی پاسخ نمی گیرد! چرا در مقابل این خواست و تحرک صنفی، کل نظام با پرچم "کمونیسم ستیزی" تاریخی بورژوازی ایران، با عمامه و تاج، به جنگ آن نمی رود!

دو: آرزوی این که این ماجرا به زودی تمام میشود، اما چهارچرخ نظام همچنان در باطلاق فساد و گندیدگی و نفرت، در گل نشسته است، راه نجاتی داشته باشد!

جناب آقای وفایی!

آرزوی به زودی تمام شدن "ماجرای ملی" راه ممکن است مسیولان نظام، با دستگیری و زندان و سرکوب و یگان ویژه و... تمرین کنند که در حال تمرین هستند! اما این تنها و تنها فازی از سیل خانمان برانداز بعدی شما و نظام تان خواهد بود. برخی دوستان تان فی الحال تلاش کرده اند که "آینده شان" را به آینده این "ماجرای ملی" گره نزنند و با کیف پول هایشان "وطن" ای که برای خدمت به آن فربه شده بودند، را تماماً، "به امان خدا" رها کردند!

اما جایگاه مارکس و کمونیسم در این "ماجرای ملی"!

سوسیالیسم و کمونیسم، نه گرایشی بیرون طبقه که خود اعتراض طبقه کارگری است که حق اش را می شناسد و در جدال اش با طبقه مفت خور، مرفه، استثمار گر، چیزی برای از دست دادن ندارد جز زنجیر هایش.

این نظام شما است، که پادشاهی باشد یا اسلامی، فقط و فقط بر شانه کارگر ارزان و خاموش دیروز، و

کارگر مفت و پرصدای امروز، پابرجاست. اعتراض کارگر برای دریافت طلب اش، حقوق معوقه اش، برای معیشت اش، برای بیگاری ندادن، برای حرمت و کرامت انسانی اش، با نظام شما ناخوانا است. مارکس و کمونیزم و هفت تپه و اسماعیل بخشی در این میان بی گناه است. مشکل نظام است! اسلامی یا پادشاهی! مشکل نظام ای است که هر نوع عدالتخواهی در آن سوسیالیستی است! لولوی سوسیالیسم و کمونیزم، را سرمایه با متولد کردن گورکن اش، کارگر متولد کرده است. واقعیات امروز ایران، بیش از هر تئوری و فلسفه و تاریخی، حقایق را باز بر فرق پروکاتوره‌های ضد کمونیستی در پوزیسیون و اپوزیسیون می‌کوبد که: سوسیالیسم آرمان طبقه کارگر آگاه است و نمی‌توان آن را کشت! تا نظام شما پابرجاست این عدالتخواهی هم پابرجاست! به این دلیل است که نظام تان ازادی عقیده و بیان را قیچی، حق اعتصاب و تشکل و اجتماعات را ممنوع، احکام اعدام به جرم "امنیت نظام" و توهین به مقدسات و .. را بالای سر، تفرقه و شکاف در صوف مردم به بهانه جنسیتی و مذهب و نژاد و پیشینه ملی و قومی و ... را تعمیق می‌کند؛ تا گورکن اش هرگز طعم آگاهی را نچشد و لولوی خفته را بیدار نکند! ایران روزهای تاریخی و سرنوشت سازی در پیش دارد!

"ایران در آینه زمان"

گفتگو تلویزیون رهایی زن با ثریا شهابی

قسمت سوم و چهارم*

"ایران در آینه زمان"

قسمت سوم

مینو همتی: دیدن حقایق در ایران با آینه ای شفاف و روشن، هدف برنامه های رهایی زن تحت عنوان "ایران در آینه زمان" است.

در این برنامه ها تلاش میکنیم که با کنار زدن گردوغبارها و زنگ زدگی ها و رنگ و لعاب هایی که دشمنان مردم برای پوشاندن حقایق بر روی اینه واقعیات می کشند، تا حقایق را در راستای منافع خودشان بپوشانند، حقایق پشت این آینه ها را در مقابل چشمان شما قرار دهیم .

در برنامه امروز "ایران در آینه زمان"، ثریا شهابی را داریم و به یکی از اصلی ترین رویدادهای تاریخ معاصر جامعه ایران، یعنی هفت تپه، می پردازیم، و آینده ایران را از این دریچه، و حقایق مربوط به آن را با این نگاه، مروری، می کنیم .

ثریا شهابی، نه فقط در ایران که در اروپا و آمریکا و در سراسر جهان، خبرهای هفت تپه و بدنبال آن گروه ملی اهواز، مشتاقانه دنبال میشود! اما چرا هفت تپه بقول خود متفکرین نظام به یک "ماجرای ملی" تبدیل شده است! دورنمای موفقیت این "ماجرای ملی" چیست؟

ثریا شهابی: این "ماجرای ملی" که یک "همبستگی ملی" را هم پشت سر خود دارد، بیش از یک ماه است که نبض اش با نبض "هفت تپه" می زند. این پتکی بر سر دشمنان مردم در ایران و دریچه و دروازه امیدی برای همه ستمدیدگان و محرومان، نه تنها در ایران، که در جهان است .

درست است، بیش از یک ماه است که نبض ایران با "هفت تپه" میطپد. حقیقتی که علیرغم سنت و منش ژورنالیسم نوکر و نان به نرخ روز خور، مهر خود را بر سراسر ایران، بر رابطه دوستان و دشمنان مردم ایران،

بر رابطه دوستان و دشمنان حاکمیت در ایران، و بر فضای رسانه ای، زده است .
این روزها کیس ایران و پرونده ایران، از دریچه دیگری، نه تنها باز شده است که ورق میخورد تا به فصل نهایی برسد .

این کیس امروز، نه توسط نشست های کاخ سفید و تویترهای دونالد ترامپ، نه با اظهارات مرکل و در نشست اتحادیه اروپا، و نه با اطلاعیه های کرملین و ملاقات های جریانات اسلامی، و یا با تلاش های پدیده دوجویی رضا پهلوی - فرشگرد، این حزب جوانان، نخبه "فاشیست ایرانی" نه از دریچه دعوی درون خانوادگی حاکمیت و دعوی اصلاح طلب و اصولگرا و تهدیدات مقام معظم و سپاه، که توسط محق ترین بخش شهروندان ایران، یعنی طبقه کارگر روی میز، نه تنها سران کشورهای جهانی، که روی میز تصمیم مردم ایران برای انتخاب، برای راه دخالت در سرنوشت شان، برای انتخاب سناریویی که در دل آن میخواهند به حق و حقوق خود برسند و آینده شان را بدست خود بسازند، قرار گرفته است .

"ماجرای ملی" به میدان آمدن طبقه کارگری است که در راس آن هفت تپه و بدنبال آن فولاد اهواز، فضای اعتراضی ایران را تسخیر کرده است .

اما چرا! چرا این اعتراض به ماجرای ملی تبدیل شده است: به این دلیل که کارگر معترضی که طلب اش، حقوق معوقه اش، را قریب یک دهه است به زور اعتصاب و اعتراض ماه به ماه میگیرد، عمری سردوانده شده است و به این و آن پاس داده شده است، معیشت اش، محیط زیست اش، هرروز بیش از پیش در معرض خطر سودجویی و بی مسیولیتی قرار گرفت است، این بار که آمده است حق اش را بگیرد، با راه حل خودش هم آمده است .

فقط معترض نیست! مشکل گشا هم هست! دیگر فریب امروز به فردا و بهانه های مختلف را نمی خورد! نمی تواند منتظر وعده و وعید شود!

برای راه حل خودش، راه نشان داده است . که حقوق های معوقه پرداخت شود! دولت مسیولیت بپذیرد که با بیان مخالفت با خصوصی سازی و خواست دولتی شدن واحد تولید! میخواهد بداند که طرف حساب اش دولت است، نه این و آن صاحب کار و صاحب سرمایه فراری! او در عین حال اعلام کرده است که اگر شهر و محل کار و تولید اش، بی صاحب رها شده، آماده است به شکل شورایی خودش اداره اش کند، در راستان منافع تولید کنندگان و شهروندان، مدیریت و ادره اش کند . این جا است که "ماجرای ملی" شکل گرفت است . طبقه کارگر معترض علاوه بر اعتراض و خواست بر حق صنفی اش، گفته است که آماده است مشکل را حل کند . امنیت اجتماعی و تولید را به قدرت متشکل خودش در شوراهایش، تامین کند .

آنچه که امروز به "ماجرای ملی" تبدیل شده است، اعتراض جاری است که قریب یک دهه است جریان دارد . مطالبه حقوق پرداخت نشده، یا معوقه است . این مطالبه پاسخ نگرفت! معیشت و زندگی کارگر و خانواده اش، به امان خدا "رها شد" .

تا همچنان هرروز به امید این یا آن وعده و "بالا و پایین رفتن نتیجه این دیپلماسی خارجی و ان تحرک

نظامی منطقه ای و وعده سرخرمن، شب را به روز و روز را به شب برساند! این طبقه دیگر به فقر و فلاکت و نا امنی و بی حرمتی بیش از پیش خود و خانواده اش، رضایت نمی دهد.

این جا است که کارگر معترضی که حقوق معوقه اش را میخواهد، این بار با "راه حل" خود وارد جدال بر سر معیشت و زندگی خود و خانواده اش میشود! چندان تعیین کننده نیست که مطالبه چی است! مهم و تعیین کننده این است که چه کسی و به چه طریقی میخواهد آن را برآورده کند.

دوران راه حل کارفرما، سرمایه دار و دولت اش، تمام شد! نوبت راه حل کارگر رسیده است. این "ماجرای ملی" است! این "اعتماد ملی" است! این "وحدت ملی" ایجاد میکند!

آنچه که اعتراض یک ماهه اخیر را به "ماجرای ملی" که نه تنها خواب مقام معظم و همه سران، اصلاح طلب و اصولگرا را آشفته کرده است، که جهانی را چشم براه پیشروی خود نگاه داشته است، این عنصر پیشروی، از اعتراض به تلاش برای پیش کشیدن راه حل خود، راه حل کارگری است. راه حلی که کل جامعه را پشت سر خود به حمایت کشانده است و هر روز ابعاد گسترده تری می یابد. جامعه به راه حل کارگری، خوش بین است و به آن اعتماد میکند!

جامعه ایران، پشت سر طبقه کارگر، برای دخالت در سرنوشت اش، برای پاسخ گویی به مشکلات معیشتی و زیستی اش، علیه حاکمیت، قطبی شده است.

امروز هر کس بخواهد اعتباری به خود و سازمان اپوزیسیون اش بدهد، باید خود را دوستدار کارگر و راه حل کارگر برای حل مشکلات معیشتی اش بداند. و این شور انگیز است. طبقه کارگر نماد و نماینده "همبستگی ملی" شده است. اما در دورنما چی است و چه میشود؟

آینده در جزئیات ناروشن است، اما سمت و سوی آن، روشن است. این تحرک، این "ماجرای ملی"، این به میدان آمدن کارگر آگاه به منافع اش، را دیگر به هیچ طریقی نمی توان، به سادگی از میدان بدر کرد. اگر دو قدم به عقب بنشانندش، فردا ده قدم به جلو جهش خواهد کرد. بی دلیل نیست که امروز از نسیم سوسیالیسم در ایران صحبت میشود.

جامعه ای که حول اعتراضات و اعتصابات کارگری، با مطالبات روشن خود، با خودسازمانیابی و خودرهبری، در سراسر ایران متحد و متشکل و همبسته میشود، جلوه ای از دورنمای شورانگیز نیرویی را در مقابل چشم میگذارد، که همه دشمنان را به حاشیه پرت میکند!

از ترامپ و ترامپیس، تا عربستان و احزاب قومی و فدرالیست چی های سناریو سیاهی، از سپاه و بیت امام و دفتر پرزیدنت روحانی، در مقابل قدرت طبقه فرودست و برده مزدی که آگاه است، متحد و متشکل است و همگان را به پیوستن به صف خود دعوت میکند تا برای جنگ نهایی اش آماده شود، شانس برای ادامه حیات ندارند.

سوسیالیسم، آرمان طبقه کارگر آگاه، در ایران و در سراسر جهان است. باید به آن خیرمقدم گفت و تلاش

کرد که سیر پیشروی اش را سد نکرد، موانع را از پیش پایش برداشت، توطیه ها و نقشه ها و تلاش های دشمنان اش در حاکمیت و در اپوزیسیون را خنثی کرد .

روزهای سرنوشت سازی در پیش است . باید به پیشواز ان رفت

۲۶ نوامبر ۲۰۱۸

"قیام بردگان فقط یک قهرمان، یک اسپارتاکوس نداشت. هر برده ای یک اسپارتاکوس بود!"

به کارگران هفت تپه

مظفر محمدی

رفقا!

اگر من را به تسلیم واداشتند

اگر من را شکستند

شما تسلیم نشوید، شما نشکنید

اگر من را به سازش کشاندند

شما سازش نکنید!

فریاد زنده باد شورا سر دهید

شوراهایتان را تشکیل دهید

اگر برادران خیانت کرد

به رویش تف بیندازید

اما اعتصاب شکنان تحقیر شده را ببخشید!

دستشان را بگیرید تا دوباره سر پا بایستند

آنها فریب خوردگانند، نه شکست خوردگان!

بگویید جنگ ما تازه شروع شده است

این جنگ آخر ما است

اما آخرین جنگ ما نیست!
 امروز برای لقمه نانی که از ما گرو گرفته اند
 می جنگیم.

و آخرین جنگ ما
 پس گرفتن همه ی نان،
 همه ی آزادی و همه ی برابری است
 و آن روزی است که
 بر پرچم سرخمان نوشته شده است:
 "زنده باد شورا"

"زنده باد حکومت کارگری"
 بگوئید قیام بردگان فقط یک قهرمان
 و یک اسپاتاکوس نداشت
 هر برده ای یک اسپارتاکوس بود!

رفقا!

دشمنان خارجی طبقه ی ما
 داروی بیچه ها و مریض هایمان را
 تحریم و گرو گرفته است
 نوکرانشان هم در قامت شاه و
 لیبرال و دمکرات و ملی و مذهبی
 به کمین نشسته اند
 تا از خوان یغمای ثروت و قدرت
 سهم ببرند!

و دشمنان داخلی ما

در هیات رهبر و رئیس جمهور و

سردار و قاضی و وکیل مجلس...

نان سفره ی بچه هایمان را

گرو گرفته اند.

اما قدرت آنها در شهامتشان نیست

در زور زور و اسلحه شان است

و ما اکثریتیم

گردان های جدا جدای ما

اگر لشکری واحد شود

شکست ناپذیر است

پیام مارکس :

"کارگران جهان متحد شوید" را

در خیابان ها فریاد بزنید

و در بیانیه هایتان

به هم طبقه ای هامون در سراسر کشور

بفرستید

ما باید پیروز شویم

ما چاره ای جز پیروزی نداریم!

پیروزی روشنایی بر تاریکی

پیروزی نان بر گرسنگی

پیروزی خوشبختی بر محرومیت

پیروزی اکثریت کارکن ندار

بر اقلیت مفت خور سرمایه دار!

رفقا!

هم طبقه ای ها ما در سراسر کشور

اگر امروز با ما همراه نشدند

و اعتصاب نکردند

نشان از بی تفاوتیشان نیست

قلب طبقه ما با قلب ما می تپد!

ضربان قلب ها را می شنویم

به رفقایمان در فولاد، ایران خودرو و هر جای دنیا

که پیام طبقاتی و هم سرنوشتی فرستادن

درود بفرستید!

به همسرنوشتانمان

در شرکت نفت، در پتروشیمی ها و

در ذوب آهن و خودرو سازی ها،

در خدمات شهری و ساختمان سازی ها...

در همه جا

بگویید، دیگر کلاهی برای کسی نمانده

تا بر آن دست بگیرد!

ما در کشتی ای نشسیم که سکانش

امروز دست سرمایه داران و دولتشان است

اگر این سکان را از دستشان نگیریم

همه غرق می شویم، تباہ می شویم!

ما باید خود ناخدای این کشتی شویم

و آن را به ساحل خوشبختی

به ساحل پیروزی و برابری برسانیم

ما باید پیروز شویم

چاره ای جز پیروزی نداریم!

همسرم! عشقم!

اگر امروز دستامو از دستات جدا کردن

اما با تمام وجودم تورا در کنارم حس می کنم

تو دیگر تنها نیستی

عضو یه خانواده، به بزرگی یک طبقه ای

به خانواده و طبقه ات افتخار کن

خواهران و برادرانت پشتت

سرتو بالا بگیر و زندانبان ها را تحقیر کن

این ها ادمایی بخت برگشته و

سربازان ضعیف حاکمان ترسوند.

حاکمانی که تنها زمانی دستشان به روی ما بلند میشود

و قلم شان به اتهام زدن ما می چرخد

که در سلول زندان یا در اطاق خلوتی

روبروی قاضی نوکرشان نشستیم

آن ها در کارخانه و خیابان و میدان شهر

بدبخت های ذلیلی بیش نیستند.

همسرم!

تو رفیق و آرامبخش روزای سخت منی

و من بزرگیتو دیدم
 وقتی که دیگر سقف خانه برایت کوتاه بود
 به خیابان آمدی
 و در چشمان زیبایی آگاهی طبقاتی درخشید
 و ما عشق و رفاقت را یکی کردیم!

دخترم! عزیزم!

شاید هنوز این حرفا برای تو زود است
 ولی خوب است از حالا بدانی
 توم عضو کوچولوی یه خانواده ی بزرگی
 به بزرگی یه طبقه، به نام کارگر
 طبقه ای که نان و شکر و لباس و ماشین و
 اسباب بازی بچه ها را می سازند
 طبقه ای که اگر نبود
 زندگی نمی چرخید.
 به معلمت که او هم
 امروز همسرنوشتی طبقاتی را تجربه می کند بگو
 به بچه ها یاد بدهد
 سرمایه دار یعنی چه.
 بگوید دارا و ندار یکی نیستن
 هم طبقه نیستن
 و جنگ امروز در کارخانه و خیابان
 جنگ نان است!

دخترم!

دل کوچولوی تو تنگه میدانم

دل منم برات تنگ میشه

نترس، قوی باش

من برمیگردم و با رفقام

برای خوشبختی تو وهمه ی بچه های

هم طبقه مان و همه ی محرومان

می جنگیم

کوچولوی من!

به تو و همه ی بچه هامون قول میدیم

وقتی بزرگ شدید

ما این جنگ را تموم کرده باشیم

و صلح و آزادی و دوستی و برابری را

بهتون هدیه بدیم

و شما مجبور به جنگی نشوید که

به ما تحمیل شده است.

به همکلاسیات بگو باباتو اسیر گرفتن

چون می گوید:

طبقه کارگر اگر به قدرت برسد

نان را تقسیم می کند

اسباب بازی را تقسیم می کند

دوچرخه را تقسیم می کند

دیگر کودکی در خیابان کار نمی کند

مادری در کنار مریض بدون دارو اش

اشک نمی ریزد

دارا و نداری وجود ندارد

همه کار می کنیم و همه سهم می بریم

رفقا! همسرم! دخترم!

شبحی در جهان در گشت و گذار است

شیخ پیروزی طبقه ی ما

نسیم پیامی از جنوب

به شمال و شرق و غرب می وزد!

و نوید بخش جامعه ای آزاد و برابر است

جامعه ی حکومت کارگری!

نه یک کلمه کم!

نه یک کلمه زیاد!

زنده باد شورا!

زنده باد حکومت کارگری!

صندوقهای همبستگی مالی کارگری

مصطفی اسد پور

دلتنان برای کارگران نسوزد. به جای آن، با دیدن صف کارگران در حال اعتراض حسودی تان بشود، افتخار کنید، گوش بدهید و سرمشق بگیرید. کارگران نه به ترحم بلکه به بیشترین حمایت نیازمندند. کارگران مثل بقیه، مثل همه همشهریان و همسایه ها به آرامش احتیاج دارند، با مشت گره کرده پا به دنیا نمیگذارند، مبارزه و اعتراض را در خون خود ندارند. تنها تکیه گاه کارگر و خانواده اش دستمزد او است. در وانفسای دستمزدهای زیر خط فقر، در قوز بالای قوز دستمزدهای معوقه دیگر به زحمت میشود چیزی را وصله شکم کرد، قرض و قوله و رو انداختن به همکارانی که وضع مشابه دارند معمولاً به جایی نمیرسد، پس اندازی در کار نیست... در پس سالها و روزها تکرار همین مصائب، نسل پس از نسل زندگی روی لایه های سست و لغزنده منطبق کارمزدی... در جایی که خدا و سرنوشت کاره ای نیستند؛ واقع بینی، اتحاد، هم سرنوشتی و سازندگی تنها مفری میشود که باید به آن چنگ انداخت؛ و اینها نه در کنج تنهایی بلکه تو خیابانها و کارخانه ها، در میان بقیه آدمها در جامعه شکل میگیرند، مادیت پیدا میکنند و به رقص درمیاینند.

کار و دستمزد کافی زمین را زیر پای جامعه ایران داغ کرده است. پژواک فریاد "کارگران گرسنه اند" از هر دهان تکرار میشود. بخش عظیم این فضا جز یک هیاهوی پوچ، عامدانه در دشمنی با کارگر نیست. "کارگر مظلوم" در مقابل "کارفرمای فاسد" مرکز تلاقی برداشتهای عمیقاً متعفن طبقاتی - اسلامی - ناسیونالیستی است که در آن "متاسفانه" کارگر گول میخورد، داد میزند، با باطوم به سراغش میروند تا شاید دست بر قضا بخشی از مطالباتش پرداخت گردد.

در این تلقی همه چیز مجال مانور پیدا میکند بجز اینکه مبارزه کارگران بر علیه استثمار و علیه ریشه نابرابری و ستم در سراسر جامعه است. اعتراض کارگری بحق از عزیزترین پدیده های سیاسی و اجتماعی ایران است. این اعتراضات حق طلبانه محسوب میشوند، شور آزادیخواهی را در سرها به جوشش درمیآورند، در ورای همدردی، سمپاتی میافرینند، هر کس به وسع خود، به مرزهای قابل فکر از خودگذشتگی مراجعه میکند: برای پیروزی این اعتراض از دست من چه ساخته است؟

این یک سوال موجه از طرف یک همشهری از اراک تا تهران و تا اهواز است.

پاسخ روشن به این سوال، از سیر تا پياز آن روی ميز اعتراض کارگری، از سازمان دهندگان تا شرکت کنندگان در این اعتراضات قرار دارد. هر اعتراض کارگری منحصر به یک اجتماع معین، احیانا چند پلاکاد نمیتواند باشد، این اجتماعی است که بیشتر از هسته اصلی، مردم و تماشاچیان و کنجکاوان را با مبلغین و نوشته ها مورد خطاب قرار میدهد؛ این اجتماعی است که با حمله نیروی انتظامی دود نشده و به هوا نمیرود. اعتراضات کارگری باید در تعریف انتظارات خود و در سازماندهی حمایت از خود در راه پیروزی، در هر قدم پوست بیاندازد و راه نشان دهد. مدعی و با اعتماد بنفس روی سکو قرار گیرد. سازماندهی صندوقهای مالی با فعالان معتمد محلی، شبکه های گسترده حمایت از خانواده دستگیر شدگان و انواع فعالیتهای فرهنگی و ورزشی برای حفظ رابطه با کارگران و اعتراض مربوطه از جمله سنتها و روشهای شناخته شده کارگری است که جای آن در مبارزات کارگری در ایران بسیار خالی است.

سوم دسامبر ۲۰۱۸

فقط هفت تپه ای ها حق دارند

خالد حاج محمدی

کارگران هفت تپه در دوره تاریخی سختی با تمام وجود علیه بی حقوقی خود به میدان آمدند. صدای کارگران هفت تپه در کنار و همراه اعتصاب بزرگ کارگران فولاد، همه سد و موانع سانسور و دیوار استبداد جمهوری اسلامی را شکاند و جامعه را با هفت تپه و فولاد به هم وصل کرد.

در کل این دوره همه سران و روسای ریز و درشت جمهوری اسلامی، همراه با مراکز پلیسی و امنیتی، به تلاش افتادند. هر روز لباسی را به تن کردند تا کارگران هفت تپه و فولاد را به زانود در آورند. تا امروز هفته تپه ای و کارگرفولاد متحد برای حقوق خود در میان هاله ای بزرگ به قامت ایران و صفی از آزادیخواهان در جهان در دفاع از مطالبات خود پای فشرده و همه تلاشها را برای سرکوب، خفه کردن صدای نمایندگانشان، ایجاد انشقاق و چند دستگی در میان خود و همه شایعات و پرونده سازی های مهندسی شده علیه نمایندگان و سخنگویان خود را افشا و خنثی کرده اند.

مدتی قبل در حمله به هفت تپه تعداد زیادی از نمایندگان و سخنگویان آنها را دستگیر کردند تا اعتصاب شکست بخورد، اما کارگران هفت تپه متحد در کنار هم و همبسته با رفقای خود در فولاد در یک صف ایستادند. آنها اکثر رفقای خود را آزاد کردند و اما تا امروز هنوز اسماعیل بخشی که در این مدت به عنوان نماینده و سخنگوی کارگران در میدان بود در زندان است. سپیده قلیان از حامیان کارگران اعتصابی هنوز زندان است و علی نجاتی از فعالین کارگری و نمایندگان قدیمی تر کارگران نیز دستگیر و در زندان است. امروز و در این مدت کارگران هفت تپه به روشنی اعلام کرده اند که تا آزادی این سه نفر حتی مذاکره نخواهند کرد. بارها اعلام کرده اند که مذاکره منوط به آزادی گروگانهای آنها نزد جمهوری اسلامی است.

اما یکی دو روز اخیر حاکمین و کارفرما تلاش وسیعی کردند تا کارگران هفت تپه را به زانو در آورند. پدیده اعتصاب شکن و تلاش پلیس و دم و دستگاه کارفرما همراه میدیای وسیع آنها همگی در کنار هم در صدد به زانو در آوردن هفت تپه ای ها هستند. رسانه های جمهوری اسلامی به عنوان بخشی از ماشین سرکوب با اتکا به تعدادی اعتصاب شکن "پایان اعتصاب" را اعلام کرده اند و در کنار و همراه آنها مشتکی فرصت طلب و غیر مسئول نیز این خبر را در بوق کرده اند. این در شرایطی است که با همه این تلاشها هفت تپه ای ها و نمایندگان آنها هنوز در

اعتصابند و تن به این زورگویی نداده اند. این در شرایطی است که سندیکای کارگران هفت تپه پایان اعتصابی را اعلام نکرده است، و این در شرایطی است که سندیکای کارگران هفت تپه اعلام کرده اند که ۹۶ درصد از کارگران رای به ادامه اعتصاب داده اند. این در شرایطی است که هنوز نماینده آنها اسماعیل بخشی در زندان است و کارگران بر آزادی فوری و بی قید و شرط او و علی نجاتی و سپیده قلیان تاکید میکنند.

کارگران هفت تپه هر زمان لازم بدانند و به صلاح بدانند حق دارند تصمیم بگیرند که اعتصاب را پایان بدهند. اما فقط آنها این حق را دارند و تا زمانی که خود هفت تپه ای ها چنین تصمیمی را رسماً اعلام نکرده اند، هر نوع شایعه پراکنی مبنی بر پایان اعتصاب، در کنار تبلیغات مهندسی شده حاکمیت و ارگانهای سرکوب آنها و در کنار اعتصاب شکنان و شایعه پراکنان، در کنار دشمنان تشکل و اتحاد کارگران هفت تپه قرار میگیرد. فقط هفت تپه ای ها و نمایندگان آنها حق دارند !

کارگران هفت تپه در یک دهه گذشته دهها اعتراض و اعتصاب را پیش برده اند و هیچ زمانی جایی برای کدخدانمشی عوامل خانه کارگر و حاکمیت نگذاشته اند. جدال امروز کارگران هفت تپه و فولاد جدال و جنگ آخر نیست. روزی تصمیم گرفتند اعتصاب کنند و هر زمان مصلحت بدانند میتوانند وارد مذاکره شوند و به اعتصاب خاتمه دهند. مهم این است که خود آنها، همانهای که تا امروز متحد و یکپارچه همراه و در کنار نمایندگان خود اعتصاب کردند، متحدانه و از طریق تشکل مستقل خود و نمایندگانشان پایان اعتصاب خود را هم تصمیم بگیرند و به جامعه هم اعلام کنند.

تا هم اکنون کارگران هفت تپه و فولاد قهرمانانه ایستاده اند. جامعه و همه هم طبقه ای های آنها تلاش و مبارزه این دوره آنها و رهبران و سخنگویانشان را ارج میگذارند. آنها در همین مدت گوشه ای از توان خود و طبقه کارگر ایران را در مقابل جامعه نمایش دادند و عظمت عدالتخواهی کارگری خود را به همه ناباوران نیز نشان دادند. امروز همه کس و حتی مخالفین سر سخت عدالتخواهی طبقه کارگر مدال دفاع از کارگران هفت تپه و فولاد را به سینه میزنند تا برای خود اعتباری بخرند. این موقعیت دستاورد بزرگی برای طبقه کارگر در ایران است. امروز اسماعیل بخشی های هفت تپه و فولاد در چشم جامعه به عنوان شریفترین و جسورترین و محق ترین و صالحترین رهبران کارگری برسمیت شناخته شده اند و در قلب میلیونها انسان جای گرفته اند.

بی تردید کارگران هفت تپه محق اند هر تصمیمی بگیرند! اعتصاب این دوره هم نه اولین و نه آخرین اعتصاب آنها است. قطعاً کارگران هفت تپه متحد خواهند ماند و متحد فعالین و گروهانهای خود را آزاد خواهند کرد و قدر اتحاد و یکپارچگی این دوره خود را خواهند دانست. اما کارگر هفت تپه به کدخدا و وکیل احتیاج ندارد. ایلنا و رسانه های جمهوری اسلامی و حامیان مختلف آنها در شایعه پراکنی علیه هفت تپه ای ها شکر میل میکنند، سندیکای هفت تپه را بی اعتبار و پایان اعتصاب را اعلام کنند.

جنگ نان

محمد فتاحی

هدف این نوشته دعوت کمونیست ها به شرکت جدی تر در جنگ نان است.

مقدمه:

یکم - همه آمارهای حکومتی و غیرحکومتی به ما میگویند که اکثریت جامعه ایران زیر خط فقر و زیر خط فقر مطلق، با تهدید هر لحظه غیبت نان در سفره درگیرند. این ادعا نیازی به اثبات ندارد. نتیجتاً تقلاً برای زنده ماندن و امروز را به فردا رساندن، مهم ترین چالش امروز اکثریت اعضای جامعه است.

دوم - ادعای دیگری که بی نیاز به اثبات است این واقعیت است که ایران یکی از ثروتمندترین جوامع بشری بر کره زمین است.

سوم - در کنار این دو داده اقتصادی یک داده قابل رویت سیاسی - اقتصادی دیگر هم حکم میکند؛ در این جامعه سیستمی حاکم است که اولین وجهه مشخص آن بی مسئولیتی مطلق نسبت به حال اکثریت جامعه از یکطرف و از طرف دیگر فساد و مسابقه در دزدی از ثروت های این جامعه، در تمام سطوح، از رهبر و بیت رهبری تا پائین ترین مقامات و مسئولین این نظام است.

چهارم - واقعیت چهارم حکم میلیونی همین اکثریت این جامعه به رفتن سیستم سیاسی اقتصادی حاکم است. برای این کار، از دیماه گذشته، بزرگترین تکان های اجتماعی کل این نظام را لرزانده اند. خواست مرخص شدن وحوش حاکم یک مطالبه همین امروز توده های میلیونی به فقر کشیده شده و طبقه کارگر ایران است.

پنجم - واقعیت پنجم؛ در متن این اوضاع، کمونیسم نه فقط یک داده واقعی و قابل رویت که یک پدیده سیاسی خوش نام و مطرح است. کمونیسم حاضر در درون طبقه کارگر و در هیئت رهبران کارگری، در دانشگاهها و در محافل روشنفکری شبکه های وسیعی را شکل داده است.

کاری که باید کرد؛

پنج فاکت یا داده بالا در یک معادله ریاضی ساده، باید هر کمونیستی را متوجه این واقعیت کند که با دخالت کمونیستی در اوضاع فعلی کشور، باید نیروی جنبش برای نان قادر به تامین نانش باشد. برای چه باید کرد از آسان

ترین عرصه آن شروع میکنم؛ گرفتن کمک از مردمانی که توان کمک به هم نوع خویش دارند. یعنی در مرحله اول، سازماندهی جمعآوری کمک مالی توسط نهادهای مردمی برای کمک به توانمندی نیازمندترین های جامعه است.

این موضوع در وحله اول یک کار انسانی است. به زبان خیلی ساده، اقشار وسیعی از این جامعه نان همین شب را که در راه است، ندارند. فرد و سازمان کمونیستی نمیتواند خود را قانع کند که داریم برای تغییرات سیاسی و انقلاب و روزهای خوش زندگی در آینده کار و فعالیت میکنیم. اینها روتین های کار کمونیستی است. تقلا برای شکل دادن به آینده، مقدس ترین کاری است که یک کمونیست میتواند داشته باشد. با این حال، ما در ایران امروز با یک شرایط استثنایی روبرو هستیم. شرایطی که میلیون ها انسان در آستانه شروع پروسه مرگ و پایان زندگی به دلیل بی نانی و فقر مطلق مطلق اند، در کنار دولت و سیستم نامستولی که به جز بخور بخور خود در مقابل هیچ نیاز مردم پاسخگو نیست.

برای پاسخ به این مشکل اقتصادی، برای کارآسانی هم که باشد، میشود در قدم اول سراغ جامعه رفت و کمک خواست، تقریباً به همان شیوه که در غیبت کمک دولتی به زلزله زدگان، مردم خود مستقیماً وارد عمل شده و انجام وظیفه کردند. کسی میتواند طرح تقویت همین سازمان های خیریه کنونی را پیش بکشد. اما بحث برای کمونیست ها فقط دسترسی به نان به عنوان یک هدف در خود نیست. برای اکثر یا تعداد زیادی از خیریه ها هم هدف در خود تنها تامین نان و کمک مادی این و آن نیست. بخش عمده اینها مبلغ نوعی مذهب و یا سیاست اند و برای آن کار میکنند. بعضی از اینها در دست گروههای شدت ضدبشری و به هدف سربازگیری برای یک جنبش ضداجتماعی و تقویت یک افق ارتجاعی اند. نتیجتاً تعداد سازمان های خیریه مستقلاً که هدف شان صرفاً انسانگرایانه است، شدت کم و محدود اند.

به علاوه، و در بهترین حالت هم، رابطه سازمان خیریه با مردمان نیازمند، یک رابطه نابرابر است. انسان نیازمند در این رابطه تحقیر میشود، کوچک میشود، عزت نفسش آسیب می بیند، خودش را ناتوان و ضعیف و زبون می بیند. رابطه ای که کمونیسم برای سازماندهی این مسئله می سازد از ریشه متفاوت است. هدف کمونیست ها در این عرصه نه یک تامین نان صرف و در خود که تقویت جامعه و مردم در نبردشان برای نان و یک زندگی شایسته است. هدف توانمندی مردم برای قرار گرفتن در موقعیتی است که قادر به عبور از چنین وضعیتی باشند. مردم نمیتوانند تا ابد گیرنده منفعل مواد غذایی و وابسته کمک این و آن نهاد خیریه ای برای بقا باشند. چنین سرنوشتی باید تغییر کند و راه این تغییر از مسیر توانمندی مردم در جهت شرکت قدرتمندتر برای ایجاد همین تغییر است.

در کار کمونیستی این عرصه، دست مردم در دستان هم قرار داده میشود. شبکه رهبران و سازماندهندگان ایجاد و گسترش می یابد. نهادهای سازمان داده شده مردمی شکل میگیرند. کمیته ها و نهادها و مجامع عمومی و صندوق ها و تعاونی های مختلف شکل میگیرند... به زبان دیگر، جامعه در متن یک سوخت و ساز برای توانمندی خویش، در هم تنیده شده و همبستگی ها و اتحادهای وسیع و همه جانبه ایجاد میشود. چنین تغییری در جامعه مستقیماً به

تغییر در تناسب قوای سیاسی اجتماعی منتهی میشود. این یعنی تقویت صف و جبهه مردمی که نان و زندگی میخواهند در مقابل صف اقلیتی که آنها را از کل نعمات زندگی محروم کرده است. این همان هدفی است که تمام کار کمونیستی در جامعه باید به آن منتهی شود. این همان موقعیتی است که دستان سازماندهندگان کمونیست در دستان شبکه رهبران و سازماندهندگان طبقه کارگر و مردمان محروم و ستمدیده جامعه قرار میگیرد و با هم قفل و بست میشوند. این همان موقعیتی است که کمونیسم با اتکا به قدرت اجتماعی اش کارهای ناشدنی و غیرممکن تا آن مقطع را شدنی و ممکن میکند....

اما لیست کارهای اولیه، که برای نمونه و تا آنجا که به فکر همین قلم میرسد؛

تهیه لیست از پزشکان و وکلای دادگستری بگیر تا آرایشگران و پرستاران و معلمان و بقیه متخصصینی که حاضرند بخشی از خدمات شان را رایگان در خدمت نیازمندان قرار دهند / ایجاد انجمن ها و نهادهایی از همین کمک کنندگان، برای همین هدف...

لیست مردمانی که پروژه های مختلف در این مسیر را اسپانسر میشوند

لیست مدارس و مهد کودک و مراکزی که امکان خدمات ویژه به نیازمندان دارند

لیست فروشگاههایی که امکان فروش با تخفیف ویژه برای اقشار نیازمند دارند

لیست غذاخوری ها و فروشگاههایی که مواد اضافی روز شان را حاضرند در اختیار آشپزخانه های محلات قرار دهند.

فراهم کردن آشپزخانه های محله، مهد کودک و مدرسه محله، میدان و سالن و امکانات ورزشی محله، درمانگاه و کتابخانه و... محله، برگزاری سمینارهای آموزش بهداشت و سلامتی و کودکان و... توسط متخصصین این عرصه و تهیه سالن های ویژه چنین سمینارها و گردهمایی هایی در سطح محله و شهر، سمینارهای آموزش علمی و فرهنگی، کلاس ها و سمینارهای باز در محیط پارک و...

این لیست انتها ندارد...

سبک کار؛

خطاب این نوشته برای انجام این کار کمونیست ها هستند، اما چنین کاری در چنین ابعادی یک نیروی وسیع تری میخواهد. ولی خوشبختانه این یادداشت مقطع شروع این کار نیست. خوشبختانه خیلی ها با هدف انسانی در عرصه هایی کارهایی را مدتهاست شروع کرده و به پیش برده اند. کار با کودکان خیابانی و کمک به مردم در سطح معینی توسط خیرین و سازمان های انساندوست نمونه های کمی نیستند. میشود بخشا از کمک به گسترش کیفیت و کمیت عرصه کاری همین ها شروع کرد. اما یک عرصه میلیونی را چند نهاد قادر به پوشاندن نیست. از نظر این

نوشته، تمام کارخانه ها و مراکز کارگری در سرتاسر این کشور نیازمند سازماندهی کمیته های کمک برای سازماندهی این کار اند. تمام محلات کارگری و به فقر کشیده شده نیازمند وجود کمیته های شکل دادن به این کارند. سازماندهی مجامع عمومی برای این کار در تمام محلات این کشور و تمام مراکز کارگری و آموزشی و... لازم اند. برای انجام این کار یک سازماندهی در ابعاد میلیونی لازم است. چنین حرکتی در توان و قدرت هیچ سازمان متمرکزی نیست. چنین کاری شروع جنبشی است که توسط انسان های بی شمار در هر نقطه ای شکل میگیرد و پیش میرود.

در مقابل هیولای سیستمی که فقط دزدی و بچاپ بچاپ بلد است، و در مقابل فقری که دامن دهها میلیون مردم را گرفته است، این جامعه میتواند خود را توانمند و تقویت کند. شرط اول این کار در پیش گرفتن سبک کار ویژه یک کار علنی و قانونی و شفاف است. لذا باید اول سراغ کسانی رفت که میتوانند چنین کاری را سازمان دهند. چنین آدمهایی که بدون کمترین توقعی مشغول کمک به هم نوع اند، بسیار و فوق العاده زیادند. باید اینها را به تدریج پیدا کرد و عرصه کاری شان را کمک کرد تا وسعت بگیرد. باید سراغ معتمدین شهر و محله برای جلب کمک این و آن رفت. باید دست به دامن هر انسان شرافتمندی شد که علاقمند کمک به اطرافیان و هم نوعان خویش است. باید سراغ هر تشکل و رهبر کارگری موجود رفت و این قضیه را با آنها در میان گذاشت و کمک گرفت.

یک تذکر؛ این پیشنهاد برای بحث درونی هیچ محفل و جمع کمونیستی نیست. کسی که آماده ورود به چنین عرصه ای است، قبل از هر چیزی باید سراغ ملاقات آدمهای اهل این کار برود. یعنی کسانی که یا در حال حاضر مشغول در این عرصه اند یا معتمدینی در محل و در شهر که زمینه های لازم را دارند. این یعنی زنان و مردان عادی، با هر عقیده و باور سیاسی مذهبی که دارند. باید توجه کرد که این عرصه در خدمت توانمندی یک جامعه است و تمام اعضای این جامعه میتوانند در تامین این توانمندی شرکت و از خدمات آن بهرمنند شوند. نتیجتاً در این عرصه بویژه، تعصب فرقه ای در رابطه با مردم سمی ترین شیوه ای است که یک کمونیست میتواند در پیش بگیرد و کار را تماماً خراب کند...

تذکر دوم؛ کسی فکر نکند علنی و قانونی بودن این کار به معنی بی مشکل بودن آن از نظر وزارت شکنجه و سیستم حاکم است. مگر دانشجویانی که به کمک زلزله زدگان رفته بودند را دستگیر نکردند؟ مگر سازماندهندگان کلاس های درسی برای کودکان خیابانی مورد تهدید قرار نگرفته اند؟ و مگر حتی کمپین کردن به نفع کارتون خوابان با مشکل امنیتی ها روبرو نمی شود؟... اینها از هر قدمی که مردم را به هم وصل کند، و یا دستان کمونیست ها را در دستان مردم بگذارد، میترسند. و حالا که اوضاع سالهای قبل هم نیست، نگران تر و حساس ترند. با این حال تعرض امروز حاکمین و امنیتی ها به چنین فعالیت هایی، در فضای امروز، برایشان سخت تر است. تغییر در توازن قوای سیاسی بین مردم و حاکمین دست سرکوب را به شدت کوتاه کرده است. از طرف دیگر دفاع از این کار حقانیت اجتماعی دارد. در حالیکه هیچ مسئولی در این مملکت، در مقابل گرانی و بیکاری و فقر پاسخگو

نیست، نمیتوانند به آسانی مانع مسئولیت پذیری اعضای جامعه در مقابل شرایط پیش آمده شوند. همین امروز در حالیکه آنها نسبت به هفت تپه و فولادهاواز گوش خود را کر کرده اند، جامعه در سطح وسیعی به حمایت از آنها خیز برداشته است. اگر تا دیروز دانشجو را برای یک کار ناکرده زیر فشار میگذاشتند، امسال حمایت علنی از طبقه کارگر در دانشگاهها وسیع و گسترده بود. این یعنی در چنین فضای سیاسی میشود خیلی کارها کرد که تا دیروز مقدور نبود...

اما کار اصلی سراغ مسئولین و حاکمان نامسئول رفتن است!

انگار کسی در گوشم میخواند که خیال کرده اید زندگی یک جامعه چند ده میلیونی فقرزده را میشود حتی برای چند ماه به کمک صرف جیب بقیه مردم متکی کرد. خیال کرده اید که پاسخ بی نانی توده وسیع حقوق پرداخت نشده جامعه را میشود این چنین پاسخ داد...

این تذکر و این هشدار است که در گوش من میخواند، واقعی و بسیار واقعی است.

پول و ثروت این جامعه نزد آنهاست که حساب های بانکی خود را از آن نه فقط پر کرده اند بلکه امن ترین بانک های جهان محل نگهداری حساب های آنهاست. پول و ثروت جامعه نزد رهبر و بیت رهبری ها و صدها هزار مسئول بالا و آنبایی است که تمام این سالها کرور کرور دزدی کرده و مشغول انتقال ثروت های این جامعه به حساب های بانکی خود بوده اند. ثروت فردی مانند خامنه ای برای تامین نان و زندگی چندین سال تمام جامعه ایران کفایت میکند. ثروت بنگاههای مختلفی که با عناوین پرطمطراق مشغول جارو کردن پول مردم اند، را هم به این ثروت ها اضافه کنید تا متوجه شوید چه ثروت هایی در این کشور زیر دست این و آن آقازاده و امام زاده خوابیده است. نتیجتا تمام نهادهای شکل گرفته برای کمک به مردم تنگدست و نیازمند، در کنار جمعآوری کمک و سرویس از شهروندان جامعه، ناچاراند روی خود را به طرف مقامات و حاکمان برگردانند و با اتکا به قدرتی که دور خویش جمع میکنند، سراغ آنها بروند.

این یعنی اگر کار اولیه بر جمعآوری کمک و سرویس از شهروندان متمرکز است، باشکل گیری این حرکت و جمعآوری نیروی توده ای، قدم بعدی، تمرکز اصلی بر مقامات و نهادهای قدرت و ثروت است. اینها در چنین صورتی و در چنین توازن قوایی، یا باید جیب های شان را به نفع تامین نان برای مردم باز کنند، یا قدرت و حکومت را در اختیار خود مردم و نهادهای و تشکل های برآمده از مردم، در اختیار شوراهای کارگری و مردمی بگذارند.

اعتصابات کارگری و صندوق های همبستگی

اعتصابات و اعتراضات کارگری نوک پیکان نبرد برای نان در جامعه است. کمک به این حرکت کمک به شکل گیری یک قدرت رهایی بخش است. اعتصابات هفت تپه و فولاد اهواز برای نمونه مورد حمایت های وسیع توده

ای در این دوره قرار گرفتند. چنین حمایت‌هایی می‌تواند اعتماد به نفس مراکز کارگری و رهبران شان به اعتراض را بالا ببرد و به تغییر بیشتر در تناسب قوا بیانجامد. با همه اینها، جامعه توان کمک و حمایت‌های بسیار بیشتری را از تحرکات مشابه دارد. شرط این کار بالا بردن کیفیت حمایت‌های تا به امروز است؛ میشود در کنار لیست امضاها، حمایتی، صندوق همبستگی در شهر چرخاند و برای کمک به تامین گوشه کوچکی از نبود نان بر سفره هفت تپه ای و این و آن خانواده کارگری حقوق نگرفته، کمک جمع کرد. هیات‌های حمایتی از این شهر و آن منطقه، در کنار سفرشان برای اعلام حمایت حضوری، صندوق کمک‌های از قبل جمعآوری شده شان را همراه خویش ببرند و تحویل مسئولین و نهادهای مسول کارگری در محل کنند. دانشجویان دانشگاه‌های متعدد این کشور، در کنار حمایت‌های سیاسی مسئولانه از طبقه کارگر و بخصوص از رهبران دستگیر شده کارگری، میتوانند صدها صندوق جمعآوری کمک‌های مالی تشکیل داده و برای دریافت کمک سرخ شهروندان در شهر بروند و دریافتی‌های شان را بدست نهادها و رهبران کارگری مورد اعتماد خود برسانند. چنین اقدامی، اولاً با کمترین مقدار کمک مالی هم یک اقدام سمبولیک و حمایت‌گرانه است. از جیب دانشجویی که خود باید هزینه تحصیل و زندگی را از طریق خانواده تامین کند، نمیشود انتظاری بالاتر از یک اقدام سمبولیک داشت، که بلحاظ روحی و سیاسی فوق‌العاده موثر و کارساز است. اما همین توده جوانان خوش‌قلب اگر سراغ جامعه بروند، نتیجه کارشان چیزی متفاوت خواهد بود. بگذارید دهها هزار نفر در سرتاسر ایران برای هفت تپه و لوله‌هواز صندوق همبستگی در خیابان‌ها و محلات بپرخانند و همراه جمع‌آوری کمک‌های مالی برایشان، اهداف و افق‌شان را هم تبلیغ کنند. ارزش سیاسی و روانی چنین اقدامی بسیار بالاتر از ارزش مقدار کمک مالی است. چنین فضایی میتواند کل جامعه را وارد یک زندگی سیاسی متفاوتی ببرد. در مراکز کارگری دیگر بسته به توان رهبران و سازماندهندگان کارگری میتوانند حمایت‌های مادی و معنوی و سیاسی بالاتری در دستور بگذارند. به شرطی که کمونیست‌ها فرصت‌کنند برایش کاری کنند.

در یک جمله، جنگ نان را میشود ملی کرد. میشود نارضایتی‌های پراکنده تفرهای اعضای جامعه را جمع و برای تبدیلیش به نیرو ظرفی تعریف کرد. برای نان میشود کل جامعه را بسیج کرد. اما همه اینها خودبخود پیش رفتنی نیست. کمونیسم اگر قرار است در این جامعه برای خود نقشی ایفا کند، نمیتواند از این مسئولیت و این فرصت تاریخی بگذرد. اگر میخواهد سرنوشت تاریخی این جامعه طور دیگری رقم بخورد، نمیتواند برای چنین امری آستین بالا نزنند...

هفت تپه و فولاد نماد مقاومت طبقه کارگر ایران

مصاحبه‌ی رادیو نینا با خالد حاج محمدی

هیمن خاکی: کارگران هفت تپه جنگیدند و تلاش کردند که به خواست‌ها و مطالباتشان برسند و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نکردند. مسئله‌ی هفت تپه از یک ماه پیش برای جامعه‌ی ایران توده‌ای شده‌است. اما کارگران هفت تپه چندین سال است که با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می‌کنند؛ چه در دورانی که شرکت دولتی بود و چه در دورانی که شرکت به بخش خصوصی واگذار شد. چند بار اعتصاب و اعتراض کردند، اما این بار موج عظیمی شکل گرفت. اخبار اعتراض و اعتصاب و خواست و مطالبات کارگران دهان به دهان چرخید و موجی از پشتیبانی‌ها شکل گرفت؛ از دانشگاه تا معلمان، کشاورزان، و مهم‌تر از همه، لایه‌های متفاوت طبقه‌ی کارگر. با شعارهایی همچون "ما فرزندان کارگرانیم" تا فریاد رسای "کارگر زندانی آزاد باید گردد"؛ همه و همه بخش‌هایی از اعتصاب هفت تپه هستند. اما با این وجود دولت در دهم آذرماه با تعیین مدیرعامل جدید و پرداخت دو ماه حقوق معوقه‌ی کارگران تلاش کرد (در بین کارگران) تفرقه ایجاد کند و از سوی دیگر با فشارهای حاکمیت و سرکوب تلاش کردند که به این اعتصاب پایان بدهند. هنوز کارگران زندانی آزاد نشده‌اند. خبرها حاکی از این است که "اسماعیل بخشی" و "سپیده قُلیان" تحت شکنجه قرار گرفته‌اند و از سرنوشت "علی نجاتی" هنوز خبری در دست نیست. حمایت‌ها هنوز ادامه دارد؛ امروز دانشجویان پلی‌تکنیک (امرکبیر) و کارگران فولاد فریاد می‌زدند که "کارگر زندانی آزاد باید گردد". کارگران فولاد هم نوزده روز متوالی است که اعتراض خیابانی می‌کنند و بیست و پنج روز است که در اعتصاب هستند.

خالد حاج محمدی؛ صدا و سیما و خبرگزاری "ایلنا" گزارش داده‌اند که کارگران هفت تپه به سرکارشان برگشته‌اند و پایان اعتصاب را اعلام کرده‌اند. در شرایطی که خود هفت تپه‌ای‌ها و نمایندگان کارگران و کانال رسمی‌شان چیزی در این باره اعلام نکرده است. ما شاهد تلاش‌هایی هستیم که پایان این اعتصاب را اعلام بکنند و این اعتصاب را به شکست بکشانند. به نظر شما وضعیت کنونی به کجا کشیده می‌شود و چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا پایان اعتصاب اتفاق می‌افتد یا اعتصاب ادامه پیدا می‌کند؟ یا مذاکراتی صورت خواهد گرفت؟ به طور کلی کارگران چه راهی را در مقابل دارند و چه کار باید بکنند.

خالد حاج محمدی: تا جایی که به اعتصاب کارگران هفت تپه و فولاد مربوط می‌شود فکر می‌کنم این اعتصابات در یک دهه‌ی گذشته، بعد از "بافق"، جزو برجسته‌ترین اعتراضات و اعتصابات کارگری در ایران بوده است.

اینکه اعتصاب یک روز شروع می‌شود و در یک دوره‌ای به یک صورتی پایان می‌یابد، مثلاً کارگران تصمیم می‌گیرند، توافق می‌کنند، مذاکره می‌کنند، سازش می‌کنند، دو قدم به جلو بر می‌دارند، یک قدم به عقب می‌آیند و... اینها همه جزو یک پروسه‌ی معین جدال بین سرمایه‌داران و حاکمیت و در مقابل‌شان کارگران است. بافق را به خاطر بیاورید. یا صدها مورد مبارزه و اعتصاب کارگری که در این دوره صورت گرفته است. کارگران در مراحل احساس کرده‌اند که امتیازاتی به دست آورده‌اند و در این دوره و با این توازن قوا قدرشان به بیشتر از این نمی‌رسد و اعتصابشان را پایان داده‌اند.

تا جایی که به کارگران هفت تپه و فولاد مربوط می‌شود این مسئله که "چه باید کرد" سوالی است در مقابل رهبران کارگران هفت تپه و فولاد. آنها در محل هستند. اینکه ادامه بدهند یا عقب بنشینند یا در ازای گرفتن امتیازاتی مذاکره و توافق کنند، اینها همه بخشی از پروسه‌ی مبارزاتی آنهاست. و کسی بیرون از این پروسه نمی‌تواند پاسخ این مسائل را به طور واقعی بدهد. توازن قوای آنها، میزان نیرویی که پیرامون فعالین کارگری و رهبرانشان هستند، میزان آمادگی و روحیه‌ی این نیرو، تاکتیک‌های رژیم، تاکتیک‌هایی که خود کارگران استفاده می‌کنند، و تشخیص اینکه چه زمانی می‌شود جلو رفت و چه زمانی عقب نشینی کرد همه‌ی اینها فاکتورهای هر مبارزه‌ی کارگری و هر نوع مبارزه‌ی اعتراضی دیگر در داخل جامعه هستند؛ از دانشگاه گرفته تا معلم و کارگر و زن و مبارزه در محلات و اما یک چیز مهم و مسلم است و آن اینکه تنها کارگران هفت تپه حق دارند تصمیم بگیرند و اعلام پایان اعتصاب بکنند. اینکه امروز و بدون اعلام رسمی هفت تپه ای‌ها، رسانه‌های جمهوری اسلامی اعلام پایان اعتصاب کرده‌اند و عده‌ای هم به هر دلیل و حسابی دنبال آن افتاده‌اند، کاری نه تنها خلاف که تهوع آور است. اخباری که تا این لحظه در دست داریم حاکی این است که کارگران هنوز پافشاری می‌کنند و به این قناعت نرسیده‌اند که به اعتصاب پایان دهند و عقب نشینی کنند. آن چیزی که مسلم و مهم است این است که آن کارگرانی که متحدانه پای این اعتصاب رفته‌اند و حدود یک ماه است که قهرمانانه ایستاده‌اند و از منافع خود و به نوعی از منافع کل طبقه‌ی کارگر ایران دفاع می‌کنند، روزی هم رسماً و متحدانه اعلام کنند که امروز تصمیم دیگری گرفته و به هر دلیل به اعتصاب پایان می‌دهند. مثلاً اعلام کنند که به تحقق این مطالبات بسنده می‌کنیم و درخواست کنند که رهبران یا نمایندگان‌شان از زندان آزاد شوند و در نتیجه به اعتصاب پایان دهند. منظورم این است که پایان اعتصاب یا مذاکره کردن و سازش کردن بخشی واقعی از پروسه‌ی هر مبارزه‌ی است. مسلم است که این جنگ نهایی آنها نیست. اکنون موقعیت و توازن قوا آن‌طوری نیست که بگوییم "کارگران هفت تپه یا فولاد تا آخرین قطره‌ی خونشان خواهند ایستاد". کارگران هفت تپه و فولاد مانند مبارزات هر بخش دیگری به این مسئله واقف هستند که هر مبارزه و هر تلاشی به عقب راندن کارفرما و حاکمیت را قدرت و توان متحدانه کارگران تعیین می‌کند. در نتیجه الان موقعیتی نیست که بشود به جنگ نهایی متوسل شد. به همان صورت که مجمع عمومی گرفتند و تصمیم بر این شد که اعتصاب کنند و آن را اعلام کردند و گفتند که ادامه می‌دهند و مطالباتشان را به گوش جامعه رساندند و درخواست حمایت کردند، باز هم می‌توانند همین کار را بکنند و اگر بخواهند به اعتصابشان پایان دهند و بگویند که "به این دستاوردهای معین رسیده‌ایم و به اعتصاب پایان می‌دهیم".

هیمن خاکی: شما به این اشاره کردید که رسانه‌های دولتی پایان اعتصاب را اعلام کرده‌اند. با توجه اینکه هنوز کارگران هفت تپه یا نمایندگان یا سندیکای آنها پایان اعتصاب را اعلام نکرده‌اند، این کار رسانه‌های دولتی را چگونه باید دید و ارزیابی کرد و چه موضعی در برابر آن باید گرفت؟

خالد حاج محمدی: این یک بخش از جنگ است. این که یک روز توطئه چینی می‌کنند و با بی‌شرمی اسماعیل بخشی را دستگیر می‌کنند، یک روز دیگر علی نجاتی، از کارگران قدیمی‌تر و با تجربه‌ی هفت تپه را دستگیر می‌کنند، در واقع تصمیم گرفته بودند که به عنوان بخشی از جنگ از جمله از ابزارهای مدیایی‌شان هم علیه کارگران هفت تپه استفاده کنند. شایعه پراکنی، فضاسازی، کار مدیایی، دروغ پراکنی؛ بخشی از تلاش برای مرعوب کردن کارگران هفت تپه و فولاد. حتی اعتصاب شکنان را هم به میدان آوردند. علاوه بر سرکوب که کارایی زیادی برایشان نداشته است، تبلیغات، کدخدامنشی، تهدید، شایعه پراکنی، فضا ایجاد کردن و مدیاهایشان را به خدمت گرفتند. تاثیر مدیاهای جمهوری اسلامی علیه کارگر هفت تپه کمتر از سلاح‌هایی که برای دستگیری و سرکوب به دست یگان ویژه‌شان داده بودند، نیست. از مسجد تا بیت رهبری و همه‌ی رؤسا را به کار واداشتند. خوشبختانه حاکمیت تنها توانست عده‌ی معدودی از صاحبان شرکت و اطرافیان‌شان را به عنوان کارگر هفت تپه بسیج کند، تا بتواند کارگران واقعی هفت تپه را به زانو دریاورد. در نتیجه این بخشی از جنگ است.

مسلم است که هیچ مرجعی، هیچ قانونی، هیچ کارفرمایی، هیچ دولتی، هیچ اداره‌ای و هیچ شخص ثالثی صلاحیت این را ندارد که پایان این اعتصاب را اعلام کند، مگر خود کارگران هفت تپه. آنها حق دارند هر تصمیمی بگیرند چون آنها اعتصاب کرده‌اند. اما اینها تنها بخشی از جنگ روانی‌ای است که در کنار زندان، تهدید، تلاش برای تفرقه افکندن و حيله‌هایی که در این دوره به کار گرفته‌اند، در پیش گرفته‌اند. می‌خواهند در میان کارگران انشقاق ایجاد کنند، تفرقه بیاندازند، چند دستگی ایجاد کنند، مرعوب‌شان کنند و فضایی ایجاد کنند که کارگر احساس کند راه دیگری ندارد. به همین دلیل تاکید می‌کنم که هر تصمیمی که گرفته می‌شود مهم این است که با توافق همه گرفته شود. اگر تصمیم بر ادامه‌ی اعتصاب است، با هم تصمیم بگیرند و حتی اگر تصمیم بگیرند که برای مطالبات خاصی اولتیماتم چندماهه به دولت بدهند و فعلاً به اعتصاب پایان بدهند، حق‌شان است که این تصمیم را بگیرند و خود آنها باید این تشخیص را بدهند و هیچ مرجعی از آنها صلاحیت‌دارتر نیست که تصمیم بگیرند چکار بکنند.

هیمن خاکی: شما در صحبت‌هایتان درباره‌ی هفت تپه به دستگیرشدگان اشاره کردید. ما در دو روز گذشته شاهد اخبار جدیدی از اعتصاب کارگران هفت تپه نبودیم با وجود اینکه موج حمایت‌ها همچنان ادامه داشته‌است. اعتراض و اعتصاب کارگران فولاد، امروز دانشجویان پلی تکنیک و دیروز دانشجویان دانشگاه رازی و حتی کشاورزان هم حمایت‌های خودشان را از هفت تپه اعلام کرده‌اند. شما فکر می‌کنید سرنوشت دستگیرشدگان چه می‌شود؟ اسماعیل بخشی، علی نجاتی و سپیده قلیان. چون در روزهای گذشته اخباری منتشر شد مبنی بر آزار و

شکنجی این افراد. و امروز اخباری منتشر شد که بر اساس آن اسماعیل بخشی از زندانی به زندانی دیگر منتقل شده است. در صورت تداوم یا توقف اعتصاب سرنوشت این دستگیرشدگان چه می‌شود؟

خالد حاج محمدی: این اعتصاب تا این لحظه دستاوردهای بزرگی داشته است؛ صرف نظر از اینکه نتیجه‌ی آن به کجا ختم شود. که می‌شود جداگانه به این مسئله پرداخت. اما تا آنجا که به دستگیرشدگان مربوط می‌شود یک حقیقت وجود دارد و آن هم این است که تلاش برای دستگیری، تهدید، اخراج، پرونده سازی، پاپوش دوزی و شایعه پراکنی برای رهبران در هر تحرک اعتراضی، بخشی از جدال حاکمیت است برای فلج کردن اعتراضات؛ که در اینجا کارگران هفت تپه و فولاد مد نظر ما هستند. تهدید، ربودن و ترور رهبران کارگری - خصوصاً رهبران دارای اتوریتته، هشیار، روشن بین و کمونیست - و تلاش برای سیل کردن آنها، نه تنها در ایران بلکه در تمام دنیا انجام می‌شود و به هزاران مورد از آن می‌توان اشاره کرد؛ از آمریکا گرفته تا هر جای دیگر. کاری که در جمهوری اسلامی سابقه‌ی فراوانی دارد. در نتیجه یک مسئله‌ی جدی برای هر بخش آگاه از جامعه، از جمله کارگران، مسئله‌ی دستگیرشدگانش است. الان اعتراضات معلمان، به شانزده آذر نزدیک می‌شویم و مسغله دانشجویهای بازداشت شده؛ همه‌ی اینها روی میز آن عده‌ای است که تصمیم می‌گیرند مردم را جمع کنند، فشاری اعمال کنند و مطالباتی را کسب کنند. این مسئله روی میز کارگران هفت تپه و فولاد هم هست. راستش را بخواهید آزادی آن سه نفری که شما به آنها اشاره کردید، یعنی اسماعیل بخشی، علی نجاتی و سپیده قلیان به عنوان حامی کارگران هفت تپه، امروز فراتر از هفت تپه، روی میز کل طبقه‌ی کارگر و کل جنبش آزادی خواهی در ایران است. رهبران کارگری و سخنگویان شان چشم و گوش جنبش اعتراضی طبقه‌ی کارگر هستند. امروز جامعه اسماعیل بخشی را نه تنها به عنوان رهبر اعتراضات هفت تپه، بلکه به عنوان عزیز خودش و پاره‌ی تن جنبش محرومان نگاهش می‌کند. امروز طبقه‌ی کارگر ایران نمایندگان هفت تپه و فولاد را به عنوان نماینده‌ی خودش می‌بیند. حفاظت از این افراد، دفاع از آنها، تلاش برای آزادی آنها و حتی تلاش برای اینکه خانواده‌هایشان در طول مدت زندان از لحاظ مالی محتاج نباشند بخشی از مبارزه است. و هر مبارز و هر مبارزه‌ای که اینها را در نظر نگرفته باشد بخشی از کارش ناقص است. فکر نمی‌کنم اینها فراموش شده باشند. کارگران هفت تپه اعلام کرده‌اند که تا اسماعیل بخشی آزاد نشود مذاکره‌ای صورت نخواهد گرفت و گفته‌اند که مذاکره کننده در زندان است! در نتیجه این مسئله روی میز کارگران هفت تپه است و دلیل اینکه این افراد را سیل می‌کنند این است که از این راه می‌توانند بیشترین لطمه را به اعتراضات کارگری بزنند. و فکر می‌کنم تلاش برای آزادی‌شان، صرف نظر از هر تصمیمی که کارگران هفت تپه - چه اکنون و چه در آینده بگیرند، روی میزشان است. و همانطور که گفتم آنها (کارگران) تصمیم می‌گیرند که چکار بکنند نه کس و جریان دیگری. به طور قطع دفاع از نمایندگان و سخنگویان کارگران به این دلیل یک پدیده‌ی جدی است.

در مبارزات کارگری همیشه رهبران و سخنگویان سیل هستند و به همین دلیل همیشه به بار آوردن یک نسل از رهبران و فعالین کارگری در دل جدالی که در جریان است یک عرصه‌ی مهم فعالیت کارگران هشیار، رهبران کارگری و فعالین کمونیست طبقه‌ی کارگر است؛ تا بتوانند وقتی کسی دستگیر می‌شود بلافاصله جمع دیگری

جایش را بگیرند. و با این کار اجازه ندهند فضای اعتراضی بخوابد، اجازه ندهند اعتراض بشکند، اجازه ندهند حاکمین و عوامل کارفرما نفوذ کنند و تفرقه بیاندازند؛ چیزهایی که در این مدت یک ماه بر روی کارگران هفت تپه و فولاد پیاده شده است و خوشبختانه تا این لحظه موفق نبوده‌اند.

هیمن خاکی: شما در صحبت‌هایتان در رابطه با دستاوردهای این اعتراضات و اعتصابات حرف زدید. دوست داریم کمی این بحث را باز کنید. خود این اعتراض و اعتصاب پس از اعتراضات دی‌ماه و خواست و مطالباتی که کارگران هفت تپه و فولاد داشتند تا کنون چه دستاوردهایی داشته است؟ همانطور که گفتید "صرف نظر از اینکه کارگران هفت تپه و نمایندگانشان چه تصمیمی می‌گیرند و این اعتصاب در آینده چگونه پیش خواهد رفت".

خالد حاج محمدی: در صحبت‌هایم اشاره کردم که در هر مبارزه‌ای که جمعی از افراد یا جمعی از کارگران آغاز می‌کنند و در یک مرکز اعتراضی صورت می‌گیرد، شرکت کنندگان و رهبران این مبارزه قطعاً به این امر واقف هستند که این همه‌ی کار نیست. اعتصاب هفت تپه و یا اعتصاب فولاد نه اولین اعتصاب است و نه آخرین خواهد بود. اعتصاب هفت تپه و فولاد با همه قدرت آن و اتحاد تا کنونی و دستاوردهایش هنوز در تویزی نیست و در سطحی نیست که بتوان مثلاً مانند اعتصاب کارگران شرکت نفت در دوران قیام تعیین تکلیفی جدی کند. هنوز آن شرایط و آن توازن به وجود نیامده است. در نتیجه این اعتصابات و هر اعتصابی ممکن است پیشروی‌هایی داشته باشد و بگوید "دو قدم به جلو برداشتم حالا یک قدم عقب می‌روم و خودم را برای دور آتی آماده می‌کنم".

کار و جدال ما تمام نشده است اما ت هم اکنون هم، این اعتصابات دستاوردهای جدی‌ای داشته است. اولین دستاورد این است که در این دوره هفت تپه و فولاد نزدیک به یک ماه مبارزه‌ی متحدانه‌ی ای را در مقابل کل حاکمیت و کل بورژوازی ایران به پیش برده‌اند. همه علیه‌شان متحد شده‌اند. کارگران تلاش کردند همه‌ی تاکتیک‌ها، همه‌ی توطئه‌ها، همه‌ی تبلیغات، همه‌ی نفاق افکنی‌ها، همه‌ی پاپوش دوزی‌ها و پرونده سازی‌ها برای فعالین و نمایندگانشان را افشا کنند و به حاشیه برانند. دستاورد دیگر این است که این کارگران اتحاد بالایی را از خودشان نشان دادند. توجه داشته باشید که نه تنها کارگران و خانواده‌هایشان بلکه مردم شوش، مردم اهواز و بخش‌های مختلف محرومان از کارگر و معلم و دانشگاه تا حمایت‌های جهانی به این اعتراضات پیوستند. امروز هفت تپه و فولاد به نماد مقاومت کل طبقه‌ی کارگر علیه فقر و استثمار و بی‌حقوقی تبدیل شده‌است. به همین دلیل است که می‌گوییم "اسماعیل بخشی و اسماعیل بخشی‌های هفت تپه و فولاد دیگر تنها از آن هفت تپه و فولاد نیستند، بلکه اینها به عنوان رهبران صالح و سخنگویان ده‌ها میلیون انسان کارگر فهیم و شریف آن جامعه در قلب‌ها جای گرفته‌اند و جامعه به آنها به عنوان رهبر خود نگاه خواهد کرد. امروز در چشم کسانی که در رأس فولاد و هفت تپه هستند اینها افرادی هستند که در دوره‌ای عروج کردند و نشان دادند که صلاحیت‌دارترین انسان‌ها و شخصیت‌ها و صلاحیت‌دارترین جنبش و طبقه برای اداره‌ی جامعه، جنبش و طبقه‌ی کارگر و رهبران آن هستند. اینها در قامت رهبران جامعه و به عنوان پاسخگو و مسئول در قبال جامعه ظاهر شده‌اند و این دستاورد بسیار بزرگی است. مدیا

در اختیار کارگر نبود، سد سانسور وجود داشت، همه‌ی درها به رویش بسته بود، رسانه‌های جمهوری اسلامی غیر از پاپوش دوزی و توطئه‌چینی چیزی نمی‌گفتند. اما کارگر هفت تپه و فولاد با همه‌ی این محدودیت‌ها، با بی‌پولی و بی‌امکاناتی، در رأس مبارزات جامعه‌ی ایران مطرح شده و در دل مبارزین راستین در جامعه‌ی ایران، که میلیون‌ها انسان هستند، جای گرفته‌است. علاوه بر این، تشکلات آنها و مجامع عمومی‌ای که شکل داده‌اند، هر بار جمع شدنشان به نام شوراها، به نام مجمع عمومی کارگری در هفت تپه و فولاد، دخالت مستقیم در همه‌ی این تصمیم‌گیری‌ها و رأی گرفتن اکثرشان؛ همه دستاوردهای این اعتصابات محسوب می‌شوند. همین الان که بحث پایان اعتصاب مطرح شده، خود کارگران هفت تپه یک نظر سنجی به راه انداخته‌اند و بر اساس سایت رسمی‌شان نودوشش درصد کارگران هفت تپه گفته‌اند که به اعتصاب ادامه می‌دهند. این دخالت کردن‌ها همان پروسه‌ای است که کارگران از طریق آن خودآگاه می‌شوند، منافع خودشان را می‌شناسند و اینکه قدرتشان در باهم بودن و اتحادشان است را عملاً حس می‌کنند. و این احساس و این توان که در مقابل کل حاکمت در یک جامعه‌ی بزرگ مانند جامعه‌ی ایران و یک حاکمیت تا دندان مسلح چهل ساله، متحدانه ایستاده‌اند و تا امروز مقاومت کرده‌اند دستاورد بسیار بزرگی است. و این باعث می‌شود که طبقه‌ی کارگر در ایران به هفت تپه و فولاد به عنوان جوانه‌های یک مقاومت عظیم پرولتاریای صنعتی عظیم در خاورمیانه نگاه بکند. و مصداق اینکه "اگر بخواهم می‌توانم و اگر مانع سر راهم را رفع کنم می‌توانم و قدرت دارم". و تنها در دو مرکز! و اینها تنها چند درصد از کارگران ایران هستند. و در ذهن طبقه‌ی کارگر و در ذهن این کارگران، تشخیص جایگاه و اهمیت دخالت مستقیم از کانال مجامع عمومی کارگری و تشکلات کارگری‌ای که داشتند، دستاورد بسیار عظیمی بود.

قبلاً هم اشاره کردم؛ امروز جامعه از دل این تجربه، رهبران کارگری را در قامت سخنگویان و رهبران یک جنبش که بسیار عظیم و بزرگ است می‌بیند و آنها را گرمی می‌دارد. به همین دلیل است که می‌گویم؛ حفاظت از اسماعیل بخشی یا علی نجاتی یا هر کسی که از آنها دفاع کرده مانند سپیده قلیان، و افراد دیگری که پرونده‌هایشان در مراکز امنیتی و پلیسی موجود است مهم است. فعلاً اسماعیل بخشی و علی نجاتی را دستگیر کردند و فرداروز کارگران فولاد در این پروسه قرار می‌گیرند. این افراد از این پس نمایندگان جامعه هستند. تمام تلاش در سالیان گذشته اینگونه بود که رهبر کارگری ظاهر نشود، جامعه او را نشناسد؛ اما این کارگران این سد را شکستند. و همچنین سد سانسور، سد استبداد و موانعی که در مقابلش بود. و در گوشه‌ای از ایران یک اتحادی را به وجود آورده‌اند که برای مبارزات آینده دستاورد بسیار بزرگی محسوب می‌شود. به هر حال می‌توان از زوایای مختلف به آن پرداخت. نسلی از کارگران آمدند و صحبت کردند، طیفی از زنان جلو آمدند؛ اینها همه دستاوردهای ارزشمندی است و میتوان به این لیست اضافه کرد.

هیمن خاکی: بله؛ مسئله‌ی حضور زنان به عنوان سخنران و سازمانده، که به آن اشاره کردید واقعاً در تاریخ اعتراضات ایران بی‌سابقه بود. در این رابطه می‌توانیم یک برنامه‌ی اختصاصی داشته باشیم و جنبه‌های متفاوت آن

را بررسی کنیم. البته لازم می‌دانم اشاره کنم که علاوه بر اسماعیل بخشی، علی نجاتی و سپیده قلیان، "محمد امیدوار" و "شهین پیشاهنگ" هم دستگیر شده‌اند. این خبر مربوط به چند روز گذشته است اما اخبار منتشر شده بیشتر حول آن سه نفر بوده است.

اما به عنوان سوال آخر؛ شما به این اشاره کردید که این جنگ آخر نیست و راجع به دستاوردهای اعتصاب هم صحبت کردید. چگونه می‌توان در دل این تحركات و سرکوب‌ها و تفرقه افکنی‌ها برای جنگ آخر آماده شد؟ چون اعتراضات محدود به هفت تپه و فولاد نمی‌شود. بعد از اعتراضات دی‌ماه می‌بینیم که هر روز و در گوشه و کنار ایران اعتراضات و اعتصابات وسیعی در جریان است. و می‌بینیم که مردمی که نمی‌توانند زندگی‌شان را به پیش ببرند برای خواست و مطالباتشان به میدان آمده‌اند. از جهات مختلف از سوی معلمان، دانشجویان، کارگران، کشاورزان و بخش‌های متفاوت. در دل این اتفاقات و با توجه به دستاوردهای اعتراضات هفت تپه و فولاد، شما فکر می‌کنید چطور می‌شود برای جنگ آخر آماده شد؟

خالد حاج محمدی: من تنها به چند نکته اشاره می‌کنم. ببینید پروسه مبارزه برای ما پروسه‌ی آماده کردن جنبش‌مان و طبقه‌مان است برای اینکه بتواند امتیازات بیشتری بگیرد. کارگران هفت تپه حتی اگر به مطالباتشان برسند، حتی اگر شرکت را از بخش خصوصی بگیرند و یا دولت مطالباتشان را تضمین کند که حق دارند این تضمین را بخواهند، باز هم به طور واقعی از بردگی‌هایی نمی‌یابند. به نظر من جدال برای پایان دادن به بردگی و برابری خواهی سرلوحه‌ی مبارزات این دوره‌ی کل جامعه از جمله طبقه‌ی کارگر است. اگر توجه کنید در بخش دستاوردها اشاره کردم که اعتصاب هفت تپه و فولاد مهر خود را بر کل فضای سیاسی جامعه زده است. مبارزه امروز برای بهبود از زاویه جریان و جنبشی که می‌خواهد به بردگی و به کار مزدی خاتمه‌ی قدمی جهت ایصال آمادگی و خشتی از دیواری است که می‌خواهیم بسازیم. این باید افق حاکم بر جنبش و اعتراض ما باشد. اما در کل این ماجرا در عین حال باید به عنوان کارگر رهبرانت را بسازی، اتحادت را حفظ کنی و آن مسائل و موانعی که باعث می‌شوند در آن جامعه کارگر را فریب بدهند و کارگر اعتماد به نفس نداشته باشد و برای به دست گرفتن قدرت آماده نشده باشد و متحزب نشده باشد، را از میان برداری. ناسیونالیسم، مذهب، تبلیغات هر روزه‌ی حاکمیت، سمی که می‌باشد، انشقاقی که در طبقه‌ی کارگر ایجاد می‌کند؛ این‌ها را باید کنار زد، طبقه را به جلو برد، اتحاد را به جلو برد. به همین دلیل تاکید می‌کنم که حتی اگر قرار باشد به اعتصاب پایان دهید و قرار باشد عقب نشینی کنید باید همه تلاشت را بکنی که متحد بمانید و متحد عمل کنید و عقب بنشینید. باید شبکه‌ها را ساخت، به جاهای دیگر وصل شدن، این‌ها همه مهم هستند. و خصوصاً کمونیست‌ها و رهبران هشیارشان و آنهایی که کل افق پیروزی را می‌بینند، آنهایی که تنها به همین مبارزه‌ی امروز فکر نمی‌کنند و می‌دانند که در دل این مبارزه‌ی امروز آمادگی ایجاد می‌شود، یک قدم به جلو برمی‌دارند، اتحادی ایجاد می‌شود، موقعیت بهتری را فراهم می‌کنند، چند دستاورد به دست می‌آورند و زندگی قابل تحمل‌تری به دست می‌آورند تا طبقه‌ی کارگر بتواند فرداروز کل بورژوازی را به زیر بکشد. محافل کمونیستی، شبکه‌های کمونیستی، تحزب کمونیستی در خودشان ایجاد کردن، صندوق‌های کمک به اعتصاب را سازمان دادن، شبکه‌ای از انسان‌های مهم و شرافتمند جامعه را به خود جلب

کردن و دهها مسغله دیگر در راه ما است. تبدیل شدن به قدرت، از پراکندگی در آمدن، سراسری شدن مبارزات، عروج شبکه‌ای از رهبران، هزاران اسماعیل بخشی از شرکت نفت و ماشین‌سازی‌ها و مراکز دیگر کارگری سر بر آوردن؛ این‌ها همه اقداماتی هستند که می‌توان انجام داد تا آمادگی ایجاد کرد برای جنگ نهایی و به زیر کشیدن حاکمیت و پایان دادن به استثمار. مبارزات امروز باید کمک کند؛ هم باید بهبود زندگی را تامین کند تا زندگی مقداری قابل تحمل تر بشود و مطالبات رفاهی را به حاکمیت تحمیل کند و هم طبقه‌ی کارگر را در موقعیتی قرار بدهد که از تشکل‌های صنفی، سیاسی و حزبی خودش بهره‌مند شود. بلاخره یک روزی باید به این وضعیت پایان بدهد، به حاکمیت بورژوازی، به تبعیض و کار مزدی باید پایان داد و طبقه‌ی کارگر برای این امر به کمونیسم‌ش نیاز دارد. به همین دلیل این‌ها چیزهای ماندگاری هستند در دل این مبارزات و در هر مبارزه‌ای، و باید بتوانید پایه‌های استقلال سیاسی و طبقاتی طبقه‌ی کارگر را در خودت بسازی! و گرنه در یک سال گذشته چندین اعتصاب کارگری در ایران صورت گرفته‌است و در دل هر کدام از این اعتصابات یک قدم به جلو آمده‌ایم اما باید برای آن افق سوسیالیستی نیرو آماده کنیم. برای حکومت کارگری و آن آینده‌ای که ترسیم می‌کنیم؛ که بدون استقرار سوسیالیسم غیر ممکن است که به پایان سیستم بورژوازی رسید. این را باید ساخت. و مبارزات امروز برای هر کارگر آگاه و کمونیست پله‌ای است در راه رسیدن به این هدف و پایان دادن به استثمار و بردگی.

چهارم دسامبر ۲۰۱۸

عملیات ایدایی بزدلانه جمهوری اسلامی در هفت تپه

مصطفی اسد پور

دستگیری سخنگویان اتحادیه هفت تپه شاخص هیچ تحول معینی در کشمکش میان کارگران و جمهوری اسلامی (در تمام هیئت دولت سرکوبگر و طبقاتی آن) نیست. همانگونه که صدای آژیر بازگشت بکار تعدادی از کارگران (گیریم اعتصاب شکن) مطلقاً به معنای پایان، تا چه برسد، به معنای "شکست اعتصاب" نمیتوانست باشد. صد البته با آژیتاتورها در زندان، صف اعتراضی در خیابان ضعیف تر است. ناگفته پیداست تلاش برای سلامتی و آزادی دستگیرشدگان وظیفه همه دوستاناران آزادی و حق طلبی است. ناگفته پیداست که آزادی زندانیان یک پیروزی بزرگ است. اما نباید در دام یک مبارزه تک وجهی فرسایشی افتاد. اسباب تعجب بسیار است که تعداد هر چه بیشتری بخصوص از حامیان این اعتراض امروز را برای فصل بندی اعتراضات انتخاب کرده، از بزرگداشت دوره قبل، وازتداوم این درسها در آینده پیش رو سخن به میان آورده اند. با همه سایه روشنهای، با همه شکوه معانی، با همه نیت خیر چشمگیر نوشته ها؛ اما این تلاشها در فضایی از قهرمانان در بند، مقاومت سنگرهای پراکنده در پایان حزن آلود نبردی بزرگ؛ میان گذشته و آینده، دقیقاً امروز این اعتصاب را به حاشیه میبرد.

هفت تپه توسط نیروی بسیار برتر تصرف شد، اما کارگران شکست نخوردند. تاریخ هرگز ارتش و ماموریتی خفت انگیزتر را بخود ندیده است. اعزام گارد تا دندان مسلح با برقراری نظم و قانون توجیه شد، ادعایی که بخودی خود از جانب دولتی که پرونده رسمی سرقت اعضا و عموزادگان آنها از دستمزد و صندوق بیمه میلیونها کارگر برای هفت بار به توپ بستن بارگاه آن کفایت داشت؛ حتی برای دردانه های خانه کارگری بیش از حد شلخته و فکاهی بنظر میرسید. اما در محدوده اعتصابیون هفت تپه خبر اعزام نیروی ویژه، به مصداق تمام عیار تف سر بالا، بجای نمایش قدرت، سوالات سمج پردردسری را سریش ریش حضرات میساخت:

کدام نظم؟ همان نظمی که جمع الجمیع استانداری و انتظامی و امام جمعه با مجاهدت تمام با بیگاری و کار بردگی مضاعف دستمزد معوقه خون صغیر و کبیر یک نسل از یک شهر را فقط به جرم تبار کارگری آنها در شیشه کرده بودند؟

کدام قانون؟ همان قانونی که زندگی و هستی هزاران انسان، سلامتی و نیازها و آرزوهای نسل اندر نسل آنها را با یک چرخش قلم به طوفان سودهای باندازه کافی بلندپروازانه و وحشی هر الدنگ سرمایه پرور میسپارد، قانونی که برای مهندسی تهیدستی و تباهی بناگزیر کارگران حتی یاهوهای صبر و رونق را الزامی نمییاند.

پس از دو هفته این پا و آن پا گردان ویژه در کناره شرکت و صنعت هفت تپه خیمه و خرگاه خود را بر پا داشت. این یک اشغال نظامی بود، اما همه هارت و پورت و مارش فاتحانه در آن از پیش ممنوع اعلام شده بود. برای اعزام واحدهای مجری قانون و نظم جمهوری اسلامی ناچار بود خود نظم و قانون را قربانی کند. در این فاصله تمام تلاش رسانه ها و دواير دولتی در یافتن توجیهی برای حمله به کارگران به عکس خود تبدیل شد و دست آخر جز یک قاب دستمال مصرف شده از خانه قانون باقی نماند. ساختمان مجلس در میدان بهارستان به یک آبریزگاه عمومی از اظهارات و تصمیمات و مقاصد پلید نزول پیدا کرد که خفه خون ساکنان آن برای حفظ جان سربازان و گروهبانهای از همه جا بی خبر گردان اعزامی از گزند شورش مردم عصبانی ضروری بنظر میرسید.

از پس این شرایط چیز دیگری جز یک موجودیت رقت آمیز از شاه برگ لندهور سرکوب کارگری جمهوری اسلامی نمیتوانست باقی بماند: دستور حمله به اجتماع کارگران زمانی که اجتماع پایش را از محدوده "مطالبات صنفی" فراتر میگذازد! حمل یراق و دراق آنچنانی، ترساندن و سرکوب بدون آنکه خون از بینی کسی جاری گردد! این دستورات و آنهم در هفت تپه و در مصاف با سندیکایی های هفت تپه را فقط میتوان به حساب شوخی قرن نوشت.

آگاهی از جزئیات کشمکش با گارد اشغالگر سرکوب را باید به زمان مناسب و از زبان رهبران کارگری موکول کرد. کنترل یک شهر، قدرت دوفاکتو کارگری، نقش اتحادیه و تشکل کارگری در محلات... این تجربیات، بعد از معدنچیان بافق و هپکو در اراک به روال معمول کشمکشهای کارگری در ایران تبدیل میشود. از جزئیات مورد هفت تپه همانقدر که پیداست کسی را از شکل گیری یک قطب قدرت کارگری در شهر شوش گریزی نیست. تحت سیطره این قطب قوانین و نظم حکومت مرکزی باطل، و از نظر استانداری و سایر ادارات بی صاحب بود. در سیطره قدرت کارگری، همانقدر که بود، مالکیت بورژوازی و سودجویی کارفرما ملغی اعلام گردید. و نباید از قلم انداخت، قدرت واقعی قطب کارگری هفت تپه، نه در آنچه کرد، بلکه در آنچه در توانش بود نهفته است.

ماه های آبان و آذر، پنج هفته از اعتراضات هفت تپه را باید دوره تشویش و شور در سراسر ایران نام داد. این دوره ایست که در آن علاقه مندان در این باب تفحص میکنند که: هفت تپه با ایران و سرنوشت آن چه کرد؟ دوره ای است که شطرنج معادلات و معاملات معرکه گیران ضد رژیم فوراً و عمیقاً نیاز به بازبینی پیدا کردند.

تا آنجا که مستقیماً به کارگران مربوط میشود، دوره زور آزمایی هنوز باز و بخش پایانی آن نانوشته است. هنوز کسی نمیداند کی، چقدر و چطور هفت تپه چند و چون مبارزات طبقه کارگر در ایران را تحت تاثیر قرار خواهد داد. چرا هفت تپه نباید در قامت منطقه ای و سراسری به خود بنگرد؟ چرا نباید هفت تپه در همین اشل به سندیکای

خود، به عضویت و شرایط و انتظارات از اعضا بیاندیشد؟ بدون پاسخ روشن و تعیین تکلیف با سؤالاتی از این دست پرونده حکومت دو فاکتوی آذر ماه شوش و هفت تپه باز خواهد ماند.

دستگیریه‌ها و چاره جویی فوری و قاطع برای آن یکی از مسایل پیش روی سکانشادان سنديکا و اعتراضات هفت تپه است. امروز دولت چماقداران گارد ویژه را در "عملیات ایدایی" بر علیه حرکات کارگران بکار انداخته است تا آنها را از کاری که واقعا میخواهند و واقعا میتوانند منحرف سازند. عملیات ایدایی بزدلانه، گروگانگیری، فرسودگی، پرووکاسیون، اخراج و توسل به محدودیت مالی کارگران و سنديکا؛ اینها حداکثر کاریست که جمهوری اسلامی چه دیروز و چه امروز از دست خود ساخته دیده است. و این اتفاقا خاصیت اصلی جمهوری اسلامی برای موجودیت و تداوم سیادت بورژوازی در ایران و منطقه است، که وقت بخرد؛ تمام ظرفیتهای اعصار طبقه بورژوا در بردگی طبقه کارگر را تا میتواند و بلا مانع به روی خود و به روی جامعه استفرغ کند؛ آنچنان جامعه و انسانیت را در هم بکوبد که یک فوکول و کراوات و عربده های نظم مشروطه نوین جامعه فرض شود.

هنر بزرگ کارگران هفت تپه در اینست که جبهه های تازه را بنا به امیال و مصالح خود، و خطاب به کل طبقه کارگر ایران بکشایند. درخشش هفت تپه در آسمان سیاسی ایران در تعلق آن به رگه "حکومت کارگری، همین الان!" نهفته است: به درک که بورژوازی بحران دارد، سوز و گداز بورژوازی برای استثمار بهتر، در اقتصاد خود کفای ایران و در سایه نظم و قانون پیراسته تر، همگی پیش کش! هفت تپه پژواک تازه ای از این رگه در جنبش کارگری در ایران (و در جهان) است که آینده بهتر را از همین امروز و با خشتهای برابری و آزادی برگشت ناپذیر انسانها باید ساخت.

آزادی زندانیان هفت تپه ادامه کاری است که در شهر شوش و اراک و اهواز ناتمام ماند، کاری که با فتح باستیل به پایان نمیرسد.

موج سرکوب و تفرقه را فقط با اتحاد محکم می توان پس زد!

اعتصاب بیش از یک ماه کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز، همزمانی این اعتراض برای دستمزدهای معوقه و علیه حیف و میل تولیدات دسترنج کارگران توسط سرمایه داران و دولتی ها، با حمایت وسیع کارگران، معلمان، دانشجویان در سراسر ایران و در سطح بین المللی مواجه شده است. در این مبارزه طبقاتی، کارگران با آگاهی بالای طبقاتی خود بر اتحاد و ایجاد تشکل مستقل و توده ای کارگری، متکی به مجامع عمومی و شوراهای کارگری تاکید کردند. کارگران اعتصابی با این دستاورد بزرگ طبقاتی که نقطه عطفی در جنبش مستقل کارگران علیه سرمایه دارن و دولتشان است، بعلاوه، منافع و خواسته های کل محرومان جامعه را که رهایی از فقر و نداری و بیکاری و گرانی و فلاکت محض است، نمایندگی کردند.

جنبشی که نه فقط شوش و اهواز را که کل جامعه را به تصرف خود در آورد. دانشجویان، معلمان، پرستاران، و کلا، زنان و مردن آزادیخواه، از تهران تا زنجان و کرمانشاه و سنج همه بعنوان متحدین کارگران هفت تپه و فولاد به میدان آمدند.

در مقابل، دولت سرمایه داران هم از طرفی با موج سرکوب و دستگیری رهبران کارگران هفت تپه و متعاقبا تهدید تلفنی و احضار ده ها کارگر هفت تپه و فولاد و فعالان دانشجویی و خبرنگاران و از طرف دیگر با ایجاد تفرقه در صفوف کارگران اعتصابی تلاش میکند یقه خود را از این مبارزه حق طلبانه، از این شبخ عدالتخواهانه و کارگری رها کند.

شکی نیست که این شگردها برای کل طبقه کارگر و محرومان جامعه آشنا و شناخته شده و برای کارگران اعتصابی هفت تپه و فولاد قابل پیشینی بوده است. این تلاش مذبحانه برای سرکوب و ارباب و تفرقه را باید با قدرت تمام عقب راند.

اولین گام و شرط پیروزی در هر مبارزه و اعتصاب کارگری حفظ رهبران و نمایندگان کارگری و تامین و تضمین رهبری جمعی است. مقابله با سرکوب و تفرقه جزء لاینفک هر اعتصاب و اعتراضی است. سرمایه دارن و دولت را باید متوجه کرد که با دستگیری رهبران کارگری و تهدید و سرکوب و ارباب کارگران، نمی توانند، کارگر بی اجر و مزد را به سر کار بفرستند. همانطور که برده داران نتوانستند بردگان را با شلاق و تهدید مادام العمر بعنوان برده نگاه دارند.

نقطه قدرت بزرگ اعتصابات اخیر، اتحاد یکپارچه و حضور اکثریت کارگران معترض و حاضر در تجمعات و اعتصاب بود. کارگرانی که توانستند چنین قدرتی را به میدان بیاورند باید بتوانند، رهبران خود را از زندان های رژیم آزاد و مانع تفرقه در صفوف خود شوند. گام بعدی پیروزی کارگران آزادی همه دستگیر شدگان و پشیمان کردن سرکوبگران از تهدید و ارباب است. موج سرکوب و تفرقه را فقط با حفظ اتحاد محکم می توان پس زد!

کارگران هفت تبه و فولاد!

رفقا!

شما در مبارزه علیه فقر و بیکاری و گرسنگی و مجبور کردن بخشی از کارگران به کار بی اجر و مزد به نام معوقه ها و سرپیچی از تامین امنیت شغلی کارگران، تنها نیستید. ده ها میلیون کارگر و خانواده هایشان و محرومان جامعه مانند شما از این مصیبت و بلایای سرمایه داران و دولتشان رنج می برند. سکوت بخش عظیم تر طبقه ما، نشانه بی تفاوتی به این زندگی فلاکتبار و به مبارزه شما نیست، امروز قلب طبقه کارگر و محرومان جامعه با قلب شما می تپد. شما به همت رهبران و اتحاد یک پارچه تان تا کنونی تان، دستاورد عظیمی از آگاهی طبقاتی، اتحاد و مبارزه پیگیر را برای کل طبقه کارگر به ارمغان آوردید. همزمان درس خوبی هم به سرمایه داران و دولتشان دادید که نمی توانند دستمزد و دسترنج کارگران را بالا بکشند و با سرکوب و ارباب و تهدید، جواب اعتراض کارگر را دهند. سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن که اکنون توسط وزیر کار و دبیر خانه کارگر، اجرا و با همراهی تعدادی از برادران فریب خورده تان اجرا می شود، شرم آور و مایه ننگ شان است.

در مقابل این سیاست کثیف و همزمان سرکوب و ارباب باید متحد تر و محکم تر و مصمم تر ایستاد. اعتصاب شما با آزاد کردن همه دستگیر شدگان و محکوم کردن تهدید و تعقیب و ترساندن کارگران، یک دستاورد دیگر اعتصاب پیروزمند و باشکوه شما است. این حربه دشمنان طبقه کارگر و محرومان جامعه را باید از دستشان انداخت. پرداخت فوری معوقه ها قابل گذشت نیست. امروز، این دو مطالبه از مطالبات اصلی و اساسی اعتصاب شما است. با این دستاوردها جنبش حق طلبانه ی شما به چنان پیشروی ای دست می یابد که مطلقاً قابل بازپس گیری نیست. مبارزه متحدانه شما جلوه ای از اعلام آمادگی و خصلت و توانایی رهبری مبارزه و اعتراض کل محرومان و گرسنگان جامعه است. این دستاورد و قدرت متحد طبقاتی شما چشمان کل طبقه کارگر را به این نقش رهایی بخش باز کرده و میکند.

زنده باد اعتصاب پیروزمندان

زنده باد شوراهای کارگری

زنده باد اتحاد مستحکم تان برای آزادی دستگیر شدگان و پیشرویهای بیشتر!

حزب کمونیست کارگری حکمتیست - خط رسمی

شبح هفت تپه بر فراز ایران

خسرو کشاورز

موج اعتصاب و تحصنی که از هفت تپه و بعد فولاد اهواز شروع شد، در روزهای سرد دیماه وارد مرحله دیگری از پیکار خود شده است. با تمام کارشکنی‌ها و موج سرکوب و احضار فعالان کارگری در فولاد اهواز، کارگران در مجمع عمومی که با حضور اکثر کارگران تشکیل شد بر تداوم اعتصاب تا رسیدن به خواسته‌های خود تاکید کردند. آن طرف تر در هفت تپه، با تداوم بارداشت و شکنجه اسماعیل بخشی و وعده و وعیدهای کارفرمای هفت تپه به کارگران، نه تنها هیچ کدام از خواسته‌ها و مطالبات اصلی که کارگران در سی و پنج روز اعتصاب مداوم خود بر روی آن تاکید کرده اند، محقق نشده، بلکه حلقه‌های نهایی برای از سرگیری دوباره اعتصاب به صورت علنی و جمعی در جریان است. آنچه که در هفت تپه می گذرد، برخلاف تبلیغات رژیم که گزارش از پایان اعتصاب داده بود و برخی محافل ظاهرا مدافع کارگر هم به استقبال پایان اعتصاب رفته بودند، عدم حضور اکثر کارگران این مجتمع در محل کار خود است. بنا بر گزارشاتی که کانال مستقل هفت تپه و سندیکای نیشکر هفت تپه منتشر کرده، نه تنها پایان اعتصاب به معنای حضور تمامی کارگران در محل کار خود اتفاق نیفتاده، بلکه کارگران در تلاش اند که اعتصاب خود را به صورت علنی تر و همانند سی و پنج روزی که این کار را به صورت جمعی به پیش بردند به همگان نشان دهند. شرایط عینی و مادی که کارگران هفت تپه با آن رو به رو هستند تعیین کننده تداوم مبارزه آن‌ها در روزهای آتی است، نه آنچه که تشکل‌های مختلف در اظهارنظرهای غیرمسئولانه به عنوان نماینده کارگران و همصدا با اعتصاب شکن‌ها به پیش می‌برند. این روزها، موج همبستگی در دانشگاه‌های ایران با کارگران هفت تپه و فولاد اهواز هر چه رساتر از روزهای اوج اعتصاب بلنتر شده است.

اگر در سال ۸۶ و ۸۷ صدای دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در دانشگاه‌های ایران فریاد "کارگر، دانشجو، معلم، اتحاد! اتحاد" را سر می‌داد، امروز این صدا هر چه رساتر و بلندتر و همصدا با فریادهایی که در خیابان‌های اهواز و شوش سر داده می‌شود در تهران، بابل، سمنان، کرمانشاه و شیراز شنیده می‌شود. اگر در سال‌های دهه هشتاد، جریان‌های راست و ناسیونالیستی در دانشگاه از هر حربه‌ای استفاده می‌کردند که موج طبقاتی و سرخ برخاسته از دانشگاه را فراطبقاتی، ملی، زرد و یا فیروزه‌ای کنند، امروز پیکار طبقاتی در جامعه به نقطه‌ای رسیده

است که پژوهش هر چه رساتر در دانشگاه‌ها شنیده می‌شود و صدایش آنقدر رساست که جایی برای هرگونه پیچ‌پیچ و نجوایی نگذاشته است.

از نقطه نظر همبستگی با هفت تپه در ابعاد داخلی و خارجی و از نقطه نظر گزارشاتی که کارگران هفت تپه از اتفاقات چند روز گذشته می‌دهند، تصویر واقعی‌تر و شفاف‌تری از آنچه که امروز در ایران می‌گذرد، به دست خواهد داد. این تصویر با صدای رسایی که در خود دارد، اگر چه ممکن است بخشی از فرصت طلبان را که مدال‌کاری بر سینه خود آویزان کرده‌اند، بیدار نکند، اما در حداقل‌ترین شکل جریان راست را که هیچ مدال‌کاری بر سینه ندارد مجبور کرده است مدال هفت تپه و فولاد اهواز را برای روزهایی و برای خریدن اعتبار به خود آویزان کند.

تضمین پیشروی و پیروزی هفت تپه و فولاد اهواز علاوه بر اینکه در گرو تداوم مداوم مبارزه کارگران در اهواز و شوش است، بلکه ارتباطی ناگسستنی با مشارکت دیگر بخش‌های طبقه کارگر در سایر شهرها و مراکز را دارد. اگر چه در یک ماه گذشته شاهد موج همبستگی بی‌سابقه کارگران در مراکز تولیدی و صنعتی مختلف ایران با اعتصاب کارگران هفت تپه بودیم، با تمام لزومی که این نوع همبستگی‌ها می‌تواند ایجاد کند، اما برای تضمین پیشروی و پیروزی کافی نیست.

جنبش برپا خاسته از هفت تپه از یک ماه پیش برای جامعه ایران توده‌ای شده و خبر آن در هر شهری و در هر جمعی دهن به دهن می‌گردد. از واکنش کج‌دار و مریض سلبریتی‌ها تا کشاندن بحث هفت تپه به صدا و سیمای جمهوری اسلامی و به نوعی تا واکنش اجتماعی و سیاسی جامعه ایران در فضای مجازی، نشانه‌های مهمی است که پس از سال‌ها جنبش کارگری توانست خود را توده‌ای کند و به خبر اول رسانه‌هایی تبدیل سازد که همیشه با اکراه خبرهای این جنبش را پوشش می‌دادند. پیش از این و از دهه هشتاد و با احیا و بازگشایی دوباره سندیکای نیشکر هفت تپه، این تشکل توانست بارها اعتراضات و اعتصابات هفت تپه را هدایت کرده و در این راه هم‌رهبران این سندیکا بارها تهدید و بازداشت شدند. به جرات می‌توان گفت که از سال هشتاد و چهار به بعد سالی نیست که هفت تپه رنگ اعتراض و اعتصاب را به خود ندیده باشد. کارگران هفت تپه سیزده سال است که با معضلاتی چون اخراج، حقوق یک ماه در میان و معوقه و بیمه‌های پرداخت نشده دست و پنجه نرم می‌کنند، یعنی سال‌هایی که حتی هفت تپه مستقیماً توسط دولت اداره می‌شد، تمامی این معضلاتی که امروز در این کارخانه عظیم با چهار هزار کارگر شاهد آن هستیم، در آن دوره هم موجود بود. در سال ۱۳۹۳ و با واگذاری شرکت به دو جوان میلیاردی ۲۸ ساله و ۳۱ ساله که در مزایده‌ای هفت تپه را به ثمن بخش خریدند، تعرضی که در دوران دولتی بودن هفت تپه به کارگران شروع شده بود، آشکارتر گشت. در زمانی که میلیاردهای جدید مدیریت هفت تپه را بر عهده گرفتند، درست در زمانی که دویست و هشتاد میلیارد تومان حق بیمه کارگران را پرداخت نکرده بودند، سرگرمی‌های فوتبالی مدیریت جدید، به اسپانسر می‌تیم استقلال خوزستان توسط مجتمع نیشکر هفت تپه منتهی شد. اما اعتراض کارگران هفت تپه از سال ۱۳۹۶ به بعد رنگ دیگری به خود گرفت. دیگر بحث بر سر

حقوق های یک در میان و حق بیمه های پرداخت نشده نبود. اعتصاب هفت تپه پس از سیزده سال و پس از احیای سندیکای خود، پوسته هایی که سرمایه داری خصوصی و دولتی به آن تحمیل کرده بود را کم کم پاره کرد و پا به عرصه جدیدی نهاد. عرصه ای که یک ماه اداره کارخانه را توسط خود کارگران و توسط شوراهای آن ها را در مقابل فرمانداری شوش فریاد می زد و خواسته ای را پیش پای دولت قرار داد که امکان تحقق آن تنها در گرو شورایی کردن کارخانه با اعمال قدرت خود کارگران است. همه می دانستند که جوان های میلیاردی مدیریت هفت تپه که در روزهای اعتصاب معلوم نبود در کدام جزیره نیلگون و مرجانی در مقابل آفتاب ریلکس کرده اند، به راحتی مالکیت شان را واگذار نمی کنند و در عین حال کارگران بر این آگاه بودند که دولت پشت کارفرمای خصوصی را برای کارگران خالی نمی کند. کارگران هفت تپه در یک ماه گذشته دست آوردهای بزرگی را برای جنبش کارگری ایران رقم زدند.

تحمیل پایان اعتصاب از طرف اعتصاب شکن هایی که توسط شورای اسلامی کار و خانه کارگر تطمیع شده اند نه تنها نمی تواند جنبش هفت تپه را متوقف سازد، بلکه تجربه بیش از سیزده سال اعتصاب و تحصن کارگران نیروی بزرگی است که هیچ کدام از این تهدیدها نمی تواند صف متحد کارگران هفت تپه را بر هم زند. ممکن است که هفت تپه بار دیگر با سرکوب و ارباب و بازداشت و دستگیری برای ماه هایی خاموش باشد، اما شبوحش بر فراز ایران و بر روی هر مرکز تولیدی در حرکت است. این شبوح ممکن است که فردا در کارخانه پتروشیمی ماهشهر باشد و روز دیگر بر فراز شهرک صنعتی قزوین بچرخد.

جنگ ما با دستگیری

در حاشیه دستگیری های "پسahفت تپه"

ثریا شهابی

اگر جمهوری اسلامی، تاریخا و ماهیتا چهار دهه با زندان و شکنجه و دستگیری و اعدام و موشک باران کردستان، امروز به فردا کرده است!

اگر در تمام طول حیات اش، زنده نگاه داشتن هیولای ارباب و ترس از زندان و شکنجه و سازماندهی "قیامت" ها و توسعه "لعنت آباد" ها، "خاوران" ها، "و جنگ با" کفار "و" دشمن خارجی "و میلیتاریسم، همه هستی ایدیولوژیک جمهوری اسلامی را، می ساخت!

اگر برپایی شوهای "توایت" و گرفتن "شهادت علیه وجدان خود" به زور شکنجه جسمی و روحی، سرکوب و نسل کشی های پی در پی از جوانان و نوجوانان پرشور و خوش بین و امیدوار به آینده، ترورها در خارج از کشور و قتل های زنجیره ای در داخل، امکان ادامه حیات ش را فراهم میکرد!

اگر همه این ها در گذشته نه چندان دور، اصلی ترین سوخت روشن نگاه داشتن کورسوی "امید" به بقا در دل هر دو جناح جمهوری اسلامی ایران، بود! امروز، و امسال، ورق تماما برگشته است. یک سال است که توازن قوا کاملا وارونه و برعکس شده است.

از دیمه سال گذشته و شورش و طغیان محروم ترین بخش های جامعه در بیش از یکصد شهر و روستا، و اعلام رسمی و با صدای رسا میلیونها نفر از محروم ترین شهروندان ایران که "اصول گرا اصلاح طلب، دیگر تمام است ماجرا"، از آن زمان، توازن قوا تماما وارونه شد! توازن قوا عوض شد، اما هنوز "سیال" بود! هنوز بازی با کارت میلیتاریسم در منطقه، هنوز بازی با ورق "دیپلماسی خارجی"، میتوانست کورسوی امید نظام را، روش نگاه دارد. اعتصابات کارگری در هفت تپه و فولاد اهواز اما، واسطه ها و بهانه ها را تماما کنار زد و دشمنان مردم را لخت و عریان و بدون حفاظ در مقابل مردم قرار داد.

طغیان دیمه، که با اعتصابات آگاهانه، سازمان یافته، طولانی مدت و در جریان هزاران کارگر صنعتی نیشکر هفته تپه و بدنال آن فولاد اهواز، جدال پایین با بالا را کیفیا به سطح دیگری و به بالاترین سطح خود در تاریخ معاصر ایران رساند، رابطه بالا و پایین را بطور قطع، تغییر و توازن قوا را به طور قطع، به نفع پایین تغییر داد.

اعتراض و مقاومت طبقه کارگر ایران، بخش صنعتی و آگاه آن، در مقابل فقر و تباهی، که یک ماه است جامعه هشتاد میلیونی ایران را، سراسر به حمایت کشانده است و چشم انتظار پیشروی و پیروزی نگاه داشته است، مهر این پیشروی و این تغییر توازن قوا را بر پیشانی جامعه، و بر نقشه ایران حک کرده است! این مهر دیگر به سادگی قابل پاک کردن نیست!

امروز، برخلاف چهار دهه حاکمیت سیاه و جهنمی جمهوری اسلامی، این حاکمین هستند که از محکومین پیاخواسته، وحشت دارند و میترسند! این آنها، از صاحب کارخانه تا بسیج و سپاه و بیت امام و دفتر رییس جمهور و شهردار و استاندار و هر نوکر لاغر یا فربه جیره و مواجب بگیر حکومت است، که از قدرت پایین می ترسد. ترس را به روشنی میتوان در چشمانشان دید!

دیدن این واقعیت شورانگیز از یک طرف، و مشاهده توان این دشمن تا کمر خمیده، که هنوز میتواند و جرات دستگیری های پراکنده در تظاهرات ها، اعتصاب ها، منازل، دانشگاه و مدرسه و محل کار و خیابان و .. را دارد، از طرف دیگر، باید آثر دیگر را برای محرومین به صدا در آورده باشد! که این تناقض را چگونه میتوان توضیح داد! ریشه آن چی است و چگونه میتوان آن را حل کرد! چگونه میتوان، در دنیای واقعی و نه در تحیل و تبیین، آن را حل کرد!

یک لحظه تامل هر کسی را قاعدتا به این حکم روشن می رساند که: ریشه این تناقض نه در واقعیت که در باور ما به قدرت مان، باورمان به جایگاه مان، به توازن برهم خورده به نفع مان، و به رابطه مان با حاکمیت دارد. باوری که هرروز زیر بمباران افکار طبقات دارا، مورد هجوم قرار میگیرد.

دستگاه تحمیق طبقات دارا، از شمال تا جنوب و در سراسر جهان از بام تا شام در بوق و کرنا می دمد که اعتقاد و اعتماد پایین به قدرت خود، خشونت است! اعمال اراده ما در مقابل دستگاه پلیسی و امنیتی دستگاه به ذلت کشیده شده حاکم، را خشونت می نامند تا خشونت سیستماتیک اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و پلیسی و اخلاقی خودشان را پنهان کنند! تا فقر و گرسنگی و بی دوابی و بی مسکنی و بی آبی تحمیل شده به دهها میلیون خانواده کارگری و مردم محروم را قاعده، و اعمال اراده ما را استثنا بنمایانند.

اگر قاعده قدرت بالا بر پایین را تحرکات جاری برهم زده است، که زده است، از این پس قاعده مقابله با پلیس و دستگیری را هم باید برهم زد.

نوبت پایین است که امنیت خودش را به قدرت خودش تامین کند و جنگ علیه دستگیری، علیه زندان و حبس و احضار و بازجویی و اختناق را به قدرت خود، اعمال کند.

اگر فلان عنصر الدنگ امنیتی می تواند، در حالی که روسای شان در بیت رهبری و دفتر پرزیدنت روحانی، رعشه ترس بر پیکرشان نشسته است، کسی را در تظاهرات یا در منزل احضار و بعد دستگیر کند، تنها و تنها به خاطر باز بودن گارد محرومین در مقابل دستگیری و حبس و زندان و سرکوب است! آنها در شرایطی که موقیت قدرتمند محرومین، باز بودن چنین گاردی را به هیچ وجه منطقی جلوه نمی دهد.

تناقض، قدرت اجتماعی عظیم امروز که جامعه را حول پیشروترین بخش طبقه کارگر بسیج کرده است از یک

طرف، و شکار شدن و دستگیری از طرف دیگر، نه محصول قدرت آنها در دنیای مادی و واقعی روی زمین! که بازتاب تحمیق و عوام فریبی و سرکوب تاریخی محرومینی است که شوک تغییر موقعیت خود را هنوز از سر نگذرانده است! که گارد محکم و متناسب خود، برای دفاع، را نبسه است.

دفاع از امنیت به قدرت خود!

امروز آن هیولای مخوف و آدم کش، که کف بردهان، گرز میچرخاند "و با گردن گلفی و عربده کشی آدم می کشت،" نیم کش را تمام کش "و در مقابل معترض به فقر و اختناق با پرچم جنگ با" کفار "می جنگید، در مقابل قدرت پیاخواسته محرومین و در راس آن طبقه کارگر صنعتی، کمرخم کرده و به زانو درآمده است.

اگر دیروز علنی با گلوله و دستبند و تحقیر، آدم معترض را دستگیر می کرد، امروز با حقه بازی و پنهانی و در خفا و جبونانه دستگیر می کند و می کشد! امروز بازجو های "کارکشته" و "حرفه ای" و "آموزش دیده" و جانی، در لباس "کارمندی" که فقط قصد تکمیل "پرونده ای" را دارد، "مامور است و معذور"، با "عرض ادب" سراغ فعال سیاسی می رود. هدف، قطع کردن دست فعال سیاسی از جامعه، و فلج کردن او است! نه با گردن کلفتی علنی که با جبونی و تحمیق و عوام فریبی و توطیه، و بیش از همه با حساب باز کردن بر "عدم باور" پایین به موقعیت و قدرت خودش است.

امروز، پلیس سیاسی و امنیتی، برای مقابله با قدرت پایین، پشت به دستگاه پروپاگاندا ضد مردمی، از در فریبکاری و تلاش برای "تحمیق" وارد میشود، تا چشم ازدهای قدرتمند محرومین و طبقه کارگر را که به مصاف او آمده است، نسبت به قدرت محرومین، کور کند! تا او را، با "دستگیری" و "حبس" از موقعیت ممتاز و قدرتمندش، که جامعه و رجوع به جامعه است، جدا کند و در انزوا و اطاق دربسته زندان، او را در جنگ و مقابله ای نابرابر یک نفر در مقابل کل سیستم، فلج، و قدرت اش را مهار کند.

دستگیری و حبس آنها، حمله جبونانه آنها برای حفظ منافع ضدانسانی شان است. مقابله با دستگیری، اما دفاع مقدس محرومین از خود، از اعتراضات شان، از فعالین، سخنگویان، نمایندگان و رهبران شان است. این مقابله، محق ترین و انسانی ترین و مسالمت آمیز ترین، سوخت و ساز بین محکومین و حاکمین است، وقتی که محرومین نه تنها میخواهند که بعلاوه میتوانند به قدرت شان دست ببرند و اعمال اراده کنند.

هنگامی که پشت این و آن فعال مدنی، کارگری، شخصیت سیاسی و نماینده و سخنگو و نویسنده و معترض و ... جامعه و کارخانه و دانشگاه متحدانه به حمایت برخاسته است، این اوباش کمر خمیده در مقابل قدرت محرومین، نباید بتواند هیچ کس را در هیچ اعتصاب و تظاهرات و منزل و مدرسه و محل کار و دانشگاهی، احضار، دستگیر، بازجویی و .. کنند!

باید جرات نکنند، مسلح یا غیرمسلح، با لباس نظامی، پلیسی یا شخصی، به صف اعتراض محرومین، به اعتصاب کارگری، به اعتراض معلم و دانشجو و هیچ شهروندی، به منازل و محل کار و زندگی مردم، نزدیک شوند.

جنگ ما با دستگیری ها، نمی تواند چیزی جز جنگ ما برای پاک سازی کامل اعتراضات و اعتصابات و شهر و خیابان و محل کار و مدرسه و محل زندگی، از کمترین شکل ابراز وجود و حضور مامورین امنیتی، پلیس، نیروی نظامی و مسلح و غیرمسلح، ارتشی یا لباس شخصی و بسیجی و... باشد. این طبیعی ترین شکل دفاع از خود و حفظ امنیت خود است. بخصوص هنگامی که پایین قدرت اعمال آن را دارد.

رهبران و سازماندهنگان، بی تردید با دریایی از ایده و تجربه میتوانند راه و روش آن را پیدا کنند.

۱۰ دسامبر ۲۰۱۸

۱۹ آذر ۱۳۹۷

"ایران در آینه زمان"

قسمت چهارم

ثریا شهابی

مینو همتی: دیدن حقایق در ایران با آینه ای شفاف و روشن، هدف برنامه های رهایی زن تحت عنوان "ایران در آینه زمان" است. در این برنامه ها تلاش میکنیم که با کنار زدن گردوغبارها و زنگ زدگی ها و زنگ و لعاب هایی که دشمنان مردم برای پوشاندن حقایق بروی آینه واقعیات می کشند، تا که حقایق را در راستای منافع خودشان ببوشانند، حقایق پشت این آینه ها را در مقابل چشمان شما قرار دهیم.

در برنامه امروز "ایران در آینه زمان"، ثریا شهابی را داریم و به یکی از مهمترین مسایل سیاسی روز، موج دستگیری ها از رهبران و نمایندگان کارگران هفت تپه و فولاد اهواز و فعالین سیاسی، می پردازیم و آینده ایران را از این دریچه، و حقایق مربوط به آن، نگاهی می کنیم.

ثریا شهابی، جمهوری اسلامی ایران با این دستگیری ها، چه هدفی را دنبال میکند! خودشان هم میدانند که این دستگیری ها نمی تواند به انفجار عظیم ای که در جریان است، خاتمه دهد.

ثریا شهابی: در ایران پس از هفت تپه، پس از عروج کارگر صنعتی در هفت تپه و فولاد، در جامعه برای احقاق ابتدایی ترین حق اش، یعنی معیشت اش، که تمام ایران را پشت سر خود آورده است، چیزی که شما آن را، "انفجار عظیم" می گوئید، زندان و دستگیر کردن فعال سیاسی، نه از سر قدرت جمهوری اسلامی، که از سر ترس اش است! از هراس است، تا نشان دادن توان سرکوب و ارعاب! ایران! "پس اهفت تپه" ایران دیگری است! حاکم و محکوم، در موقعیت کاملا متفاوتی هستند.

یکی، حاکم، مшти انگل مفت خور، مجهز به میلیاردها میلیارد دلار پول و ثروت و اسلحه و موشک و بمب و زندان و مسجد و دولت و مجلس و دادگاه و بیت امام و رییس جمهور و وزارتخانه و صدا و سیما است، که قدرت اعمال حاکمیت به شیوه چهل سال گذشته را ندارد!

و دیگری محکوم، بدون سرمایه، بدون ابتدایی ترین وسیله معاش، بدون مسکن و دارو و آب و هوای سالم، که همه ثروت جامعه را می افریند، پایین و اعماق جامعه قرار دارد، از انظار صدا و سیما پنهان، و در سوخت و ساز سیاسی رسماً بی بضاعت، که تحت حاکمیت مшти انگل مفت خور است. این بخش که امروز بلند شده است و انگل های حاکم را به چالش کشیده است، امکان اعمال قدرت سابق را از آنها گرفته است.

در این شرایط، دستگیری و نشان دادن در زندان و حبس، برای ادامه حاکمیت، تف سربالا بر هیکل تمام قد همه حاکمین است! دستگیری های این دوره، میتواند با "رویای شکستن مبارزه پایین و مبارزه طبقه کارگر باشد، اما بی تردید به هدف آن نیست!

شکستن این مبارزه، با دستگیری و زندان، چون قرار دادن تکه کاغذی مجاله شده، در مقابل سیل خانمان براندازی است که در جریان است. هدف از این دستگیری ها، چیز دیگری است.

هدفی که امروز جمهوری اسلامی ایران، از این دستگیری های "پساهفت تپه" ای دنبال میکند، خریدن وقت، کند کردن مبارزه در جریان به رهبری کارگر صنعتی در هفت تپه و فولاد اهواز، است!

خریدن وقت، کند کردن مبارزه در جریان، و امید بستن به ایجاد شکاف و تفرقه و چند دستگی، در صف کارگران متحد، در صف اعتراضات، و اساسا خریدن وقت به امید اینکه برکت الهی چون جنگ و بمباران و سرباز کردن جدال های جدید و یا تعمیق جدال های قدیمی، در صف ارتجاع بین المللی و منطقه ای، از "آسمان نازل شود! این ها تنها امید های جمهوری اسلامی برای نجات است.

یا شاید بلکه دارو دسته قومی و مذهبی و تروریستی، از جنس خود جمهوری اسلامی به حمایت قدرت مرتجع از جنس خودش، عروج کند و فرصت و فرجه نفس تازه کردن به جمهوری اسلامی بدهد. دستگیری های اخیر، برای خریدن وقت به امید این راه کارها است.

جمهوری اسلامی امروز جرات حذف فیزیکی علنی از مخالف سیاسی، بخصوص نمایندگان و سخنگویان کارگری که امروز از محبوب ترین شخصیت ها و چهره های اجتماعی هستند، را ندارد. اگر بخواهد حذف فیزیکی کند، سیاست اش، ترور و سربه نیست کردن و توطیه، خواهد بود. از این رو فعالین سیاسی و رهبران و سخنگویان و نمایندگان اعتراضات مردمی باید بشدت نسب به این شکل از رویارویی، آماده باشند. ابزار مقابله و خنثی سازی، این چنین توطیه ها و ترورها و سربه نیست کردن ها و سرزیرآب کردن ها را ساخته باشند.

اگر هدف دشمن خریدن وقت است، هدف صف مقابل اما باید بی تردید ندادن وقت و هدر ندادن وقت باشد. هر قدم پیروزی، باید سکوی پرشی به جلو برای قدم های بیشتری به سوی پیروزی های بیشتر باشد.

مهمترین سیر پیشروی، حفظ امنیت اعتراضات و فعالین و سخنگویان و نمایندگان و همه شهروندان از خطر دستگیری و حبس و زندان است. دشمن ضعیف شده، نباید بتواند هیچ کس را در هیچ کجا دستگیر کند! احضار، و باز جویی کند! در هیچ صف اعتراضی حضور یابد چه رسد به اینکه بازخواست کند از کسانی که برای حق بی جون و چرایشان به میدان آمده اند.

کسی که باید جواب پس بدهد، احضار شود، بازخواست شود! حبس و زندان رود! کسانی هستند که معیشت و کرامت میلیونها خانواده کارگری و مردم محروم ایران را گروگان حفظ نظام و پرکردن جیب های کشادشان کرده اند.

دستگیری های این دوره، از ترس است! باید سر ترس را به سمت دشمنان برگرداند که جرات نکنند که حتی

یک نفر را دستگیری و بازجویی و بازخواست و احضار و کنند. دستگیری ها را باید با قدرت دفاع از خود، خنثی کرد! همه دستگیر شدگان را مقدماتا باید به قدرت خود، آزاد کرد.

۱۱ دسامبر ۲۰۱۸

*توضیح کمونیست: شماره های اول و دوم این برنامه ها، در کمونیست شماره ۲۳۴ منتشر شده است. آنها را از لینک زیر میتوانید دریافت کنید..

<http://hekmatist.com/2018/komonist-234-mosahebe-television-Rahayiye-Zan-ba-Soraya.html>

حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست (خط رسمی)

از یک پیروزی به پیروزی بعدی!

در مورد آزادی اسماعیل بخشی و میثم آل مهدی

اسماعیل بخشی، نماینده کارگران نیشکر هفت تپه و میثم آل مهدی نماینده کارگران فولاد از زندان آزاد شدند. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن شادباش گویی و تاکید بر نقش مقاومت اسماعیل بخشی و تشکر از حمایت های افکار عمومی در داخل و خارج کشور و تشکر های کارگری در ایران و جهان، به حق این آزادی را نه محصول "پیگیری مسئولین شرکتی و دولتی" که حاصل تداوم مبارزه خود و هم طبقه ای هایشان در فولاد اهواز اعلام کرده است و اعلام کرده است که تا آزادی همه دستگیر شدگان، این مبارزه را ادامه خواهد داد. کارگران فولاد اعلام کرده بودند که "این بگیر و ببندها پاهایمان را سست نخواهد کرد و قدمهایمان را برای رسیدن به اهداف محکم تر و دلهایمان را قرص تر خواهد کرد!"

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)، ضمن شادباش آزادی اسماعیل بخشی و میثم آل مهدی به کارگران هفت تپه، فولاد اهواز و همه هم طبقه ای ها، معلمان، دانشجویان و زنان و مردانی که برای رها کردن گروگان هایشان از حبس، لحظه ای آرام نگرفتند، درود میفرستد!

ما خود را در این پیروزی، در کنار مبارزه سندیکای هفت تپه و سایر بخش های طبقه کارگر و همه حامیان آن می دانیم! شریک شادی آنها و در کنار آنها برای تداوم مبارزه برای آزاد همه دستگیر شدگان "پسahفت تپه" هستیم.

آزادی همه زندانیان دستگیر شده، به قدرت خود، ممنوع و متوقف کردن دستگیری و احضار و بازجویی و بازپرسی، به قدرت خود، اولین گام در پیروزی بر دشمنانی است که جز فقر و محرومیت و نا امنی، رو به طبقه کارگر، حرفی ندارند.

زنده باد آزادی و برابری

زنده باد کمونیسم

حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست (خط رسمی)

۲۱ آذر ۱۳۹۷ - ۱۲ دسامبر ۲۰۱۸

یورش شبانگاه به کارگران فولاد

نیمه شب گذشته نیروهای امنیتی خلوت شب را برای یورش به منازل کارگران فولاد و نمایندگان و سخنگویان آنها مناسب دیدند و وحشیانه تعدادی از آنها را دستگیر کردند. طبق اخبار کانال کارگران فولاد ۱۹ نفر از آنها دستگیر شده اند. اسامی دستگیر شدگان تا این لحظه از قرار زیر است: عیسی مرعی، غریب حویزآوی، مرتضی اکبریان، امین علوانی، کریم سیاحی، مصطفی عیبات، طارق خلفی، میثم قنواتی، مسعود عفری، جعفر سبحانی، حامد جودکی، محسن بهبهایی، احسان یوسفی، محسن بلوطی، یاسر ابراهیمیان، کورش اسماعیلی، حسین داوودی، علی عقیبی، کاظم حیدری و مجید جنادله.

این یورش در شرایطی انجام میگیرد که کارگران گروه ملی فولاد امروز سی و هشت روز است با صدای رسا و متحد و یکپارچه خواست و مطالبات خود و اعتراض به بی حقوقی و فقر را به گوش حاکمین و سرمایه داران رسانده اند. کارگران فولاد امروز و علیرغم دستگیری ۱۹ نفر از رفقا و همکاران خود، در چهار راه نادری اهواز تجمع کردند و با شعار "کارگر زندانی حمایت میکنیم" و "اهوز شده فلسطین مردم چرا نشستین"، به جمهوری اسلامی و کارفرمایان اعلام کردند که با این توطئه ها نمیتوانند صدای حق طلبی کارگران را خاموش و اتحاد و همبستگی آنها را به شکست بکشانند.

حمله بزدلانه و شبانه نیروهای امنیتی به کارگران گروه ملی فولاد ادامه تلاشهای تا کنونی آنها علیه کارگران فولاد و هفت تبه و تهدید و احضار و تلاش برای پرونده سازی علیه آنها، ادامه ارسال هیئتهایی از مقامات دولتی برای فریب دادن آنها و ادامه تلاش برای نفاق و ایجاد چند دستگی در میان آنها است. اعتراض و تجمع امروز کارگران فولاد، پیام راسخ و همبسته آنها در مقابل کل این تلاشهای سرکوبگرانه بود. کارگران فولاد هوشیارانه اعلام کردند که با این ترفندها سر آنها کلاه گذاشته نمیشود، اعلام کردند با دستگیری هر تعداد از نمایندگان و سخنگویان آنها تعدادی دیگر پا جلو خواهند گذاشته و آنها را نمایندگی خواهند کرد. کارگران فولاد اعلام کردند پشت نمایندگان و رفقای خود خواهند ایستاد، آنها را تا آزادی کامل و بی قید و شرط تنها نخواهند گذاشت و به خانواده های آنها پیام دادند که از حمایتهای همه جانبه کل کارگران فولاد برخوردار هستند. کارگران فولاد همزمان به دولت و کارفرمایان اخطار دادند که در صورت عدم آزادی فوری همه دستگیر شدگان، با اتحاد و همبستگی خود و با حمایت مردم محروم، اهواز را به لرزه در خواهند آورد.

کارگران گروه ملی فولاد و کارگران هفت تپه در این مدت صدای رسای کل طبقه کارگر ایران و همه مردم محروم و منزجر از فقر و بی حقوقی بودند. تلاش رزیلانه حاکمین در حمله شبانه به آنها، دستگیری فعالین آنها، محاکمات فردی و گیر آوردن کارگران و حامیان آنها به تنهایی و در سیاهچالهای خود، پرونده سازی و تلاش برای اعتراف گیری، تعیین وثیقه های سنگین و گرو گرفتن نان شب خانواده های آنها، شایعه پراکنی در مورد فعالین خوشنام آنها، تهدید و ترساندن هم طبقه ای ها و حامیان کارگران و منع آنها از حمایت های بی دریغ خود از فولاد و هفت تپه و...، همگی به قدمت چهل سال حاکمیت جمهوری اسلامی ادامه داشته است. اینها ترفندهای آشنا حاکمیت در مقابل حق طلبی طبقه کارگر و محرومین جامعه اند. این ترفندها در مقابل صف متحد و یکپارچه کارگران فولاد و هفت تپه، در مقابل حمایت وسیع بخشهای مختلف طبقه کارگر ایران، معلمین، پرستاران، دانشجویان و مردم شرافتمند اهواز و شوش و... رنگ خواهد باخت.

کارگران فولاد و هفت تپه تا هم اکنون دستاوردهای درخشانی را کسب کرده اند. دهها بار دور هم جمع شده اند، با هم تصمیم گرفته اند و با هم پای اقدامات مورد نظر خود رفته اند. همین حقیقت و هوشیاری و عدالتخواهی آنها، اتحاد بالای آنها، اتکای آنها به نیرو متحد خود و هم طبقه ای ها و مردم شریف و آزادیخواه، فریب نخوردن و التماس نکردن از سرمایه داران و حاکمیت و عوامل آنها و اتکا به خود، آنها و رهبران و سخنگویانشان را در چشم طبقه کارگر و محرومان جامعه، به عنوان پاره تن خود و به عنوان سخنگو و نماینده دهها میلیون انسان جای داده است.

امروز تلاش برای آزادی کارگران فولاد، تلاش برای آزادی علی نجاتی و ملغی کردن همه پرونده ها و وثیقه های سنگین برای کارگران فولاد و هفت تپه از جمله وثیقه سنگین برای اسماعیل بخشی، آزادی حامیان آنها از جمله سپیده قلیان و عسل محمدی و پایان دادن به تعقیب و فشار و تهدید مرکز پلیسی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی، بر دوش دهها میلیون کارگر و انسان آزادیخواهی است که به پیروی هفت تپه ای ها و کارگران فولاد چشم دوخته اند. کارگران فولاد و هفت تپه و گروگانهای آنها و خانواده هایشان را نباید تنها گذاشت. مراکز پلیسی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی، قضات و شکنجه گر و زندانبانان آنها و روسایشان را باید افسار کرد. کارگران فولاد و هفت تپه شایسته بزرگترین حمایتها هستند. زندانیان آنها گروگانهای دهها میلیون انسان حق طلب و آزادیخواه در ایران است. همه باید فوری آزاد شوند و همه پرونده ها و بگیر ببندها باید پایان یابد.

زنده باد اتحاد کارگران

زنده باز آزادی و برابری

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

۲۶ آذر ۱۳۷۹ - ۱۷ دسامبر ۲۰۱۸

فراخوان اعتراض به دستگیری کارگران فولاد

جمهوری اسلامی در زبونی و ترس کامل از اعتراضات کارگری، سراسیمه به کارگران فولاد اهواز یورش آورده و تعدادی از کارگران را دستگیر کرده است. همه می دانند که این دستگیری ها و پاپوش دوزی ها، تنها نشان از ناتوانی حکومت در پاسخ به خواست های به حق کارگران است. کارگران فولاد به روشنی اعلام داشته اند که دستگیرشدگان بایستی فوراً آزاد شوند. جمهوری اسلامی نمی تواند این خواست کارگران را نادیده بگیرد.

بدون شک جمهوری اسلامی در این دوره با دیدن طلیعه های دم های آخر عمرش، هنوز هم به هر جنایتی علیه مردم و مشخصاً کارگران معترض، دست می زند. اما، دوران عوض شده است. یورش های امروز جمهوری اسلامی، با حمله ها و سرکوب های شال های گذشته متفاوت است. این دستگیری ها و جدال روزمره و رو در رویی که در جریان است، بیانگر تفاوت ماهوی و تغییر جدی در رابطه و موقعیت حاکمان با حکومت شوندگان است.

مردم آزادیخواه

علیه توحش جمهوری اسلامی باید یکپارچه ایستاد. جمهوری اسلامی حق ندارد که کارگر معترض را دستگیر کند. این کارگران، نه فقط کارگران یک شرکت، نه فقط شهروندان این و آن بخش کشور، بلکه عزیزان و نمایندگان ده ها میلیون مردم هستند که در صف جلوی مبارزات علیه استثمار و سرکوبی که جمهوری اسلامی در ایران حاکم کرده است، قرار دارند. مقامات جمهوری اسلامی باید بدانند که کارگران دستگیر شده تنها نیستند. ما هم در کنار کارگران فولاد اعلام می کنیم که دیگر بس است. در صورت آزاد نشدن همه کارگران دستگیر شده، ما هم همزمان اعتراضات سراسری در خارج از کشور را همه جا برگزار می کنیم.

تشکیلات خارج از کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۷ دسامبر ۲۰۱۸

۲۶ آذر، بهار عربی، هشت سال بعد، آیا نوبت اهواز است؟

مصطفی اسدپور

حمله و دستگیری دهها کارگر فولاد اهواز در هشتمین سالگرد آغاز بهار عربی زمین را زیر پای دنیای تحولات سیاسی ایران داغ میکند: آیا بجای تونس اینبار نوبت ایران است؟ آیا خیابان نادری اهواز جای میدان تحریر را خواهد گرفت؟ اینها سوالاتی بسیار موجه در مورد دو پدیده، در دو جغرافیای متفاوت و شرایط سیاسی متفاوت است. "نه آب، نه غذا و نه دارو" در شهر تونس و پس از آن در دهها شهر از کشورهای مصر و کشورهای دیگر یکشنبه به خیابانها آورد، میلیونها کارگر و مردم محروم تلنباری از حسرت و اعتراض را با فریاد "دیگر بس است" به محمل اتحاد و همبستگی در راه به زیر کشیدن بانیان این تباهی تبدیل ساختند. تانکها و ژنرالها را از سوراخهای خوف انگیز خود بیرون کشیدند، خیابانها و میدانی شهر پس از شهر را به قرق نمایش تحقیر و خفت ارتش های تا دندان مسلح در آمد. دادگاهها، دولت و قانون و زندان و شکنجه و ... در مقابل اراده مردمی که نمیخواستند تن به نکبت و تباهی و تحقیر بدهند هر یک به نوبت ابهت و تقدس و ضرورت کذایی خود را از کف داد. بهار عربی به هر کجا رسیده باشد، اما هیچ چیز نمیتواند از شکوه این لحظات و رویدادها در دینامیسم کشمکشها و جدلهای سیاسی روزمره در بسیاری کشورها و جوامع منطقه و جهان امروز بکاهد. تحولات سیاسی در ایران در امتداد بهار عربی است، دینامیسم و نیروهای محرکه شباهت چشمگیری را نشان میدهند. مهم است که کارگر و زحمتکش ایرانی با علاقه و احترام به تحولات بهار عربی بنگرد تا بتواند تفاوتهای موجود را ارج نهد، قدر آنرا بداند و به کم رضایت ندهد.

اولا، بهار عربی صاعقه ای در آسمان آبی آرامش اجتماعی و سیاسی نبود، اما ایران بر متن بزرگترین جنبش کارگری در مقیاس جهانی آستن تحولاتی بسیار پرامنه تر است.

ثانیا، اعتصابات و اعتراضات و خواستها و افق کارگری در ایران بر بستر یک نارضایتی عمومی متشکل از زنان و جوانان، معلمان و دانشجویان، توده های زحمتکش و انقلابی است که تا اینجا مشق های خود را در مقابل قدر قدرتی دستگاه ترس جمهوری اسلامی پشت سر گذاشته اند.

هشت سال پیش در چنین روزی خود سوزی "محمد بو عزیز"، جوان دستفروش، جرقه ای در خرمن نارضایتی عمومی در میان میلیونها هم سرنوشت وی گردید، این جرقه ریشه در استیصال داشت و در میان اجتماع و همبستگی

و زمینه های طبقاتی میبایست راه به یک پلاتفرم روشن طبقاتی باز کند. دستگیری کارگران فولاد، دست درازی گزیده های مترسک سرکوب جمهوری اسلامی جرقه ای در خرمن یک حرکت توده ای عظیم است که پلاتفرم و راه و اهداف خود را به همراه دارد. بهار عربی در میان پرچمهای ارتجاعی اسلامی و ناسیونالیستی، در میان رژه بی پایان دولتهایی که بیش از هر چیز به قتلشن های خونخوار مشخص میشدند، در سایه جنگ امریکا در عراق، منطقه ای غرق در خون و کثافت استثمار و حشیانه سرمایه؛ تولد نیروی نوینی برای تحول بود. بهار عربی شکست نخورد، نا تمام ماند. افق و امید و سرنوشت خود را به بخش آماده تر صفوف برادران و خواهران طبقاتی خود سپرد. شوش و اهواز پرچم ظفر نمون بهار عربی را بر دوش میکشد، خیابان نادری اهواز میتواند کاری که در میدان تحریر قاهره ناتمام ماند به سرانجام برساند و کمر اقتدار متکی بر استثمار و بردگی سرمایه را با افق قدرت گیری کارگری بشکند.

زنده باد کارگران فولاد و هفت تپه

متن سخنان محمد راستی مسئول تشکیلات آلمان و عضو کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی) در تجمع شهر کلن شنبه ۲۱ دسامبر ۲۰۱۸

رفقای و دوستان عزیز! به همه شما خوش آمد میگویم. امروز ما در شهر کلن آلمان و بدنبال فراخوان تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست برای دفاع از کارگران فولاد و هفت تپه و علیه تعرض به کارگران و دستگیری نمایندگان آنها جمع شده ایم.

سخننام را با درود و خسته نباشید به کارگران عزیز نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز آغاز میکنم.

بیش از چهل شبانه روز است به همت شما و خانواده هایتان اسم کارگر و عدالتخواهی کارگری، استواری و حق طلبی و کوتاه نیامدن کارگران فولاد و هفت تپه و روراست بودنشان نه تنها در اهواز و شوش بلکه و بعلاوه در کل فضای جامعه ایران و حتی در خارج کشور نیز بر سر زبانها است. باید با افتخار بگویم که تجمعات شما، بحث و مشورت و تصمیم مشترک شما، بحث مجمع عمومی و شورا و اتکای شما بر آن در کل این مدت به عنوان ظرف مناسب دخالتگری جمعیتان، و به عنوان ابتدایی ترین حق کارگران، اهمیت مجمع عمومی و شورای کارگری را زیانزد خاص و عام کردید.

شما در این مدت علیرغم فشار پلیسی و گسیل سیل نیروهای گارد ضد شورش و نیروهای اطلاعاتی و خبرچینان و مزدوران مختلف حاکمیت، با کاردانی و متحد در دفاع از حقوق ابتدایی خود همراه با خانواده هایتان و مردم مبارز شوش و اهواز ایستادگی کردید و نه تنها سمپاتی وسیع در کل جامعه و در میان طبقه کارگر و محرومان را و در میان مردم شوش و اهواز را به خود جلب کردید، بعلاوه در کل این مدت مردم مبارز این دو شهر در کنارتان و در اعتراضات شما علیه استثمارگران و مدافعان آنها همراهی تان کردند و رژه رفتند.

در یک نگاه به این زمان نه چندان زیاد ببینید چکارهای عظیم و بی سابقه‌ای (که هاینها شاید تنها گوش‌های از ماجرا باشد) توسط کارگران هفت تپه و فولاد صورت گرفت.

ترس حاکمیت از حق طلبی شما قابل درک است. کارگران فولاد و هفت تپه با ایستادگی خود، با حق طلبی کارگری خود، با مساوات طلبی و ابراز نفرت از بردگی و ستم بر خود، کل طبقه کارگر ایران را در این مدت نمایندگی کردند. شما بار دیگر در دل جامعه بزرگ ایران، علیرغم سکوت و سانسور توسط رسانه های رسمی

ایران، صدای عدالتخواهی یک طبقه ضد استثمار را به گوش همه رساندید و به بحث مردم در همه خانه ها و جمع و محافلی تبدیل کردید.

در خارج کشور سالهاست جریانات و احزاب و شخصیتها و حتی رادیو و تلویزیونهای مختلفی که آگاهانه از طبقه کارگر و از حق طلبی کارگران چیزی نمیگفتند و خفقان گرفته بودند، امروز ناچاراً از هفت تپه و فولاد و شخصیتهاش میگویند.

اکنون و بعد از شورش گرسنگان دیماه ۹۶ و این مبارزات پر شور و برحق شما که ادامه جنبش سراسری مردم محروم بود و لرزه بر ریشه این نظام گندیده انداخت، سر تیر اخبار مبارزات کارگران فولاد و هفت تپه میبازد. اعتراضات شما و دامنه سمپاتی از آن و حمایتهایی که صورت گرفت، چنان فضای جامعه ایران را تحت تاثیر قرار داد، که درهای بسته رسانه های خارج را به اجبار بر روی جریانات انقلابی، کمونیست و کارگری نیز بدرجه ای باز کرد. بخشها سخنان رهبران و فعالین کارگری در هفت تپه و فولاد و اخبار مبارزات آنها از همین رسانه ها پخش میشود.

امروز ما هم در کنار کارگران هفت تپه و فولاد و همصدا با شما علیه استثمار و بردگی جمع شده و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه دستگیر شدگان هستیم.

همینجا و به عنوان خاتمه یک بار دیگر به شما درود میفرستیم و همراه شما فریاد میزنیم: کارگر زندانی آزاد باید گردد. درود بر کارگر مرگ پرستمگر. پیش بسوی متکی کردن محلهای کار و زندگیمان به مجمع عمومی و شورا و پیش بسوی حفظ اتحاد طبقاتی طبقه کارگر.

زنده باد کارگران فولاد و نیشکر هفت تپه

زنده باد سوسیالیسم

هفت تپه، فولاد و ژاندارم های خانه کارگر

خالد حاج محمدی

امروزها همه کارگر دوست شده اند، حتی آنها هایی که در طول بیش از یک ماه گذشته، بخش اعظم وظیفه شان تلاش برای شکست اعتراضات کارگران فولاد و هفت تپه و به زانو در آوردن آنها بود. از جمله این خادمین سرمایه و حکومتش، خانه کارگر و روسای آن از علیرضا محجوب تا سهیلا جلودارزاده است که در کل این دوره این وظیفه "شریف" را بعهده داشتند. وظیفه آنها بود، با پرچم "کارگر دوستی" چون موریانه به جان کارگران اعتصابی بیفتند و با اره کردن زیر پای رهبران و فعالین اصلی آنها، کل کارگران این دو مرکز را به زانو در آورند.

علیرضا محجوب در قامت نماینده و رئیس فراکسیون کارگری مجلس، این روزها فرموده اند "دستگیری کارگران گروه ملی فولاد قانونی نیست و از مجلس درخواست مداخله برای آزادی آنها کرده است.!!! او مدعی است که در مجلس در این مورد و ضرورت رسیدگی به وضع کارگران دستگیر شده تذکر شفاهی داده است!! همزمان گفته اند که ایشان هم با خصوصی سازی توافقی ندارد. خانم سهیلا جلودار زاده نیز طی سخنانی به خبرنگار ایلنا گفته اند، در جلسه کمیسیون اجتماعی مجلس به این موضوع پرداخته اند و از اینکه مسائل سیاسی با صنفی را ادغام کرده اند، گله گذاری کرده است. ایشان گفته اند در هفت تپه این تفکیک صورت گرفته و موفق شده اند و اما در فولاد این دو مسئله با هم قاطی شده اند.

بلاخره نزدیک به ۴۰ روز اعتصاب و اعتراض خیابانی، چرت محجوب و جلودار زاده را هم پاره کرد که بعد از کلی تهدید و ارباب و دستگیری و گسیل اوباش اطلاعاتی و گارد ویژه، خانه گردی و محاکمات سر بسته در کشتارگاههای زندان، شکنجه و دوا خور کردن نمایندگان کارگری و بعد از مهندسی کردن پرونده های سنگین برای گروگانهای کارگران هفت تپه و فولاد، این بار در تقسیم کار همین حاکمیت و همین ارگانها وظیفه دلداری و کارگر پناهی را به این کشیشان اسلامی سپرده اند. قرار است در امتداد این اقدام وحشیانه، محجوب و همراهانش حلقه نیرنگ و فریب و عقه بازی دولت و کارفرما را تکمیل و نقشه سرکوب و شکست را به سرانجام برسانند.

خانم جلودار زاده به این مفتخرند که در هفت تپه کار صنفی و سیاسی را مخلوط نکرده اند و توفیق حاصل شده است. میخواهند روند هفت تپه در فولاد هم دنبال شود و این را هم حل مسئله به شیوه خانه کارگر باید نام گذاشت.

ایشان انگار در گوش گاو خوابیده اند که هنوز کارگران هفت تپه علیرغم موانع و مشکلات جدی ای که برایشان فراهم کردند، مطالباتشان سر جای خود مانده است. ایشان و رئیس خانه کارگرش انگار کور و کورند که برای کارگران هفت تپه و کسانی که به عنوان سخنگون و نماینده آنها در این مدت ظاهر شدند، چه پرونده های قطوری ساخته اند که هر زمان امکان و توانش را داشتند با بند کشیدن آنها جامعه کارگری را به سکوت و تسلیم وادارند. محجوب و خانم جلودار زاده خود را به نفهمی زده اند که اسماعیل بخشی را به جرم دفاع از همان مطالبات صنفی که امروز کارگران فولاد دنبالشند، نه تنها تهدید و پرونده سازی که ۴۰۰ میلیون تومان روی دوشش گذاشته اند تا پا از پا خطا نکند. فکر نکنم هیچ آدمی اینقدر ساده لوح باشد که نفهمد در این یک ماه چه بلای بر سر اسماعیل و نجاتی و بقیه آورده اند. و بعلاوه هنوز علی نجاتی علیرغم اینکه بیماری جاننش را تهدید میکند، بدون هیچ دلیل و توجیهی در زندان است. فراموش کرده اند که در کل این مدت از سپیده قلیان که به جرم حمایت از کارگر هفت تپه زندانی شد و او هم با وثیقه سنگین ۵۰۰ میلیون تومانی آزاد شده است، تا عسل محمدی که به جرمی مشابه بازداشت و در زندان است، تا دهها دانشجوی و معلم و زن و مردم شرافتمندی که به جرم دفاع از حقوق کارگران این دو مرکز از لطف و مرحمت اوباشان اطلاعات و مراکز جاسوسی و شکنجه گری بهره نبوده اند، همه از تلاشهای رفقا و برادران و خواهران محجوب و جلودار زاده و خود آنها و مجلس نشینان است، که نفرت میلیونها انسان شرافتمند و محروم آن جامعه را برانگیخته است.

محجوب فرموده اند ایشان هم مخالف خصوصی سازی است! ایشان باید میفهمید که پرچم نه به خصوصی سازی از جانب کارگر هفت تپه و فولاد، ابزار دفاع از شغل و قرار دادن دولت به عنوان مسئول در قبال زندگی آنها است. جنگ بخش خصوصی و دولتی در میان مولتی میلیاردرها بر سر سهم هر کدام از دسترنج طبقه کارگر ایران، دعوی کارگر هفت تپه و فولاد نیست. کارگر فولاد و هفت تپه با شعار درود بر کارگر و مرگ بر ستمگر، عاشق دولت ستمگران در قامت کارفرما و استثمارگر نیستند. و امروز همان دولت است که دارد در قامت حافظ منفعت مشتی مولتی میلیاردر علیه کارگری که حقوق کارش پرداخت نشده، همه اوباش و قمه زن و جاسوس تاژاندارمهای خانه کارگر در لباس واعض را، علیه کارگران هفت تپه و فولاد در خدمت گرفته است.

کسانی که آقای محجوب و جلودار زاده ریاکارانه و در اوج بیشرمی به نام "دفاع" از کارگر فولاد به عنوان مرجع رسیدگی و مدافع قانون و تشخیص حق از ناحق، به آنها رجوع کرده اند، همان ارگانهایی هستند که در کل این مدت در جنگی نابرابر بعنوان نوکر و کارگزار اقلیتی پولدار علیه کارگر فولاد و هفت تپه در رکاب صاحبان سرمایه شب و روز خود را مایه گذاشتند. مجلس نشینان نزد طبقه کارگر و مردم شرافتمند و خصوصا کارگران هفت تپه و فولاد در صندلی مجرم قرار دارند نه قاضی. کسی که شکایت از دزدی و چپاول را به نام دفاع از کارگر فولاد و هفت تپه نزد دزدان و چپاولگران و روسای و نمایندگان میبرد، نه تنها حقه باز، فریبکار و کلاهبردار بزرگی است، که خود شریک دزد و چپاولگر است.

محبوبها و جلودار زاده های ایران در همه تاریخ زندگی سیاسی و کارکرد ارگان ضد کارگری خود، جز جاسوسی و پاپوش دوزی برای فعالین و رهبران دلسوز طبقه کارگر و جز فریبکاری و تلاش برای تبدیل اعتراض و حق طلبی کارگر به دعا و التماس نزد حاکمین و دشمنان قسم خورده این طبقه، کار دیگری نکرده اند. میفرمایند دستگیری ها غیر قانونی بوده است! قانون کدام مملکت و کدام طبقه!!! نه تنها دستگیری که کشتار دهها هزار کارگر و عدالتخواه آن جامعه، همه شکنجه ها و جنایت علیه مردم محروم، قمه زنی و اسید پاشی به زنان، تا کشتار کارگر خاتون آباد و حکم شلاق برای کارگران هپکو، تا کشتن و دواخور کردن کارگران در زندان که شاهد مرگ فوری بعد از "آزادی" بوده ایم، و تا حمله شبانه و دستگیری و ضروب شتم کارگران فولاد و هفت تپه و...، سراپا قانونی است. جامعه ای که سکان آن و همه قوانینش بر اساس حفظ بردگی کارگر و آقا بودن و خدایی سرمایه دار تدوین شده باشد، همه این اعمال کاملا قانونی است. قانون آن مملکت در خدمت سرمایه داران و صاحبان قدرت است که ماندگاری آنها و بردگی کارگر اساس آن است.

چهل سال تاریخ پر از جنایت حکومت محبوبها و جلودارزاده ها، برای هر کس که یک بند انگشت عقل و شعور داشته باشد، و برای هر کس که در دزدی و چپاول آن جامعه و استثمار وحشیانه طبقه کارگر سهمی نداشته باشد، نشان داده است که دفاع از حقوق کارگر و حتی مبارزه صنفی او، بر اساس همان قوانین کزایی حاکم، نه تنها ممنوع که جرم جنایی دارد. امروز به یمن توازی که با تلاش طبقه کارگر و مردم آزادیخواه به حاکمیت تحمیل شده است، دست توحش و بربریت حاکمیت کوتاه شده است، زورش بیش از این نمیرسد. با این وصف شاهدیم که همبستگی کارگر فولاد و هفت تپه و دفاع از همدیگر و مطالبات همدیگر، جرم جنایی است. تلاش برای جنایی کردن دفاع از حق و حقوق طبقه کارگر، جنایی کردن ارتباط و دوستی کارگری میان مراکز مختلف، همیاری و کمک به اعتصاب کارگری با اتکا به قوانین حاکم توسط مشتی بازجو و شکنجه گر به پرونده های سنگین جنایی تبدیل میشود.

کارگر هفت تپه فولاد به یمن یکپارچگی و اتحاد بالایشان و حمایت های وسیع هم طبقه ای ها و مردم آزادیخواه، در همین دوره به خوبی نقش مخرب محبوبها را به عنوان بازوی کارگر فریبی دولت و مجلس و قوای مسلح و مراکز پلیسی و اطلاعاتی و زندان و شکنجه گر و وکلایشان را درک کرده اند. بی آبرویی بیش از پیش محبوبها که در کل این دوره همراه فرماندار و استاندار و نماینده مجلس و امام جمعه، عازم هفت تپه و فولاد شدند تا دایره سرکوب را با حقه بازی و کارگر پناهی تکمیل کنند، بر کسی پوشیده نیست. یکی از تجربیات همین دوره کوتاه در این مراکز، برای هزارمین بار ثابت کرد که همه اینها از ولی فقیه تا مجلس و مراکز پلیسی آنها تا خانه کارگر و شورای اسلامی و امام جمعه و...، دانه های یک تسبیح بلندند که با همدیگر توق بردگی را بر سر دهها میلیون کارگر نگهداشته اند. شیادها و حقه بازهایی چون محبوب امروز دیگر در میان کارگران ایران و خصوصا هفت تپه و فولاد جز نفرت و بیزاری سهمی ندارند.

عروج محجوبها و جلو دار زاده ها به عنوان ژاندارمهای کرواتى خانه کارگر و لای لای های کارگری آنها، موعظه های تهوع آور ضد کارگری برای نفاق و تبدیل کارگر حق طلب به گدای درگاه دشمنان این طبقه است. این نقش مخرب و کلاشى آنها به عنوان بخشی از تجربه همین دوره، باید به خودآگاهی کل طبقه کارگر ایران تبدیل شود و دامنه هوشیاری و شناخت دوستان و دشمنانش را روشنتر و شفاف تر سازد.

۲۱ دسامبر ۲۰۱۸

میدان حقیر قدرت نمایی در مقابل طبقه کارگر!

سرانجام پس از ده روز سکوت سوال برانگیز نسبت به آنچه که قریب یکماه در زندان بر اسماعیل بخشی، از رهبران و سخنگویان برجسته مبارزات کارگران هفت تپه، گذشته است، همانگونه که انتظار میرفت، منابع موثقی گوشه هایی از اخبار شکنجه جسمی و روانی، توطئه ها و دسیسه ها علیه او و سایر فعالین زندانی، علیه سایر نمایندگان کارگری و پرونده سازی "امنیتی" علیه آنان را تایید و منتشر کرده است.

معلوم شد، دستگاه مخوف و قدرت منطقه ای میلتاریستی که زیر فشار اعتراضات بر حق طبقه کارگر و محرومین در ایران، کشتی اش به گل نشسته است، در سلول زندان، در خلوت و بدور از چشم جامعه و رفقا و دوستان اسماعیل بخشی، در خفا و پنهانی "میتواند خدایی کند"!

او را به هدف انتقام جویی، به هدف فلج کردن و قربانی کردن، پس از پرونده سازی های "امنیتی" تحت شکنجه های جسمی و روحی و روانی آنها توسط کسانی قرار داده اند که آموزگاران شکنجه گران زندان آمریکایی ابوغریب در بغداد، هستند.

کسی که در بیرون از زندان، در هوشیاری و بیداری، در میان رفقا و دوستان اش، در بیرون از حبس و در چشم جامعه، اعدام و شکنجه و دستگیری، تحمیل فقر و فلاکت بر خود و خانواده اش، برای به زانو درآمدن و به شکست کشاندن مبارزه شان را به سخره گرفته بود، در زندان هر اتفاقی افتاده باشد، بی تردید نزد هم طبقه ای ها و جامعه و همه شهروندان در ایران و حامیان اش در جهان، همچنان سربلند، عزیز و گرامی است. اسماعیل بخشی قربانی نیست! گروگان و جان بدربرده ای است که فشار مبارزات هم طبقه ای هایش در هفت تپه و فولاد اهواز و شهروندان در سراسر شوش و سراسر ایران و حامیان جهانی اش، جانیان پست و بزدل را ناچار به رها کردن او کرد. او سند زنده یکی دیگر از نفرت آورترین شکنجه های دستگاه مخوف و جهنمی وزارت اطلاعات و بازجو ها و زندان های جمهوری اسلامی ایران است.

علیرغم آزادی اسماعیل بخشی اما پرونده سازی علیه او و تعدادی از نمایندگان دربند کارگران فولاد و مدافعین آنان در جریان است. تلاش در دست کردن پرونده "امنیتی"، "سیاسی"، "رابطه با احزاب خارج کشور"، "توطئه علیه نظام" و سناریوهای شناخته شده اینچینی، امروز در جریان است.

سرنوشت اسماعیل بخشی در انتظار نمایندگان کارگران فولاد است که در حملات شبانه دستگیر و به شکنجه گاههای جمهوری اسلامی منتقل شده اند. باید دستگیر شدگان مان را با قدرت خود از چنگ این جانان بیرون بکشیم. باید توطئه وزارت اطلاعات علیه فعالین در زندان و در خارج از زندان، برای پرونده سازی و تغییر سمت و سوی حمله به وزارت اطلاعات و جانان به سمت نمایندگان کارگران هفت تپه و فولاد و ایجاد شکاف و دو دستی در میان آنها را آگاهانه و وسیعاً خنثی کرد.

زندان، این تنها میدانی که این جنایتکاران میتوانند قدر قدرتی شان را به نمایش بگذارند. حبس و ترور و توطئه و شکار فعالین، تنها حوزه ای است که جانان به ذلت کشیده شده توسط شورش محرومین و اعتراض طبقه کارگر، کسانی که در جامعه جرات تعرض مستقیم و علنی ندارند، در این حوزه میتوانند قدرت نمایی کنند! باید قدرت شان را به زیر کشید و زندان هایشان را بر سرشان خراب کرد!

طبقه کارگری که برای احقاق حقوق خود، برای آزادی، رفاه و امنیت جامعه به میدان آمده این حملات جویانه را بی پاسخ نخواهد گذاشت.

این طاعون ضد کارگر و ضدانسان با شکار و حبس فعالین، توطئه و در حبس بدور از چشم جامعه، با شکنجه جسمی و روحی، میتوانند مدت کوتاهی میدان حقیری از قدرت نمایی در مقابل طبقه کارگر را به نمایش بگذارند. اما این "قدرت نمایی" تنها و تنها اقیانوس عظیم نفرت و انزجار از همه اوباشان حاکم، از ولی فقیه تا روحانی و سپاه و بسیج و .. عمیق و عمیق تر میکند. فردا هزاران هزار اسماعیل بخشی هایی که از شوش و اهواز تا تهران و آبادان و کرمانشاه، از نفت و خودرو سازی و فولاد و پتروشیمی را به تصرف خود در آورده اند بساط این جانان را بر خواهند چید!

نمایندگان و سخنگویان کارگران فولاد و هفت تپه، همه فعالین سیاسی زندانی، دانشجوی، معلم، فعال مدنی و هر شهروندی که به خاطر اعتراض به فقر و بی حقوقی، در دام وزارت اطلاعات و زندان و بازجوهای منفور افتاده است، بی شک، مستقل از هر پرونده سازی و توطئه ای درون زندان، همچنان جنگجویان عزیز جامعه و بر صدر جای دارند.

زنده باد آزادی و برابری

زنده باد کمونیسم

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

۲ دی ۱۳۹۷

۲۳ دسامبر ۲۰۱۸

اعتصابات هفت تپه و فولاد، وقایع و دستاوردها

گفتگوی رادیو نینا با مظفر محمدی

نینا: در طول یک ماه و نیم گذشته ما شاهد اعتراض و اعتصاب کارگران هفت تپه و فولاد بودیم. این اعتصابات فرازو نشیبهای زیادی داشت. از دستگیری ها و اعتراض برای آزاد کردن نمایندگان کارگران، اعتراضات مردم شهر شوش به حمایت از کارگران، انعکاس این مبارزات در مدیای مجازی و در کل جامعه ایران و حتی افکار عمومی خارج کشور همه اینها این اعتصابات را به مهم ترین اتفاق این یک ماه و نیم اخیر تبدیل کرد. تصویر شما از این اعتصابات و اتفاقاتی که افتاد چگونه است؟

مظفر محمدی: اعتصابات کارگری اخیر در دو مرکز مهم کار در جنوب، شرکت نیشکر هفت تپه و شرکت ملی فولاد در شهرهای شوش و اهواز، اگر چه در تداوم مبارزه طبقاتی و اعتصابات کارگری و معلمان و بازنشستگان و رانندگان کامیون در ماه های اخیر و اعتصابات چادرملو و هپکو و غیره بود، اما از ویژگی خاص خود هم برخوردار است. ابراز وجود متحدانه بخشی از طبقه کارگر، در جنوب ایران و در همسایگی کارگران شرکت نفت، چنان آشفتنگی و دستپاچگی در صفوف حاکمیت بورژوازی ایران بوجود آورد که تا کنون کم نظیر بوده است. از طرفی وزارت کار، خانه کارگر و حتی نهادهایی چون مسجد خبرگان و مجلس اسلامی قرار داشتند که تلاش کردند این خطر را با ابراز همدردی با کارگران و اشک تمساح ریختن بخاطر چند ماه نپرداختن دستمزد کارگران از سر بگذرانند و از طرف دیگر وزارت اطلاعات و دستگاه قضایی و دیگر نهادهای امنیتی بودند که ابتدا اعتصاب کارگران را تخطئه کرده و سپس به دستگیری و زندانی و شکنجه کردن نمایندگان کارگران پناه بردند تا به این شیوه هم خطر عروج طبقه کارگر بعنوان مدعی و صاحب جامعه و طلبکار را رفع کنند. در این میان عوامل تفرقه در صفوف کارگران هم نقش بازی کرد. بدون این عوامل، دستگاه های امنیتی و سرکوب جمهوری اسلامی نمی توانست به ایجاد تفرقه و تشویش در صفوف کارگران متحد دست زند.

این تجربه نشان داد که طبقه کارگر برای خنثی کردن نقش و سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن حاکمان و حفظ اتحاد صفوف خود باید از پیش آگاه بوده و یکپارچگی صفوف خود را تامین و تضمین کند. در اعتصابات اخیر بخصوص هفت تپه ما شاهد برخوردهای متفاوت نسبت به این مبارزه بودیم. برای مثال:

۱- در سالهای اخیر و تاکنون سندیکاى شرکت کشت و صنعت هفت تپه مبارزات کارگران را هدایت و رهبری کرده است. به این اعتبار سندیکا در میان کارگران بعنوان تشکلی مستقل نقش ایفا می کند. در اعتصاب اخیر هم رهبران سندیکا همراه شدند و این نقطه مثبت در جهت منفعت طبقاتی و کارگری بود.

۲- در اعتصاب اخیر هفت تپه فعالین و رهبرانی عروج کردند که تداوم و استحکام اعتصاب و مبارزه کارگران را در گرو دخیل کردن هر چه بیشتر کارگران، برگزاری تجمعات بزرگ، راه پیمایی در شهر شوش و جلب همبستگی مردم شهر، شرکت خانواده های کارگران و حضور موثر زنان... دانستند و این عمل را بدرست در سنت مجامع عمومی و شوراهای کارگری قرار دادند. در دل این مبارزه رهبران کارگران، کارآمد بودن و ضرورت طرح شوراهای مستقل کارگری برای تامین اتحاد صفوف خود را به توده کارگران خاطر نشان کردند.

۳- اقلیتی هم در صفوف فعالین کارگری هفت تپه، از آغاز با اعتصاب مخالفت کرده و اولویت را به دشمن خارجی و سرپا نگه داشتن شرکت به قیمت بیحقوقی کارگران داده و راه حل مذاکره و سازش و مدارا با کارفرما و دولت را به کارگران توصیه کرد. این گرایش عملاً در کنار کارفرما و وزارت کار و خانه کارگر قرار گرفته و سازش و تلاش برای گرفتن خرد خرد معوقه ها را تجویز کردند. این عامل در واقع شکافی در صفوف کارگران بوجود آورد و بعنوان ابزاری در خدمت دولت برای ایجاد تفرقه در صفوف کارگران اعتصابی قرار گرفت و توانست از طرفی بخشی از کارگران را به شرکت باز گردانده و سر کار بفرستد و اعتصاب شکنی را عملاً به بخشی از کارگران آگاهانه یا ناآگاهانه تحمیل نمود. از طرف دیگر دست عوامل سرکوب را برای تعرض به نمایندگان واقعی کارگران، تهدید آنها و نهایتاً دستگیری و زندان و شکنجه کردنشان برای مرعوب کردن کارگران اعتصابی، باز گذاشت.

نینا: دولت از یک طرف سرکوب کرد و از طرف دیگر با ایجاد تفرقه درون طبقه سعی کرد این اعتراضات را ناکام کند. آیا مبارزه کارگران ناکام ماند، یا دستاوردهایی برای کارگران اعتصابی و طبقه کارگر بطور کلی داشت؟

مظفر محمدی: اگر معیار را دستاورد مادی به معنای گرفتن تمام معوقه ها و لغو قراردادهای موقت و غیره بگذاریم، میتوان گفت که این اعتصابات به همه مطالباتش نرسید. اما بسیار ساده لوحانه است اگر نتیجه این مبارزه طبقاتی را بر اساس این معیار ارزیابی کرد. دستاوردهای این اعتصابات بزرگ و قدرتمند را میتوان بطور خلاصه چنین بر شمرد:

- اعتصاب کارگران هفت تپه و فولاد بیش از یک ماه طول کشید. ایستادگی و قاطعیت و پافشاری بر تحقق مطالبات یک ویژگی و دستاورد این مبارزات بود.

- همزمان دو بخش بزرگ کارگری هر کدام با چند هزار کارگر، اعتصاب کردند و نه تنها همزمانی بلکه همبستگی طبقاتی، همصدایی و نشان دادن جلوه ای با شکوه از یک ابراز وجود متحد بخشی از طبقه کارگر بود. این دو اعتصاب به دوست و دشمن و از دور و نزدیک، تصویری یکپارچه و واحد را نشان داد. بطوریکه این دو جلوه ی مبارزه کارگری را کسی نمی توانست از هم تفکیک و جدا ببیند.
 - این اعتصابات، توده وسیع کارگران را در تجمع ها و تظاهرات و در میان مردم شهر که به حمایتشان برخاسته بود، به نیروی متحد خود واقف و آگاهی طبقاتی شان را بسیار بالا برد. کاری که با چند سال کار تبلیغی و آگاهگرانه نمی توانست به این نتیجه عملی برسد.
 - دخالت توده کارگران، شرکت سراسری شان در اعتصاب، با طرح شوراها ی مستقل کارگری در مقابل سنت عقیم سندیکالیستی، تکامل یافت. کارگران در عمل و تجربه خود متوجه شدند که دخالت مستقیم در تجمعات و راه پیمایی، تجمعاتی که در آن تصمیم گیری انجام می شد، مطالبات و شعارها مطرح و فریاد زده می شد و رهبران عملی کارگران بعنوان نمایندگان و سخنگویان واقعی توده ی کارگران، از حمایت بیدریغ کارگران برخوردار می شدند و...، چیزی جز الگویی از حرکت شورایی کارگری نیست.
 - شاید برای اولین بار بود که در چنین ابعاد وسیعی خانواده های کارگران و اهالی یک شهر به حمایت و همبستگی با کارگران برخاستند. همچنین زنان کارگر در نقش سخنگو و مدافع حقوق طبقاتی شان ابراز وجود کردند.
 - بعلاوه بهنگام تعرض دشمن به رهبران کارگران و دستگیری و زندان و شکنجه ی آنها، توده وسیع کارگران ضمن محکوم کردن تعقیب و آزار و شکنجه؛ حمایت خود از فعالین و پیشروانشان را هیچگاه قطع نکردند و شرط آغاز به کار خود را منوط به آزادی آنها قرار دادند.
 - اگر چه ما در عمل شاهد همبستگی وسیع و سراسری طبقه کارگر بخصوص در مراکز بزرگ نفت و پتروشیمی های جنوب و شرکت بزرگ فولاد خوزستان که بویژه انتظار می رفت این بخش های همجوار و نزدیک تر به همصدایی و همبستگی با اعتصاب هفت تپه و فولاد برخیزند، اما فضایی از سمپاتی عمومی و روحیه همبستگی و احساس قدرت طبقاتی نه تنها در صفوف طبقه کارگر بلکه در صف محرومان جامعه بوجود آمد و قلب کارگران و محرومان با قلب هفت تپه ای ها و کارگران فولاد می پیید.
- به این اعتبار میتوان گفت که اعتصاب متحدانه و قدرتمند و آگاهگرانه و سازمانیافته ی کارگران هفت تپه و فولاد نقطه عطفی در جنبش طبقاتی کارگران علیه سرمایه دارن و کارفرماها و تلاش های مذبحخانه ی دستگاه های امنیتی و سرکوب و تلاشهای خانه کارگر و وزارت کار برای ایجاد تفرقه در صفوف کارگران است. طبقه کارگر امروز بر سکوی این دستاوردها نشسته است و این نقطه پرش مبارزه کارگران علیه سرمایه داران و دولت سرکوبگرشان برای کسب دستاوردها و پیروزی های بیشتر است. سرکوب و شکنجه و زندان و توطئه ی تفرقه، که از آغاز هر مبارزه ای علیه دشمنان قسم خورده طبقه کارگر و محرومان جامعه قابل پیشبینی بوده و هست، اما

در همان حال نتوانسته و نمی تواند پیشروی طبقه ما را چه برای کسب مطالبات و حقوق خود و چه ظاهر شدن بمثابه طبقه ی طلبکار و صاحب جامعه ، متوقف کند.

بدون شک ما در هفته و ماه های آتی شاهد مبارزات و اعتصابات رادیکالتر، متحدتر و همبسته تر خواهیم بود.

نینا: اخبار و شایعات گوناگونی در مورد شکنجه و آزار کارگران زندانی و بویژه اسماعیل بخشی پخش شده است. ابعاد این ماجرا و تاثیرات و تبعات آن چگونه است؟

مظفر محمدی: ببینید، اینکه نمایندگان کارگران دستگیر و تحت تهدید و فشار روحی و آزار جسمی قرار گرفته اند، از بدیهیاتی است که در تمام طول حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی وجود داشته است. اما در اینجا دولت سرمایه داران با پدیده ی فشار قدرتمند دو اعتصاب همزمان و هماهنگ و فضای سمپاتی و حمایت طبقاتی و اجتماعی در سراسر ایران و خارج از ایران روبرو است. برای به عقب نشاندن این فشار علاوه بر تلاش برای ایجاد تفرقه در صفوف کارگران به کمک رفرمیست ها و متوهمین به کارفرما و دولت، تهدید و تعقیب رهبران کارگران و از میدان بدرکردنشان را هم در دستور قرار می دهد. ابزار شکنجه و آزار جسمی و روحی برای بورژوازی و نهادهای امنیتی و سرکوبش، علاوه بر انتقامجویی طبقاتی از کارگران و محرومان جامعه، هدف جنایتکارانه ی درهم شکستن روحیه ی رهبران کارگران و مردم را هم در خود دارد. عمل سخیف شکنجه ی انسانی در تنهایی و در محاصره ی دشمنانی که مثل مار زخمی بخود می پیچند، نه تنها نشان قدرت حکومت سرمایه داران در مقابل طبقه کارگر و خیزش محرومان نیست، بلکه نشانه ی نهایت جبونی و ترس و پستی شان در مقابل قدرتی است که به میدان آمده است.

تا اینجا ی ماجرا، رژیم سرمایه داران حتی در این عرصه هم، یعنی عرصه ی تعقیب و زندان و شکنجه ی رهبران کارگران پیروز نیست. کارگران زندانی و از جمله اسماعیل بخشی به آغوش گرم و صمیمانه ی خانواده و دوستان و همسرنوشتانشان برگشتند و شکی نیست زخم این شکنجه و آزار روحی در کانون گرم و رفاقت کارگری و همبستگی و اتحاد طبقاتی برای ادامه مبارزه التیام پیدا می کند. اما گرایش سازشکار و همکار کارفرما در عمل، در این عرصه هم ساکت ننشسته و تلاش کرد، زندان و شکنجه ی جسمی و روحی کارگران دستگیر شده و بویژه اسماعیل بخشی را انکار کرده و تصمیم وزارت اطلاعات مبنی بر اخراج اسماعیل و ممنوعیت اطلاع رسانی در باره او را توجیه و تکذیب کند. اما این عمل غیر کارگری و مغایر با منفعت طبقاتی کارگران باز کارساز نشد و اسماعیل علیرغم تصمیم نهادهای امنیتی برای دور نگه داشتن او از حضور در میان کارگران هفت تپه و رفقای همزمش، او مجدداً به میان کارگران و همسرنوشتانش باز گشت.

این بار و بعنوان یک اصل هم کارگران هفت تپه و فولاد مانند دیگر بخشهای کارگری با گوشت و پوست و استخوان دشمنی آشتی ناپذیر طبقه ی سرمایه دار و دولتش با طبقه کارگر را لمس کرده و سیاست و شگردهای کثیف و جنایتکارانه و بیرحمانه شان نسبت به کارگران و رهبرانشان شاهد بودند. یک بار دیگر به کارگران این

اصل بی برو برگشت خاطر نشان شد که حفظ رهبران و پیشروان صفوف خود مثل نان شب برای طبقه کارگر واجب است. اولاً نباید گذاشت نمایندگان و سخنگویان و رهبران کارگران به سادگی توسط ماموران امنیتی دشمن شکار و ربوده شوند، دوماً در صورت دستگیری حتی یک روز نباید گذاشت در زندان و تحت شکنجه باقی بمانند و به سرعت از چنگ دشمن آزادشان کرد.

نینا: بعنوان آخرین سوال، شما گفتید نوعی از الگو و سنت کار شورایی در فولاد و هفت تپه تجربه شد. در مورد چگونگی و یا دورنمای این تجربه کمی توضیح دهید.

مظفر محمدی: درست است. سخنگویان و رهبران کارگری بارها در مورد سنت شورایی اتحاد کارگران و اهمیت آن صحبت کردند و در تجمعات و تظاهراتها از کارگران خواستند که در تصمیم گیری و انتخاب تاکتیک و سیاست و تداوم اعتصاب و هر امر ضروری دیگر شرکت کنند و این شرکت عمومی و دخالت در تصمیم گیری چیزی جز سنت شورایی کارگری نیست. اما این تجمعات که بنا به ضرورت و نیاز اعتصاب تشکیل می شد و تصمیم می گرفت هنوز نمی توانست نیاز این سنت یعنی مجامع عمومی منظم کارگری را برآورده کند و این طبیعی بود. جنبش مجامع عمومی منظم کارگری بعنوان تشکل پایه ی شوراهای کارگری به تجارب و زمان بیشتر نیاز داشته و دارد. اما آنچه که مهم است بخشی از طبقه کارگر در باره ی ضرورت و اهمیت حیاتی سنت شورایی و دخالت مستقیم همه ی کارگران هر محل در سرنوشت خود و در مبارزات و تصمیم گیری ها و غیره مهر خودش را کوبید. از این به بعد هم این سنت راه خود را در میان طبقه کارگر بعنوان تشکل مستقل و رادیکال کارگری که هم ابزار مبارزه متحدانه ی امروز کارگران برای کسب مطالبات رفاهی شان و هم ابزار شرکت در قدرت و حتی کسب قدرت سیاسی و اداره جامعه است، می گشاید.

همانطوریکه گفتم سندیکای هفت تپه بعنوان تشکل مستقل کارگران در سالهای اخیر نقش بازی کرده است. رهبران سندیکایی در جریان طرح الترناتیو شورایی کارگری بعضاً ابراز نگرانی کردند که سندیکا دور زده می شود و نقش آن کمرنگ می گردد. این از طرفی یک نگرانی واقعی برای سندیکالیست ها است. چون آلترناتیو و الگوی مجامع عمومی و شوراهای کارگری درست نقطه مقابل سندیکالیسم و سنت سندیکالیستی است. اما از آنجا که سندیکای هفت تپه هنوز کاملاً در سنت سندیکالیسم عقیم قرار نگرفته است، این ظرفیت و امکان را دارا است که به سنت مجامع عمومی کارگری متکی شود. در نتیجه طرفداران سندیکای هفت تپه نباید فکر کنند، برگزاری مجامع عمومی و پایه گذاری شوراهای کارگری، بخاطر دور زدن سندیکا است. برعکس باید آن را در مسیر اعتلای تشکل مستقل کارگری و جنبش مجامع عمومی و شوراهای کارگری ببینند. فعالین سندیکای هفت تپه در طول بیش از یک ماه اعتصابات این بخش و کارگران فولاد عملاً متوجه شدند که این مبارزه و اعتصاب و اعتراض بسیار فراتر از سنت سندیکایی و چانه زنی از بالا توسط هیات مدیره های سندیکا و گم شدن مطالبات و تصمیم گیریها و دخالت توده ای کارگران در دالانهای مذاکرات منتخبین سندیکا و پشت درب های بسته است. در نتیجه

می توان گفت که حتی طرفداران سندیکا باید متوجه شده باشند که تنها با متکی شدن سندیکا به مجامع عمومی منظم کارگران است که می توان تشکل مستقل کارگری را حفظ و اتحاد واقعی و دخالت مستقیم و مشترک همه ی کارگران در تصمیم گیریها و حفظ رهبران کارگری را تضمین نمود. در نهایت شوراهای بیرون آمده از دل مجامع عمومی کارگری است که می تواند قدرت متحد کارگران را از مبارزه رفاه طلبانه تا دخالت کارگران در اداره جامعه و برقراری جامعه ای آزاد و برابر تحت حاکمیت کارگران تامین و تضمین کند.

اجازه بدهید در اینجا نکات کوتاهی در رابطه با شعار نان، کار، آزادی، اداره شورایی بدهم.

اولا شعار کارگران برای اینکه سرمایه داران برایشان کار پیدا کنند، عملا شعاری غیر واقعی است. چرا که واقعیت منفعت سودآوری سرمایه ایجاب می کند که همیشه بخشی از کارگران بیکار و پشت درب کارخانه ها بمانند. این باعث می شود که دستمزد کارگر مدام پایین نگاه داشته شده و همیشه خطر اخراج و جایگزین کردن کارگر شاغل زیاده خواه با کارگر بیکار کم توقع را بر بالای سر کارگران نگه دارند. در نتیجه شعار کار بی پایه است و درست این است که طبقه کارگر تامین معیشت کامل را صرفنظر از این که کار دارد یا بیکار است از دولت و حاکمیت بخواهد. در نتیجه نان، رفاه و آزادی کل محرومان جامعه را از کارگر شاغل و حقوق بگیران و بیکاران و دیگر بخشهای فقیر و گرسنه جامعه را در بر می گیرد.

در مورد اداره شورایی هم باز تصویری مغشوش از سنت شورایی کارگری در شرایط امروز ایران می دهد. گویا کارگران شورا را برای این می خواهند که کارخانه را خود اداره کنند. مدیرش شوند و بر تولید و توزیع آن کنترل داشته باشند.... یا انطور که گاهی در صحبتهای سخنگویان کارگر تکرار می شد که گویا مشکل در مدیریت غلط کارخانه است و ما خودمان بهتر بلدیم کارخانه را مدیریت کنیم و حتما منظور این است که سوداوری را هم باید تضمین کرد و گرنه باز ورشکستگی روی شاخش است.

در نتیجه میخواهم بگویم که مجامع عمومی منظم کارگری و شوراهای منتخب این مجامع در شرایط کنونی ایران نه برای مدیریت کردن کارخانه حتی اگر خوب هم مدیریت کنند، و یا انطور گفته می شود برای اداره شورایی کارخانه یعنی کنترل تولید و توزیع و غیره، شعاری به شدت نامربوط و از واقعیت کنونی و حتی دورنمای مبارزه کارگران پرت است.

مجامع عمومی منظم کارگری ظرف و ابزار متحد کردن و متحد نگه داشتن دائمی کارگران برای دخالت و شرکت مستقیم همه ی کارگران یک کارخانه و مرکز کارگری است. اتحادی که می تواند مطالبات اقتصادی و حتی سیاسی مربوط به آزادی تشکل و بیان و اعتصاب و غیره را تامین کند و هم می تواند ابزار قدرت گیری کارگران و مبارزه برای کسب قدرت به منظور برقراری آزادی و برابری و حکومت کارگری باشد.

نقطه قوت های اعتصابات هفت تپه و فولاد اهواز

محمد فتاحی

نگاه مختصری هم به کمبودها

در یک نگاه کلی، مهمترین نکته در مورد حرکت اعتصابی این مدت این دو مرکز، تاثیر آن بر فضای کل جامعه ایران است. اگر خیزش های دیماه سال گذشته تناسب قوای سیاسی در ایران را به نفع کل مردم ایران تغییر داد، اعتصاب هفت تپه و فولاد اهواز، ایستاده بر شانه های خیزش های دیماه گذشته، و در متن بحران سیاسی امروز، توازن قوای سیاسی را به نفع قطب عدالتخواهی و برابری طلبی کارگری تغییر داد. رهبران این دو مرکز اگر به شخصیت های مهم ملی در سطح کشوری تبدیل شده اند، اگر حرکت شان نماد مقاومت در برابر بی عدالتی و فقر و فساد و جهنم موجود است، و اگر صدای "آزادشان کنید" از چهار گوشه این جامعه بلند است، اینها نشان عروج یک بلوک سیاسی (رسمی اعلام نشده) سرتاسری علیه بی عدالتی و فقر حاکم است. کسی که سراغ بیان روشن مطالبات این بلوک را میگیرد، کسی که در جستجوی مطالعه مانیفست شان است، باید به بیانیه ها و سخنرانی های فرزندان جوان این مردم و این طبقه در دانشگاههای سرتاسر کشور مراجعه کند. صرفنظر از چندوچون رسیدن به مطالبات مشخص اقتصادی این دو مرکز، این دستاوردهای عظیم کارگری بطور مستقل و روی پای خود معتبر و قابل اندازه گیری و غیرقابل بازپس گیری اند. سوال این است که چنین دستاوردی چگونه ممکن شده است؟

اولین علت چنین تاثیری ناشی از ایستادگی یک دست و متحد هزاران کارگر در یک اعتصاب طولانی، تجمعات عظیم شهری، به همراه سخنرانی ها و آرتیاسیون های پرشور رهبران و سازماندهندگان و مبلغین توانای زن و مرد برای عدالت و ضد تبعیض و فقر و نداری و علیه سیستم رسماً فاسد حاکم است. در جامعه ای که بیش از هفتاد درصد آن رسماً به فقر و فقر مطلق کشانده شده اند، شعارها و سخنرانی های تظاهرات های بزرگ شهری این کارگران دنوازترین سمفونی های تاریخی برای میلیون ها انسان دردمند امروز اند. سوال این است که این تحرک و اعتصاب و تظاهرات های قدرتمند شهری چگونه ممکن شد؟

اولین مولفه در حضور قدرتمند و سطح بالای حضور کارگران این دو مرکز در اعتصاب شان، ناشی از اتحاد وسیع بخش های مختلف طبقه در این مراکز بود که علیرغم انواع توطئه های کارفرما و دولت و ارگانهای دولتی، متحد و یکدست روی خواست های خود پافشاری کرد.

اما خود این اتحاد و همبستگی اگر بخشا ناشی از حمایت های وسیع کشوری و از طرف اقشار مختلف اجتماعی نیرو میگرفت، اساسا ناشی از دست بردن کارگران این مراکز به مدرن ترین ابزار اتحاد و تشکل، یعنی شورای کارگری بود.

شورای کارگری به معنی مستقل آن، در دوران استبداد، برای اولین بار در تاریخ ایران، در شرایطی شکل میگردد که هنوز دوره انقلابی جامعه آغاز نشده و هنوز سلطه رژیم سیاسی حاکم پابرجاست. شوراها سال ۱۳۵۷ محصول آن انقلاب بوده و در دوره بعد از سرنگونی شاه بودند. شاید تحت تاثیر همان تصویر چهل سال پیش، تا به امروز، بحث این بود که سازماندهی مجامع عمومی منظم که همان شوراست، به مثابه یک تشکل پایدار، فقط ویژه شرایط انقلابی است. بخشا بحث می شد که شورا ابزار حاکمیت است و تشکل کارگری برای پیشبرد مبارزه، چیز دیگری ماورای شوراست. بخشا گفته می شد مجمع عمومی کارگری یک محصول فکری و ایدئولوژیک آدمهای معین و به همین دلیل به سنت مبارزه کارگری بیربط است.

رهبران و سازماندهندگان اعتصاب در این دو مرکز، با روشن بینی کارگری، راه تازه ای رفتند و به همه سوالات و ابهامات مربوط به این مسئله پاسخ روشن دادند. این واقعه نقطه پایانی بر دنیایی از بحث بر سر چگونگی تشکیل تشکل توده ای و علنی و مستقل کارگری گذاشت.

امروز برای هیچ فعال جدی کارگری سوال این نیست که شورای کارگری چگونه شکل میگردد. تعریف ساده و روان شده شورا و مجمع عمومی به معنی "دسته جمعی جمع می شویم، بحث و مشورت میکنیم، تصمیم میگیریم و آنرا عملی میکنیم"، امروز دم دست هر سازمانده و رهبر کارگری در این کشور است. نتیجتا برای رهبر کارگری در مراکز دیگر، مشکل نه چه باید کرد، که چگونه و چه زمانی باید کرد است.

رمز مقاومت و پایداری کارگران در این دو مرکز و پیشروی های شان مدیون اتکای آنها به مجامع عمومی و بحث و مشورت و تصمیم عمومی بوده است. بدون چنین مکانیسمی، که جزو داده ها و پایه اصلی تشکل شورایی است، هیچ نیرویی توان خنثی کردن توطئه ها و نقشه های متعدد دشمنان شان را نداشت.

در متن چنین سوخت و سازی، در این مدت دهها رهبر و سازمانده و آژیتاتور و سخنران توانا جلو آمدند. لیست بلند بالای رهبران این دو مرکز را قبلا نه کسی در دست داشت، نه خود این رهبران به ظرفیت ها و توانایی های خود واقف بودند. همیشه گفته اند که اعتصاب میدان تمرین انقلاب است. با این حال، اعتصابات بزرگی در تاریخ این کشور در تمام سالهای گذشته شکل گرفته بوده اند، اما این اولین بار است که اعتصاب کارگری رهبران و سازماندهندگان پرشمار تحویل جنبش خود میدهد و متن اعتصاب را به میدانی برای سازماندهی اراده کارگری از طریق مجمع عمومی، تبدیل میکند.

اگر از مسئله تشکل و سازمان شورا و رهبران و سازماندهندگان آن بگذریم، حضور زنان سخنران و آژیتاتور و رهبر و توجه به اهمیت حضور زنان در تظاهرات ها جایگاه ممتاز دیگری به این حرکت های بزرگ دادند. کشاندن

اعتصاب به مراکز شهری و دعوت از عموم شهر برای شرکت در حرکت شان، از کارهای مهم دیگرشان بوده که شوری در قلب جامعه برپا میکند.

از کارهای مهم دیگری که رهبران شورایی در دستور خود گذاشتند، مدیایی کردن تحرک و اقدامات شان برای کل جامعه بود. مردم ایران از طریق مدیای اجتماعی شان این را داشتند همه روزه گزارش آن روز را بر صفحات کامپیوتر و تلویزیون های شان بینند و در جریان ریز مسائل روز قرار بگیرند.

در مورد دستاوردهای سیاسی این دو حرکت مهم خیلی میشود گفت و نوشت. با اینهمه، این اعتصابات میتوانند کارهای بسیار مهم دیگری هم در دستور خود بگذارند؛ صندوق اعتصاب، سازماندهی شهروندان برای جمعآوری کمک های مالی، برای سازماندهی خدمات رایگان شهروندان به کارگران و خانواده های شان، سازماندهی آشپزخانه های خیابانی، سازماندهی هیات های مراجعه به مراکز کارگری در کل کشور برای جلب حمایت و همبستگی طبقاتی در محل و دعوت شان به تجمع در مراکز شهرهای خودشان برای حمایت از آنها، برگزاری پیکت برای جلب حمایت کارگران مراکزی که در همین دو شهر و شهرهای اطراف بودند، دعوت از تمام مردم ایران برای ارسال کمک های مالی و غذایی به خانواده های کارگری که حقوق دریافت نمیکردند، سازماندهی و مدیریت خدمات پزشکی و درمانی و بهداشتی و فرهنگی و ورزشی رایگان برای کارگران و خانواده های شان، دعوت از تشکل های مهم کارگری دنیا برای حمایت های مادی نقدی و غیر نقدی و سیاسی و معنوی. باز هم در خارج کشور، فراخوان به همه ایرانیان ساکن در کشورهای خارج و تعیین روزهای معین برای به خیابان آمدن شان در حمایت از هفت تپه شوش و فولاد اهواز. و بلاخره یک رابطه ارگانیک و سازمان یافته بین دو مرکز هفت تپه و فولاد برای هم فکری و پیش برد فعالیت های مشترک در ابعاد اجتماعی...

حضور زنان و خانواده ها مهم بود، ولی میتواندست ده برابر این باشد. مقاومت بخشهایی از کارگران برای دعوت از همسران و خانواده هایشان، حضور محافظه کاری مردسالارانه را به عینه نشان میداد، که می بایست در سوخت و ساز درونی کارگران، از طرف رهبران و سازماندهندگان پاسخ میگرفت. هزاران نفر خانواده کارگری میتوانند روزهایی در تجمعات و تظاهرات های شهری را تجربه کنند که هیچ وقت فراموش شدنی نمی شد. زنان خانواده ها میتوانند بخش هایی از تقسیم کار را بدست بگیرند که برای همیشه موقعیت شان در جامعه را تغییر میداد...

یک نکته دیگر را نمیشود فراموش کرد؛ می شد در طول اعتصاب تعداد بیشتری مبلغ و آژیتاتور و سازمانده تربیت شوند. می شد هفت تپه به لیست بلندی از مبلغین و سخنرانان و سازماندهندگان خود در کلیه کارها تکیه کند. تربیت تعداد بیشتری در طول اعتصاب، اولاً هزینه امنیتی بر تک تک فعالین و نمایندگان را کاهش میدهد و در صورت دستگیری تعدادی، صفوف کارگران بی رهبر و بی سازمانده نمی ماند، کماینکه هفت تپه از این زاویه لطمه بیشتری خورد.

نکته آخر؛ حضور تعداد بیشتر کارگران آگاه به منافع طبقاتی خویش، حضور تعداد بیشتر محافل و جمع های سوسیالیست و کمونیست در صفوف کارگران، برای تقویت و امکان پیروزی هر حرکتی تعیین کننده است. چنین

امری اما چیزی نیست که در فاصله زمانی چند هفته ای به آن دست یافت. این دیگر یک کار روتین یا یک وظیفه روتین یک رهبر و سازمانده کمونیست است. این همان سرمایه ای است که میشود با آن پروژه های مختلفی را پیش برد. پیشبرد موفق مجامع عمومی و سازماندهی منظم آنها به تعداد همین حلقه ها و هسته ها و جمع ها گره خوره است. کمبود حضور اینها عملاً میدان را برای محافظه کاری، مردسالاری (ممانعت از حضور زنان)، سازشکاری، فریبکاری و اعتصاب شکنی و... باز میکند، که نقطه ضعف های شورا و مجامع عمومی و مبارزه و اعتراض کارگری اند.

قدرت طبقه کارگر و انگل شورای اسلامی

اعتصابات عظیم و قدرتمند طبقه کارگر صنعتی ایران در کارخانه نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز، که بیش از دوماه فضای سیاسی، اعتراضی، اجتماعی، فرهنگی و مبارزاتی در سراسر ایران را اشباع کرده بود، پس از کسب دستاوردهای مهمی، موقتا فروکش و از این شکل به شکلی دیگر تغییر و از این سنگر در سنگری دیگر در حال پیشروی است.

دستاوردهای مهم این ابراز وجود طبقه کارگر، زدن مهر طبقاتی خود بر حیات سیاسی امروز و تحولات آتی در سراسر ایران، طرح، گسترش و همه گیر کردن خواست ها و آرمانهای ماگزیمال خود، علیرغم دستگیری ها و سرکوب ها، قابل بازپس گیری نیست.

دستگیری ها، شکنجه و سرکوب ها، در مقابل رویداد مهمی که رنگ خود را طی دو ماه گذشته بر حیات سیاسی و بر رابطه حاکمین و محکومین و توازن قوا در ایران زد، بی تردید خسارات تلخی داشت. خسارات تلخی که هرچند بر پیکر غول قدرت کارگری که از شیشه بیرون آمده است خراش هایی وارد کرد، اما هرگز او را به درون شیشه باز نگرداند و باز نخواهد گرداند! این حقیقت را بیش از هرکس طبقه حاکم، جمهوری اسلامی و همه متحدین منطقه ای و جهانی اش، در پوزیسیون و اپوزیسیون، خوب میدانند! میدانند که در ایران "پسا هفت تپه و فولاد"، دیگر اوضاع پیش از آن باز نخواهد گشت!

پس از تاریخی که با هفت تپه و فولاد آغاز شد، همه از مقام معظم، روحانی، "اصولگرا" و "اصلاح طلب"، تا آقای پهلوی و ترامپ و کمپ راست در اپوزیسیون، صدا و گوشه ای از ابراز وجود طبقه کارگری که پس از هفت تپه و فولاد سربلند کرد، را مشاهده کردند! ناچار شدند که به نقش این طبقه، اعتراف کنند و آن را در محاسبات تقابل های سیاسی شان، بعنوان یک طبقه مدعی، قدرتمند، صاحب جامعه و در میدان و موثر، بگنجانند و برای مقابله با قدرت گیری آن، رسماً و علناً تاکتیک و استراتژی ضد کارگری و ضد سوسیالیستی شان را اعلام و در دستور کار دفاتر فکری شان، قرار دهند.

مقابله با ابراز وجود طبقه کارگر، تلاش برای متفرق کردن طبقه کارگری که به نمایندگی از اکثریت جامعه با خواست های خود به میدان آمده بود به اصلی ترین مشغله جمهوری اسلامی تبدیل شد و بر معضلات جمهوری اسلامی در سوریه و عراق و پیلماسی با ترامپ و عربستان و ترکیه، سایه انداخت. سرکوب مستقیم و علنی تنها و تنها به سرعت قدرتمند شدن طبقه ای که به میدان آمده بود، می افزود. توطئه، فریب و دسیسه و تلاش برای ایجاد تفرقه، پشت پرده علیه اعتصابات و نمایندگان و فعالین و تشکل ها، آغاز شد و همه توان جمهوری اسلامی ایران در این راه بکار گرفته شد. این تنها قماری بود که جمهوری اسلامی برای خریدن وقت به امید نجات از ضرباتی که طبقه کارگر بر پیکرش وارد کرده بود، میتوانست به آن دست بزند.

دستگیری و سرکوب های رزیلانه و جبونانه پشت سلول های بسته زندان، "فرصت" و امکان "تنفسی" برای دشمنان طبقه کارگر در حاکمیت ایجاد کرد! فرصتی ایجاد کرد که با سرهم کردن انگل "شورای اسلامی" در هفت تپه، تلاش کنند که با قدرت کارگری که طی دو ماه گذشته تنها گوشه کوچکی از آن ابراز وجود کرد، مقابله کنند! این انگل زیر انگشتان قدرتمند طبقه کارگر، له خواهد شد! این قمار، طول عمر زیادی نخواهد داشت!

تلاش میکنند که پس از خدمات وحوش وزارت اطلاعات و سازمان زندان ها و شکنجه گاهها و با تکیه بر و در پناه آنها، تزریق باکتری عفونی "شورای اسلامی" به جنگ موجودیتی بروند که امروز هم هنوز تاثیرات پایدارش را در مبارزات جاری در جامعه ایران به روشنی میتوان دید. محیط های کارگری را باید از این باکتری های تزریقی، کاملاً پاک سازی کرد. شورای اسلامی در این جدال، حشره ای بیش نیست. باید آن را از بین برد.

تلاش میکنند که با سرهم بندی یک شورای اسلامی، به مقابله با تحرکی بروند که امروز پس از اعتصاب هم، میتوان به روشنی رد پای انتظارات، شعارها، توقعات و فرهنگ سازمانیابی و مبارزاتی آن را بر سوخت و ساز سیاسی و مبارزاتی در ایران به روشنی مشاهده کرد.

تاثیرات عظیم و زیور و کننده این اعتصابات و سلسه اعتصابات و تجمعات اعتراضی پس از آن در سراسر ایران، که هنوز ادامه دارد، امروز قابل اندازه گیری نیست! هنوز ابعاد عروج و حضور و ابراز وجود طبقه کارگر صنعتی در ایران به رهبری پیشروترین نمایندگان و سخنگویانش، و تبدیل شدن آنها به اصلی ترین کاراکترهای سیاسی در جامعه ایران و در فضای رسانه های اصلی جهانی، قابل اندازه گیری نیست.

با اعتصاب و یا بدون اعتصاب، پیش و پس از این تاریخ، ایران دیگر در انحصار جدال های دستجات راست درون حکومتی و برون حکومتی، قومی و مذهبی، راست معمم یا فوکول کراواتی و قدرت های جهانی و

منطقه ای نیست!

محرومین و طبقه کارگر ایران از تحولات دیماه سال گذشته تا اعتصابات هفت تپه و فولاد اهواز و تحرکات اعتراضی وسیع و سراسری پسا هفت تپه و فولاد، یک سال است که ورق را برگردانده و جلوه های عظیمی از حضور قدرتمند خود را به نمایش گذاشتند. این را بیش از همه، دشمنان دیده اند.

مبارزه طبقه کارگر از این شکل به شکل دیگری، از این سطح به سطح دیگری، از این گوشه به گوشه دیگری، پیشروی میکند و راه خود را باز میکند! دامنه حامیان خود را گسترش میدهد، و می رود که بیش از پیش جامعه را حول رهبری خود قطبی کند. این سیر را نمی توان متوقف کرد! این غول عظیم را نمیتوان در شیشه کرد!

جامعه ایران آستان صدها و هزاران شکل اعتراض، سازمانیابی، رهبری، همبستگی و اتحاد، و فازهای پیشروی است، که طبقه کارگر صنعتی در آن نقش هدایت کننده خواهد داشت.

زنده باد آزادی و برابری

زنده باد کمونیسم

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

۱۳ دیماه ۱۳۹۷

۳ ژانویه ۲۰۱۹

فضای سیاسی جامعه ایران و قدرت طبقه کارگر

عروج تمام قد طبقه کارگر برای تعیین تکلیف!

مصاحبه رادیو نینا با آذر مدرسی

همین خاکی: شنوندگان عزیز رادیو نینا به برنامه امشب ماه خوش آمدید. در این برنامه من همین خاکی همراه با آذر مدرسی دبیر کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی) گفتگویی خواهم داشت تحت عنوان "فضای سیاسی جامعه ایران و قدرت طبقه کارگر". از شما دعوت می‌کنم که با ما همراه باشید.

بر هیچ کس پوشیده نیست که اوضاع سیاسی جامعه ایران در یک سال گذشته تحولات عظیمی را به خود دیده است. از دی ماه تا هفت تپه و فولاد ما شاهد تقابل عظیم بین بخش اعظم جامعه با جمهوری اسلامی، برای رفاه، امنیت و زندگی بهتر بودیم. شاید در هیچ دوره ای مانند امروز سران جمهوری اسلامی نشان به لرزه در نیامده است. این فقط بورژوازی در قدرت نیست که ترسیده و رنگ باخته بلکه بخش اعظم بورژوازی چه در اپوزیسیون چه در پوزیسیون در فکر این هستند که چگونه می‌تواند وضع موجود را به نفع خود تغییر دهند و جاپایی برای خود باز کنند. شاید اگر یک سال پیش کسی ابراز می‌کرد که حاکمیت شورایی و خواست و مطالبات بنیادی کارگران به خواست و مطالبه اصلی جامعه تبدیل می‌شود همه آن را دیوانه خطاب می‌کردند اما امروز این واقعیتی جدا ناشدنی از جامعه ایران است.

آذر مدرسی در ابتدا می‌خواهم در مورد اوضاع جامعه ایران کمی حرف بزنید. مایلم تصویر شما را از پازل سیاسی ایران داشته باشم، حتما در سوالات بعدی با هم سعی می‌کنیم که جنبه‌های متفاوت شرایط کنونی را بررسی کنیم. اما شما فکر می‌کنید که در یک سال گذشته پازل سیاسی ایران چه تغییراتی به خودش دیده و اوضاع سیاسی ایران امروز چه ویژگی‌هایی دارد.

آذر مدرسی: یک سال پیش وقتی که خیزش دی ماه در بیش از ۹۰ شهر ایران اتفاق افتاد، نه فقط ما بلکه همه دنیا به این امر اذعان کردند که سوت پایان عمر جمهوری اسلامی به صدا درآمده. خیلی‌ها دی ماه را زمین لرزه سیاسی در جامعه ایران دانستند. خیلی‌ها آنرا به دوران پر تلاطم انقلاب ۵۷ تشبیه کردند و جمهوری اسلامی طبق معمول آنرا توطئه امریکا و ضد انقلاب و شورش‌های کور خواند. علیرغم همه اینها یک چیز مسلم بود و آن این بود که ایران بعد از دی ماه دوباره به قبل از دیمه برنمیگردد. روشن بود که توازن قوا در این جامعه بعد از دی ماه

امکان ندارد هیچ وقت به قبل از دی ماه برگردد. روشن بود جنبشی که برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی به میدان آمده و روشن، عیان و عریان در نود شهر ایران ابراز وجود کرد و اعلام کرد که دیگر توهمی به کشمکش‌های درونی جمهوری اسلامی ندارد و جمهوری اسلامی را مانع اصلی برای دستیابی به آزادی، به سعادت، به رفاه و امنیت خود میدانند و برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی به میدان آمده است.

روشن بود که این جنبش حتی اگر فروکش کند، این جنبش حتی اگر سازمان یافته نباشد که نبود، این جنبش حتی اگر پرچم روشنی نداشته باشد که نداشت، این جنبش حتی اگر رهبری روشن و به اصطلاح معلومی ندارد که نداشت، اما چنان عمیق، چنان اجتماعی، چنان طبقاتی و چنان قدرتمند و چنان مصمم است که به جمهوری اسلامی و حاکمیت اجازه نداد یک شب آرام سر بر بالین بگذارند. یک سال گذشته به طور واقعی دنیای تاریک و سیاهی برای جمهوری اسلامی و دنیایی پر از امیدواری و پر از پیشروی برای مردم بود. برای جمهوری اسلامی سیاه نبود چون مثلاً ترامپ از برجام بیرون رفت یا ناروشتی آینده برجام، سیاه نبود برای اینکه دولت روحانی داشت به طور مرتب با استیضاح وزیرانش روبرو میشد، سیاه نبود به خاطر اینکه پرونده فساد مالی و پولشویی سران و دست اندرکاران جمهوری اسلامی روز به روز بیشتر رو میشد، سیاه بود به خاطر اینکه جنبش و خیزش دی ماه هر چند تپش ده روز اول را نداشت، اما عمیق تر و طبقاتی تر درون تمام رگهای جامعه و در میان تمام اقشار محروم جامعه و بخصوص در طبقه کارگر ریشه دواند و عمیق تر، قدرتمندتر، سازمان یافته تر، متحدتر، روشن تر و رادیکال تر به میدان آمد.

در این یکسال جمهوری اسلامی هر روز با یک بحران جدی، با یک اعتراض جدی، با یک تلاطم جدی که از طرف طبقه کارگر به او تحمیل میشد روبرو شد. سال گذشته جمهوری اسلامی هر روز با یک بحران جدی روبرو شده و بحرانی که این بار نه بحران درون حکومتی، نه بدلیل جدال دفتر امام و ولی فقیه با این جناح و آن جناح یا با رئیس جمهور یا رئیس جمهور با مجلس بلکه بحرانی که جامعه از پایین به جمهوری اسلامی تحمیل کرد و این جنبش برای سرنگونی جمهوری اسلامی عمیق تر، طبقاتی تر، سازمان یافته تر، متحدتر و روشن تر روزبه روز خود را گسترده تر و وسیعتر پیش میبرد. یک سال گذشته همانطور که گفتم سال خطرناک و هراس آوری برای جمهوری اسلامی و در عین حال سال پیشروی ها، سال اتحاد ها، سال قدرتمندتر شدن جنبش ما و سال روشن تر شدن افق رسیدن به آزادی و رفاه و امنیت و عدالت اجتماعی و برابری برای میلیون ها انسانی بود که چهل سال حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی را تحمل کردند و سال گذشته اعلام کردند که بیش از این تحمل نخواهند کرد.

هیمن خاکی: شما در صحبتهایتان دی ماه را به عنوان یک مثال زدید و تصویر کردید و بعد گفتید که این اوضاع که پیشرفت طبقاتی تر رادیکال تر و ریشه دارتر شد. ما در یک ماه گذشته شاهد اعتراضات کارگران هفت تپه و فولاد بودیم بدون شک این اعتراضات و اعتصابات یکی از مهم ترین اتفاقاتی بود که در این سال اتفاق افتاد. دوست دارم نظر شما را در این رابطه بدانیم که خود این اعتراضات و اعتصابات فولاد و هفت طبقه بر متن این

اوضاع بعد از دی ماه چه تأثیری را بر اوضاع سیاسی ایران زد یا به قولی چه مهری را بر اوضاع سیاسی ایران زد. چون ما شاهد بودیم که این اعتراضات و اعتصابات به وسعت بسیار زیادی در جامعه ایران تکثیر پیدا کرده چه از خواست و مطالباتش چه از اتفاقاتی که رخ می داد به وسعت بسیار زیادی هفت تپه و فولاد در یک ماه گذشته تأثیر گذاشتند و شما فکر میکنید که بر این متن این اعتراض و اعتصاب چه مهری را بر اوضاع سیاسی ایران زد.

آذر مدرسی: همانطور که خودتان گفتید یک سال گذشته ما شاهد اعتراضات وسیع کارگری بودیم که هفت تپه و فولاد در رأس شان و شاخص ابراز وجود و به میدان آمدن طبقه کارگر در جدال برای رفاه آزادی و سعادت بود. ما شاهد اعتراض کارگران خودروسازی، کشاورزان در اصفهان، کارگران پتروشیمی، معلمان، بازنشستگان و شاهد اعتراض دانشجویان علیه خصوصی سازی ها و وضعیت فلاکت بار دانشگاهها بودیم. جامعه ایران در این یکسال گذشته درست همانطور که پیش بینی می شد شاید طپش ده روز دی ماه را نداشت، اما هر روز شاهد اعتراضاتی که از گوشه و کنار آن جامعه سر بلند می کرد بودیم.

اما فولاد و هفت تپه به طور واقعی ابراز وجود طبقه کارگر را در قامتی دیگر و در سطحی دیگر در جامعه نشان داد. اگر دی ماه یک زمین لرزه ی سیاسی بود، ابراز وجود طبقه کارگر در قامت فولاد و هفت تپه یک سونامی است! یک سونامی به شدت عمیق تر، یک سونامی به شدت طبقاتی تر، یک سونامی که خیلی روشن و شفاف میداند چه میخواهد، یک سونامی ویران کننده تر از زمین لرزه دیمه، برای کل جمهوری اسلامی و کل بورژوازی در ایران است. ببینید چهل روز دنیا شاهد طپش اعتراضات فولاد و هفت تپه، و حضور هرروزه کارگران معترض در خیابان بود. چهل روزی که شهر شوش و اهواز در تصرف کامل طبقه کارگر بودند. چهل روزی که رنگ خود را به کل آن جامعه زد، چهل روزی که کارگران هفت تپه و فولاد یک جنبش عمیق، رادیکال، طبقاتی، با پرچمی به شدت روشن تر از دیمه را نمایندگی کردند و نشان دادند که این جنبش به میدان آمده. چهل روزی که طبقه کارگر را به سخنگو و نماینده اکثریت محروم آن جامعه و هر انسانی که خواهان آزادی و رفاه، حرمت انسان و عدالت اجتماعی، حق زن و حق پیر و حق هر بخش محروم جامعه، تبدیل کرد. چهل روزی که طبقه کارگر را به نماینده همه این مردم تبدیل کرد. جنبشی پا به عرصه وجود گذاشت که پاسخ خود و آلترناتیو خودش را برای اداره جامعه داشت. زمانیکه در ابعاد اجتماعی به این ابراز وجود و به میدان آمدن این طبقه و جنبش رادیکال و ماگزیمالیستی آن نگاه می کنید، شاهد ابراز وجود طبقه کارگر به عنوان صاحب جامعه، ابراز وجود طبقه کارگر به عنوان نماینده اکثریت محروم، ابراز وجود طبقه کارگر به عنوان طبقه ای که میتواند و میخواهد جامعه را از این وضعیت فلاکت بار بیرون بیاورد، هستید. کارگر فولاد و هفت تپه و طبقه کارگر مهر خود را به همه گوشه زوایای سیاسی - اجتماعی و فرهنگی و جامعه زد. به همین دلیل برای این طبقه شعر میگویند، سرود درست میکنند، نمایندگانش را برجسته می کنند و برایشان محبوب اند، اکثریت مردم نمایندگانشان را قهرمانان خود و پیش قراولان مبارزه خود برای آزادی و برای نجات از وضعیت فعلی میبینند.

اینها فقط لحظات هیجان انگیزی نیست که یک جوان یا دو جوان به آن دچار شده باشند. وقتی دانشگاه اعلام میکند من فرزند هفت تپه هستم، "فرزند کارگرانیم"، وقتی که از هنرمند تا وکیل تا نمایندگان اقشار مختلف اعلام می کند "من هفت هفته ای هستم" فقط و فقط وزن طبقه کارگر را در تحولات امروز و در این جامعه نشان میدهد. این اتفاق حتی در دوره انقلاب ۵۷ به این وسعت و عمق اتفاق نیفتاد. امروز واقعیت اجتماعی و وزن اجتماعی طبقه کارگر حتی از انقلاب ۵۷، حتی از وقتی کارگر نفت به میدان آمد و مردم شعار دادند "کارگر نفت ما رهبر سرسخت ما"، عمیق تر بنیادی تر و قوی تر است. همه مردم معترض هفت تپه ای و فولادی هستند از دانشجو تا معلم، از بازنشسته تا وکیل و هنرمند، حتی اپوزیسیون بورژوازی که همیشه "فرهیختگان" را به رخ کارگر می کشید و کارگر حتی در فرهنگ تبلیغاتی جای نداشت و "لیاقت" اسم بردن را نداشت، امروز سنگ کارگر هفت تپه، سنگ کارگر فولاد و سنگ نمایندگانشان را به سینه می زنند و به قول خودشان از "کارگران میهن اش" دفاع میکنند. اینها همه وزن طبقه کارگر در این جامعه و در تحولات آتی را نشان می دهد.

ببینید اعتصابات و اعتراضات فولاد و هفت تپه، دستگیری نمایندگانشان نه فقط در ذهن من و شما، نه فقط در ذهن کارگر فولاد و هفت تپه، بلکه در ذهن کل آن جامعه مهمتر از استیضاح ظریف، مهمتر از استیضاح وزیر آموزش و پرورش و کشمکش های درونی رژیم بود. کسی دیگر به این فکر نمی کرد که حالا اگر ظریف استیضاح شد چه اتفاقی می افتد ولی همه به این فکر می کردند نمایندگان زندانی کارگران هفت تپه را چگونه باید بیرون کشید. و این مسئله روی کل جامعه سایه انداخته بود و مهمترین مسئله سیاسی و اجتماعی ایران بود.

اعتراضات این دو مرکز کارگری فقط اعتراضات دو بخش از طبقه کارگر برای پرداخت حقوق های معوقه شان یا برای اداره شورایی کارخانه، علیرغم تمام رادیکالیزمی که این شعار دارد، نبود، بلکه ابراز وجود طبقه کارگر در جامعه برای تعیین تکلیف بود. بلکه برای اعلام این امر بود که جدال آتی و تعیین کننده در ایران، جدال بین بورژوازی و طبقه کارگر است، اینکه جمهوری اسلامی یک آلترناتیو طبقاتی و یک دشمن طبقاتی دارد و آنهم طبقه کارگر است. طبقه کارگری که چنان آگاه، چنان روشن است که میداند نجات زن از این حاکمیت در گرو به میدان آمدن او است. میداند نجات معلم، نجات دانشجو، نجات کشاورز در گرو به میدان آمدن او است و مهمتر اینکه آماده است در این قامت ابراز وجود و نقش ایفا کند. به نظر من شور انگیز بودن آن چهل روز را باید در این واقعیت دید. اعلام اینکه "من هم هفت تپه هستم"، "قلبم با هفت تپه میزند" از طرف بخشهای مختلف مردم دقیقا به دلیل ورود تمام قد طبقه کارگر، در قامت هفت تپه و فولاد، در این جدال طبقاتی و این اعلام آمادگی که با پاسخ و آلترناتیو و با پرچم خود میتواند این جامعه را در این جدال به پیروزی برساند. این شعف انگیزترین و شورانگیزترین اتفاقی بود که در این مدت افتاد و در عین حال هراس انگیزترین اتفاق نه برای جمهوری اسلامی بلکه برای کل بورژوازی در پوزیسیون و اپوزیسیون است. بورژوازی خود را برای مقابله با آن آماده می کند و ما در کنار طبقه کارگر خود را برای جدال آتی آماده کنیم.

مهمترین شاخص اوضاع امروز در ایران عرض اندام این طبقه نه فقط بعنوان طبقه ای معترض که میتوانند آنرا زیر پرچم دیگران ببرند، بلکه بعنوان یک طبقه مدعی، با پرچم خود و برافراشته نگه داشتن آن و برای زدن مهر خود به کل تحولات آن جامعه است. طبقه کارگر مهر خود را نه فقط به آن چهل روز بلکه به آینده ایران زد و این آن تحولی است که از زاویه فولاد و هفت تپه باید دید. باید دید که امروز چطور کارگر در آن جامعه عنصری مهم، قدرتمند، با پاسخ مستقل خود، قابل اتکا و با قابلیت رهبری کردن است. امروز کارگر رادیکال و طبقه کارگر رادیکال و ماگزیمالیستی را میبینیم که در مقابل هر ترفندی چه از طرف جمهوری اسلامی چه از طرف هر نیرویی دیگری ایستاد، مقاومت کرد و مبارزه اش را ادامه میدهد.

هیمن خاکی: در متن این اعتراضات و اعتصابات و در اوضاع کنونی قاعدتا اتفاقات خیلی زیادی افتاد و اوضاع طوری بود که سرعت تحولات انقدر زیاد بود که گاهی اوقات باید ثانیه ای تحولات را پیگیری می کردید تا متوجه میشدید داخل جامعه ایران دارد چه اتفاقی می افتد. مشخصات اعتصاب و اعتراض کارگران فولاد و هفت تپه که نمونه بارز این مسئله بودند است، سخنرانی ها از اعتصاب باشکوه شان، از پیوستن مردم به این اعتراضات و اعتصابات. ولی بعد از اینکه نمایندگان کارگران را دستگیر کردند مشخصات اسماعیل بخشی بعد از اینکه آزاد شد و مشخص شد که اسماعیل بخشی را شکنجه کردند و در این مورد هم بحثهایی به وجود آمد که بعضی میگفتند که نه شکنجه نشده و بعضی میگفتند شکنجه شده تا بعد از اینکه خود اسماعیل بخشی در این رابطه نامه ای داد و در رابطه با شکنجه شدن اش حرف زد. شما در صحبت هایتان در مورد شرایط کنونی حرف زدید و مهری که فولاد و هفت تپه به وضع موجود زدند، مشخصات ما شاهد بودیم بعد از این که اسماعیل بخشی نامه اش را منتشر کرد باز ما شاهد بودیم جمهوری اسلامی که تاریخش با شکنجه و زندان و اعدام عجین بوده یک طوری دیگر به این نامه واکنش نشان داد، به شیوه دیگری با این مسئله برخورد کرد. من دوست دارم نظر شما را در این رابطه بدونم که در بطن این اوضاع شما این مسئله را چطور ارزیابی می کنید و نظر شما در این رابطه چیه؟

آذر مدرسی: همانگونه که خودتان گفتید شکنجه یک بخش از حاکمیت جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی بدون شکنجه، زندان، سرکوب، بدون چماقدار و اوباش فالانژاش که اصلا امکان ندارد در آن جامعه دو روز دوام بیارود. اگر تا امروز هم سرپا مانده اساسا با اتکا به سرکوب و اتکا به یک دستگاه و ماشین سرکوب است. در نتیجه نامه اسماعیل بخشی رعد و برق در آسمان بی ابر نبود و گویا قبل از آن هیچکس نمیدانست شکنجه هست. این نامه، اولین نامه و یا اولین افشاگری در مورد شکنجه هم نبود و اسماعیل بخشی نه اولین و نه آخرین کسی است که شکنجه شده. روشن بود که در کنار اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، که او هم به اتهام دفاع از کارگران هفت تپه دستگیر شده بود، به شدت مورد شکنجه قرار گرفته است. اینکه یک عده مزدور جمهوری اسلامی یا خود جمهوری اسلامی اعلام می کنند خیر شکنجه ای در کار نبوده و امروز میگویند که خوب معلومه شکنجه میشوید انتظار داشتید در زندان بهتان گل و بلبل بدهیم و... مهم نیست. این نوع دفاعیات و توجیحات پوچ تر از آن است که بتواند تاثیری روی واقعه مهمتری که افتاده بگذارد.

نامه اسماعیل بخشی برخلاف تصویری که تلاش میشود داده شود که گویا این نامه یک کارگر و یک انسان رنج دید و شکنجه شده است، در مورد صرف شکنجه نیست. نامه اسماعیل بخشی ادعای یک کارگر شکنجه شده علیه کل آن حاکمیت است. دعوت از وزیر اطلاعات برای مناظره دعوت از حاکمیت برای اثبات این واقعیت است که این حاکمیت بدون شکنجه امکان نداشت بتواند حاکمیت اش را ادامه بدهد. نامه اسماعیل بخشی ادعای یک طبقه علیه یک حاکمیت است. قبلاً هم در مورد شکنجه صحبت شده و نفس شکنجه در جمهوری اسلامی امر تازه ای نیست. مسئله ای که تازه است این است که بر متن اوضاع امروز است که وقتی کارگری اعلام میکند من شکنجه شدم بلافصله به یک زمین لرزه سیاسی تبدیل میشود. ما قبلاً هم شاهد این بودیم که زبان فعال کارگری را بریدند، اما با وجود اینکه خبر آن در میدیا منتشر شد، هیچ اتفاقی نیفتاد، شاهدیم که احکام شلاق زدن به کارگران اجرا شد و ما کمونیستها و خود فعالین کارگری اعلام کردند چرا کارگری که اول ماه مه را جشن میگیرد باید شلاق بخورد و اعتراض شد اما آب از آب تکان نخورد! این که نامه کارگری که اعلام میکند من شکنجه شدم باعث چنین بحرانی در حالا میشود که یکی تکذیب می کند، مجلس اعلام میکند باید رسیدگی بشود، میگویند باید در کمیسیون امنیت ملی بررسی شود، خودشان به اسماعیل بخشی توصیه میکنند شکایت را قانونی کند، مستقل از اینکه می خواهند این شکایت از یک ادعای سیاسی به یک امر قانونی تبدیل کنند، اما فقط و فقط حاکی از یک امر است آنهم وزن اجتماعی این طبقه و فشار آن روی حاکمیت. نشان اینکه یک کارگر به نمایندگی از آن طبقه میتواند حاکمیت را زیر سوال ببرد و آنها مجبورند زیر فشار این طبقه به حرف بیایند! نمایندگان مجلس که "شوکه شده اند" و همه مردم می دانستند اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را از لحظه دستگیری با ضرب و شتم به زندان برده اند و بعد روشن بود در آن یک ماه که در زندان بودند جز شکنجه و بی حرمتی هیچ رفتار دیگری را با آنها نداشتند. اینها همه روشن بود اما اعلام علنی این مسئله و جواب خواستن از حاکمیت در مقابل جامعه، ادعای یک طبقه است. در این توازن قوا طبیعی بود که این نامه به یک زمین لرزه در بالای تبدیل شود و جمهوری اسلامی را به واکنش ناچار کند.

هیمن خاکی: شما در صحبت هایتان تاکنون در مورد این حرف زدید که بعد از زلزله دی ماه و اعتراضات اتفاقاتی که طی یک سال گذشته افتاد، از قدرت طبقه کارگر حرف زدید و مهربی که طبقه کارگر به اوضاع کنونی زده با خواست و مطالباتش با برنامه اش با این اینکه به عنوان یک طبقه برنامه داره برای آینده جامعه ایران. و اینکه بعنوان یک طبقه برنامه دارد که جامعه ایران و خواست و مطالبات مردم ایران را به کرسی بنشیند حرف زدید و اشاره کردید که این اعتراضات و اعتصابات هفت تپه فولاد چه تاثیر بسزایی گذاشته روی وضعیت کنونی جامعه ایران. ما شاهدیم که خود مسئله شوراها، حاکمیت شوراها یکی از مهم ترین چیزهایی بود که در این دوره حداقل به طور خیلی مشخص و ویژه ای به یکی از بحث های اصلی جامعه تبدیل شد، به یکی از جدی ترین مباحث اوضاع سیاسی جامعه ایران تبدیل شد. با این اوصاف حزب حکمتیست خط رسمی در اطلاعیه ها و بیانیه هایش از یک چیزی حرف میزند به اسم جامعه پسا هفت تپه و فولاد. من دوست دارم شما کمی در این رابطه حرف بزنید که

جامعه پسا هفت تپه و فولاد چیست و چه مشخصاتی دارد. یعنی وقتی که میگه جامعه پسا هفت تپه و فولاد مشخصات اش چیست؟

آذر مدرسی: اتفاقات و تحولاتی هست که مهر خود را بر روند اوضاع در یک جامعه میزند. اعتصاب کارگران فولاد و هفت تپه یکی از آنها است. یک دوره همه به درست می‌گفتیم دنیا بعد از دی ماه به عقب بر نمی‌گردد. الان هم پسا هفت تپه و فولاد نه نگاه جامعه به طبقه کارگر، نه نگاه طبقه کارگر به خود، نه سازمان یابی طبقه کارگر، نه قدرت طبقه کارگر، نه اعتماد به نفس طبقه کارگر، نه وزن اجتماعی طبقه کارگر و بخصوص نه رابطه طبقه کارگر با حاکمیت با دوره قبل از هفت تپه و فولاد قابل مقایسه نیست. این وضعیت امکان ندارد به قبل برگردد! ایران پسا فولاد و هفت تپه ایرانی است که در آن طبقه کارگر اعلام کرده که برای تعیین تکلیف نهایی و برای رهبری مبارزه مردم علیه بورژوازی ایران به میدان آمده است. غولی که بعد از فولاد و هفت تپه از شیشه بیرون آمده را هیچکس نمیتواند دوباره تو شیشه کند. نه تشکیل شوراهای اسلامی دست سازشان، نه فشار و شکنجه، نه آلترناتیو سازی بورژوازی پروغرب، نه جدالهای درون رژیم و دیگر تعیین کننده نیست. از وقتی که کارگران فولاد و هفت دقیقه به میدان آمده اند، از وقتیکه طبقه کارگر در آن جامعه اعلام کرده که من برای آزادی و رفاه و امنیت و سعادت جامعه مبارزه می‌کنم، آلترناتیو سازی بورژوازی و مباحث و یا تلاش‌های جریان‌های بورژوازی را چه درون حکومتی و چه بیرون حکومتی برای اینکه اوضاع را به طرف دیگری ببرند، به حاشیه رانده شده اند، از شان خبری نیست و همه رفتند زیر سایه سنگین طبقه کارگر! دیگر حرف از آلترناتیو سازی های جریان‌های اپوزیسیون بورژوازی پرو غرب و نیروهای قومی و ناسیونالیسم کرد و ترک و عرب و به شدت حاشیه ای شده است. همه این نیروها تلاش می‌کنند به هر شکلی که شده از زیر فشار سنگین طبقه کارگر بیرون بیایند.

بعد از هفت تپه و فولاد جدال دیگر جدال بین لایه های مختلف بورژوازی چه در حاکمیت و چه در بیرون نیست. جدال طبقه کارگر با همه اینها است. با کل نیروهایی است که سعی کردند مبارزه مردم را قومی کنند، با کل نیروهایی است که سعی کردند مبارزه مردم برای رفاه و آزادی را به مبارزه برای برگشت به عقب، به دوران سلطنت تبدیل کنند، با کل آن نیروهایی است که تلاش کردند طبقه کارگر را سیاهی لشکر اهداف خودشان کنند. همه اینها به کنار رفت! ایران پسا فولاد و هفت تپه جامعه ای است که در آن طبقه کارگر مهر خود را کوبیده، با آلترناتیو و پاسخ خود در راس جدال برای آزادی و رفاه قرار گرفته است.

هنوز این جنبش، این طبقه و ما کمونیست های آن باید قوی تر، سازمان یافته تر، تعرضی تر، متحدتر، قدرتمندتر به میدان بیاییم و باید بخش های هرچه وسیعتر جامعه را زیر رهبری خود برای رسیدن به آزادی و رفاه و امنیت و سعادت و عدالت اجتماعی بیارویم. هنوز کارهای زیادی هست باید کرد. اما غولی که از شیشه بیرون آمده، طبقه کارگری که بعنوان نماینده اکثریت محروم عرض اندام کرده را با هیچ یک از تلاشهای جبهه ای که بورژوازی میکند نمیتوان به عقب برگرداند. ممکن است مثل دی ماه ما شاهد تغییر شکل ابراز وجود این طبقه باشیم، ممکن است شاهد تغییر روشی در مبارزه اش باشیم، ممکن است برای مدتی کوتاه کمی به قول معروف فیتله ها پایین

کشیده شود و ... اما یک چیز مسلم است آنهم اینکه طبقه کارگر بعنوان طبقه ای که تعیین تکلیف نهایی را میکند، طبقه ای که ادعایش را دارد، قدرتش را دارد، سمپاتی و حمایت بخش اعظم جامعه را با خود دارد، پا پیش گذاشته است. این شرف انگیزترین مولفه در ایران "پسا فولاد و هفت تپه" است. باید به استقبال آن رفت. امیدوارم سال آتی ما، سال پیشروی‌های بیشتر، تعرض بیشتر و پیروزی این طبقه بر بورژوازی باشد.

۶ ژانویه ۲۰۱۹

با تشکر از آسو فتوحی عزیز برای کمک در کتبی کردن مصاحبه

به اتحادیه ها، احزاب و سازمان های کارگری

در اعتراض به شکنجه و ارباب کارگران در ایران

مقامات جمهوری اسلامی اسماعیل بخشی و خانواده اش را تحت فشار قرار داده اند که نامه سرگشاده اش در خصوص اعتراض به ۲۵ روز بازداشت زیر شکنجه و ارباب نیروهای امنیتی را پس بگیرند. وی در نامه اخیرش به محمود علوی وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی خواستار توضیح روشن ایشان در مورد دلیل بازداشت و شکنجه اش در یک مناظره علنی و دو طرفه شده است. اسماعیل بخشی در نامه اش تاکید کرده است که در زمان بازداشت بدون هیچ دلیل و مدرکی تا سرحد مرگ شکنجه شده و زیر مشت و لگد نیروهای اطلاعاتی و امنیتی قرار گرفته است. بعد از گذشت دو ماه از دستگیری و بازداشت ایشان، هنوز وی از درد شدید کلیه ها و شکستگی دنده های سینه اش رنج می برد. ایشان که طی مدت بازداشت مجبور به استفاده از "داروهای اعصاب و روان" شده بود هم اکنون به آسیب های روانی هم دچار شده است.

بدون شک اسماعیل بخشی اولین و آخرین نفری نیست که زیر تیغ شکنجه و ارباب نیروهای امنیتی این نظام می رود. کارنامه جمهوری اسلامی در طول چهار دهه حاکمیت ننگین اش مملو از تعقیب، دستگیری، شکنجه و اعدام انسانها است. اما آنچه امروز را با دیروز متفاوت میکند فازی از پیشروی جامعه ایران در مبارزه علیه جمهوری اسلامی است که از خیزش دیمه گذشته جرقه آن زده شده است. خیزشی که آشکارا نشان داد کل بنیادهای جمهوری اسلامی را نشانه گرفته است. در طول یکسال گذشته رشد اعتراضات کارگری و بطور ویژه اعتصابات در هفت تپه و شرکت ملی فولاد اهواز سر تیر زنده اخبار و رویدادهای سیاسی مهم ایران بود. اسماعیل بخشی بر متن این اوضاع شکنجه شده است و با اتکا به پیشروی های جامعه در یکسال گذشته علیه بانیان وضع موجود، اقامه دعوا کرده است. بر متن این اوضاع است که اسماعیل بخشی وزیر اطلاعات را به مناظره فراخوانده است. کیفرخواست شخصیتی خوشنام و اجتماعی در میان طبقه کارگر و در دل جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی که مقامات رژیم را ناچار به پاسخگویی کرده است.

چنین فراخوان و کیفر خواستی، سزاوار حمایت بی دریغ اتحادیه ها و احزاب و سازمانهای کارگری در جهان است. طبقه کارگر در ایران، از سایر رفقای خود در کشورهای مختلف جهان میخواهد که به هر شیوه ممکن، با تحمیل یک فشار بین المللی به جمهوری اسلامی اجازه ندهند که این رژیم صدای چنین کیفرخواستی را خاموش و سرکوب کند. جمهوری اسلامی باید محکوم و مجبور به خاتمه دادن به آزار و اذیت خانواده اسماعیل بخشی شود.

زنده باد اتحاد و همبستگی جهانی طبقه کارگر

امان کفا

دبیر تشکیلات خارج از کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

۷ ژانویه ۲۰۱۹

"سناریوی سوخته"

تعرض زبونانه

تلویزیون شبکه ۲ جمهوری اسلامی فیلمی را به نمایش گذاشت که بر اساس پرونده سازی و پاپوشدوژیهای دستگاههای امنیتی زیر شکنجه، تحت عنوان "طراحی سوخته" تهیه شده است.

برای هشتاد میلیون مردم ایران این سناریوی سوخته و آشنا است. این بظاهر تعرض، اما در اساس تلاش زبونانه ای است که حتی دستگاه های قضایی شان نمی توانند بر اساس آن پرونده سازی کنند. این آسمان و ریسمان بافتن و پرونده سازی از ده سال قبل تا کنون بار دیگر نشان می دهد که جمهوری اسلامی زیر ضربات جنبش طبقه کارگر و محرومان جامعه دست و پا میزند.

این سناریوی نفرت انگیز، ظاهرا رهبران و فعالین کارگری و سیاسی و اجتماعی را هدف گرفته تا بلکه مرعوبشان کرده و توده های طبقه کارگر و محرومان را از رهبران و پیشروانشان جدا کند. اما در واقع تعرض مذبحخانه ای است که جنبشهای اجتماعی و در راس آن جنبش کارگری را نشانه گرفته است.

وحشت نظام سرمایه و ارتجاع اسلامی از همبستگی و پیوستگی طبقاتی و اجتماعی و سراسری شدن اعتراضات کارگری و محرومان جامعه است. از نظر سناریوی سوخته رژیم، همبستگی و پیوند و ارتباط جنبش های طبقاتی و اجتماعی و رهبران و نمایندگانشان، جرم است. آه و ناله رژیم از این است که چرا هفت تپه و فولاد و شرکت واحد و رانندگان کامیون و معلمان و بازنشستگان و دیگر بخشهای کارگری از هم حمایت می کنند. این منشا وحشت و ترس نمایندگان سرمایه است و ترسی واقعی است.

اما برای رژیم مفلوک و تحت فشار جنبش ها و اعتراضات توده ای، جلوگیری از این اتفاق و گسترده تر شدن آن، دیگر دیر شده است. این دست و پا زدن ها و پرونده سازیها و سناریوهای سوخته ساختن، جز بی آبرویی بیشتر برای این نظام چیزی به بار نمی آورد.

دستگاه های امنیتی رژیم با نمایش مسخره "طراحی سوخته" و بهم دوختن عبارات شناخته شده ای که زیر شکنجه دیکته شده اند، مذبحخانه تلاش می کنند از فشار طبقه کارگر و ستمدیدگان و گرسنگان بر رژیم شان بکاهند تا موج تعرض طبقاتی را از امروز تا فردا از سر بگذرانند. سر تا پای رژیم از کاخ رهبری تا هیات دولت روحانی و

مجلس نشینان و دستگاه های قضایی و امنیتی به واقعیت ترسناک تعرض طبقه کارگر و ستمدیدگان جامعه آگاهند. جامعه پیاخاسته و طبقه کارگر آگاه برای این توطئه های مذبحخانه تره هم خرد نمی کند.

همبستگی طبقاتی بخشی از طبقه کارگر که از بافق و آق دره شلاق خورده تا هپکو و چادرملو و از هفت تپه و فولاد و شرکت واحد تا معلمان و پرستاران و رانندگان کامیون و بازنشستگان... شروع شده است، مطلقاً قابل بازگشت نیست. این جنبش با این ترفندهای زبوانه و سناریوهای سوخته به عقب رانده نمی شود. طبقه کارگر و جنبش های اجتماعی همراه، مجبور به پیشروی اند. این آغاز پایان جنگی است که جمهوری اسلامی چهار دهه است به کارگران و زحمتکشان و زنان و جوانان ایران تحمیل کرده است. جنگ نان! تلاش زبوانه رژیم برای وصل کردن این جنبش ها به دولت ها و عوامل خارجی و غیره، نمی تواند ذره ای از حقانیت این جدال طبقاتی و اجتماعی بین حاکمان و محکومان در ایران را کم و کمرنگ کند.

یک وجه دیگر سناریوی سوخته جمهوری اسلامی، وحشت از کابوس کمونیسم بر فراز نظام پوسیده سرمایه است. کمونیسم جنبش اجتماعی طبقه کارگر است. تا زمانی که نظام استثمار و بردگی مزدی وجود دارد و تا زمانی که جامعه به طبقات دارا و ندار، سرمایه دار و کارگر تقسیم شده است، نظام سرمایه داری از کمونیسم و کابوس و شبخ آن گریزی ندارد. سناریوی جمهوری اسلامی برای جدا کردن کمونیسم از جنبش طبقه کارگر و نسبت دادن به این و آن فرد و گروه در درون و بیرون طبقه، تلاش سفیهانه ای بیش نیست.

حزب حکمتیست (خط رسمی) نمایش "طراحی سوخته" جمهوری اسلامی و دستگاه های امنیتی اش را پاپوشدوزی و نقشه ای کثیف و آبرو باخته، سناریوی سوخته و تعرضی زبوانه می داند که نه تنها رهبران و فعالین کارگری و اجتماعی را نمی ترساند، بلکه عزم طبقه کارگر و محرومان جامعه را برای رهایی از استثمار و فقر و گرسنگی و فلاکت جزم تر می کند. این به اصطلاح "اعترافات" زیر شکنجه، سرسوزنی از محبوبیت و اتوریته رهبران و نمایندگان کارگران در میان طبقه کارگر، کم نمی کند. طبقه کارگر رهبرانش را مثل مردمک چشم حمایت و حفاظت می کند. لایه های گوناگون طبقه چند ده میلیونی کارگر یکی پس از دیگری ورق می خورند، رو می آیند و بهم می پیوندند. ناقوس مرگ نظام استبداد و سرکوب و استثمار سرمایه در ایران بصدا در آمده است.

ما طبقه کارگر و رهبران و پیشروانشان را به همبستگی و همراهی و پیوند سراسری جنبش طبقاتی شان فرا می خوانیم. ما جنبش های اجتماعی صفوف زحمتکشان و محرومان و ستمدیدگان را فرا می خوانیم زیر پرچم و افق آزادی و برابری طبقه کارگر آگاه، صف ببندند.

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقه کارگر و متحدانش

زنده باد کمونیسم

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۹ دیماه ۹۷-۱۹ ژانویه ۲۰۱۹

روز شمار اعتصاب و اعتراضات کارگران هفت تپه

بیانیه ی شماره ۱ سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

۱۳ آبان ۹۷

با عرض سلام و ادای احترام

به استحضار کلیه کارکنان شریف و محترم شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه میرساند که بنابه مصوبه ی جلسه ی اخیر شورای تامین استان که با نمایندگان کارگران و کارفرما برگزار گردید مقرر شد که دوازدهم الی پانزدهم هرماه حقوق پرسنل واریز گردد، اما با پیگیری های امروز نمایندگان و صحبت با آقای خطیب که راس ساعت ۱۲۰امشب به شرکت مراجعه کرده بودند، نمایندگان و جمعی از پرسنل سایر قسمت ها جویای تاریخ واریز حقوق مرداد ماه بودند، حقوقی که قرار بود فردا واریز شود اما در کمال ناباوری آقای خطیب عنوان نمودند که تا اطلاع ثانوی و فعلا خبری از واریز حقوق نیست.

لذا بدینوسیله و باتوجه به خلف وعده و دروغ های مکرر مدیریت به تمامی پرسنل عزیز اعلام میکنیم که فردا راس ساعت ۸ صبح در اعتراض به این وعده های پوشالی در محل درب مدیریت تجمع میکنیم.

لازم به ذکر است که باتوجه به دربند بودن حضرات کارفرما به دلیل اختلاس های کلان، تجمع ما تا زمان خلع ید شرکت از آنها ادامه خواهد داشت و تا زمانی که شرکت به دولت بازنگردد ما نیز به محل کار باز نخواهیم گشت.

منبع. کانال . کارگران هفت تپه.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

۱۳ آبان ۹۷

بیانیه ی شماره ۲

با سلام و خسته نباشید به نمایندگان عزیز و شریف کارگران.

ضمن تقدیر و تشکر از شما عزیزان بابت تمامی پیگیری ها، مذاکرات و زحماتی که برای اعتلا و سربلندی هفت تپه میکشید، به استحضار شما عزیزان میرسانیم که ما پرسنل شرکت هفت تپه از شما خواهش میکنیم که مابقی راهی که شما عزیزان برای ما هموار نمودید را به عهده ی ما پرسنل واگذار نمایید تا از فردا با تجمعات خود پاسخ مناسبی به این وعده های دروغین و پوشالی کارفرمای غاضب هفت تپه بدهیم تا از هرگونه فشار احتمالی بر شما از نهادهای انتظامی و امنیتی بر حذر باشید، زیرا شما تمام سعی و تلاشهای مسالمت آمیز را با مذاکره و برگزاری جلسات متعدد دین خود را به رای دهندگان به شما ادا نمودید.

از فردا ما پرسنل هفت تپه با همان زبانی که کارفرما تاکنون با وی صحبت کرده ایم، راه را طی میکنیم.

از زحمات و تلاش های شبانه روزی شما عزیزان کمال تشکر و قدردانی را مینماییم.

وعده ی ما فردا دوشنبه ۱۴/۸/۹۷ راس ساعت ۸

درب مدیریت

اولویت مطالبه ی ما خروج آقایان کارفرما از شرکت و بازگشت شرکت به روال گذشته.

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه / هشدار کارگران به مسئولین

۱۶ آبان

امروز چهارشنبه ۱۶ آبان ماه ۱۳۹۷ کارگران نیشکر هفت تپه در سومین روز اعتصاب سراسری خودشان روبروی دفتر مدیریت شرکت تجمع کردن،

اعتصاب کارگران هفت تپه از روزی شکل گرفت که کارفرما سه سال است تا کنون به تعهدات خود در قبال کارگران عمل نکرده و ناتوان مانده و علاوه بر پرداخت نکردن مطالبات عقب افتاده چند ماهه کارگران به دیگر تعهدات خود هم با شورای تامین خوزستان و مسئولین محلی عمل نکرده است،

کارگران نیشکر هفت تپه در سومین روز اعتصاب سراسری و مسالمت آمیز خودشان به مسئولین دولتی هشدار جدی داده اند و گفته شد تا روز شنبه هفته آینده به مسئولین دولتی مهلت خواهند داد به خواسته خود پاسخ دهند که در غیر این صورت اعتصاب را به بیرون از شرکت منتقل خواهند کرد،

در دور جدید تخلفات کارفرمایان شرکت کارگران شاهد تخلف مدیر عامل شرکت که اخیراً بر حسب اعلام بانک مرکزی و بعد از دریافت میلیون‌ها دلار و ارز دولتی با عنوان تخلف اجرایی نکردن تعهدات خود در قبال دریافت ارز، به این علت مشخص شد که مدیر عامل در بازداشت بسر می‌برد و این نگرانی بزرگ را برای کارگران هفت تپه بوجود آورده که کارگران جز خواهان خلع ید شرکت از بخش خصوصی به بخش دولتی یا نهادی دیگر چیز دیگری مطالبه نخواهند کرد،

سندیکای نیشکر هفت تپه

نهمین روزاعتصاب کارگران کارگران نیشکر هفت تپه

۲۲ آبان

امروز سه شنبه ۲۲ آبان ماه کارگران حق خواه هفت تپه برای پیگیری مطالبات به حق خود در مقابل فرمانداری شوش دست به تجمع زدند.

کارگران مبارز هفت تپه با سر دادن شعار، مطالبات و خواست های خود را با صدایی بلند و رسا بیان کردند تا شاید گوش شنوایی، صدای دادخواهی آنها را بشنود!!

کارگران در کمال نظم و ترتیب!! اعتراض به حق خود را به پیش بردند .

اعتراضی که در صورت برآورد نشدن خواست ها ، خشم و تنفر طبقاتی کارگران را صد چندان خواهد کرد .

کارگران عزیز و مبارز و به جان آمده، تنها راه برای رسیدن به خواست و مطالبات به حق، همانا اتحاد و همبستگی ، همدلی و همصدایی ما در صفی واحد در مقابل تمام کسانی است که به حقوق کارگران زحمتکش دست درازی می کنند .

سرمایه داران و حامیان زر و زور با هزاران ترفند تلاش خواهند کرد صفوف متحد ما را در هم بشکنند.

پس باید هوشیار بود که عناصر سست عنصر و منفعت طلب، نتوانند به صفوف متحد ما نفوذ کنند.

درود بی پایان ما از سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه نثار قدم های استوار شما باد که در مقابل این بی حقوقی ها نه تنها تسلیم نشده آید بلکه با صدای بلند به این مناسبات پر از ستم و تبعیض به اعتراض پرداخته آید.

ما کارگران هفت تپه باید بتوانیم در اتحاد و همبستگی با دیگر کارگران که همچون ما زیر بار ستم و بی حقوقی قرار گرفته اند متحد شویم تا با نیرو و توان بیشتری در مقابل هجوم صاحبان سرمایه برای رسیدن به مطالبات تلاش ، ایستادگی و مقاومت کنیم.

شعار و خواست کارگران در اعتراض امروز:

پایان دادن به مالکیت خصوصی در هفت تپه

کارگر می میرد ذلت نمی پذیرد

مرگ بر ستمگر درود بر کارگر. لازم به یاد اور نیست. که همکاری نیروی انتظامی با کارگران قابل قدیر میباشد.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه.

سه شنبه ۲۲ آبان ۹۷

فولاد هفت تپه اتحاد اتحاد

کارگران هم زنجیران :

۲۳ آبان ۹۷

دیروز ۲۲ آبانماه کارگران فولاد اهواز در اعتراض به پایمال شدن حقوق خود، در مقابل استانداری اهواز دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارگران مبارز فولاد اهواز با سر دادن شعار " فولاد هفت تپه اتحاد اتحاد " ضمن همبستگی از مبارزات کارگران هفت تپه ، اعلام داشتند که طبقه کارگر باید با اتحاد و با همبستگی طبقاتی در مقابل صاحبان سرمایه ایستادگی کنند.

کارگران هم زنجیر ؛

کارگران هفت تپه صدای همبستگی شما را شنیدند.

کارگران نیشکر هفت تپه هم به مانند شما کارگران فولاد اهواز، باور دارند که باید متحد شد و یکدل و یکصدا مشت ها را بر علیه این بی حقوقی ها گره کرد.

ما کارگران باید بتوانیم به مانند یک خانواده بزرگ کارگری، از خواست و مطالبات خود یک صدا، دست به اعتراض بزنیم.

درد کارگر هفت تپه ، درد کارگر فولاد اهواز ، درد کارگر هپکو، درد کارگر آذرآب درد کارگر ... درد تمام کارگران مورد ستم و استثمار در ایران است.

فرقی ندارد من کارگر در کدام کارگاه و کارخانه، در کدام مدرسه و بیمارستان و یا در کدام مزرعه مشغول به کار هستم.

آنچه ما را به مثابه یک خانواده متحد و متشکل می کند درد و رنج مشترکی است که هر روزه توسط صاحبان سرمایه به ما تحمیل می شود.

کارگران؛

برای رهایی از این همه تبعیض، نابرابری و بی حقوقی، راهی جز اتحاد سراسری در پیش روی ما نیست.

باید با ارتباط تنگاتنگ با برنامه های مشترک، اعتراضات مشترک را به پیش برد.

توان و نیروی ما در همبستگی و انسجام سراسری ما کارگران است.

برای پایان دادن به فقر و فلاکت، برای پایان دادن به تحقیر و استثمار، باید خانواده بزرگ ما کارگران در سراسر ایران متحد شود.

کارگران؛

این درد مشترک هرگز جدا جدا درمان نمی شود. همراه شو عزیز!

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

۲۳ آبانماه ۹۷

زنان نیمی از جامعه اند

کارگران؛ هم زنجیران؛

۲۳ آبان

زنان نیمی از جامعه هستند. زنان بعنوان نیمی از جامعه با داشتن ستم های مختلف، مصمم و با اراده، در امر مبارزه، همیشه در صف اول قرار داشته اند.

زنان کارگر نه تنها به مانند کارگران مرد در محیط کار استثمار و مورد بی حقوقی، تبعیض و استثمار قرار می گیرند، بلکه به دلیل زن بودن، هم مورد ستم جنسی قرار می گیرند.

زنان آگاه و پیشرو همیشه در عرصه مبارزه پیش قدم بوده و هر کجا که حضور داشته اند، با ارائه مباحث جدی و عمیق نشان داده اند نه "کمتر" هستند و نه "ضعیفه" بلکه انسانهایی هستند که جامعه طبقاتی ستم های گوناگونی

را بر آنان تحمیل کرده است؛ اما این ستم و فرهنگ عقب مانده باعث نشده است که زنان کارگر و همسران کارگران دست از مبارزه بردارند.

هر چند زنان، داری خواسته ها و مطالبی هستند که خاصه زنان می باشد- از جمله داشتن حق پوشش اختیاری، حق طلاق، حق انتخاب و...- اما در نهایت مبارزه طبقاتی کارگران بدون حضور فعال زنان کارگر و زحمتکش غیر ممکن خواهد بود.

زنانی که خود نان آور خانواده هستند مستقیماً مورد استثمار قرار می گیرند و آنجا که بعنوان همسر و مادر، در خانه داری - کار بی اجر و مزد - مشغول کار هستند، مورد ستم و اجحاف قوانین سرمایه داری قرار می گیرند. زنان کارگر و همسران کارگران در نیشکر هفت تپه بارها به اثبات رسانده اند که بدون حضور چشم گیر آنان، مبارزه به سادگی به پیش نخواهد رفت.

در دوره های گذشته سالهای ۸۶ و ۸۷- از اولین روزها اعتراض و اعتصاب در هفت تپه - کارگران زن و همسران کارگران در صف مقدم مبارزه بوده و این حضور، نیروی طبقاتی مبارزه را دوچندان کرده است.

امروز ۲۳ آبانماه، بار دیگر شیر زنان مبارز و آگاه با حضور خود در تجمع کارگران نیشکر هفت تپه - مقابل فرمانداری شوش - با سخنرانی شجاعانه، پرمحتوا و انرژی بخش، عزم و اراده جمعی کارگران را بیشتر کرد. باید باور داشت بدون حضور فعال زنان، مبارزه سر از ناکجا آباد در خواهد آورد.

مبارزه برای مطالباتی که خاصه زنان است باید با مبارزه روزانه کارگران گره بخورد و این امر تنها با یک نگاه طبقاتی امکان پذیر است.

ما بعنوان سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، سپاس خود را نثار زن سخنران می کنیم که مستحکم، با شهامت و آگاهانه به دفاع از مبارزات جاری پرداخت و به درست خواستار اتحاد و همبستگی سراسری کارگران شد.

دروود بی پایان نثار شما باد! مهر بانوی گرامی.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

۲۳ آبانماه ۹۷

اطلاعیه

فوری فوری فوری

۲۶ آبان

سرکوب آغاز شد

همکنون خبردار شدیم یگانهای زد شورش وارد هفت تپه شدن برای جلوگیری از اعتصابات به حقمون پس همکاران عزیز لطفا فردا همگی در محل کار حاضر شوید و تجمع خود را از داخل شرکت آغاز میکنیم راس ساعت ۸ روبروی درب اداره حراست کانال رسمی کارگران هفت تپه.

شنبه ۲۶ آبان ۹۷

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

خبر فوری: یگان ویژه

۲۷ آبان

یگان ضد شورش، تماما مسلح، گیت های خروجی شرکت هفت تپه را به تصرف خود در آورده و اجازه ی خروج از شرکت را به کارگران نمیدهد.

کارگران میخواهند به هر طریق از شرکت خارج شوند و به تظاهرات هر روزه ی خود جلوی فرمانداری ادامه دهند.

کانال رسمی کارگران هفت تپه.

۲۷ آبان ۹۷

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه،

خبر فوری: دستگیری کارگران

۲۷ آبان

بنابر خبر دریافتی اسماعیل بخشی یکی از نماینده های شورای کارگران هفت تپه همراه با محسن آرمند و یک خانم خبرنگار دقیقی پیش بازداشت شده اند.

خبر های تکمیلی را در این کانال دنبال کنید.

کارگر زندانی آزاد باید گردد

سندیکای کارگران هفت تپه

۲۷ آبان ۹۷

اعضای مجمع نمایندگان کارگری نیشکر هفت تپه بازداشت شدند

۲۷ آبان

❖ بر اساس آخرین پیگیری وضعیت کارگران بازداشت شده نیشکر هفت تپه : تمامی اعضای مجمع نمایندگان کارگری نیشکر هفت تپه و چند فعال کارگری و گفته می شود یک خبرنگار زن در بازداشت هستند/افراد دیگری که گفته می شود در بین بازداشت شدگان هستند از دیگر همکاران شاغل و برخی مدیران شرکت میباشند که بعد از حضور آنان جهت پیگیری وضعیت بازداشت شدگان در محل پلیس امنیت شوش بازداشت شدند

▼ خبر وضعیت حال و روز همه بازداشت شدگان خوب گزارش می شود/آمار و تعداد نفرات همه بازداشت شده، که بدست رسیده به شرح زیر است ..

پویا بشمه : خوراک دام

سعید منصوری : نماینده تحقیقات

جلیل احمدی : نماینده کشاورزی

عظیم سرخه : نماینده خدمات پشتیبانی

مهدی داوودی : خدمات پشتیبانی

سعید الکثیر : حراست

علیزاده : حراست

امید آزادی : کارخانه شکر

سید حسن فاضلی: نماینده تجهیزات

صمیر احمدی : تجهیزات

مهندس سلامات نیا : مدیر تجهیزات مکانیکی

عماد کثیر: نماینده زیربنایی

محمود سعدی : تجهیزات

اسماعیل بخشی : نماینده تجهیزات

سپیده غلیان : خبرنگار

مسلم ارمند: نماینده تجهیزات

محمد خنیفر: تجهیزات

خالد تمیمی : مدیر ترابری

ایمان اخضری

▲ لازم به ذکر است بلافاصله پس از دستگیری نمایندگان کارگری و کارکنان هفت تپه. گفته میشود وکیل کارگران با وکالتی که از نمایندگان کارگری در دست داشت ، برای اعلام وکالت در محل بازداشتگاه ستاد فرماندهی شوش حاضر گردید که دادستان داسرای عمومی و انقلاب شهرستان شوش اعلام نمودند تاکنون گزارشی به دست وی نرسیده است.

▲ علت این بازداشت ها هنوز مشخص نیست و تاکنون کسی درباره آن چیزی نگفته است، گفته میشود خانواده‌های کارگران بشدت نگران و تحت فشار روحی روانی قرار دارند/ آنها خواستار آزادی فوری فرزندان و همسران خود هستند.

▲ این در حالی نمایندگان کارگری بعد از پایان تجمع اعتراض مسالمت آمیز آنها امروز در حین راه بازگشت به شرکت بازداشت می شوند. که پیش از این استاندار خوزستان اعلام نموده بودند که تجمعات کارگران نیشکر هفت تپه کاملا مسالمت آمیز بوده است..

واز سویی تجمع مسالمت آمیز و آرام آن ها برای خواسته های صنفی مورد حمایت مردم شهرستان شوش و اصناف مختلف بوده است...

▲ امروز هم استاندار خوزستان بلافاصله بعد از بازداشت نمایندگان در منابع خبری اعلام کردند فقط چهار نفر از کارگران هفت تپه بازداشت شدند. و طبق آمار فوق تاکنون ۱۶ نفر از کارگران در بازداشت بسر میبرند

همکار_بازداشتی_آزاد_باید_گردد

کانال رسمی کارگران هفت تپه.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه.

یکشنبه ۲۷ ابان ۹۷

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

نه تهدید نه زندان دیگر اثر ندارد!

کارگر زندانی آزاد باید گردد!

۲۸ آبان

کارگران، زحمتکشان، مردم شریف و آگاه

شما همگی اطلاع دارید که دورجدید اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به حقوق های پرداخت نشده و اعتراض به خصوصی سازی، پانزده همین روز خود را پشت سر گذاشته است.

بر اساس توطئه های پشت پرده (ژن های برتر) مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه به افرادی واگذار شده است که نه تنها نتوانستند رونقی در این مرکز کارگری ایجاد کنند بلکه بر اساس منافع و خصلت سود پرستانه خود، منابع موجود در هفت تپه را به غارت برده اند.

ارزان فروشی هفت تپه به خودی ها !!! در اختیار در آوردند هزاران هکتار زمین حاصلخیز، در یافت وام به مبلغ ۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار بعبارتی یعنی ۸/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان، تنها گوشه ای از دزدی و غارت آشکار توسط " ژن های برتر " است.

کارگران هفت تپه بیش از نیم قرن است با خون و دل، با کار و زحمت و تلاش شبانه روزی از این مرکز کارگری به مانند چشم خود، مواظبت کرده اند تا منبع درآمدی - هر چند ناچیز - برای کارگران شاغل و همچنین منبع درآمدی برای تعداد زیادی از مردم شهر شوش باشد.

اما حرص و طمع، سودپرستی و منفعت پرستی صاحبان سرمایه آنچنان روزگار را برما کارگران تنگ کرده است که بر روی دست نوشته ای کودکان ما نوشته می شود "کودک هفت تپه ایم، گرسنه ایم گرسنه ایم". شرمتان باد.

کودکانی که به جای بازی و شادی کودکانه، بجای تفریح و پایین و بالا پریدن در پارک ها، بجای داشتن مواد غذایی مفید و سالم، بجای یاد گیری عمل و دانش، باید از هیمن سنین کودکی با فقر و تنگدستی دست و پنجه نرم کنند!!؟ براستی شرمتان باد!

کارگران، زحمتکشان، هم زنجیران، مردم شریف و آگاه

در ادامه اعتراضات و اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه، مسئولین! به جای جوابگویی و رسیدگی به خواست و مطالبات کارگران، با ارسال نیروهای یگان ویژه و ضد شورش محل کارخانه را به محاصره خود در آوردند تا شاید صدای کارگران هفت تپه را خاموش سازند.

اما این صدا در مقابل فرمانداری شوش رساتر شد، چرا که تمام هستی و زندگی این کارگران به غارت برده شده و چندین ماه است که همان حداقل مزد بخور و نمیر را دریافت نکرده اند.

در چهاردهمین روز اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه، چند نفر از کارگران و نمایندگان آنها توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند که عبارتند از: ۱- خالد تمیمی ۲- محمد خنیفر ۳- پویا بشمه ۴- سعید منصوری ۵- جلیل احمدی ۶- عظیم سرخه ۷- مهدی داوودی ۸- علیرضا ۹- امید آزادی ۱۰- سپیده قلیانی، خبرنگار ۱۱- سید حسن فاضل ۱۲- صمیر احمدی ۱۳- سلامات نیا ۱۴- عماد کثیر ۱۵- محمود سعدی ۱۶- اسماعیل بخشی ۱۷- مسلم آرمند ۱۸- ایمان اخضری

در روزهای گذشته ما شاهد حمایت معلمان، دانشجویان، کارگران فولاد اهواز، کارگران هپکو، زنان و کودکان و بازاریان شهر شوش و... بوده ایم که در این همبستگی ما را همراهی کرده اند. در تداوم این همبستگی و حمایت ها، ما از تمامی کارگران و مردم شریف و آگاه شهر شوش خواستاریم همچون گذشته حمایت های خود را ادامه داده و ضمن پشتیبانی از خواست و مطالبه کارگران هفت تپه، خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران بازداشت شده باشند.

کارگران بازداشت شده به جرم اعتراض به بی حقوقی ها و دریافت حقوق حقه خود بازداشت شده اند،

این کارگران مجرم نیستند، مجرمان و اختلاس گران همچنان آزاد هستند، این افراد نه تنها بازداشت نمی شوند بلکه با دریافت میلیون ها دلار و میلیارد ها تومان با ویزای قانونی رهسپار کشور شیطان بزرگ می شوند.

کارگران هفت تپه ؛

هم زنجیران،

همکاران کارگر و نمایندگان شما تنها به دلیل حق خواهی توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده اند. این یک خیال واهی است که با دستگیری کارگران و نمایندگان کارگری، صدای اعتراض ما خاموش شود.

ما همزمان که خواست و مطالبات مطرح شده را پیگیری می کنیم، باید با اعتراض و تجمع خواستار آزادی فوری تمام بازداشت شده گان باشیم. این تنها بخش کوچکی از شرافت، حرمت و کرامت کارگری ماست که در مقابل این زورگویی ها ایستادگی کنیم. نگذاریم دوستان کارگر مان به بند کشیده شوند.

با تداوم اعتصاب و حضور گسترده خود در خیابان های شوش یک بار دیگر ثابت کنیم که ؛ نه تهدید نه زندان دیگر اثر ندارد.

ما اعضای سندیکای کارگری نیشکر هفت تپه ضمن حمایت بی دریغ از تمامی مطالبات کارگران نیشکر هفت تپه، خواستاریم که سریعاً و بی قید و شرط تمام بازداشت شدگان آزاد گردند.

از این طریق از تمامی تشکل ها، سازمان ها، افراد و تمام کسانی که مدافع جنبش طبقه کارگر در ایران هستند، خواستاریم ضمن حمایت از کارگران هفت تپه به هر طریق مناسب برای آزادی کارگران در بند در کنار کارگران هفت تپه قرار گیرند.

زنده

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

باد اتحاد و همبستگی طبقاتی طبقه کارگر

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

دوشنبه ۲۸ ابان ۹۷

گزارش تکمیلی درباره بازداشت شدگان در تجمع مسالمت آمیز کارگران هفت تپه

۳۰ آبان ۹۷

در حالی که امروز از سوی مقامات قضایی در شهرستان شوش اعلام شده بود که چهار کارگر و یک خانم بازداشت شده آزاد خواهند شد و دادیار پرونده با تبدیل قرار بازداشت آنها به قرار کفالت موافقت کرده بود و تمام تشریفات قانونی برای تودیع کفالت در حال انجام بود، ناگهان از سوی مقام قضایی، اعلام شد که این افراد آزاد نمی شوند.

امروز چهارشنبه، حوالی ظهر، در حالی که بسیاری در بیرون از دادگاه خبر آزادی بازداشت شدگان را به سرعت با تلفن به دیگران خبر میدادند و همچنین در فضای مجازی حتا- با عجله- خبر قطعی آزاد شدن این عزیزان منتشر شده بود و در حالی که یک ساعت مانده به تعطیلی و پایان زمان اداری دادگاه باقی مانده بود و کارگران و خانواده ها از این خبر شادمان شده بودند ناگهان قضایی امنیتی در دادگاه حاکم شد و تمامی مراجعه کنندگان، کارگران و خانواده ها را از سالن بیرون کردند. مقامات قضایی در دادستانی شوش اعلام کرده اند که علاوه بر پرونده ی موجود، پرونده ای دیگر برای بازداشت شدگان مفتوح شده است که یک پرونده ی امنیتی است و بنا به اظهارات کارگران مراجعه کننده، مقامات قضایی ادعا کرده اند که آنها خودشان هم از عنوان اتهامی جدید اطلاع ندارند. به نظر میرسد در آخرین لحظات، در یک هماهنگی بین دستگاه قضایی و دستگاه امنیتی، اتهامی جدید برای بازداشت شدگان تراشیده شده است. بنابر اظهارات وکیل و نیز شنیده ها، اینطور به نظر میرسد که اتهام پیشین این عزیزان "اخلال در نظم عمومی" عنوان شده بود که ذیل اتهامات عمومی است تعریف میشود و ناظر بر اتهام امنیتی نیست اما در پرونده سازی و اتهام جدید تلاش شده است یک اتهام امنیتی نیز برای این بازداشت شدگان ساخته شود تا بلکه سایر کارگران را مرعوب کنند. اینگونه اعلام شده است که این عزیزان تا زمان تعیین تکلیف پرونده جدید و تا زمان نامشخصی در بازداشت باقی خواهند ماند!

هر چهار کارگر بازداشت شده، آقایان اسماعیل بخشی، مسلم آرمند، محمد خنیفر و سید حسن فاضلی و همچنین خانم سپیده قلیان در یک تجمع مسالمت آمیز که توسط تمامی کارگران هفت تپه و بخش عمده ای از مردم شوش و در راستای احقاق حقوق کارگران هفت تپه برگزار شده، حضور داشته اند و هر گونه اتهام اعم از اخلال در نظم عمومی و یا هر اتهام امنیتی دیگری که به این عزیزان منتسب شود بی پایه و غیر قانونی است. مقامات اداری-دولتی شهری، استانی و کشوری و مقامات قضایی همگان اذعان داشته اند که تجمع کارگران هفت تپه کاملاً مسالمت آمیز و بدون هیچ اخلالی در نظم انجام شده است. آنها به هنگام تلاش برای پایان دادن به اعتصاب کارگران هفت تپه ادعا میکنند که در کنار تمامی کارگران هستند و بازداشت کارگران از نظر آنها غیر قانونی و غیر انسانی است اما از طرفی نه تنها تلاشی برای آزادی آنها نمی کنند بلکه در پرونده سازی جدید علیه این عزیزان همکاری میکنند! بنابر اظهارات وکیل کارگران، کارگران بازداشتی، نه سازمانده این تجمع قانونی و مسالمت آمیز بوده اند و نه رهبر آن بلکه تنها نماینده و صدای هزاران کارگر معترض هفت تپه و خانواده های آنان بوده اند و هیچ جرمی مرتکب

نشده اند. همچنین ما کارگران اعلام می داریم که خانم قلیان نیز مانند سایر مردم در همبستگی با خواسته های برحق و قانونی کارگران در میان خانواده ها و کارگران حضور داشته و کارگران هفت تپه و خانواده هایشان از اینکه ایشان از این بابت متحمل آزار، بازداشت و اذیت شده اند عمیقاً متأسف بوده و قدردان ایشان و خانواده ی وی هستند. در یک جامعه سالم، باید به وجود عزیزانی همانند این کارگران که قبول زحمت کرده و نماینده و صدای مطالبات برحق کارگری شده اند تبریک گفت و قدردان آنها بود؛ اما متأسفانه امروز شاهد هستیم که برعکس، با این عزیزان برخوردهایی غیر قانونی و غیر انسانی می شود.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، همراه و همدوش با نمایندگان کارگری، کارگران هفت تپه و خانواده هایشان و سایر مردمی که از مطالبات کارگران حمایت کرده اند، خواستار آزادی بی قید و شرط و فوری تمامی بازداشت شدگان و منع هرگونه تعقیب قضایی و امنیتی علیه آنان و سایر کارگرانی است که در روزهای قبل آزاد شده اند؛ ما همچنین اعلام میکنیم که همراه با کارگران هفت تپه برای کسب مطالبات دیگرمان منجمله پرداخت دستمزدها و مطالبات معوقه دیگر و در صدر همه "لغو خصوصی سازی و بازگرداندن شرکت به بخش دولتی"، تا حصول به نتیجه نهایی، به اعتراضات برحق خود ادامه خواهیم داد .

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

شامگاه چهارشنبه ۳۰ آبان ۱۳۹۷

تا کارگران بازداشت شده آزاد نشوند مذاکره بی مذاکره

۱ آذر ۹۷

کارگران، مردم شریف و آگاه

همانطور که در جریان هستید در پانزده همین روز اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه ، چند تن از کارگران و نمایندگان کارگری توسط مامورین بازداشت شدند.

هر چند در این مدت تعدادی از کارگران بازداشتی آزاد شده اند ، اما هنوز نمایندگان کارگران هفت تپه، به اسامی، اسماعیل بخشی، مسلم آرمند، حسن فاضلی، محمد خیفری و سپیده قلیان -

فعال مدنی - همچنان در بازداشت می باشند.

در این مدت ، کارگران آگاه و شجاع هفت تپه و مردم شریف شهر شوش با اعتراضات پرشور خود در شهر شوش و تجمع در مقابل فرمانداری ، ضمن دفاع از مطالبات کارگران هفت تپه، خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران در بند شده اند.

اما در این میان جدیداً افرادی ناشناس!! آگاهانه تلاش می کنند که مسیر خواست و مطالبه کارگران را به انحراف بکشانند .

این افراد با بیان اینکه خواست اولیه کارگران هفت تپه تنها دستمزد است ، عملاً مهر سکوت را بر دیگر مطالبه کارگران می کوبند، که کارگران از نمایندگان دربند ، سخنی نگویند و نمایندگان دلسوز و فداکار و منتخب کارگران هفت تپه همچنان در بند باقی بمانند و به فراموشی سپرده شوند .

همگی آگاهیم که دشمنان طبقه کارگر با داشتن اتاق فکر ، از هیچ تلاشی برای به انحراف کشاندن مبارزات به حق ما کارگران فرو گذاری نکرده و نخواهند کرد. پس ما باید مثل گذشته همچنان هوشیار باشیم تا با قوانین از پیش تعیین شده دشمنان طبقه کارگر وارد زمین بازی نشویم، چرا که باخت ماحتمی است.

کارگران ، هم زنجیران ؛

هنوز نمایندگان کارگری و همچنین مدافع حقوق کارگران ، خانم سپیده قلیان در بازداشت می باشند.

اعتراضات تاکنونی شما کارگران هفت تپه توانسته است حمایت دیگر کارگران و مردم زحمتکش ، شریف و آگاه را با خود داشته باشد. پس باید همچنان شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد، بخش اصلی مطالبات ما تا آزادی کارگران در بند باشد .

دوستان کارگر ؛ پیش شرط هر نوع مذاکره ما کارگران با نمایندگان دولت این است که نمایندگان کارگری بازداشت شده سریعاً باید آزاد شوند.

تا زمانی که نمایندگان کارگران هفت تپه در بازداشت هستند، نباید به هیچ گونه مذاکره ای تن بدهند.

تا نمایندگان ما در زندان هستند مذاکره ای وجود ندارد. بخشی از کسانی که جز مذاکره کنندگان هستند اکنون در زندانند، آنها باید در مذاکره شرکت کنند تا - نمایندگان در بند- آزاد نشوند، مذاکره بی مذاکره .

حتی اگر حقوقهای عقب افتاده را پرداخت کنند ، مذاکره بعد از آزادی و بازگشت به کار دوستان زندانی صورت خواهد گرفت. با اتحاد و همبستگی

خواستار آزادی کارگران در بند باشیم.

کارگر زندانی آزاد باید گردد

نان کار آزادی ، اداره ی شورایی

سندیکای کارگران هفت تپه

اول آذر ماه ۹۷

فراخوان به حمایت از بازداشتی های تجمع مسالمت آمیز کارگران هفت تپه

کارگران هفت تپه، کارگران و تشکلات مستقل کارگری ایران و جهان!

دوم آذر ۹۷

همانگونه که مطلعید امروز سه تن دیگر از کارگران بازداشتی در تجمعات اعتراضی، قانونی و مسالمت آمیز کارگران هفت تپه به قید کفالت آزاد شدند اما هنوز یکی از نمایندگان کارگری، آقای اسماعیل بخشی و خانم سپیده قلیان که در تجمع کارگران و در میان صفوف مردم و خانواده های کارگران حضور داشته در بازداشت هستند.

ما متذکر میشویم که اعتصاب، تجمع، اعتراض و تشکل یابی از حقوق بدیهی، قانونی و انسانی کارگران است و این موارد، هم در قانون اساسی تضمین شده است و هم در قوانین بین المللی که جمهوری اسلامی ایران متعهد به رعایت آن است.

دولت ایران که خود عضو سازمان جهانی کار است و هر ساله به این سازمان گزارشاتی در باب سرکوب کارگران و فعالین کارگری میدهد به خوبی میداند که مطابق مقاوله نامه های ۹۸ و ۸۷ سازمان جهانی کار باید از کارگرانی که دست به ایجاد تشکلات مستقل میزند حمایت کند نه اینکه آنها را زندانی و تحت تعقیب قضایی قرار دهد.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، ضمن همراهی کامل با اعتصاب و اعتراضات کارگران هفت تپه تا کسب دستمزدها و سایر مطالبات معوقه و خلع ید از بخش خصوصی و بازگرداندن شرکت به بخش دولتی، از همه ی کارگران در هفت تپه، کارگران و تشکلات مستقل کارگری در ایران، رسانه ها و نهادهای بین المللی کارگری میخواهد که برای اجرای فوری و بی قید و شرط منع تعقیب قضایی و مختومه کردن کامل پرونده هایی که برای کارگرانی که در روزهای اخیر آزاد شده اند، همچنین به طور جد و با تمام توان برای آزادی همکارمان، اسماعیل بخشی و نیز خانم سپیده قلیان که برای همدلی با ما کارگران بازداشت شده است، از هیچ تلاشی فروگذار نکنند.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

جمعه ۲ آذر ۹۷

از جامعه کارگری هفت تپه

به مجمع نمایندگان هفت تپه

۸ آذر ۹۷

پایداری سه مرحله دارد، صبرمقدمه پایداری و ثبات قدم دومین گام و استقامت سومین و مهمترین گام در پایداری و رسیدن به پیروزی است.

باسلام خدمت تمامی نمایندگان و فعالان کارگری

و همچنین یک سلام ویژه خدمت مایه فخر جامعه کارگری ایران و کاوه زمانه، اسماعیل بخشی که هم اکنون دربند است.

دوستان نماینده همانطوری که برادرمان اسماعیل بخشی بارها گفته اند نمایندگان صدای کارگر هستند و هر تصمیمی که نمایندگان بگیرند در آخر باید قبل از اجرایی کردن آن باید در جمع کارگران مطرح و با آنان مشورت شود و نظر اکثریت اعمال شود.

ولی متأسفانه همانطور که قبلاً هم بارها گفته ایم علی رغم دلسوز بودن اکثریت نمایندگان عزیز، مشاهده می شود که چند نفر نفوذی و ضد کارگردر بین آنان نفوذ کرده اند که بیشتر به فکر منافع شخصی و کارفرما هستند و هر حرکت مثبت مجمع در راستای احقاق حقوق حقه کارگران را تخریب و به بیراهه می برند که اگر نیاز باشد در چند روز آینده اسامی این نفاق ورزان به کارگران اعلام خواهد شد.

باتوجه به جلسه ای که در تاریخ ۵ آذرماه ۹۷ در فرمانداری و با حضور مجمع نمایندگان و اعضای شورای تامین برگزار شد، با فشار و تهدید از نمایندگان خواسته شد که در کانال نمایندگی پایان اعتصابات قانونی کارگران را بدون رسیدن به هیچ یک از مطالبات را اعلام کنند که خوشبختانه تاکنون دست به چنین کاری نزده اند.

ولی در اینجا دوباره هشدار می دهیم به نخاله هایی که در مجمع نفوذ کرده اند که سعی در اقناع نمایندگان جهت اعلام بیانیه شورای تامین مبنی بر پایان اعتصاب را داشتند

همچنین در اینجا با توجه به یاهو گویی های اسدیگی و توهین شب گذشته آن به پرسنل شریف هفت تپه. خطاب به نمایندگان لازم است نکاتی را متذکر شویم

انگاریشان نمی دانند که باتوجه به قوانین کشوری و قوانین بین المللی مجمع نمایندگان زیر نظر کارگران کار میکند و نهادی مستقل می باشد و کارفرمای سابق عملاً اراده و قدرت و اختیاری جهت عزل نمایندگان ندارد.

همچنین در اینجا کارگران اعلام می کنیم تا زمانی که نمایندگان در راستای منافع کارگری حرکت کنند با تمام قوا از آنان حمایت می کنیم.

اما در اینجا یک سخن بامددی نماینده کارفرما که امروز ۶ آذرماه کارگران را جهت سخنرانی خود فراخوانده بود

جناب آقای مددی اگر ذره ای برای خود ارزش و اعتبار قایل هستید هر چه زودتر استعفای خود را بنویسید و شرکت را ترک کنید و بگذارید ما کارگران خاطرات خوب گذشته شما در ذهن بماند.

همچنین ما کارفرمای سابق رابه رسمیت نمی شناسیم چه به رسد به نماینده کارفرما!

(مامیگیم شاه نمی خواهیم نخست وزیر عوض میشه!)

ما کارگران هفت تپه مطابق بیانات حضرت آیت الله کعبی دامت برکاته و نامه ای که ایشان و سایر نمایندگان محترم مجلس خبرگان در استان خوزستان به رییس جمهور و قوه قضاییه کشور ارسال کرده اند خواستار ملغی شدن حضور بخش خصوصی نا کارآمد و ضعیف و واگذاری شرکت به دولت می باشیم

خواسته ها و مطالبات ما بارها گفته شده است که در اینجا تیتتر چند خواسته مهم را دوباره تکرار می کنیم.

۱- آزادی اسماعیل بخشی نماینده زندانی کارگران

۲- واگذاری شرکت از بخش خصوصی به دولت

۳- پرداخت تمام مطالبات معوقه

۴- انجام طبقه بندی شغلی

۵- و سایر مطالبات صنفی

در اینجا به نمایندگان عزیز توصیه میکنیم که احترام جامعه کارگری هفت تپه را داشته باشند زیرا جامعه کارگری هفت تپه هم اکنون الگوی تمام جامعه کارگری کشور می باشد و به نظرات آنها احترام بگذارند و در راستای اهداف قانونی کارگری حرکت کنند تا از حمایت کارگران برخوردار شوند.

همچنین نمایندگان حق ندارند بدون اجازه کارگران با هر شخص مجهول الهویه ای جلسه بگذارند و ازین تاریخ به بعد حق برگزاری هیچ گونه جلسه ای بامددی و یا هر نماینده دیگری از کارفرما و یا خود کارفرما را ندارند زیرا ما کارگران آنها رابه رسمیت نمی شناسیم

زنده باد کارگر

زنده باد هفت تپه

زنده باد بخشی

جامعه کارگری هفت تپه

لطفا در انتشار این مطلب کوتاهی نکنید.

به احترام دوستان و همه عزیزانی که خود و خانواده‌هایشان در این مسیر کارگری اذیت شدن در انتشار این پیام کوتاهی نکنید و باید دنیای مجازی پر از این متن باشد و هر فرد که این پیام به دستش رسید در هر گروهی بگذارد.

باز نشر

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه.

بی خبری از وضعیت علی نجاتی

۱۱ آذر ۹۷

در پی یورش و هجوم ماموران به خانه علی نجاتی در روز پنجشنبه ۸ آذر و دستگیری این کارگر سندیکایی، هنوز هیچ خبری از وضعیت و محل نگهداری نامبرده نیست.

دادستانی شوش اعلام کرده است که وی بنا به حکم قبلی دستگیر شده است. اما این دروغی بیش نیست. اگر علی نجاتی بر اساس حکم قبلی بازداشت شده است، چرا مجوز بازداشت به او ارائه نشد و خانه او مورد بازرسی قرار گرفت؟

اگر بازداشت بر اساس حکم قبلی است چرا او با ایجاد رعب وحشت توسط مامورین لباس شخصی ربوده می شود و محل نگهداری او بر خلاف قانون به خانواده اش اعلام نمی شود؟

برابر قانون خانواده باید از محل بازداشت علی نجاتی اطلاع داشته باشد. ولی هیچ مسئولی به خانواده نجاتی و وکیل ایشان اعلام نکرده است وی در کجا نگهداری می شود.

سلامت علی نجاتی به دلیل بیماری قلبی و فشارهای ناشی از توهین و ضرب و شتم در هنگام دستگیری در خطر است و در صورت هرگونه اتفاق ناگواری برای ایشان مسئولیت آنرا متوجه مسئولان امنیتی و قضایی می دانیم.

#اسماعیل_بخشی_آزاد_باید_گردد

#علی_نجاتی_آزاد_باید_گردد

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

یکشنبه ۱۱ آذر ۹۷

هشدار جدی درباره سلامت اسماعیل بخشی و سپیده قلیان - خانواده ها در ملاقات، آنها را در وضعیتی وخیم مشاهده کرده اند

۱۳ آذر ۹۷

بر طبق اخبار موثق و متعدد واصله، در پی مراجعات خانواده های اسماعیل بخشی و سپیده قلیان برای پیگیری وضعیت فرزندان شان و همچنین پیگیریهای حقوقی و کیل نامبردگان، خانواده ها طی دیدارهای کوتاهی هر کدام موفق به ملاقات عزیزان خود شده اند و متوجه شده اند که متأسفانه هر دوی آنها شدیداً مضروب و تحت فشارهای روحی و جسمی شدید بوده و هستند .

مطابق گزارشات واصله، اسماعیل بخشی و سپیده قلیان، از نظر جسمی وضعیت بسیار وخیمی داشته اند .

آنان در ملاقات حتی قادر به تشخیص زمان و اینکه چه وقت از شبانه روز است هم نبوده اند و کماکان تحت فشار و در انفرادی نگه داری می شوند. سپیده قلیان به طور مشهودی بسیار لاغر و نحیف شده است و هنگامی که مادرش او را در آغوش گرفته تن او به درد آمده است.

همچنین وضعیت جسمی اسماعیل بخشی بسیار وخیم مشاهده شده و منجمله به علت ضرب و شتم، بر پیشانی اش هنوز آثار کبودی وجود دارد.

بر اساس اخبار واصله، اسماعیل بخشی که بر اساس مشاهدات ملاقات کنندگان، از نظر وضعیت جسمی شرایط وخیمی داشته است بعد از شنیدن خبر حمایت هایی که از وی انجام شده، لبخندی بر چهره ی رنج کشیده و تکیده اش نقش بسته است .

بدینوسیله ضمن محکوم کردن شدید شرایط جسمی و روحی ایجاد شده برای اسماعیل بخشی و سپیده قلیان، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط آنان هستیم. مسئولیت تمام زجر، آزار، ضرب و شتم و وضعیت به وجود آمده برای آنان مستقیماً بر عهده دولت ایران و حفظ سلامت و امنیت آنان وظیفه مقامات قضایی-امنیتی و دولت است. ما عمیقاً و بیش از پیش نگران جان آنان هستیم و از تمام کارگران هفت تپه، ایران و جهان، از تمام نهادهای جهانی کارگری، رسانه ها و نهادهای مرتبط، خواهان حمایت فوری، عملی و حداکثری برای آزادی اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و نیز یکی از اعضای سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، آقای علی نجاتی هستیم .

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

سه شنبه ۱۳ آذرماه ۹۷

تبریک به کارگران برای آزادی اسماعیل بخشی

کارگران هفت تپه! تشکل های کارگری در ایران و جهان!

۲۱ آذر

آزادی اسماعیل بخشی، کارگر هفت تپه و نماینده کارگران را به شما کارگران هفت تپه، به اسماعیل بخشی عزیز، خانواده زجر کشیده او، و کیل ایشان، به تمام تشکل های کارگری و کارگران در ایران و جهان و تمام افراد و نهادها و رسانه هایی که از اسماعیل عزیز و سایر بازداشت شدگان هفت تپه حمایت کرده اند تبریک میگوییم. این آزادی بدون شک حاصل مقاومت های اسماعیل بخشی عزیز و فشار متحدانه کارگران و افکار عمومی و نه پیگیری مسوولین شرکتی و دولتی بوده است.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن شادباش برای آزادی اسماعیل بخشی، خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط علی نجاتی، عضو هیات مدیره این سندیکا و نیز خانم سپیده قلیان- از دستگیر شدگان در تجمعات خانواده های کارگران هفت تپه- می باشد.

بدون شک، کارگران در اتحاد و همبستگی و با ابزار تشکل یابی مستقل از دولت و کارفرما، به مطالبات و خواسته های خود خواهند رسید.

تا پیروزی های هر چه بیشتر

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

چهارشنبه ۲۱ آذر

بازداشت کارگران محکوم است

۲۶ آذر

در نیمه شب یکشنبه ۲۵ آذر ماه ۱۳۹۷ با یورش نیروه های امنیتی به منازل کارگران تعدادی از کارگران گروه ملی اهواز بازداشت شده اند

همچنین بر اسای آخرین خبر های دریافتی، شب گذشته ۲۶ آذر ماه، مجددا تعداد دیگری از کارگران فولاد اهواز توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی انتقال داده شده اند.

کارگران فولاد اهواز بیشتر از یک‌ماه است برای کسب مطالبات و احقاق حقوق خود در اهواز دست به اعتراض زده اند، اما در این مدت نه تنها به خواست و مطالبات آنها رسیدگی نشده است، بلکه ما شاهد بازداشت وسیع کارگران ملی اهواز بوده ایم.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن حمایت از خواست و مطالبات کارگران گروه ملی اهواز، هجوم به منازل کارگران و بازداشت کارگران حق خواه را بشدت محکوم کرده و خواستار آزادی فوری بازداشت شده گان می باشد.

کارگران زندانی آزاد باید کردند.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

گزارش از وضعیت کارگران بازداشتی فولاد اهواز

۲۸ آذر

به گزارش رسیده، امروز چهارشنبه ۲۸ آذر برای برخی کارگران شرکت گروه ملی فولاد اهواز از جمله آقایان کریم سیاحی و غریب حویزروی که قبل از دستگیری به وکیل و کالت داده بودند، توسط وکیل اعلام و کالت شد. پرونده در شعبه بیستم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب اهواز مطرح شده اتهام برخی از کارگران فعالیت تبلیغی علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی اعلام شده است.

همچنین بر اساس این گزارش از ذکر اسامی و تعداد بازداشت شدگان خودداری شده است.

مقرر شد تعدادی از کارگران با تبدیل قرار بازداشت به کفالت آزاد شوند که متأسفانه بر خلاف قانون به صورت کلی اعلام کردند که فیش حقوقی کارگران گروه ملی فولاد را برای کفالت نمی پذیرند.

در این خصوص درخواست کتبی حدود بیست کارگر متقاضی از معاون دادستان نیز نتیجه ای نداشت.

سندیکای هفت تپه ادامه بازداشت کارگران اهواز را محکوم کرده و خواهان آزادی کلیه کارگران بازداشتی فولاد اهواز و همچنین علی نجاتی عضو سندیکای کارگران هفت تپه می باشد

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

۲۸ آذر ۹۷

تقدیرنامه:

مردم ایرانم درود

اسماعیل بخشی

۲ دی ماه ۹۷

اسماعیل چگونه می‌تواند محبت سرشارتان را فراموش کند چگونه می‌تواند در یادتان نباشد هنگامی که شما در سخت‌ترین لحظات زندگی ام به یادم بودید و مهرتان را بر من و خانواده ام بارانیدید،

در روزهای گذشته در شرایطی بودم که نه قلم یاری می‌کرد و نه ذهن و جانم، حتی واژه‌ها هم بامنی بیگانه شده بودند اما دیگر تاب این بار سنگین را ندارم، پس می‌کوشم با روح پریشانم، لکنت زبانم و قلم لرزانم، در ثنای قطره‌ای از مهرتان چیزی بنگارم.

ابتدا یاد میکنم از کارگران رنج‌دیده و با وفای هفت تپه و خانواده‌ی بزرگوارشان که تا روز آخر در کنار خانواده ام بودند و امروز که پس از گذشت چهل روز در محل کارم حاضر شده‌ام با اینکه دیگر معنای آزادی را دیگر نه می‌فهمم نه درک میکنم اندکی احساس آزادی کردم، ای آزاد دلان

یاد میکنم از تمام هم طبقه‌ای‌های کارگرم و از تمام تشکلات و سندیکا‌های کارگری کشورم که حامی برادر کوچکشان بودند

یاد میکنم از معلمان عزیزم، جامعه‌ی پزشکان و پرستاران مهربانم، بازاریان و تمام اصناف و انجمن‌هایی که مهرورزانه برایم مهرورزیدند

یاد میکنم از هنرمندان و نویسندگان و شاعران خوش فکر و خوش ذوق کشورم

و بسیار خاص و خیلی ویژه یاد میکنم از دانشجویان عزیزم، دانشجویان نازنینم، شاپرکان زیبای میهنم، فرزندان رعنا‌ی سرزمینم دوستان دارم

و در آخر در جواب همه‌ی عزیزانم که در ایام بازداشت شعار «من هم اسماعیل بخشی هستم» را یا گفتند یا نوشتند تا هم مرا حامی باشند و هم خانواده‌ی غمگینم را دل آرام، پاسختان میدهم: «من هم فدایی شما هستم»

اسماعیل بخشی ۲/۱۰/۱۳۹۷

اسماعیل بخشی همچنان بخشی از جنبش کارگری ایران است.

۳ دی ماه ۱۳۹۷

علیرغم هر گونه فشار به اسماعیل بخشی، و بازداشت او و دیگر کارگران در هفت تپه و اهواز در هفته های گذشته، باعث نخواهد شد که خواست و مطالبات کارگران در سینه ها خفه شود.

اسماعیل بخشی بعنوان یک کارگر و نماینده کارگران هفت تپه همچنان در صف طبقه کارگر قرار دارد .

سکوت معنا دار اسماعیل بخشی پر معنا تر از هارت و پرت افراد و جریاناتی بود که تحت عنوان دفاع از کارگران، وجود سندیکای هفت تپه را منکر شدند و بود و نبود نمایندگان کارگری از جمله اسماعیل بخشی و علی نجاتی را در هفت تپه را آگاهانه خط زدند.

بله ، سکوت اسماعیل بخشی رساتر از هر صدایی بود که سعی نمودند با خبر رسانی، یک چهره دروغین از خود بسازند.

اسماعیل بخشی نماینده و صدای کارگران هفت تپه بوده و هست و سکوت معنا دار او باعث نشد که کارگران هفت تپه و در بعد سراسری، کارگران ایران، اسماعیل بخشی را فراموش کنند.

اسماعیل بخشی بعنوان یک کارگر و بعنوان یک نماینده واقعی در سخت ترین شرایط در کنار کارگران ایستاد و حاضر نشد به منافع کارگران پشت کند.

سندیکای کارگران هفت تپه ضمن حمایت همه جانبه از اسماعیل بخشی، از تمام زحمات تاکنونی او ، قدر دانی کرده و امید داریم که با پشت سر گذاشتن این دوران سخت ، شاهد حضور دوباره او باشیم .

بی شک کارگران هفت تپه و دیگر کارگران در ایران برای نمایندگان خود و کارگرانی که در راه حق خواهی و کسب مطالبات کارگران قدم بر می دارند ارزش و احترام خاصی قائل خواهند بود.

سندیکای کارگران هفت تپه خواستار آن است که پرونده سازی علیه اسماعیل بخشی پایان پذیرد و علی نجاتی از نمایندگان اسبق کارگران هفت تپه و عضو کنونی سندیکای کارگران هفت تپه ، سریعا و بی قید و شرط و بدون قرار وثیقه آزاد گردد.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

۳ دی ماه ۱۳۹۷

وضعیت جسمانی علی نجاتی خطر ناک می باشد.

۸ دیماه ۹۷

روز شنبه ۸ دیماه ، خانواده علی نجاتی موفق به دیدار غیر حضوری با این کارگر زندانی شدند.

بنابر این گزارش علی نجاتی از نظر جسمی به شدت لاغر و رنگ پریده بوده است .

علیرغم بیماری و شرایط سنی ، او در دوران بازجویی بسیار مورد اذیت و آزار قرار گرفته به طوری که به خاطر وخامت اوضاع جسمی، در دوران بازجویی به بیمارستان منتقل شده بود.

با توجه به این شرایط هنوز وضعیت پرونده جدید علی نجاتی مشخص نیست و این کارگر سندیکایی به بند شلوغ منتقل شده است.

ازدحام زیاد جمعیت و همچنین دود سیگار برای علی نجاتی که مبتلا به بیماری قلبی است بسیار مضر و خطر ناک است .

شرایط علی نجاتی به گونه ای است که محیط بسته، بیماری او را تشدید می کند.

اما مسئولین امنیتی علیرغم دانستن این موضوع همچنان وی را در زندان نگه داشته اند در حالی که طبق قانون، با توجه به بیماری حتما بایستی حکم زندان باز در رابطه با وی اجرا شود .

اما مامورین امنیتی برای عدم اجرای این قضیه برای علی نجاتی پرونده جدیدی را باز نموده اند که هنوز قرار و وضعیت آن مشخص نیست.

در واقع علی نجاتی عملاً به صورت غیرقانونی در زندان نگه داشته شده است.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه تداوم بازداشت علی نجاتی، کارگر بازنشسته و عضو سندیکای کارگران هفت تپه را محکوم کرده و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط نامبرده می باشد.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

۸ دیماه ۱۳۹۷

شورای اسلامی کار، یک تشکل ضد کارگری است

کارگران و هم سرنوشتان عزیز؛

کارفرمایان و صاحبان قدرت و صاحبان سرمایه در ایران یک بار دیگر نشان دادند که به جای جوابگویی به خواست و مطالبات به حق کارگران، راهی جز فریب و سرکوب نمی شناسند.

کارگران هفت تپه، یک ماه در سخت ترین شرایط در محیط کارخانه و در سطح شهر شوش، برای دست یابی به خواست های خود دست به اعتراض و اعتصاب زدند.

هدف از این اعتراضات این بود که دولت و نهاد های ذی ربط به خواست و مطالبه به حق کارگران رسیدگی کنند.

اما آنها به جای پاسخ گویی به مطالبات کارگران، نمایندگان کارگران را بازداشت، زندانی و مورد اذیت و آزار قرار دادند.

تجربه تا کنونی کارگران در هفت تپه نشان داده است که دولت، در حمایت همه جانبه از صاحبان سرمایه از هیچ کمکی دریغ نکرده است.

سرکوب مستقیم، تنها بخشی از سیاست نهادهای ضد کارگری است، بخش دیگر این سرکوب، تحمیل و ایجاد نهادهای دست ساز و کارفرمایی در محیط کار می باشد.

شورای اسلامی کار، یکی از این نهاد های ضد کارگری و سرکوب گر است.

نقش شورای اسلامی کار، مهار و به انحراف کشاندن خواست و مطالبات کارگران بوده و در بسیاری از موارد دیده شده است که شورای اسلامی کار، کارگران معترض را شناسایی و به نهاد های امنیتی معرفی کرده است.

در سال ۸۷ وقتی کارگران هفت تپه خواستار ایجاد تشکل مستقل کارگری بودند، حامیان سرمایه تلاش کردند که این به ظاهر تشکل کارگری!! یعنی شورای اسلامی کار را به جای تشکل مستقل، به کارگران معرفی کنند، که خوشبختانه تلاش مذبحانه آنها شکست خورد و کارگران هفت تپه، تشکل مستقل سندیکایی خود را ایجاد کردند.

در روز دوشنبه ۱۰ دی ماه ۹۷ یک بار دیگر نهاد های ضد کارگری با همکاری تعدادی از افراد نا آگاه، سست عنصر و فریب خورده و بعضی از افراد که مورد تطمیع قرار گرفته اند، این نمایش مضحک را به اجرا در آوردند. هر چند که این خیمه شب بازی، با استقبال عمومی کارگران روبرو نشد، اما نشان داد که دشمنان طبقه کارگر از هر فرصتی استفاده خواهند کرد تا صف مستقل و همبستگی کارگران را به انحراف بکشانند.

کارگران آگاه می دانند که شورای اسلامی کار، نه تشکل کارگری است و نه ربطی به منافع کارگران دارد بلکه وظیفه شورا های اسلامی کار، در بسیاری از موارد، معرفی کارگران معترض به نهاد های امنیتی می باشد.

شورای اسلامی کار، یک تشکل ضد کارگری است که پرونده این نهاد حکومتی برای بسیاری از کارگران شناخته شده است.

شورای اسلامی کار، بر اساس ماهیت وجودی آن، تنها در خدمت کارفرما و نهاد های ضد کارگری قرار دارد و آنجا که کارگران خواستار دست یابی به حقوق خود بوده اند، این تشکل دست به شناسایی و سرکوب کارگران

زده که نمونه آخر آن حمله به کارگران شرکت واحد و ضرب و شتم کارگرانی بودند که خواستار ایجاد تشکل مستقل و سندیکایی بودند.

کارگران عزیز؛

از اینکه بار دیگر نقشه و توطئه نهاد های ضد کارگری را با عدم حضور خود، با شکست مواجه کردید جای تشکر دارد.

اما از همین جا لازم است افرادی که آگاهانه و یا از سر استیصال، خود را نماینده این خیمه شب بازی کردند باید گفته شود که هنوز دیر نشده و با انصراف از این نهاد ضد کارگری، به صف کارگران برگردید. و همچنین باید دست مریزاد گفت به افرادی که با توجه به فشار های امنیتی، خود را برای این خیمه شب بازی کاندید نکردند و شرافت و کرامت و حرمت خود و دیگر کارگران را حفظ کردند؛ درود بر شما.

کارگران عزیز؛

این توطئه شکست خورده رسوا تر از آن است که بتواند جوابگوی خواست و مطالبات کارگران باشد. در این میان تنها شرم برای کسانی باقی خواهد ماند که به خاطر منافع شخصی، منافع عمومی کارگران را زیر پا می گذارند و همچنان به عنوان عروسک های این خیمه شب بازی به نقش عروسکی خود ادامه می دهند.

زنده با تشکل های مستقل از دولت و کار فرما

زنده باد شرافت کارگری در راستای منفعت عمومی کارگران ایران

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

۱۴ دی ماه ۱۳۹۷

تقدیم به اسماعیل بخشی

در شهر شب زده

آهن کوبه مردی

بانگ بر می آورد

ای به شب نشستگان سالهای دور!

ای که با تنهای فرسوده و پاره

بر سنگ فرشهای شکسته خیابان زندگی را به دوش می کشید!

آنک لبهای پینه بسته تان را بگشایید به تازیانه های بر جان بنشسته تان

و لااقل بازگو کنید زخمهایی که بر تن دارید.

نمی شنوید ندای کودکان کار را بر سر چهارراه؟!

"شیشه هاتو پاک کنم؟"

"یه شاخه گل ازم بخر"

و در گوشه پیاده رو

مردی مجاله در ژنده پوشی خود

آخرین پک سیگارش را می زند و

در هم فرو می رود

و رهگذران شاید با آهی

یا نگاهی سرد از کنارش می گذرند

ولی تو با زخمها و دردی جانکاه

عدالت را برای شکنجه شدگان سالیان دراز فریاد زدی

تو نه از برای خویشتن خویش

بل صدای رسای سالهای خفقان این سرزمینی که فریاد بر می آوری:

دستم را بگیر!

منصورنژاد

به نقل از کانال اتحاد بازنشستگان

موکلم خواهان حضور در جلسه کمیسیون امنیت ملی است

فرزانه زیلابی، وکیل اسماعیل بخشی: موکلم خواهان حضور در جلسه کمیسیون امنیت ملی است. مرجان زهرانی

اسماعیل بخشی، فعال کارگری شرکت نیشکر هفت تپه که در جریان اعتراضات کارگران این شرکت در آبان گذشته دستگیر و در آذر با تودیع وثیقه آزاد شد، نامه سرگشاده‌ای خطاب به وزیر اطلاعات منتشر کرد. او در این نامه مدعی شد که در زمان بازداشت ۲۵ روزه شکنجه شده است. این خبر واکنش‌های زیادی در فضای مجازی به همراه داشت که روزنامه اعتماد در تاریخ ۱۶ دی در گزارشی زیر عنوان اظهارات ضد و نقیض در مورد «شکنجه» با گفتاری از علی مطهری منتشر کرد. پس از اینکه اظهارات و واکنش‌ها در مورد اسماعیل بخشی از فضای مجازی به فضای واقعی و البته رسمی کشیده شد، فاطمه سعیدی، سخنگوی فراکسیون امید مجلس شورای اسلامی گفت که این فراکسیون از مسوولان وزارت اطلاعات برای بررسی ادعای اسماعیل بخشی و ارایه گزارش در این باره دعوت کرده است. اما ماجرا از بررسی‌های جریان‌ی و جناحی فراتر رفت و علی لاریجانی، رییس مجلس با بررسی موضوع در کمیسیون امنیت ملی موافقت کرد. علیرضا رحیمی، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس در توئیتر خبر داد: «در خصوص ادعاهای آقای اسماعیل بخشی به آقای لاریجانی پیشنهاد دادم، کمیسیون امنیت ملی موضوع را رسیدگی کند که موافقت داشتند.» روز گذشته هم حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رییس کمیسیون امنیت ملی به ایسنا گفت که این کمیسیون روز سه‌شنبه در جلسه‌ای با حضور مسوولان مربوطه به بررسی مسائل مرتبط با کارگران هفت تپه از جمله اسماعیل بخشی می‌پردازد. پیش از این هم غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، سخنگوی دستگاه قضا تصریح کرد که وزارت اطلاعات پیگیری می‌کند و قطعاً اگر شکایت کند، دستگاه قضایی هم وارد می‌شود. با این حال علیرضا محجوب، رییس فراکسیون کارگری مجلس در خصوص ادعای شکنجه و شنود اسماعیل بخشی با تاکید بر اینکه این موضوع باید در کمیسیون قضایی پیگیری شود، توضیح داده بود: «در پی اعتراضات کارگری ما همه نمایندگان کارگران را دعوت کردیم و مشکل آقای اسماعیل بخشی هم با نامه و مکاتبه فراکسیون کارگری به کمیسیون اجتماعی حل شد و پیگیری زیادی در این رابطه صورت گرفت. در زمانی که ما نمایندگان کارگران را دعوت کرده بودیم آقای بخشی نبود، بنابراین ما چنین چیزی را نه از خودش و نه از همکارانش نشنیده بودیم.»

با وجود اینکه بسیاری از مقامات و مسوولان در این مورد صحبت کرده و اغلب سخن از پیگیری و شکایت به میان آورده‌اند اما وکیل اسماعیل بخشی دیروز به رویداد ۲۴ گفت که موکلش برای تکذیب سخنانش تحت فشار است.

«اعتماد» با فرزانه زیلابی، وکیل اسماعیل بخشی گفت و گویی مکتوب انجام داده است که البته به بخشی از سوالات با توجه به ملاحظات مربوط به این پرونده پاسخ داده نشد. زیلابی در این گفت و گو توضیح می‌دهد که موکلش بر اساس کدام مواد و تبصره‌های قانونی حق اعتراض دارد. همچنین تاکید کرده که با درخواست او برای بررسی پزشکی قانونی موافقت نشد و دلیل رسانه‌ای کردن این موضوع بعد از ۲۵ روز ناامیدی از اقدامات قانونی برای

پیگیری نوع برخورد ضابطین قضایی است. همچنین وکیل بخشی تاکید دارد که موکلش درخواست دارد، مجلس در جلساتی که برای بررسی این موضوع تشکیل می‌دهد از او هم دعوت به عمل آورد.

بعد از انتشار نامه اسماعیل بخشی، استاندار خوزستان اعلام کرد که موضوع شکنجه صحت ندارد. آیا شما مستنداتی دال بر رخ دادن شکنجه دارید که قابل ارایه به مراجع ذیصلاح برای بررسی این موضوع باشد؟

موارد ارتكابی نسبت به موکل توسط ضابطین دادگستری (اعم از ماموران امنیتی، نیروی انتظامی و غیره) عبارتند از ضرب و شتم حین دستگیری، ضرب و شتم در طول مدت بازداشت، نگهداری در سلول انفرادی در شرایط نامساعد، عدم دسترسی به داروهای خود در تمام مدت طول بازداشت، شنود مکالمات تلفنی خصوصی وی با همسر و خانواده‌اش و تهیه مستند در بازداشتگاه امنیتی از موکل و تلقین شدن تهدید ضمنی به پخش کردن آن در صدا و سیما.

آقای اسماعیل بخشی از تاریخ ۲۷ آبان ماه دستگیر و بازداشت شد، حسب شهادت شاهدان عینی در زمان دستگیری و در زمان بازداشت مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود از ذکر نام آنها خودداری شده و به شرط تضمین و تامین امنیت‌شان در دادسرا و دادگاه جهت ادای شهادت حاضر خواهند شد.

آیا آثار شکنجه مورد تایید پزشکی قانونی قرار گرفته است؟

بعد از درخواست اینجانب و مراجعه‌های مکرر و دستور دادستان محترم در تاریخ ۱۱ آذر ماه با برخی اعضای خانواده دیدار داشته و حسب شهادت آنها در وضعیت جسمانی و روحی بسیار بدی به سر می‌برده و آثار ضرب و شتم (تورم و کبودی‌ها) در ناحیه صورت وی مشاهده شده است علاوه بر انعکاس و بیان صریح وضعیت مشاهده شده توسط آنها نزد دادیار محترم، شهادت کتبی مادر محترم موکل پیوست پرونده در شعبه اول دادرسی عمومی و انقلاب شوش شده بود. بنابراین نظر به اهمیت موضوع و حفظ و بهره‌برداری از آن در راستای احقاق حق و تدارک دفاع، موکدا تقاضای ارجاع فوری موکلم را به پزشکی قانونی جهت احراز واقعیت امر کرده بودم ولی حدود یک هفته بعد، پس از چندین بار پیگیری به من اعلام شد هنوز ماموران اطلاعات برای تحویل نامه مراجعه نکرده‌اند در حالی که در لایحه و در نزد دادیار به سپری شدن زمان و از بین رفتن آثار تاکید شده بود. موکلم تحت تاثیر شرایط بازجویی دچار اختلالات عصبی و روحی شدید شده است و همچنین به بیماری ریوی و تنفسی مبتلا بوده در حالی که در مدت بازداشت داروهای وی در اختیارش قرار نگرفته بود و از همان ناحیه و با آگاهی، عامدانه وی را مورد شکنجه قرار دادند.

طی درخواست مستقل از دادیار تقاضای ارجاع به روانپزشک را نیز کردیم که تاکنون اقدامی نشده است.

آیا این مستندات به قوه قضاییه ارایه شده است؟ آیا قصد شکایت از وزارت اطلاعات را دارید؟

موکل در سلول انفرادی با ابعاد کوچک به سر می‌برده و طی مدت بازداشت فقط دوبار هواخوری داشته است. در خصوص غیرقانونی بودن حبس در سلول انفرادی می‌توان به رای شماره ۴۳۵۸۱/۳۸ به تاریخ ۲۸ دی ۱۳۸۲ هیات

عمومی دیوان عدالت اداری مبتنی بر ابطال بند ۴ ماده ۱۶۹ آیین نامه سازمان زندان‌ها مصوب سال ۱۳۸۰ اشاره کرد. هرچند متأسفانه سلول انفرادی به عنوان یک تنبیه انضباطی در آیین نامه مصوب سال ۱۳۸۴ سازمان زندان‌ها برای ۲۰ روز تجویز شد اما در قانون آیین دادرسی کیفری جدید حتی به عنوان تنبیه انضباطی هم جایگاهی ندارد.

موکل مدت زیادی در سلول انفرادی به سر برده بود. مسلم است در چنین شرایطی برای پایان دادن به بازداشت در سلول انفرادی که با شرایط نامناسب طاقت فرسا و غیرانسانی است به هزار کار نکرده اعتراف کند و چنین اقراری از مصادیق بارز اقرار فاسده است. آنچه موکل از رصد یا شنود مکالمات تلفنی خصوصی خود با همسرش مطرح کرده است مربوط به قبل از دستور بازداشت و بدون وجود عنوان اتهامی برای موکل حتی به دستور مقامات امنیتی مستند به اصل ۲۵ قانون اساسی ممنوع و برخلاف قانون است و ضمانت اجرای آن در ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی تعزیرات پیش‌بینی شده است.

بر اساس ماده ۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری تمام اقدامات ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات باید مطابق ترتیبات و قواعدی باشد که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است. ماده ۷ قانون آیین دادرسی می‌گوید در تمام مراحل دادرسی رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ آزادی‌های شهروندی مصوب سال ۸۳ از سوی ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلف علاوه بر جبران خسارات وارده به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۷۵ محکوم می‌شود.

همچنین بر اساس ماده ۶ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در جریان تحقیق از متهم از اقداماتی نظیر بستن چشم یا سایر اعضا، تحقیر و استخفاف به آنان باید اجتناب شود در حالی که در تمام بازجویی‌ها چشم موکل را بسته بودند و سایر موارد مشابه.

اگرچه همه افراد شاغل در سیستم قضایی از علاقه‌مندان نظام محسوب می‌شوند ولی همان‌گونه که مستحضر هستید مطابق مبانی حقوقی تاسیس دادسرا، دادستان به عنوان مقام بی‌طرف است و باید بی‌طرفانه تحقیق کند و تصمیم بگیرد و در زمان تحقیقات و ارزیابی ادله اتهام‌ها نماینده و هواخواه نظام سیاسی حاکم نیست پس باید برابری در شرایط دادخواهی را رعایت کند. به نظر می‌رسد که شکل و روند تحقیقات به گونه‌ای بوده است که ضابطین قضایی تحت تاثیر حساسیت‌های روانی ناشی از نگاه امنیتی با تصور اینکه موکل مجرم است نه متهم برخورد کرده‌اند و معلوم نیست بر اساس کدام مجوز قانونی و اخلاقی و شرعی با تعرض به حیثیت و جسم و جان و روان کارگری برای حقوق مسلم صنفی و قانونی خود در یک تجمع مسالمت‌آمیز شرکت کرده است، وی را مورد بدرفتاری و ضرب و شتم و اهانت رکیک کلامی قرار دادند.

قانون اساسی و سایر قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی به رسمیت شناخته شده تصریح کرده‌اند که هر گونه بازجویی و تفهیم اتهام زیر فشار و شکنجه فاقد اعتبار و ارزش قضایی است و حکمی که بر مبنای چنین بازجویی صادر شود، بدون شک غیرصائب است. اصل قانونی بودن محاکمه کیفری، ممنوعیت به دست آوردن اقرار به‌طور

اجباری را ایجاد می‌کند و باید از برخی روش‌های تحقیق که شکنجه یا شبه شکنجه است، پرهیز شود و تفهیم اتهام و دفاع از متهم در محیطی آزاد و شایسته صورت گیرد. در قوانین موضوعی کشور ما شکنجه تعریف نشده است اما به موجب ماده ۱ کنوانسیون منع شکنجه و دیگر مجازات‌ها و بی‌رحمانه و غیرانسانی مصوب سال ۱۹۸۴ میلادی شکنجه عبارت است از ایراد عمدی هر گونه درد یا رنج شدید جسمی یا روحی به منظور کسب اطلاعات به منظور گرفتن اقرار از او یا شخص ثالث. بر اساس اصل ۲۲ قانون اساسی نیز جان و حیثیت افراد از تعرض مصون است و قانون اساسی میثاق ملی و همگانی ماست و با باید به آن احترام گذاشته شود. اصل ۳۸ قانون اساسی ایران می‌گوید هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار مجاز نیست. متخلف از این امر طبق قانون مجازات می‌شود. اصل ۳۹ قانون اساسی می‌گوید هتک حرمت و حیثیت افراد که دستگیر، بازداشت یا زندانی شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است. منطبق بر ماده ۱۰ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی تحقیقات و بازجویی‌ها باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی قانونی با نظارت لازم صورت گیرد و اگر کسی به روش‌های خلاف قانون متوسل شود بر اساس قانون باید برخورد جدی صورت بگیرد. ماده ۹ همان قانون مقرر می‌دارد هر گونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدین وسیله حجیت شرعی و قانونی ندارند. ماده ۲۰ اعلامیه اسلامی حقوق بشر، موسوم به اعلامیه قاهره مصوب سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی به ممنوعیت اقرار به اجبار تاکید دارد.

بر اساس اصول ۲۲، ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی، آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مواد ۶۰۸ و ۵۷۸ و ۵۸۲ و ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی تعزیرات، ماده ۲ اعلامیه حمایت از افراد در مقابل شکنجه، ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، تعقیب و شناسایی و مجازات مرتکبین طی شکایت تنظیمی اخیر از دادستان محترم دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان شوش تقاضا شده و طرفین این شکایت، ضابطین دادگستری اعم از ماموران امنیتی و انتظامی و سایر که مرتبط با دستگیری و بازداشت وی در پرونده مطرح در شعبه اول دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان شوش است، هستند.

استاندار خوزستان گفته بود که چرا اسماعیل بخشی بعد از گذشت ۲۵ روز از آزادی موضوع شکنجه را مطرح کرده است. دلیل این تعلل چیست؟

در خصوص تکذیب‌های مکرر استاندار باید گفت که استاندار یک مقام اجرایی است و اصولاً اطلاعی از درون بازداشتگاه‌ها ندارد. وقتی دادستان در مصاحبه‌ای در خصوص شکنجه موکلم اظهار داشتند لحظه به لحظه در بازداشتگاه حضور ندارم و مسوولیت را متوجه قاضی ناظر زندان دانسته است به طریق اولی یک مقام اجرایی نیز حق اظهار نظر آن هم با جزم و یقین در خصوص این موضوع را نخواهد داشت.

در خصوص اقدام به رسانه‌ای کردن پس از ۲۵ روز که در مصاحبه آقای شریعتی استاندار محترم آمده بود باید گفت که موکل با ناامیدی از اقدامات قانونی بی‌پاسخ مانده چاره‌ای جز رسانه‌ای کردن نداشته است.

آیا تاکنون با نمایندگان از مجلس دیدار یا گفت‌وگو داشته‌اید؟ آیا به کمیسیون اصل ۹۰ شکایت کرده‌اید؟

اگر اجازه بدهید، این سوال را با تاخیر پاسخ دهم، دلیل این تاخیر هم ملاحظات و کالتی ماست.

با این حال در صورتی که مقرر شود، آقای علوی وزیر اطلاعات در مجلس پاسخگو باشد، درخواست معقول و منطقی آقای اسماعیل بخشی این است که بدون حضور ایشان مصداق یک طرفه به قاضی رفتن است و می‌خواهد در مجلس حضور داشته باشد.

مقامات قضایی تا به حال حاضر به دیدار و گفت‌وگو با شما یا موکل تان در این مورد شده‌اند؟

دادستان کل استان خوزستان، جناب آقای حسینی‌پویا روز یکشنبه تماس مستقیمی با آقای بخشی برقرار کرده‌اند و قرار بود که آقای بخشی همراه با وکیل خود صبح روز دوشنبه ملاقاتی با ایشان داشته باشند حتی در این تماس به موکل بنده گفته بودند که نگران نباشید و آسوده خاطر اینجا حاضر شوید، ولی متأسفانه خبر لغو شدن این دیدار بعد از ظهر همان روز از طریق مهندس کاظمی، مدیرعامل وقت شرکت نیشکر هفت تپه به موکل اعلام شد.

شما جزو وکلای مورد تایید قوه قضاییه برای متهمان امنیتی هستید یا وکیل منتخب آقای بخشی؟

من وکیل منتخب موکل آقای بخشی بوده‌ام. قریب به یک سال است که وکالت کارگران هفت تپه را در پرونده‌های متعدد داشته‌ام. آقای بخشی هم در پرونده‌های متعدد دیگری که داشته من وکیل منتخب‌شان بوده‌ام.

من جزو لیست وکلای مورد تایید و معتمد و محرم ریس قوه قضاییه نیستم و موضوع دیگر آنکه اگر درخواست‌ها و لویحی از من ضمیمه پرونده شده است به این خاطر بوده که موکل دو اتهام داشته؛ اتهام امنیتی و غیرامنیتی. من به اعتبار اتهام غیرامنیتی لویحی را تقدیم دادگاه می‌کردم.

قرار ملاقات اسماعیل بخشی با دادستان لغو شد.

اسماعیل بخشی با ناامیدی از اقدامات قانونی بی‌پاسخ مانده چاره‌ای جز رسانه‌ای کردن نداشته است.

در خصوص تکذیب‌های مکرر استاندار باید گفت که استاندار یک مقام اجرایی است و اصولاً اطلاعی از درون بازداشتگاه‌ها ندارد. وقتی دادستان در مصاحبه‌ای در خصوص شکنجه موکل اظهار داشتند لحظه به لحظه در بازداشتگاه حضور ندارم و مسوولیت را متوجه قاضی ناظر زندان دانسته است به طریق اولی یک مقام اجرایی نیز حق اظهار نظر آن هم با جزم و یقین در خصوص این موضوع را نخواهد داشت.

باز انتشار، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

نامستند صدا و سیما، محبت ما را به شکنجه شدگان بیشتر کرد!

صدا و سیما یک مستند شتر گاو پلنگ به نام طراحی سوخته پخش کرد که تصویر اسماعیل بخشی و خانم قلیان و همکار بازنشسته به نام نجاتی هم در آن وجود داشت. واقعا ناراحت کننده است که چند کارگر را دستگیر میکنند و زیر فشار و شکنجه از آنها حرف هایی بیرون میکشند و بعد منتشر میکنند. ما به این عزیزان شکنجه شده میگوییم شرمنده شما هستیم؛ شرمنده شدیم که به خاطر ما آزار و اذیت شدید. ما به این عزیزان میگوییم حالا صد برابر به شما احترام و اعتماد داریم. چهره خسته شما نشان دهنده این بود که چقدر تحت فشار بوده اید. فرض کنیم تلاش کنند شما را به آن حزب و آن جریان و آمریکا و روسیه و قم و مشهد و تهران و شمال و شرق و غرب بچسبانند! با خواسته پنج هزار کارگر هفت تپه چه میکنند؟ ای مستند سازان در نیروی امنیتی! یعنی اینهمه کارگر هفت تپه که میگوید باید خصوصی سازی لغو شود از ترامپ دستور میگیرد؟ از احزاب کمونیسمی دستور میگیرد؟ از احزاب برانداز دستور میگیرد؟

شما تصور کردید الان فیلم پخش کنید، چهار نفر اسیر که شکنجه شده اند را پیش ما خراب میکنید؟ سوال ما این است: ما که خودمان همان حرف های آنها را میزنیم را هم میخواهید پیش خودمان خراب کنید؟ بیاید از همه ما فیلم بگیرید و برای همه دنیا پخش کنید. همه مردم ایران میدانند شرایط اقتصادی به چه وضعی است. کارگر گرسنه، نماینده کارگر مثل بخشی را میگیرید فیلم برداری میکنید؟ بکنید. اتفاقا جالب شد. خیلی جالب شد. معلوم شد چقدر از کارگر ترس دارید. از ما هم فیلم میگیرید؟ بگیرید. با اکثریت جامعه که زیر خط فقر هستند چه میکنید؟ میخواهید از ۶۰ میلیون نفر فیلم اعتراف بگیرید؟ برای چه کسی پخش میکنید؟ از خودمان فیلم میگیرید برای خودمان پخش میکنید؟ واقعا این کار باعث شد بفهمیم که عجب سیستم امنیتی در مملکت هست. دقیقا طرفدار دزد و کلاهبردارید.

راستی یک سوال: این همه دم و دستگاه و نفر و حقوق بگیر امنیتی و صدا و سیمایی دارید چرا یک نقشه تمیز تر نکشیدید؟ آن برگه ای که با فلش و تیر و کمان و خط و رسم همه را به هم وصل کرده بودید خیلی مسخره بود. سعی کنید کمی حرفه ای تر باشید. بعد خودتان خنده تان نگرفت؟ کارگر هفت تپه با کارگر شهر دیگر عکس گرفته این هم شد مایه تهمت و سناریو سازی؟ به شمال و تهران و خانه دوستان رفتن جرم است؟

در این فیلم اعتراف سازی فقط یک چیزش کمی درست بود و آنهم اینکه بیخود کردید هفت تپه را به بخش خصوصی دادید. البته در این هم دروغ گفتید و گفتید به صورت نادرست به خصوصی داده شده است. نه خیر. کلابی جا فرمودید خصوصی سازی کردید. اگر تمام فیلم بردارهای دنیا هم جمع شوند تا هفت تپه به بخش دولتی برگردانده نشود باز هم کار شما راه نمی افتد. از بخشی و خانم قلیان و آقای نجاتی فیلم درست کردید از همه ما هم میخواهید فیلم درست کنید؟

■ ضمناً کمی به کار خودتان فکر کنید. کلاً پنج دانشجو و چهار تا پنج نفر کارگر داشتند براندازی میکردند؟ یعنی نظام با ده نفر براندازی میشود؟ خسته نباشید! پس مشکل اساسی است.

■ ما به صورت خسته این دوستان شکنجه شده بوسه میزنیم. شرمنده شما هستیم. بیشتر از قبل برای ما عزیز شدید. با هر کسی صحبت میکنی دارد به سازنده این فیلم که با تف و مف و زورکی به هم چسبانده شده فحش میدهد. مردم دیگر بیدار شده اند. الان دست هر کسی موبایل هست و اینترنت. اسماعیل بخشی و خانم قلیان و آقای نجاتی که در فیلم ها بودند و همینطور خانواده این عزیزان، ما با شما همدم هستیم و در کنارتان هستیم. سلامت باشید. باعث افتخارید. اسم شما در تاریخ و در صفحه شرافت نوشته شده. آفرین به شجاعت و همت و انسانیت و غیرت و شرف شما .

از طرف چند نفر از همکاران شما در هفت تپه

انتشار توسط: کانال مستقل کارگران هفت تپه

۳۰ دی ماه ۱۳۹۷

روز شمار اعتصاب و اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد

با سلام و دعای خیر

۱۳ آبان ۴ نوامبر

مقدمه ها قبل از آغاز به پایان رسیده و حرفی برای گفتن و مقدمه چینی باقی نمانده ، جز درخواست بیداری و باز شدن چشم همکاران بر حقایق پیش رویشان. لذا بدون هیچ مقدمه و حرف اضافه ایی به سراغ اصل موضوع میرویم. گویی حضرات بدون توجه به نیازها و زیر ساختهایش در حال زیبا سازی و ظاهر و نما هستند. غافل از اینکه نمیدانند که کارگران از آنچه آنها فکر میکنند به آنها نزدیک تر بوده و از تمام جزئیات و کارهایی که بصورت زیر پستی در حال انجام است آگاهی و اطلاع کامل دارند. از رفت و آمدهایتان با خبریم. از قرارهای پشت پرده شما با خبریم. حتی از افکار و نقشه های آینده شما با خبریم و گمان نکنید این سکوت ، سکوت غفلت است. تنها دلیلی که باعث شده بود تا به امروز سکوت کنیم از روی نجابت و متانت پرسنل بود و بس. ولی گویا برخی مسئولین به دنبال این قضایا و حواشی هستند و مطمئن باشند همه کسانی که دنبال استفاده ابزاری از کارگرانند را رسوا خواهیم نمود.

قبل از هر چیز انتصابات بعضا بی دلیل آقای غفوری که به عنوان مدیر عامل شرکت مسئولیت حفظ سیستم را بر عهده دارد و باید اشخاصی را در پستهایی قرار دهد که از نظر تخصص و سلامت جسمی و روانی متناسب با آن سمت باشند و از طریق ضوابط و قوانین و مقررات شرکت انتخاب شوند ولی متاسفانه شاهد هستیم که این این انتصابات نه بر اساس ضوابط که بر اساس روابط شکل میگیرد و اشخاصی انتخاب میشوند که حتی از لحاظ جسمانی هم دارای سلامتی کامل نیستند. انتصاب شخصی که دارای بیماری ام اس است بعنوان مدیر آموزش نه تنها از لحاظ مقررات شرکت که حتی بر اساس قوانین بیمه و کار نادرست و غیر قانونی میباشد که این شخص بر اساس رابطه و دوستی که با آقای کیارش غفوری برادر کسری غفوری دارد بصورت غیر مستقیم با مدیر عامل در ارتباط بوده و به شخصیتی که باید از همه لحاظ مستقل بوده و مستقل عمل نماید مشاوره میدهد.

ثانیا شیطنت چند نفر از مسئولین داخلی که خود را درون شرکت ناتوان و بدون هیچ پشتیبانی یافتند و حالا در خارج شرکت به دنبال ضربه زدن به مصالح شرکت و کارگران میباشند و تبدیل کلینیک شرکت به کلینیک

خصوصی و بدون صرفه معرفی نمودن بخش دو از اقدامات این اشخاص است که مطمئن باشند این اقدامات بی پاسخ نخواهند ماند.

آقای غفوری، ورود ماهیانه ۴۰ هزار تن شمش و راه اندازی کوثر و تولیدات لوله سازی طبق گفته شما مستمر بود که شاهد هستیم این ورود مواد نیز مدتیست به کل متوقف گردیده و کوره‌های کوثر و لوله سازی تا یکی دو روز دیگر روشن نخواهند ماند.

مشکلات عدیده از قبیل کمبود تجهیزات و مواد اولیه و تعویق مستمر پرداختهای حقوق همچنان ادامه داشته و دیگر بهانه تازه آمده ایم مدیر عامل و تیم همراهشان شنونده و تاثیری ندارد.

نکته مهم دیگر این است:

چرا وقتی کارگر تحت فشار مالی بیش از حد قرار میگیرد و اعتراضی میکند، با پرداخت فقط یک حقوق و حضور چند ساعته مدیریت در شرکت، مسائل مهم دیگر را کتمان و پنهان نموده و این طرز پرداخت، ماهیانه انجام میشود که تا اعتراضی باشد حداقل پرداخت به آنها صورت گیرد؟!!!!

از روز قبول مسئولیت، جناب مدیر عامل حتی حاضر نشدند یک جلسه در جمع کارگران حاضر شده و شفاف سازی نمایند.

فشار اقتصادی و قسط های بانک ها بیش از حد ظرفیت پرسنل محترم شرکت را تحت فشار قرار داده و مبالغ محدودی که بعنوان مشاهده به اشخاص محدود و با اقساط سنگین انجام شد پاسخگوی هیچکدام از مشکلات ذکر شده نیست و مدیریت شرکت باید هرچه سریعتر پاسخگوی ما باشند. و بدانید تا امروز سکوت ما از سر نجابت، حسن نیت و خویشتنداری بود.

و در پایان:

همکاران گرامی

محصولات تولیدی بدلیل عدم فروش و انباشته شدن، در حال پوسیده شدن و زنگ زدگی بیش از حد میباشند مواد اولیه اندکی در انبارهای بخشهای کوثر و لوله سازی باقی مانده که قطع به یقین در روزهای آینده و خیلی زود به اتمام میرسد آنهم با ظرفیت ۳۰٪ تولید بخش کوثر و لوله سازی!!!
وضعیت مشکل حقوق، متأسفانه گویا بطور دائم گریبانگیر مان است.

طبق گفته دفتر مدیریت، آقای پهلوانی طبق عادت دیرینه و بصورت ماهیانه در شرکت حضور پیدا میکند!!!

لذا برای برطرف نمودن کلیه شائبه های موجود و شفاف سازی کلیه موارد ذکر شده

و اعتراض به عدم پرداخت و نحوه و دیرکرد آن، و معضلات تولیدی

درب تالار شرکت کلیه پرسنل محترم در واحد ها و شیفت های مختلف حضور بهم می رسانیم و خواهان شفاف سازی کامل بدون بهانه های واهی و عنوان نمودن صریح موانع اصلی توسط مدیریت میباشیم.

زمان: ۱۴ آبان، روز دوشنبه

هفته مبارزه با مافیای فولاد

۱۹ آبان ۹۷ - ۱۰ نوامبر ۲۰۱۸

همکاران گرانقدر

بر همگان مبرهن و آشکار شده است که تنها مشکل شرکت بزرگ گروه ملی فولاد اهواز، عدم موافقت مافیای پلید فولاد با راه اندازی مجدد خطوط تولید این شرکت بزرگ می باشد. همه ما کارگران شرکت بزرگ گروه ملی فولاد اهواز روز شنبه مورخ ۱۹ / ۸ / ۹۸ در مقابل استانداری تجمع خواهیم کرد تا محکومیت شدید خود را از عملکرد این مافیای پلید و خودخواه فولاد که اجازه بازگشت رونق به خطوط تولید را نمی دهد، را اعلام خواهیم کرد.

همه ما کارگران بخوبی پی برده ایم که این مافیای پلید که بنا به دلایلی، ید طولایی دارد، دست طمع خود را از شرکت ما کوتاه نخواهد کرد مگر آنکه سیلی سخت و محکمی از ما کارگران بخورد.

جای بسی تاثیر دارد که استاندار محترم و نمایندگان مجلس با آنکه خود اعتراف به وجود این مافیا و سنگ اندازی های آنان جهت بازگشت رونق به شرکت کردند لیکن تاکنون برای مقابله با زیاده خواهی آنان هیچگونه اقدام عملی نکردند.

همکاران گرامی

این مافیای خودخواه که رزق و روزی هزاران نفر کارگر را فدای سودجویی های شخصی تعداد انگشت شماری کرده اند، شاید تاکنون توانسته اند خطوط تولید شرکت عظیم ما را به تعطیلی کشانده، لیکن آنان کور خوانده اند. این سیه رویان باید بدانند که کارگران شرکت گروه ملی اجازه نخواهند داد که سودجویی تعداد انگشت شماری انسان پلید باعث به تعطیلی کشاندن تنها منبع درآمد و ارتزاق سه هزار انسان پاک و هزاران نفر از خانواده شریف آنها شود.

به همه اصحاب رسانه و مسئولین استانی و کشوری اعلام می‌نمائیم که این هفته را هفته مبارزه با مافیای فولاد در استان و اعلام حمایت قاطع از شرکت عظیم و بین‌المللی گروه ملی فولاد اهواز، اعلام می‌نمائیم و از آنان خواستاریم:

۱) هویت این سیه رویان مافیایی را به همگان اعلام نمایید آنانرا به میز محاکمه کشانید تا به سزای اعمال ننگیشان برسند و درس عبرتی برای تمام افراد سیه روی دیگر شوند .

۲) (از امام جمعه محترم ، استاندار ، فرماندار و نمایندگان مجلس و قوه قضائیه انتظار می‌رود، نسبت به این امر مهم، رسالت خود را انجام دهند و بعد از چند سال، وضعیت شرکت و معیشتی پرسنل را بطور کلی سروسامان بخشند.

۲۱ آبان ۹۷ - ۱۲ نوامبر ۲۰۱۸

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام و دعای خیر خدمت کلیه همکاران محترم

چند سال گفتیم و شما شنیدید ولی گوش ندادید.

حرفها و خواسته‌ها را به هر شکل مسالمت آمیزی که بود بیان کردیم ولی باز نه کسی شنید و نه اهمیت داد. مقصر را ما پیدا کردیم ما محکوم کردیم و ما بیرون کردیم و تنها خواسته ما از مسئولین بازگشت دوباره زندگی به بزرگترین شرکت نوردی خاورمیانه بود که گویا این خواسته بر دوستان خواسته گرانی ست .

همکاران و برادران گرامی استحضار داشته باشند که از صبر و بردباری و فرصت دادن هر آنچه نیاز بود به سهم خود ارائه دادیم ولی در عوض کوچکترین و بدیهی‌ترین انتظار و خواسته که از هر شرکت تولیدی انتظار میرفت یعنی تولید و فروش محصولات تولیدی بر آورده نشده و هر روز با چالشی جدید روبرو می‌شویم.

مسئولین و مدیران شرکت به گوش باشند هر ماه پرداخت یک حقوق آنهم با خون دل خوردن و مطالبه مستمر کارگران نه تنها چاره درد که توهین به منزلت و شخصیت این قشر شریف میباشد که هر ماه برای حق مسلم خود دست به دامان شود.

فردا بار دیگر می‌آییم و دوباره حقوق خود را فریاد می‌زنیم .

نمایندگان و مسئولین و مدیران خرد و کلان استانی موظف هستند صدای ما را شنیده و دوی این درد را یکبار برای همیشه چاره کنند.

راه اندازی تمام خطوط تولید کارخانه و تولید و فروش مستمر محصولات حق ماست.

پرداخت حقوق معوق و به موقع ماهانه حقوق حق ماست.

شناسایی خائنین و ایادی که به هر وجهی من الوجوه سعی در سنگ اندازی در مسیر تولید و فروش محصولاتمان را دارند حق ماست.

همکاران و برادران گرامی در این مدت برای همه ما اثبات شد که تا خود ما دست به کار نشده و حقوق خود را مطالبه نکنیم و از وجود و کیان این شرکت حمایت نکنیم هیچکس دلسوزمان نخواهد بود.

امروز اندک مردانی از شرکت گروه ملی با همه وجود و علیرغم عده کم توانستند تنهای با صدای خود آسایش مدیران و مسئولین بی مسئولیت را صلب کنند.

فردا دوباره خیابانهای اهواز شاهد موج مردانیست که مطالبه گری حقوق و دفاع از دارایی را به همگان یاد دادند و این خروش و مطالبه گری مستلزم حضور همگانی و تمام پرسنل شرکت گروه ملی از زن و مرد و پرسنل اداری و تولیدی میباشد. اینبار نه با فریاد که با صدای قدمهایمان پشت تمام مخالفین و معاندین تولید گروه ملی خواهد لرزید.

فردا دوباره همه با هم جمع شده و پس از تجدید بیعت مجدد با یکدیگر

ساعت ۷:۳۰

از درب کنترل زمان بسوی استانداری حرکت خواهیم کرد.

فردا همه ما آنجا خواهیم بود. حالا که گروه ملی خواب است، خواب را بر همه شما حرام خواهیم ساخت.

۲۲ آبان ۱۳ نوامبر

چه شکوه و چه عظمتی. چه خروش و چه هیبتی .

امروز فولاد مردان گروه ملی تنها گوشه ایی از عزم و مردانگی خود را به رخ کشیدند و اثبات کردند که اگر بخواهند با تنها صدایی که از حنجره ها خارج میشود میتوانند پشت مسئولین بی مسئولیت و معاندین و مخالفین به حرکت در آمدن چرخ صنعت گروه ملی را بلرزانند. امروز اهواز زیر پای مردان شرکت گروه ملی لرزید و زلزله ایی چند ریشتری از غیرت و مردانگی را تجربه کرد. اگر در تقویم و تاریخ اهواز چند روز ماندگار ذکر شود قطعا امروز یکی از آنها خواهد بود. برادران و همکاران گرامی، امروز با جوشش و خروش خود صدای رسای خود را به گوش مسئولین رسانده و چه بسا تا چند شب خواب از چشمانشان پریده باشد.

درودها و سپاس ها نثارتان باد که نشان دادید مردانگی و غیرت هنوز در شرکت گروه ملی حرف اول را میزند. مسئولین به گوش باشند ، ما تازه شروع کردیم.

۲۳ آبان ۱۴ نوامبر

دوباره همت کارگران گروه ملی و نتیجه مثبت اتحاد و یکپارچگی

پس از ماه ها دوندگی درون شرکت و درخواست های مکرر پرسنل از مدیر عامل آقای غفوری و قائم مقام وی آقای پهلوانی در جهت پاسخگویی به مشکلات کارگران و شفاف سازی اوضاع شرکت و پیگیری های انجام شده توسط ایشان که صد البته با بی توجهی و بی اعتنائی نامبردگان مواجه شد بالاخره پس از لبریز شدن کاسه صبر پرسنل غیور و شریف شرکت گروه ملی و پس از انتقال این موج اعتراض به خیابان ها بالاخره آقای پهلوانی قائم مقام مدیر عامل از طریق رسانه ها و شبکه تلویزیونی خوزستان که هدفی جز خاموش کردن خشم فولاد مردان گروه ملی دنبال نمیکرد اعلام میدارد که فردا یک حقوق پرداخت خواهد شد و مابقی مطالبات طی ماه آینده پرداخت میشود .

یک حقوق برای برای خاموش نمودن خشم مردانی که خواسته ای جز حق طبیعی و بدیهی خود ندارند .

آنان که نمیدانند و یا از اوضاع درونی شرکت بی اطلاع هستند بدانند این حقوقی که آقای پهلوانی لافش را میزند در واقع ما بقی حقوق مرداد ماه است که به پرسنل دیپلم و زیر دیپلم پرداخت شد و حالا نوبت فوق دیپلمه ها و کارشناسان میباشد که ایشان در جهت عوام فریبی بعنوان پرداخت کامل حقوق آنهم در یک رسانه عمومی عنوان میکنند.

گفته بودیم و باز هم تکرار میکنیم. پرداخت حقوق و بروز شدن حقوق های معوقه جزئی ترین خواسته ماست. خواسته اساسی و اصلی پرسنل شرکت گروه ملی صنعتی فولاد اهواز:

۱. ورود مواد اولیه بصورت مداوم و مستمر به شرکت

۲. تامین قطعات و تجهیزات مورد نیاز خطوط تولید

۳. ساماندهی و راه اندازی تمام خطوط و فروش محصولات

۴. کوتاه کردن ایادی فاسد و خائن از محیط شرکت و پاک سازی کامل آن از عناصر خیانتکاری که باعث شدند شرکت به این مرحله برسد.

۵. پرداخت حقوق معوقه و همچنین تعیین تاریخ مشخص هر ماه در جهت پرداخت های ماهانه حقوق پرسنل میباشد .

تمام خواسته های فوق باید در اسرع وقت صورت اجرایی به خود گرفته و در غیر این صورت نسیم در حال وزش خشم کارگران تبدیل به طوفانی خواهد شد که همه چیز را از بیخ و بن کنده و همه چیز را دوباره از نو خواهیم ساخت.

فردا متحد و استوار، همه باهم، کنار هم، دوباره می آییم.

صدای خنده کفتار و بالهای کرکس ها دوباره بلند شد

۲۵ آبان ۹۷ - ۱۶ نوامبر ۲۰۱۸

هر گاه شیر سلطان جنگل اقدام به شکار میکند و یک حیوان قدرتمند را به زمین میزند، سایر حیوانات مفت خور مانند لاشخور ها و کفتارها در اطرافش پدیدار شده و از پسمانده غذای شیر استفاده میکنند. معمولاً کفتار با صدای کریه خنده مانندش و لاشخور با تکان دادن بالهایش ابراز وجود میکند. گویی این شکار کار خودش بوده و بدان میبالد.

در جامعه و سیستم های اجتماعی چنین زنجیره ایی صادق است. عده ایی زحمت میکشند و نتیجه میگیرند که پس از نتیجه گیری مفت خورها ظاهر شده و به ابراز وجود پرداخته، نه تنها خود را در نتایج حاصله ذینفع میدانند بلکه ابراز نظر و گاها اعتراضاتی هم میکنند.

در پس اعتراضات اخیری که شیرمردان شرکت گروه ملی صنعتی فولاد اهواز انجام دادند، کفتار صفتان و مفت خورهایی که از مردانگی تنها نر بودنش را یدک میکشند پشت او هام خود پنهان شده و با خیرات نمودن پند و اندرز بی وجودی خویش را توجیه میکنند. این قوم ضعیف النفس که قصد دارد با وسوسه های خناس خود در صفوف مرصوص فولاد مردان رخنه ایجاد کند خوب گوش فرا دهد چون این آخرین هشدار به تمام کفتار صفتان است. در طول این مدت و از بدو ورود هئیت مدیره جدید، کارگران شرکت گروه ملی تمام راه هایی که منتهی به تجمع و اعتراض نمیشد از صبر و شکیبایی گرفته تا پرسش و پاسخ با مدیران و تجمع درون شرکت را امتحان کردند و به نتیجه ایی نرسیدند. اگر کارد به استخوان نمیرسید، اگر مسئولین گوش شنوایی داشتند و صدای کارگر را میشنیدند، اگر مدیران همت مضاعفی از خود نشان میدادند و راه و چاره دیگری پیش رو بود که انتهایش تحصن در خیابانها نبود حتما آن راه را میرفتیم و هیچگاه تجمعات به خیابانها کشیده نمیشد. حال که اینروزها خیابان های اهواز شاهد خروج مردان فولادین است و شما دم از روشنفکری و اشتباه بودن این تحرکات میزنید، اگر برای این اعتراضات بدیلی دارید بیان کنید، در غیر این صورت شما را به مرگ از شرمساری در مقابل سایر همکاران توصیه میکنیم.

به گوش باشید که این آخرین اخطار بود و پس از این دم گفتار خوش خنده و بالهای کرکس لاشخور قیچی خواهد شد.

۲۶ آبان ۱۷ نوامبر

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام و دعای خیر

استمرار و ادامه حرکت کارگران شرکت گروه ملی صنعتی فولاد اهواز بر همگان اثبات کرد که حرف و عمل کارگر یکیست. کارگر اگر حرفی میزند و وعده ای میدهد حتما به آن جامه عمل خواهد پوشاند. خوب به شعارهای ما گوش فرا دهید و مطمئن باشید تک تک این شعارها نه از روی احساس آنی و سخنی پوچ، که این شعارها حرف دل و وعده و قولهایی است که حتما آنها را محقق خواهیم کرد. در صورت تحقق نیافتن مطالبات بر حقمان مبنی بر ورود مواد اولیه و راه اندازی کل خطوط تولید وعده قیامت را به شما داده بودیم. پس منتظر باشید چرا که قیامت از آنچه فکر میکنید به شما نزدیک تر است و در روز قیامت گناهکاران رسوا خواهند شد.

همکاران و پرسنل شرکت گروه ملی به گوش باشند که حضور در تجمعات در جهت نجات شرکت و حفظ حیات آن بر همگان واجب و ضروریست. قرار نیست عده ایی از وقت و زندگی خود بزنند و عده ایی استفاده کنند. اینجا هر کس نان از بازوی خود میخورد، نان مفت نداریم به کسی بدهیم .

علیرغم حضور تعداد محدودی از سرپرستان، متاسفانه شاهد هستیم که اکثر مدیران و سرپرستان در جمع سایر همکاران حاضر نشده و گویا خود را تافته جدا بافته از سایرین میدانند. به این عده هشدار میدهم در صورت استمرار این غیبت و عدم حضور در تجمع همکاران ابتدا نام غائبین یکی یکی افشا شده و همانطور که با مدیران خائن و نالایق برخورد شد با این افراد نیز برخورد نموده و اطمینان داشته باشند کرسی و میز مدیریت و سرپرستی را از زیر پایشان خواهیم کشید .

همانگونه که در رسانه ها و شبکه های مجازی شاهد هستید، اخبار مربوط به خواهران و برادران ما در شرکت نیشکر هفت تپه صدر نشین تمام اخبار است و تمام مسئولین امر را به خود مشغول ساخته که این امر نشانگر اتحاد مستحکم این مجموعه و حضور حداکثری پرسنل و حتی خانواده های آنها در تجمعات است. پرسنل شرکت گروه ملی صنعتی فولاد اهواز نیز میتواند با تاسی از حرکت این عزیزان پیام خود را محکم تر و رساتر از هر روز به گوش مسئولین برساند .

در آخر دوباره اعلام میکنیم حضور همگانی از زن و مرد گرفته تا مدیر و سرپرست و کارگر واجب و ضروریست. در صورت عدم حضور حتما با غائبین به شکلی دیگر برخورد خواهد شد. در صورت امکان همکاران گرامی همراه با خانواده حضور یافته و در این تجمعات شرکت نمایند .

دوباره تاکید میکنیم لطفا دوستان با لباس فرم حضور یابند.

وعده ما فردا دوشنبه مورخ ۲۷/۰۸/۱۳۹۷

ساعت ۸ صبح درب استانداری خوزستان

۲۸ آبان ۱۹ موامبر

من از اهوازم، زاده کارون و فرزند گروه ملی،

در هفت تپه نفس میکشم و صدایم را از اراک میشنوی

برادران و همزمان عزیز من در هفت تپه و اراک، بدانید که سالهاست صدای شما را میشنوم و درد شما را با تمام وجودم، احساس میکنم .

فریاد حق خواهی اراک را، صدای گرسنه ام گرسنه هفت تپه را من هم فریاد زدم .

تازیهایی که بر کمر برادر هیکویی م نشست پوست کمر مرا زخمی کرد. سردی دستبند که دستان برادر نیشکری ما را بست، مچ دستان مرا زخمی کرد. ولی نتیجه و حاصل این بگیر و ببندها و شلیک ها و شلاق ها چه شد؟

زندانی دادیم، زخمی و حتی شهید دادیم ولی هیئات که هرگز عزت نفس ندادیم.

برادر کارگر من در هر کجا که هستی، در اراک باشی یا هفت تپه، در جنوب باشی یا در شمال، غرب کشور باشی یا شرق آن، بدان که هر جا هستی صدای کارگر گروه ملی و فریاد کارگر گروه ملی پشتیبان و همصدای تو خواهد بود. اگر امروز بصورت فیزیکی در کنارت نیستم ولی باور داشته باش با همین اندک امکاناتی که در دست دارم همراهت هستم و به هر شکلی که شده صدای رسای تو را رساتر خواهم کرد.

امروز دیگر کارگران متعلق به یک شرکت یا یک شهر نیستند.

امروز کارگران خانواده ای بزرگ هستند که هر کدام وظیفه خویش را بر عهده دارد و در زمان سختی دوشادوش و پشت به پشت هم خواهند بود تا پشت کسانی که حق کارگر را لقمه ای مفت تصور میکنند، بلرزاند و با همین لقمه نفس از کالبدش ببرند.

چه کسی می خواهد

من و تو ما نشویم

خانه اش ویران باد

۲۸ آبان ۱۹ نوامبر

دروود بر مردانی که در صلابت فولاد را خجالت زده کردند. مردان خالق حماسه ایی که حتی قلم در توصیفش ناتوان است.

شما را بشارت باد که صدای شما خواب بر چشم مسئولان و مدیران حرام نمود و اکنون برای لحظه ایی خواب بدون کابوس کارگران گروه ملی دست به دامان شما شده اند.

خبر آمد خبری در راه است. این خبر اگر با خواسته های کارگران مطابقت دارد میتواند بیاید و اگر متفاوت و متناقض از خواسته های ماست، همان راه آمده را بازگردد.

اکنون هیئت اعزامی از تهران و مسئولین کشوری و استانی که حالا پس از دو هفته ایستادگی شما به ستوه آمده اند در برابر شما تسلیم شده و درخواست جلسه ایی با کارگران در جهت شنیدن خواسته ها و نظرات آنها شده اند. در پاسخ به این خواسته باید بگوییم که، گوش هایمان از وعده و وعید پر و دلهایمان از خلف وعده پر خون است. خواسته هایمان را چندین بار ذکر کردیم که از ما گفتن بود و از شما نشیدن.

اعلام میداریم که ما با هیچکس هیچ حرفی نداریم، تنها زمانی خیابانها را ترک و راهی شرکت میشویم که تک تک وعده های شما و خواسته های ما جامه عمل پوشیده باشد.

برای یاد آوری و اتمام حجت دوباره خواسته هایمان را به شرح ذیل اعلام میداریم.

۱. واگذاری شرکت به دولت به دلیل موفق عمل نکردن بخش خصوصی در کشور

۲. ورود مستمر مواد اولیه به شرکت.

(هیچ گونه محدودیت زمانی قابل قبول نبوده و نیست.)

۳. راه اندازی و شروع به کار تمام خطوط تولید بصورت همزمان و مستمر.

۴. فروش محصولات بصورت آزاد و خارج از بورس کالا تا زمان رفع نهایی مشکلات شرکت

۵. اصلاح در ساختار مدیریتی و انتصاب اشخاص دلسوز و متعهد که تعهد و وفای خود به شرکت گروه ملی را اثبات نموده باشند. خارج از هرگونه روابط و مصلحتی

۶. معرفی مافیای فولاد و محاکمه آنان به جرم ایجاد مشکلات فراوان برای کارگران شرکت گروه ملی
 ۷. شفاف سازی و پاسخگویی مدیران شرکت در خصوص مسائل پیرامونی شرکت و درخواستهای کارگران
 ۸. تسویه حساب تمام حقوق معوقه کارگران و تعیین تاریخ مشخص در جهت پرداخت حقوق.
 ۹. تشکیل شورای کارگری مستقل در جهت حمایت و دفاع از حقوق کارگران.
- به استحضار میرساند تا زمان پاسخگویی به این خواسته ها و دریافت نتیجه ایی ملموس و واقعی تجمعات کارگران ادامه داشته و این حرکت مستمر خواهد بود.
- لذا فردا ۲۹ / ۸ / ۹۷ همچون روزهای قبل ساعت ۸ صبح درب استانداری حضور بهم خواهیم رساند
- به یاد داشته باشید ما همیشه به وعده هایمان عمل نموده ایم.

بسم الله الرحمن الرحيم

۳۰ آبان ۲۱ نوامبر

با سلام و دعای خیر

در خروش موج سهمگین امروز کارگران شرکت عظیم گروه ملی صنعتی فولاد اهواز، شهروندان و همشهریان ما همصدا با کارگران خروشدند. به ظلم نه گفتند، خواستار کوتاه شدن دستان آلوده به فساد از صنعت و اقتصاد استان شدند و با فرزندان خود اعلام همبستگی کردند.

امروز تشکر کمترین کلمه ایی است که میتوان در قبال زحمات و ایستادگی شما کارگران بیان کرد. بردست تک تک همشهریان که به هر شکلی با برادران خویش اعلام همدردی کردند بوسه میزنیم.

برادران و همکاران گرامی، نتیجه اتحاد و یکدستگی را بوضوح لمس کردید و نتایج مثبتی را که یک به یک در حال وقوع است به عینه در حال دیدن هستید. تا پیروزی و رسیدن به نتایج مورد نظر فقط یک قدم باقیست. یک قدم که قدم من و تو باشد نه قدمی که به تنهایی و فرادا برداشته شود.

شنبه روز تاریخی کارگران شرکت گروه ملی و شهر اهواز خواهد بود.

روز میعاد نزدیک است اگر ما، ما بمانیم.

با توجه به اینکه فردا اکثر ادارات تعطیل بوده و طبیعتاً تجمعی صورت نمیگیرد. فلذا از همه همکاران، مدیران، سرپرستان و کارگران محترم در جهت همفکری، برنامه ریزی برای تجمعات آینده و آینده شرکت دعوت به عمل می آید تا در سالن اجتماعات دور هم جمع آمده و به گفتگو و تبادل نظر پردازیم.

جلسه بصورت تریبون آزاد و شورا بوده و همه دوستان و همکاران میتوانند اظهار نظرات و پیشنهادات خود را ارائه دهند.

وعده ما فردا پنج شنبه مورخ ۰۱/۰۹/۱۳۹۷ ساعت ۹ صبح سالن اجتماعات شرکت گروه ملی صنعتی فولاد اهواز

با سلام و دعای خیر

از دیر باز هنر، زبان تمام دردهای بشر بود. نقاش، مشقت و رنج انسان را بر بوم می آورد، آنکه اندوهی داشت، می نواخت و آنکه دغدغه فکری داشت می خواند.

هنرمندان نیز با آن روحیه حساس و پاک خود بهترین ملجأ دردمندان هستند. در عصری که مادیات و مصلحت جویی، چشم، گوش و زبان همگان را بر حقیقت کور و و کر و گنگ کرده، تنها این هنرمندان بودند که صفات پاک انسانی را در خود پروراندند و لحظه ای تسلیم هوای نفس نشدند و آغوش خود را بی هیچ چشم داشتی به روی مظلومترین قشر جامعه گشودند و در حمایت آنان هنرها آفریدند. یکی از این خلق هنرها، سرود بسیار زیبایی است که برخی این هنرمندان برای پاسداشت مبارزات حق طلبانه کارگران شرکت بزرگ گروه ملی فولاد اهواز سرودند.

زبان از وصف احساساتمان در قبال این کار قاصر است. تنها به این هنرمندان قول خواهیم داد که ما کارگران شرکت بزرگ گروه ملی فولاد اهواز تا دستیابی به تمام حقوق خود لحظه ای آرام نخواهیم گشت که خوب میدانیم این تنها راه گرامیداشت این اثر زیبای شماسست.

فولاد

تو کارون کاری تو ای کارگر!

به موج تو خاموش باد این حریق

کنارت کشاورز و همرنج تو

کنارت معلم کنارت رفیق

به همرنج خود رنج خود را بگو

ز افسوس او رنج او را بین

که ما می شکوفیم با اتحاد

در این واژه های امیدآفرین
 ز فولاد کار و ز فولاد جان
 بزن داد آزادی کار و نان
 صدای گلونخل خشکیده ایم
 صدا میخراشد زمین و زمان
 قدر قدرت ساز و کار بشر!
 سپر سینه ات اعتصابت سلاح
 بزن داد بیداد این بردگی
 شعارت رهایی و پایت به راه
 صدا میخراشد که هر کارگر
 به زنجیر خود لحظه ای خونکرد
 صدا میخراشد: که زنجیریان!
 نبرد و نبرد و نبرد و نبرد
 غریبه نمانده صدای امید
 خیابان قدم های ما را شناخت
 به رویای هر برگ خود مومن است
 نهال امیدی که در جان ماست
 نهال امیدی که در جان ماست
 به رویای هر برگ خود مومن است
 بزن ریشه در خاک آزادی
 که دنیای بهتر یقین ممکن است

۵ آذر ۹۷ - ۲۶ نوامبر ۲۰۱۸

ما کارگران شرکت گروه ملی صنعتی فولاد اهواز سازندگان واقعی تاریخ هستیم.

امروز مافیا با زبان مجری قانون سخن گفت و ما را از ایستادگی بر حذر داشت. این یعنی اینکه دست های خالی ولی پر از اراده کارگران توانست شاخ دیو مافیای تا دندان مسلح و مجهز به تمام امکانات را بشکند تا جایی که اینبار زبان سران مجریان قانون که باید مدافع حق مظلوم باشند به دفاع از ظالم گشوده شد.

ما اعلام میداریم که تا پای جان بر حرفی که زدیم هستیم و تا زمان رسیدن به هدف قدمی از خواسته خود که همانا احیا دوباره شرکت گروه ملی صنعتی فولاد اهواز است باز نخواهیم گشت. افزایش روز بروز جمعیت کارگران معترض تاییدی است بر حقانیت و استقامت ما.

به همه شما همکاران مژده میدهیم که تا رسیدن به هدف راهی نمانده و ان شاءالله بزودی نتیجه فعالیت و تلاش های خود را به چشم دیده و لمس خواهید کرد.

قبلا گفته بودیم و باز هم تکرار میکنیم، نه تهدید و نه زندان هیچ سودی ندارد و کارگر مرگ را بر زندگی با خفت ترجیح میدهد.

تهدید ما کارساز نیست از حربه دیگری استفاده کنید.

وعده ما فردا سه شنبه ۰۶/۰۹/۱۳۹۷ ساعت ۸ صبح درب استانداری استان خوزستان

۹ آذر ۹۷ - ۳۰ نوامبر ۲۰۱۸

با سلام و دعای خیر خدمت کلیه همکاران محترم

راهی در پیش است و از ابتدا قرار گذاشتیم تا انتهای راه و تا رسیدن به هدف در کنار هم بایستیم.

از هر راه و حربه ایی از تهمت دریافت رشوه توسط همکاران گرفته تا پرداخت حقوق بصورت طبقه بندی بر اساس مدرک تحصیلی، برای سد راهمان و برای سنگ اندازی در مسیرمان استفاده کردند ولی لحظه ایی نه به آرمان هایمان شک کردیم و نه قدمی از خواسته های به حق خود باز گشتیم.

همکاران و برادران گرامی، آنانی که نمیخواهند شما دوباره حضور یابید و با فریادهایتان خوابشان را پریشان کنید تمام راه ها را برای متفرق نمودن صفهایتان امتحان کردند. دیروز از آخرین ترفند خود که پرداخت حقوق است یاری جستند و فردا روز امتحان است. روز امتحان ما و شما، روز امتحان تمام کارگران و سنجش عزت نفس و احترام به ذات آنان است. که اگر نفری از این جمعیت خروشان کاسته شود بر خیالهای باطلشان صحه گذاشته ایم

، ولی اگر همچون روزهای گذشته با همه وجود حضور یابیم به آنها خواهیم فهماند که کارگر خریدنی نیست و شرف کارگر بسیار گرانباتر از یک حقوق و دو حقوق بوده و در معیار سنجش هیچگونه واحد پولی نمیگنجد. برادران گرامی ، همانطور که بارها اعلام کرده بودیم ، دوباره به گوش همگان میرسانیم ، خواسته هایمان واضح و مشخص است:

-ورود مستمر شمش

-راه اندازی تمام خطوط

-فروش مستمر محصولات

-حل مشکل بیمه کارگران

-پرداخت به موقع و مستمر حقوق

تا زمانی که این خواسته ها جامعه عمل بر تن نکند ، به هیچکدام از وعده و وعیدهای مسئولان خرد و کلان دلخوش نخواهیم کرد که آزموده را آزمودن خطاست.

فردا روز امتحان پس دادن مردان واقعی گروه ملی است و اینبار مردانه و سربلند از این امتحان خارج خواهیم شد.

۲۰ آذر ۱۱ دسامبر

سی و دو روز ایستادگی و فریاد مردانی که حق است.

نه زیاده خواهی کردند و نه اضافه بر دارایی خود چیزی خواستند. تمام خواسته هایشان در یک جمله خلاصه میشود و آنهم هم استمرار در تولید است. خواسته و درخواستی که هر عقل سلیمی آن را تحسین و تمجید میکند. کارگری که هدفش فقط و فقط تولید باشد و در ازای این تولید از جان و دل مایه بگذارد ، آرمان کارگریست که در هیچ جای جهان نمیتوان مثل و بدیلش را یافت. ولی افسوس کسانی هستند که این روحیه جهادی و ایده آل کارگری را به ضرر خود میبینند و برای جلوگیری از رشد و تعالی این کارگر از تمام امکانات در دسترس استفاده میکنند تا حقیقت را وارونه آنچه هست نشان دهند. خواسته های ارزشمند کارگران را تا حد دریافت حقوق تقلیل ارزش می دهند ، آنان را خرابکار و آشوبگر و اوباش می نامند و با این ترفند ها سعی در خاموش نمودن شعله های خشم کارگران خشمگین از حضور مافیا در تولید میکنند. این افراد و این دسته از مدیران بدانند که این شعله هیچگاه خاموش شدنی نبوده و نیست و با هربار فشار امنیتی ، یا بازداشت کارگران ، زبانه های آن شعله ور تر شده و چه بسا دامان کسانی که سعی در به زیر کشیدن صنعت خوزستان را دارند در بر بگیرد.

ورود ماشین های شمش به بخش دو امروز حرکت مثبتی بود ولی این حرکت کافی نبوده و مطمئنا اگر به همین مقدار رضایت دهیم باز هم شاهد تکرار تجمعات و اعتراضات خواهیم بود. چرا که از یک سو شمش ها برای بخشی اختصاص یافته که تقریبا حدود یکماه آماده سازی لازم دارد و بخش آماده ایی همچون کوثر را بدون مواد اولیه رها نموده اند، از سوی دیگر هیچ تضمینی برای ورود مستمر شمش وجود ندارد و احتمال اینکه ورود این شمش ها تنها در جهت خرید زمان و مقطعی باشد بسیار زیاد است.

همچنین فشارهای امنیتی را که در این چند روزه چندین برابر شده و حتی منجر به بازداشتها و دستگیری همکارانمان از درب منازلشان شده به شدت محکوم میکنیم و اعلام میداریم این فشارها و بازداشت ها باعث متشنج تر شدن وضعیت موجود شده و هیچ کمکی به آرام شدن وضعیت موجود نمیکند.

در اخر بازداشت همکاران آقای سید میثم آل مهدی از درب منزلشان و انتقال ایشان به نقطه ایی نا معلوم را به شدت محکوم نموده و خواستار رهایی سریع ایشان هستیم.

این بگیر و ببندها پاهایمان را سست نخواهد کرد و قدمهایمان را برای رسیدن به اهداف محکم تر و دلهایمان را قرص تر خواهد کرد.

وعده ما فردا ۴شنبه ۲۱/۰۹/۱۳۹۷ ساعت ۸ صبح درب استانداری استان خوزستان

همه ما میثم آل مهدی هستیم.

۲۱ آذر ۹۷- ۱۲ دسامبر ۲۰۱۸

سلام بر برادران و عزیزانی که همواره در سختی ها کنار کارگر حضور داشته و دارند

دوستان و رانندگان سرویس های ایاب و ذهاب که در طول اعتراضات با وجود عدم دریافت حق و حقوق خود با ما همراه بودید و در رساندن کارگران هرگز کوتاهی نکردید.

شنیدیم که از امشب قصد اعتصاب و عدم حضور در شرکت را دارید. به شما حق میدهیم و میدانیم هر راهی که منتهی به گرفتن حقتان میشود را خواهید رفت .

ما و شما هر دو در یک قایق گرفتار ، در طلائم طوفان با هم همسفریم و اگر یکی از ما دیگری را تنها بگذارد یقینا نفر دوم به سلامت به ساحل نخواهد رسید.

برادران مطمئن باشید اعتصاب شما در این موقع و در این لحظات هیچگونه فشاری به مدیران نیاورده و این اعتصاب فقط در جهت ضربه زدن به تجمعات کارگران و انشقاق صفوف برادران شما طراحی شده است. برای گرفتن حقتان ما هم در کنارتان هستیم . اگر قصد دارید اعتصابی انجام دهید و مدیران به حرف شما گوش فرا دهند این

فقط در زمانی ممکن است که شرکت و خطوط در حال تولید باشد فقط در این صورت است که مدیران از ترس خوابیدن خطوط تولید بخاطر نبود کارگران به حرف های شما گوش خواهند داد. ولی در وضعیت فعلی این عمل تنها به ضرر همکاران و برادران کارگر شما و به سود مدیران و کسانی است که میخواهند صفوف و اتحاد کارگران از بین برود می باشد.

لذا از شما خواهش می کنیم فعلا دست نگهدارید و اعتصابات خود را در زمان معین و مناسب بکار بندید و مطمئن باشید در این امر کارگران نیز در کنار شما خواهند ایستاد.

حواسمان باشد دشمن برای ایجاد تفرقه از هر راهی وارد میشود.

همکاران گرامی لطفا جهت اطلاع رسانی متن فوق را برای رانندگان مسیرهایشان ارسال کنند.

۲۲ آذر ۱۳ دسامبر

رادمردان غیور فولادی

آزمان که شما ساعتها فریاد وامصیبتا در مقابل فحاشی گروه ملی سر میدادید .

آنگاه که در مقابل دیدگان پرسشگرانه همشهریان ، آگاهی هدیه میدادید...

و زمانیکه مرگ کارخانه ی عظیم گروه ملی را تاب نیاورده و با طنین فریادتان کرسی های مسئولین استان را به لرزه در میاوردید ،

وسواسان خناس باز سر از دخمه خود بیرون آورده ، موزیانه مشغول رایزنی های منفعت طلبانه برای خود بودند !

و با تخریب همکاران آزاد اندیش خود نزد مدیران پروازی با شان آدمفروشانه ی خود ، به خود شیرینی های ابلهانه مشغول بودند!

دریغا که همواره شاهد خیانت انسانهای خودفروخته هستیم..

آیا به چشم خود ندید که مدیران نالایق ، طمعکار ، منفعت طلب و بی تعهد را با خواری و خفت بیرون راندیم؟!

نمیخواهید عبرت بگیرید؟!

بدانید که پاهایی را که جای پای آنها نهاده میشود ، قطع خواهیم کرد.

ما نجنگیدیم تا گروه ملی آشیانه فتنه و چاپلوسان شود.

هرگز اجازه نخواهیم داد سکان جدید گروه ملی ، که با عرق جبین کارگران جوانمرد و شریف تقدس یافته ، در

دستان انسانهای فرومایه و دورو ، به نا پاکی گراید!

مردانگی را تمرین کنید که بزودی خواهید دید راهی جز آن ندارید .
 سرخوش از حکم های طنزآلوده ی خود نباشید ، که برایتان ماندگار نخواهند بود .
 در کلام ساده تر...

پل های پشت سر خود را تخریب نکنید .

مزدور نباشید که مدیران آب و ما سنگ های کف رودخانه ایم!

۲۶ آذر ۱۷ دسامبر

همکاران گرامی

نیروهای امنیتی ، شب گذشته یازده نفر از همکارانمان را از درب خانه هایشان به جای نامعلومی منتقل کردند .
 گناه این کارگران تنها فریاد عدالتخواهی بود ، فریاد هل من ناصر ینصرنی بود ، فریاد هیئات من الذله بر سر مافیا
 بود و لا غیر . اما عکس العمل نیروهای امنیتی بجای دستگیری و بازخواست مسببین این مشکلات ، بازداشت
 کارگران عدالت خواه بود . این شیوه برخورد با کارگران و مظلومین هموطن از حکومتی که ادعای ناصر مظلومین
 جهان را دارد ، دور از انتظار است . بیم آن داریم که مافیا، قدرت امر و نهی در سازمانهای امنیتی را هم داشته باشد
 که وا مصیبتاست .

دلهره و ترس انداختن در دل دلیر مردان کارگری که برای احیای شرکت خود و بدست آوردن یک لقمه حلال
 کفن پوشیدند و دست خالی و بدون هیچ ناصری بجز خدای خود ندارند ، خوابی تعبیر ناشدنی ست . لذا هشدار
 می دهیم هرچه زودتر و بی درنگ همکاران کارگران را آزاد کرده و به دستگیری مظلومان و عدالتخواهان پایان
 دهید .

اسامی افراد بازداشت شده :

۱ (عیسی مرعی ۲) (غریب حویزروی ۳) (مرتضی اکبری ۴) (امین علوانی ۵) (کریم سیاحی ۶) (مصطفی عیبات ۷)
 طارق خلفی ۸) (میثم قنواتی ۹) (مسعود عفری ۱۰) (جعفر سبھانی ۱۱) (حامد جودکی

۲۶ آذر ۱۷ دسامبر

فوری / تکمیلی

***اسامی کارگران بازداشتی شب گذشته و امروز شرکت گروه ملی صنعتی فولاد ایران*:**

***کارخانجات نورد میلگرد، مفتول و صنایع فلزی (بخش یک)*:**

۱- مرتضی اکبریان ۲- امین علوانی

***کارخانجات نورد تیر آهن (بخش دو)*:**

۱- کریم سیاحی ۲- غریب حویزاوی ۳- جعفر سبحانی ۴- عیسی مرئی ۵- مجید جنادله ۶- مهدی طهماسبی
۷- احمد نور

***کارخانه فولادی سازی (ذوب)*:**

۱- میثم قنواتی ۲- حامد جودکی

***کارخانه نورد کوثر*:**

۱- طارق خلفی

***کارخانه لوله سازی*:**

۱- کاظم حیدری ۲- مسعود عفری نژاد ۳- کوروش اسماعیلی ۴- علی عقبا ۵- مصطفی عیبات ۶- حسین داودی
۷- محسن بلوتی ۸- محسن پهبانی ۹- محمد پورحسن ۱۰- سیدحبيب طباطبایی ۱۱- عبدالرضا دستی
۱۲- جاسم سفر رومزی ۱۳- یاسر ابراهیمیان ۱۴- علی اتمامی ۱۵- سیدعلی جوادپور ۱۶- جواد غلامی

***کارخانه ماشین سازی*:**

۱- حافظ کنعانی

۲۷ آذر ۱۸ دسامبر

همکاران گرامی:

دو شب است که برادرانمان به خاطر عدالتخواهی در پشت میله های زندان بسر میبرند. خار در پای برادرم رفت ولی من دردش را با تمام وجود در قلبم احساس کردم. گویی خار درون قلب من فرو رفته نه پای برادرم. همه ما نزدیک ۲۰ سال است که باهم زندگی میکنیم ولی ۴ سال است که برادریم. برادرانی نزدیک تر از برادر تنی .

سردی فلز دستبند و هوای سلول را در منزل و کنار خانواده ام حس میکنم .

من هر جا باشم با برادرم هستم و می مانم.

دوستان و همکاران گرامی ،

جهت آمادگی برای آزادی همکاران و برادرانمان لطفا همه دوستان فیش حقوقی و مدارک شناسایی به همراه داشته باشند.

هنوز خبر قطعی دریافت نشده و این اقداما صرفا جهت آمادگی و احتیاط می باشد.

۲۸ آذر ۱۹ دسامبر

با سلام بر پولاد مردان گروه ملی و افتخار آفرینان ملت

همکاران و دوستان گرامی

همانطور که اکثریت شما با حضور در جلسه دیروز کارگران و شورای تامین از چند و چون کار و وعده های مسئولین برای برآورده شدن خواسته های کارگران مطلع شدید ، قرار بر این شد که طی یکی دو روز آینده همکاران ما از بند آزاد شده و این شیرمردان پولادین به جمع همکاران ، برادران و آغوش خانواده خود بازگردند .

امروز پس از حضور همکاران جهت ضمانت و آزادی ۲۱ نفر از برادرانمان ، دادگاه اعلام نمود که ضمانت گروه ملی پذیرفته نمی باشد و این عمل یعنی بی اعتبار نمودن نام و شخصیت شرکت و کارگران گروه ملی ، که خلاف عهد و وعده مسئولین می باشد. چرا که قرار بود با تلاش استاندار و سایر مسئولین اعتبار به شرکت عظیم گروه ملی باز گردد ولی ظواهر امر و خلف وعده های دوستان خلاف این واقع را نشان میدهد.

از همه همکاران درخواست داریم با فیش های مهمور کارگزینی و مدارک شناسایی درب دادگاه انقلاب حضور یابند.

شیر مردان گروه ملی همیشه یار و یاور یکدیگر بوده و هستند.

۳۰ آذر ۲۱ دسامبر

یلدای امسال ما یلدای میله های سرد

صدای دو رگه و حنجره زخم خورده از ۳۶ روز فریاد

پاهای ورم کرده از ۲۰ کیلومتر پیاده روی روزانه به مدت ۳۶ روز

صورت های آفتاب سوخته از گرمای اشعه ۳۶ روزه آفتاب اهواز

خانوادهای چشم انتظار بازگشت سرپرست ، که بیش از ۴ روز است که هر لحظه و هر دقیقه زندگیشان به سردی و به طولانی یلداست.

یلدای امسال، یلدای روزهای ۳۶ مقاومت است.

یلدای ما از شب در بند شدن برادرانمان آغاز و تا روز آزادیشان ادامه خواهد داد.

بلندترین یلدای امسال ، یلدای پولاد مردان شرکت گروه ملی صنعتی فولاد اهواز است.

همکار در بندم، حمایت میکنیم

کارگر زندانی، آزاد باید گردد.

بسم الله الرحمن الرحيم

سی و شش روز در تقویم سال ۱۳۹۷ وجود دارد که میتوان آن را روزهای استقامت و غیرت و پایمردی نامید.

روزهایی که کارگر زحمتکش و شریف گروه ملی صنعتی فولاد ایران برای احقاق حق خود با دست خالی به میدان آمد و از فریاد و خروشش ستون های ظلم و بیداد بخود لرزید و ترک برداشت.

روزهایی که مجال بود برای به نمایش گذاشتن اتحاد، انسجام، غیرت و شجاعت کارگر در حفظ و صیانت از بقاء غول عظیم صنعت فولاد کشور و آزمونی بود برای کسانی که ادعای دفاع از مظلوم و گسترش عدالت و مدیریت جهانی شان گوش فلک را پُر کرده بود اما همچون همیشه از این آزمون هم روسیاه بیرون آمدند.

ما بخود میبایم که صفوف یکپارچه و متحدمان و فریاد و خروش بی وقفه مان نه تنها لرزه بر اندام فرصت طلبان و منفعت طلبان مافیائی انداخت بلکه سبب شد تا پرده ها از چهره اینان برافتد و این بار صدای شان از دهان کسانی شنیده شود که باید حامی ستمدیدگان باشند و مسئولیت شان میبایست در راستای حمایت از فضای تولید و کار و تلاش باشد اما صد افسوس که خود بازوی باندهای قدرت و ثروت و سیاست هستند.

به خیال خام خود با گروگان گرفتن ۴۳ نفر از همکارانمان ، صدای حق طلبی و عدالت خواهی ما را خاموش ساختند اما زهی خیال باطل که کارگر گروه ملی صنعتی فولاد ذره ای از حراست و صیانت از خانه خود پا پس بکشد.

اتفاقات روزهای اخیر برای ما فرصتی است تا کوس رسوایی شمایان را بلندتر سازیم.

این برای ما فرصتی است تا نیات پلید شمایان را بیشتر افشا کنیم.

این برای ما فرصتی است تا چهره های شما فریبکاران و همدستی تان با مافیا را عریان تر سازیم.

به دروغ گفتید اگر اعتراضات را پایان دهید ظرف ۲ الی ۳ روز همه همکارانتان را آزاد خواهیم کرد.

اما اینک همکاران در بند ما را با سیلی از اتهامات امنیتی مواجه کرده اید.

ما امنیت ملی را به مخاطره انداختیم یا آنانی که سالهاست بر ثروت و صنعت این سرزمین چمبره زده و یک به یک کارخانجات و صنایع کشور را به نابودی و تعطیلی می کشانند؟

ما امنیت عمومی را به مخاطره انداختیم یا آنانی که حق ها میخورند و وقتی صدای اعتراضی بلند شود شمایان به یاری شان میشتابید و پاسخ مطالبه گران را با سرکوب و بازداشت میدهید؟

هیچکدامان از زندان هراسی نداریم حتی اگر همه ما ۳۰۰۰ نفر را هم دربند کنید باز هم از حق طلبی دست بر نمیداریم . این شما هستید که باید از رسوا شدن بیشتر بهراسید.

ما بخوبی میدانستیم که هرگز به وعده های پوچ و فریبکارانه شما اعتمادی نیست اما این را هم فرصتی دانستیم برای آنکه حسن نیت و حسن رفتارمان را همچون گذشته ثابت کنیم و دستاویزها را از بهانه جویان سلب کرده باشیم.

اکنون به مرّ آیه شریفه: [وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَا تَدْمِيرًا] بدون هرگونه مماشات و مسامحه هشدار و انذار میدهیم که در کوتاه ترین زمان ؛ تأکید میکنیم در کوتاه ترین زمان ممکن میبایست همه همکاران دربند و اسیرمان را بی هیچ قید و شرطی آزاد نموده و تمامی اتهامات واهی و بی اساس نسبت داده شده به ایشان از پرونده ها رفع و برداشته شود.

بارها و بارها جدّیت و عزم راسخ ما را آزموده و آن را لمس کرده اید پس بخوبی میدانید برای دفاع از حیثیت خود و همکاران گرفتار در اسارتان قادریم دست به هر کاری بزنیم.

اگر بنا بر سوختن است اینبار همه خواهند سوخت.

کارگر زندانی آزاد باید گردد

و من یتوکل علی الله فهو حسبه

۳ دیماه ۲۴ دسامبر

باسلام و دعای خیر

اکنون که بر همگان ثابت شد مسئولان ارشد استان و مسئولان قضایی باکینه تیزی و غرض ورزی؛ در آزادی همکاران در اسارت ما کوتاهی مینمایند و به همه وعده های خود مثل همیشه پشت پا زده و تنها قصد فریب ما و افکار عمومی را داشتند بر یکایک کارگران شجاع و دلسوز و غیرتمند گروه ملی فولاد واجب است هم اینک با حضور مقابل دادگاه انقلاب در کنار خانواده و فرزندان همکاران مان حمایت خود را از برادران مان اعلام و پیگیر آزادی ایشان باشیم.

با همکاری اداره حراست هیچ ممانعتی برای خروج همکاران وجود ندارد.

ساعتی دیگر در مقابل دادگاه انقلاب خواهیم بود و اشک از چشمان خونبار فرزندان برادران و همکاران دربند خود میزداییم و چشم براه آزادی ایشان خواهیم بود.

۴ دیماه ۲۵ دسامبر

با سلام و دعای خیر

به اطلاع کلیه همکاران محترم میرساند نامه آزادی ۷ نفر از دلیرمردان عزیزمان با پیگیری و ایستادگی همکاران و خانواده های معظم شان صادر گردید

امروز شهر اهواز و خانه استاندار بی کفایتش شاهد فریاد علی اصغر ها و طفل های در قنناق بود، شاهد حضور پدران و مادران اسوه های ایثار و مردانگی آن دلیر مردان در بند ظلم بود.

حضور شما همکاران محترم در کنار خانواده های برادرانمان مرهمی است بر فراغ و دوری فرزندان، همسر و پدرانشان و اعلام همدردی، برادری، کما فی السابق خانواده عظیم شرکت گروه ملی،

و در پایان:

با تبریک مجدد به مناسبت آزادی تعدادی دیگر از برادرانمان، همچنان اعلام میداریم تا آزادی کامل تمامی همکاران محترم بازداشت شده مان، دست از تلاش برنخواهیم داشت، و به مسئولین بدقول که متأسفانه به هیچ کدام از گفته هایشان پایبند نبوده و عمل نکردند، بار دیگر هشدار جدی میدهم، دست از این بازی ننگین برداشته و در اسرع وقت نسبت به آزادی تمامی برادرانمان اقدام عاجل را در دستور کار خود قرار دهند.

ما میتوانیم، چون کارگریم
کارگر زندانی، آزاد باید گردد.

۴ دیماه ۲۵ دسامبر

ما دست شما را خوانده ایم

ما پولاد مردان فولاد برای کار و نان به خیابانها سرازیر شدیم، ما ۳۸ روز فریاد زدیم، همه مردم ایران و جهانیان صدای حق خواهی ما را شنیدند و با ما همدردی کردند. اما مسئولین مملکتی و استاندار بی لیاقت که هر روز در مقابل تختگاهش فریاد حق خواهی سر میدادیم صدای برآمده از حنجره های پاره شده ما را شنید و خود را به نشنیدن زد و دست آخر ۴۳ نفر از یاران ما را نیمه های شب در مقابل چشمان همسران و فرزندان خردسالشان به طرز وحشیانه ای به زنجیر کشید.

ده روز از آن روز گران میگردد و هر روز با وعده پشت سر وعده برای آزادی یارانمان وقت کشی میکنند تا این غیور مردان پولادین اراده را به قول خودشان نصیحتی کرده باشند، نصیحتی از جنس انفرادی و چشمان بسته و ممنوع الملاقاتی برای زدن اتهامات بی اساس.

ما دست شما را خوانده ایم دست شما مدتهاست برای ما رو شده است شما نه پشت سر مافیا بلکه خود مافیا هستید. شما ستمگرانی هستید که غیور مردان فولاد را برای خواستن کار و نان به زنجیر کشیده اید و با چشمان بسته در انفرادیها مشغول زدن اتهامات بی اساس به آنان هستید.

اگر حضرات مافیای سرمایه دار و دولت پشتیبانشان فکر کرده اند ما را تنها در سر گردنه گیر آورده اند و میتوانند زبان از کام ما در کشند و همکاران شریف ما را به کثیف ترین اتهامات که شایسته خودشان است متهم کنند باید بدانند سخت در اشتباهند باید بدانند ما در مقابل کوره های داغ و آتشین نان عرق جبین خورده ایم باید بدانند ما فرزندان گدازه های آهنیم و اتهامات کثیفی که فقط و فقط شایسته مافیائی است که یکی پس از دیگری کارخانه ها و مراکز تولیدی کشور را به تعطیلی کشانده و در صدد تحویل دادن زمین سوخته ای از ملک گران ایران زمین به نسلهای بعدی است.

شما در حال سوء استفاده از صبر و طاقت ما هستید. شما با خرید زمان از طریق آزادی روزی دو سه نفر از همکارانمان در تلاشید تا شیرمردترین شیرمردان فولاد را با زدن اتهامات واهی و بی اساس در هم شکنید تا درس عبرتی برای همه ما فولادیان شود.

اما بدانید و آگاه باشید اسیرانی که از ما گرفته اید پولادین اراده های سرزمین فولادند و ما یاران آنها همان مردانی هستیم که ۳۸ روز لرزه بر اندام مافیا انداختیم بدانید و آگاه باشید چنانچه صبر ما از نامردی نامردمانی چون شماییان لبریز شود بزودی بار دیگر غرش کنان خیابانهای اهواز را در هم خواهیم نوردید و از گذاشتن سر در راه عهد و پیمان با یاران در بندمان دریغ نخواهیم کرد.

۷ دیماه ۲۸ دسامبر

"اگر در بی عدالتی ها بی طرف هستید بدانید طرف ستمگر را گرفته اید"

دزموند توتو.....از رهبران ضدآپارتاید

بسم الله الرحمن الرحيم

انسان شجاع ، آگاه و متعهد هرگز نمیتواند نسبت به اتفاقات و رویدادهای پیرامون جامعه خود بی تفاوت بوده و سکوت پیشه کند و دغدغه درد و رنج هممنوع خود را نداشته باشد.

در حالیکه ما کارگران گروه ملی صنعتی فولاد در سی و هفت روز اعتراضات خود نه تنها از درد و مشکل خود گفتیم بلکه با مشت های گره کرده و گام های استوار و فریاد بی امان خود صدای همه مظلومان و عدالت خواهان بودیم.

ما از همه کارگران ایران سخن گفتیم

ما فریاد دانشجویان بودیم

ما درد بازنشستگان و معلمان را بازگو کردیم

ما صدای درگلو خفته و بغض فروخورده ایران بودیم

مایاور و پناه همه بودیم

اما اینک تنها و بی پناه مانده ایم

هنوز هفت نفر از دلاوران فولاد در بند و زنداندن بی آنکه حتی از سلامتشان باخبر باشیم

ما سی و هفت روز شریک و همدرد همه بودیم ؛ ما سی و هفت روز زبان همه بودیم

اما اینک تنها مانده ایم و در این تنهایی از درد و رنج اسارت همکارانمان بخود می پیچیم
 امروز حتی از همراهانی که داعیه غیرت و مردانگی و حمایت و برادری داشتند هم خبری نیست
 آنانی که سینه سپر میکردند و خود را مردانِ مرد میپنداشتند امروز بسان موش در سوراخ ها پنهان گشته اند.
 در این سکوت مرگبار تنها آنچه که قدری مرهم بود بر دل رنجورمان صدای هنرمند مردمی و غیرتمند خوزستان
 "مهدی یراحی" بود که بالباس کارگر گروه ملی صنعتی فولاد بر روی صحنه رفت و از درد ما گفت.
 ما این مسئولیت پذیری ایشان را ارج مینهیم و هرگز غیرت و مردانگی او را فراموش نخواهیم کرد.
 فردا شنبه بازهم فرصتی است تا از سوی کسانی که این روزها خود را به ندیدن و نشنیدن میزنند جبران مافات شود.
 فردا شنبه بازهم فرصتی است تا دوباره برادری ها و برابری ها را با پیگیری آزادی همکارانمان به نمایش بگذاریم.
 کام خانواده های برادران دربندمان از این همه بی تفاوتی و عدم حمایت ها تلخ و چشمان فرزندانشان اشکبار است.
 فرصت فردا را از دست نمیدهیم
 فردا کنار هم تلخی ها را فراموش میکنیم و دوشادوش هم برای آزادی برادرانمان گام برمیداریم.

بسم الله الرحمن الرحيم

باسلام و دعای خیر

آزادی دونفر از همکارانمان امروز باعث خرسندی و خوشحالی ما؛ خانواده های ایشان و همه آزادیخواهان و
 عدالت جویان گردید.

اما هنوز نگرانی ما در مورد وضعیت بقیه برادران و همکارانمان به قوت خود باقی است و همچنان همه تلاش خود
 را برای تسریع در آزادی آنها بکار خواهیم بست.

به همت اتحادیه آزاد کارگران ایران فراخوان اعتراضی نسبت به ادامه بازداشت همکاران عزیز ما تهیه و هم اکنون
 برای پیوستن به این فراخوان و امضای بیانیه موجود در آن در دسترس همگان قرار دارد.

انتظار میرود همه همکاران با مسئولیت پذیری همیشگی خود و درک شرایط موجود به این فراخوان رجوع کرده
 و ضمن درج مشخصات خود فرم نگار مربوطه را برای دیگر دوستان و همکاران و آشنایان خود ارسال نمایند.

به امید آزادی و رهایی همه همکاران و برادران دربند خود.

و من یتوکل علی الله فهو حسبه

کمپین برای آزادی کارگران زندانی گروه ملی صنعتی فولاد اهواز
کارگران زندانی گروه ملی صنعتی فولاد اهواز آزاد باید گردند

سه هفته از یورش شبانه نیروهای امنیتی به منازل کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز و بازداشت‌های گسترده آنان گذشت و همچنان هفت نفر از آنان تحت بازداشت قرار دارند.

علاوه بر این، پس از سرکوب کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز، این مجتمع بزرگ صنعتی را به پادگانی نظامی تبدیل کرده اند و روز سه شنبه گذشته محمدرضا نعمت پور را که همراه با جمعی از کارگران در محل شرکت خواهان آزادی همکاران زندانی خود شده بود دستگیر و بلافاصله به زندان شیپان (زندان مرکزی اهواز) منتقل کردند.

کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ۳۸ روز در خیابانهای اهواز فریاد حق خواهی ما کارگران و مردم ایران بودند. آنان و کارگران شرکت نیشکر هفت تپه آب به لانه خصوصی سازیهای مافیایی حکومتگرانی بستند که در طول دهه های گذشته با غارتگریها و سیاستهای ویرانگرانه خود اقتصاد کشوری ثروتمند را به فروپاشی کشانده و میلیونها خانواده کاری را در فقر و فلاکتی پایان ناپذیر فرو برده اند.

هشت کارگر زندانی گروه ملی صنعتی فولاد اهواز ۳۸ روز با سخنرانیهای بی باکانه خود در برابر نیروهای نظامی امنیتی و گارد ویژه، فضای اختناق و سرکوب را بیش از پیش در هم شکستند و اینک آماج انتقامجویی های نهادهای امنیتی و قضائی قرار گرفته اند .

ما امضا کنندگان این بیانیه، هشت کارگر زندانی گروه ملی صنعتی فولاد را نماینده پرشور فریادهای در گلو خفته خود میدانیم و با اعلام همبستگی با فراخوان کارگران این مجتمع بزرگ صنعتی برای آزادی همکاران در بندشان، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کریم سیاحی، بهزاد علیخانی، کریم حویزروی، کاظم حیدری، طارق خلفی، مصطفی عیبات، میثم علی قنواتی، محمد رضا نعمت پور و پایان دادن به فضای نظامی و امنیتی در گروه ملی صنعتی فولاد اهواز هستیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

امروز دوهمکار باقی مانده در بند اسارت پس از سی و پنج روز آزاد شدند.

آزادی این دو عزیز سرافراز را به ایشان، خانواده های صبورشان و همگان تبریک میگوئیم.

آزادی این عزیزان نتیجه پیگیری های مداوم خانواده ها و برخی همکاران و حمایت های گسترده مردمی و ایجاد کارزارهای حمایتی وسیع اجتماعی و کارگری داخلی و بین المللی بود.

ما قدردانی خود را از این موج همبستگی برای آزادی همه کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران ابراز میداریم. از شروع اعتراضات خود در سالهای گذشته همواره اعلام کردیم که تلاش ما تنها در جهت دستیابی به خواسته های صنفی مان بوده و برخورد های امنیتی و پرونده سازی های قضایی و امنیتی پاسخ مطالبات ما نیست.

با اینحال اعمال سیاست های فشار، تهدید و ارباب هرگز مانع از حق طلبی کارگر گروه ملی صنعتی فولاد نگردید و در هر بحرانی که بر ایمان ایجاد شد این ما کارگران بودیم که در نهایت با پیروزی و سربلندی از آن خارج شدیم. در این رهگذر هر اندازه که قدرتمندانه دستاوردی کسب کردیم به همان اندازه از توان و قدرت چپاولگران سفره کارگر کاستیم و در برخی موارد حتی شکست کامل غارتگران را شاهد بودیم. به همین دلیل است که امروز مورد غضب و کینه توی های مکرر قرار گرفتیم.

ما این خشم و انتقام گیری را در جریان بازداشت همکاران سرافراز خود و نیز در جریان آزادی ایشان بارها و بارها دیدیم که هر روز به بهانه ای از آزادی کارگر شریف و سختکوشی که چیزی جز حق زندگی و معاش را طلب نکرده است خودداری میکردند تا بلکه به خیال خام خود در ادامه آن عزم و اراده ما را خرد کنند.

اکنون که همه همکاران ما از اسارت رهایی یافته اند اعلام میداریم:

__ باید پرونده های امنیتی تشکیل شده علیه کارگران به سرعت بسته شوند.

__ میبایست به پیگرد و احضار کارگران به نهادهای امنیتی و قضایی خاتمه داده شود.

__ باید از ادامه ایجاد فضای امنیتی در محیط شرکت خودداری شود.

__ تأمین مواد اولیه و تولید کارخانجات باید بی وقفه تداوم داشته باشد.

__ پرداخت بموقع و همراه حقوق و دستمزد میبایست تضمین گردد.

__ ما داشتن یک شکل صنفی و شورایی مستقل و همچنین برپایی منظم و مستمر جلسات مجمع عمومی را حق خود دانسته و ضمانت اجرای آن را خواستاریم.

همکاران عزیز و گرامی

امروز اگر شاهد فعالیت برخی خطوط تولید هستیم؛ امروز اگر اندک مواد اولیه ای تأمین گشته است؛ امروز اگر حقوقی پرداخت شده؛ اگر امروز روزنه امیدی به آینده و ادامه حیات و بقاء شرکت گشوده شده است تنها و تنها در گرو ایستادگی، اتحاد، یکپارچگی و همصدایی تک تک ما کارگران بوده و هیچ فرد و نهاد و دستگاهی نمیتواند ذره ای از این دستاوردها را مصادره بمطلوب نماید.

ما اکنون در حال کسب نتیجه از مبارزه و حضور قدرتمندانه و مستمر خود در اعتراضات هستیم و بیش از هر زمان دیگری قدرت باهم بودن و استقامت را باور کرده ایم.

مبارزه ما پایان نیافته است اکنون ما آبدیده تر و آگاه تر از قبل هستیم و میدانیم که هنوز بدخواهان و فرصت طلبان مترصد فرصتی هستند تا اهداف و نیات سوجدویانه خود را عملی سازند.

گروه ملی صنعتی فولاد ایران متعلق به ما و فرزندان و نسل بعد از ماست.

هوشیارانه و آگاهانه؛ با چشمانی باز از همه آنچه که داریم مراقبت و حفاظت خواهیم کرد و پیگیر مطالبات خود خواهیم بود

و من یتوکل علی الله فهو حسبه

Kargaran-insig

اتحادیه معلمان انگلستان: نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه را آزاد کنید!

نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه را آزاد کنید !

خانم کریس کیتس، دبیر کل اتحادیه معلمان انگلستان طی نامه اعتراضی ای که امروز بطور جداگانه برای علی خامنه ای، حسن روحانی و غلامعلی خوشرو سفیر ایران در سازمان ملل فرستاد، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط همه کارگران دستگیر شده در هفت تپه شد .

عالیجناب

به نمایندگی از اتحادیه معلمان انگلستان NASUWT به شدید ترین شکل ممکن، اعتراض خود را نسبت به اقدام مقامات دولت ایران در دستگیری و بازداشت کارگران اعتصابی و نگرانی شدید خود را در مورد گزارش بد رفتاری با دستگیر و بازداشت شدگان اعلام می دارم.

ما اطلاع یافتیم که نمایندگان کارگران شرکت نیشکر هفت تپه اخیرا دستگیر شده و به مکانی نامعلوم انتقال یافته اند. اسامی این کارگران به قرار زیر است: اسماعیل بخشی، مسلم آرمند، پویا بشمه، سعید منصوری، جلیل احمدی، عظیم سرخه، مهدی داوودی، سعید الکثیر، علیزاده، امید آزادی، سید حسن فاضلی، صمیر احمدی، سلامات نیا، عماد کثیر، محمود سعدی، محمد خنیفر و خالد تمیمی. همچنین اطلاع یافتیم که سپیده غلیان، خبرنگار، نیز جزو دستگیر شدگان است.

افزون بر این، ما لازم می دانیم که اعتراض خود را نسبت به بد رفتاری با رهبران کانون صنفی معلمان از جمله اسماعیل عبدی و محمود بهشتی لنگرودی تکرار کنیم.

اتحادیه معلمان انگلستان از بیانیه های تشکل های کارگری در ایران، از جمله سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه که توسل به خشونت از سوی نیروهای انتظامی علیه کارگران اعتصابی را قویا محکوم کرده است، حمایت می کند.

اتحادیه معلمان انگلستان خواهان آزادی فوری و بدون قید شرط همه کارگران بازداشتی است.
ما از شما می خواهیم که کمک نمایید تا طبق توصیه های “کمیته آزادی انجمن” سازمان جهانی کار، فعالین
اتحادیه ای- کارگری بازداشت شده، آزاد شوند.
ما منتظر اقدام شما در این مورد هستیم.
با احترام: کریس کیتس ، دبیر کل

ترجمه و تکثیر از اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

ترجمه متن نامه: ۲۰ نوامبر ۲۰۱۸

پشتیبانی سندیکای س ژت از مبارزات کارگران هفت تپه

کارگران شرکت نیشکر هفت تپه را آزاد کنید!

چندین سال است که کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه برای بدست آوردن حقوق اولیه خود از جمله بهبود شرایط کاری و پرداخت دستمزدهای معوقه مبارزه میکنند. کنفدراسیون عمومی کار در فرانسه (س.ژ.ت) در حمایت از این کارگران و همصدا با آنها مصرانه می خواهد که مطالبات کارگری آنها تامین شود و همچنین تمامی کارگران بازداشت شده و زندانیان سیاسی آزاد گردند.

مجتمع نیشکر هفت تپه که یکی از بزرگترین واحدهای صنعتی در استان خوزستان میباشد، در سال ۱۳۳۸ شروع به بهره برداری نمود. از سالها پیش کارگران این مجتمع با مشکلات متعددی چون ناامنی حرفه ای، عدم پرداخت حقوق، از دست دادن مزایای کاری و اخراج از کار مواجه هستند.

آنها تا بحال چندین بار برای تغییر این مناسبات ناعادلانه و باز پس گرفتن حقوق از دست رفته خود اعتصاب کرده اند و تجمعات اعتراضی راه انداخته اند.

آخرین بار در ۴ نوامبر ۲۰۱۸ آنها به یک اعتصاب کارگری مهم دست زدند و با مشارکت مردم چندین تظاهرات بزرگ را در شهر شوش سازماندهی کردند که تا امروز ادامه دارد.

در پی این تظاهرات، ۱۸ کارگر توسط نیروهای امنیتی دستگیر شدند که بعداً تعدادی از آنها آزاد شدند ولی چهار نفر از آنها هنوز در بازداشت هستند. با وجود این فشارها، اعتراضات هنوز ادامه دارد.

شرکت کنندگان در تظاهرات شعار میدادند که:

کارگر می میرد ذلت نمی پذیرد

نه تهدید ما را به عقب بر می گرداند و نه زندان

کارگر زندانی آزاد باید گردد

در شرایطی که رژیم تلاش می کند مطالبات کارگران را نادیده بگیرد و با استفاده از ابزارهای سرکوبگرانه آنان را رازیر فشار نگهدارد؛ کارگران تلاش میکنند که خواسته های خود را به گوش همگان برسانند.

در این راستا، کارکنان دو راه حل برای خروج از بحران کنونی پیشنهاد می کنند:

- ۱- کارگران شرکت نیشکر هفت تپه مدیریت شرکت را به عهده بگیرند و مستقلاً آنرا اداره کنند (خود مدیریتی)
 - ۲- شرکت نیشکر هفت تپه دوباره ملی شود و آنگاه مدیریت آن به شورای کارگری واگذار شود.
- کنفدراسیون عمومی کار در فرانسه (س.ژ.ت) مجدداً از خواسته های کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه پشتیبانی می کند و بدون هیچگونه قید و شرطی خواستار آزادی تمامی زندانیان می باشد.

۲۷ نوامبر ۲۰۱۸

لینک متن فرانسوی:

<https://www.cgt.fr/actualites/proche-orient/conditions-de-travail/liberez-les-travailleurs-de-la-raffinerie-de-haft>

نامه ی بیش از ۸۰ سندیکا و تشکل کارگری در سراسر دنیا به علی خامنه ای در مورد سرکوب کارگران و معلمان

نامه

آیت الله سید علی خامنه ای

رهبر جمهوری اسلامی ایران

دفتر رهبری

تهران، ایران

پاریس ۲۹ نوامبر ۲۰۱۸

آقای رهبر

سازمان های امضا کنندگان این نامه توجه شما را نسبت به وضعیت هشدار دهنده سندیکالیست ها در ایران جلب می کند.

ما دائما اخبار بسیار نگران کننده ای از ایران دریافت می کنیم. مقامات حکومت ایران در طی هفته های اخیر بیوقفه سندیکالیست ها و معلمان را به خاطر برگزاری تظاهرات مسالمت آمیز در اعتراض به گرانی زندگی و عدم پرداخت حقوق ها معوقه مورد اذیت و آزار قرار داده اند.

اخیرا تعداد بسیاری سندیکالیست و معلم دستگیر شده، از کار اخراج شده و به زندان افکنده شده اند. آخرین نمونه کارخانه نیشکر هفت تپه است که کارگران بیش از دو هفته است که در اعتراض به عدم دریافت حقوق و فساد مالی مدیران کارخانه در اعتصاب به سر می برند.

در روز یکشنبه ۱۸ نوامبر کلیه ۱۹ عضو هیات رهبری سندیکای کارخانه نیشکر هفت تپه، از جمله اسماعیل بخشی و محسن آرمند و هم چنین خانم سپیده قلیانی، خبرنگار گزارشگر اعتصاب، دستگیر می شوند.

کارگران مبارز دیگری هم محکوم شده و تعدادی هم در زندان بسر می برند از جمله ابراهیم مددی، جعفرعظیم زاده، علی نجاتی، همراه با تعداد زیادی از کارگران اعتصابی. اینان همگی به اتهام "خرابکاری اقتصادی" محکوم شده، از کار اخراج و زندانی شده اند.

به استناد شورای هماهنگی معلمان، از ۱۱ نوامبر تا کنون دستکم ۱۲ معلم توسط مقامات حکومتی دستگیر شده و ۳۰ نفر دیگر جهت بازجویی احضار شده اند. هاشم خواستار یک عضو برجسته سندیکای معلمان مشهد در اول نوامبر دستگیر شده، سپس او را به یک بیمارستان روانی منتقل کرده و تا ۱۱ نوامبر در آن مکان نگهداری می‌کنند. در حال حاضر ۳ عضو سرشناس دیگر سندیکای معلمان در زندان بسر می‌برند.

معلمان دیگری دستگیر و زندانی شده اند. تعدادی از این معلمان زندانی که دوران محکومیت شان را می‌گذرانند دوباره "محاكمه" شده و مجدداً به حبس های سنگین محکوم شده اند. در حال حاضر تعداد بسیاری از مبارزان عضو سندیکای معلمان به حبس های سنگین محکوم شده اند: از جمله: بهشتی لنگرودی، اسماعیل عبدی، عبدالرضا قنبری، محمد حبیبی، محمد علی زحمتکش، محمد رضا رضائی نژاد، پیروز نامی، علی کروشانی، علی فروتن، حسین رمضان پور و امید شاه محمدی. اسامی معلمان زندانی متأسفانه به این لیست محدود نمی‌شوند.

ماده ۲۲ معاهده بین المللی در رابطه با حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)، هم چنین ماده ۸ معاهده بین المللی در رابطه با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (PIDESC) ضامن حق ایجاد سندیکا و عضویت در سندیکا می‌باشند، و دولت ایران امضا کننده هر دو معاهده مذکور می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یک عضو سازمان جهانی کار، نشان داده که تعهدات خود در چارچوب توافق نامه های بین المللی سازمان جهانی کار، به ویژه حق کارگران ایران در ایجاد تشکلات مستقل را مراعات نمی‌کند.

ما لغو محکومیت های غیرعادلانه که مغایر با آزادی ها و حقوق اساسی بوده و نیز آزادی فوری و بی قید و شرط همه فعالان دربند که به خاطر فعالیت های سندیکائی و دفاع از حقوق به حق مزدبگیران زندانی شده اند، به خصوص اسماعیل بخشی، علی نجاتی و سپیده قلیانی را خواستاریم.

با تقدیم احترامات

Central Sindical e Popular Conlutas (CSP-Conlutas) – Brésil.

Confederación General del Trabajo (CGT) – Etat espagnol.

Union syndicale Solidaires (Solidaires) – France.

Confédération Générale du Travail du Burkina (CGT-B) – Burkina.

Confederation of Indonesia People's Movement (KPRI) – Indonésie.

Confederación Intersindical (Intersindical) – Etat espagnol.

syndicat National Autonome des Personnels del'Administration Publique (SNAPAP) – Algérie.

Batay Ouvriye – Haïti.

Unione Sindacale Italiana (USI) – Italie.

Confédération Nationale des Travailleurs – Solidarité Ouvrière (CNT SO) – France.

- Sindicato de Comisiones de Base (CO.BAS) – Etat espagnol.
- Organisation Générale Indépendante des Travailleurs et Travailleuses d’Haïti (OGTHI) – Haïti.
- Sindacato Intercategoriale Cobas (SI COBAS) – Italie.
- Confédération Nationale du Travail (CNT-f) – France.
- Intersindical Alternativa de Catalunya (IAC) – Catalogne.
- Union Générale des Travailleurs Sahraouis (UGTSARIO) – Sahara occidental.
- Ezker Sindikalaren Konbergentzia (ESK) – Pays basque.
- Confédération Nationale de Travailleurs du Sénégal Forces du < Changement (CNTS/FC) – Sénégal.
- Independent Trade Unions for Egyptian Federation (EFITU) – Egypte.
- Sindacato Autorganizzato Lavorator COBAS (SIAL-COBAS)– Italie.
- General Federation of Independent Unions (GFIU) – Palestine.
- Confederación de la Clase Trabajadora (CCT) – Paraguay.
- Red Solidaria de Trabajadores – Pérou.
- Union Syndicale Progressiste des Travailleurs du Niger (USPT) – Niger.
- Union Nationale des Syndicats Autonomes du Sénégal (UNSAS) – Sénégal.
- Unión Nacional para la Defensa de la Clase Trabajadora (UNT) – El Salvador.
- Solidaridad Obrera (SO) – Etat espagnol.
- National Union of Rail, Maritime and Transport Workers (RMT/TUC) – Grande-Bretagne.
- Centrale Nationale des Employés – Confédération Syndicale Chrétienne (CNE/CSC) – Belgique.
- Sindacato Nacional de Trabajadores del Sistema Agroalimentario (SINALTRAINAL/CUT) – Colombie.
- Fédération Générale des Postes, Telecom et Centres d’appel – Union Générale Tunisienne du Travail (FGPTT/UGTT) – Tunisie.
- Trade Union in Ethnodata – Trade Union of Employees in the Outsourcing Companies in the financial sector – Grèce.
- Syndicat national des travailleurs des services de la santé humaine (SYNTRASEH) – Bénin
- Sindicat dos Trabalhadores da Fiocruz (ASFOC-SN) – Brésil.
- Organizzazione Sindicati Autonomi e di Base Ferrovie (ORSA Ferrovie) – Italie.
- Union Nationale des Normaliens d’Haïti (UNNOH) – Haïti.

Confederazione Unitaria di Base Scuola Università Ricerca (CUB SUR) – Italie.

Confederazione Unitaria di Base Immigrazione (CUB Immigrazione) – Italie.

Coordinamento Autorganizzato Trasporti (CAT) – Italie.

Confederazione Unitaria di Base Credito e Assicurazioni (CUB SALLCA) – Italie.

Syndicat des travailleurs du rail – Union Nationale des Travailleurs du Mali (SYTRAIL/UNTM) – Mali.

Gıda Sanayii İşçileri Sendikası – Devrimci İşçi Sendikaları Konfederasyonu (GIDA-IŞ/DISK) – Turquie.

Syndicat National des Travailleurs du Petit Train Bleu/SA (SNTPTB) – Sénégal.

Asociación Nacional de Funcionarios Administrativos de la Caja de Seguro Social (ANFACSS) – Panama.

Conseil des Lycées d'Algérie (CLA) – Algérie.

Confederazione Unitaria di Base Trasporti (CUB Trasporti) – Italie.

Syndicat de l'Enseignement Supérieur Solidaire (SESS) – Algérie.

Palestinian Postal Service Workers Union (PPSWU) – Palestine.

Union Syndicale Etudiante (USE) – Belgique.

Sindicato dos Trabalhadores de Call Center (STCC) – Portugal.

Sindicato Unitario de Trabajadores Petroleros (Sinutapetrolgas) – Venezuela.

Alianza de Trabajadores de la Salud y Empleados Publicos – Mexique.

Canadian Union of Postal Workers /Syndicat des travailleurs et travailleuses des postes (CUPW-STTP) – Canada.

Syndicat Autonome des Postiers (SAP) – Suisse.

Federación nacional de trabajadores de la educación (SUTEChili)– Chili.

Plateforme Nationale des organisations professionnelles du secteur public – Côte d'Ivoire.

Trades Union Congress, Liverpool (TUC Liverpool) – Angleterre.

Sindacato Territoriale Autorganizzato, Brescia (ORMA Brescia) – Italie.

Fédération syndicale SUD Service public, canton de Vaud (SUD Vaud) – Suisse
Sindicato Unitario de Catalunya (SU Metro) – Catalogne.

Türkiye DERİ-İŞ Sendikası, Tuzla et Izmir (DERİ-İŞ Tuzla et Izmir) – Turquie.

L'autre syndicat, canton de Vaud (L'autre syndicat) – Suisse
Centrale Générale des Services Publics FGTB, Ville de Bruxelles (CGSP/FGTB Bruxelles) – Belgique

Arbeitskreis Internationalismus IG Metall, Berlin (IG Metall Berlin) – Allemagne

Sindicato Unificado de Trabajadores de la Educación de Buenos Aires, Bahia Blanca -(SUTEBA/CTA de los trabajadores Bahia Blanca) – Argentine
Sindicato del Petróleo y Gas Privado del Chubut/CGT – Argentine.

UCU University and College Union, University of Liverpool (UCU Liverpool) – Angleterre.

Industrial Workers of the World – International Solidarity Commission (IWW)
Transnationals Information Exchange Germany (TIE Germany) – Allemagne.
Emancipation tendance intersyndicale (Emancipation) – France
Globalization Monitor (Gmo) – Hong Kong.

Courant Syndicaliste Révolutionnaire (CSR) – France.

No Austerity – Coordinamento delle lotte – Italie.

Solidarité Socialiste avec les Travailleurs en Iran (SSTI) – France
Basis Initiative Solidarität (BASO) – Allemagne.

LabourNet Germany – Allemagne.

Resistenza Operaia – operai Fiat-Irisbus – Italie

رونوشت به:

آقای حسن روحانی، رئیس جمهور

آقای صادق لایجانی، رئیس قوه قضائیه

سفیر ایران در پاریس

ترجمه و پخش از: همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران – فرانسه

کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری

چهارمین کنگره جهانی

کپنهاگ دانمارک ۷-۲ دسامبر ۲۰۱۸

پیشنهاد قطعنامه اضطراری در باره ایران

ارائه شده از سوی

انگلستان (TUC) فرانسه (CGT) فرانسه (CFDT) ایتالیا (CGIL) نروژ (LO) سوئد (LO) آلمان (DGB) کانادا (CLC)

از یک ماه پیش ایران یک موج اعتصابات سراسری و تظاهرات کارگران بخش‌های مختلف و همچنین دانشجویان را بر علیه وضعیت اقتصادی فاجعه بار، تشدید فقر و مهم تر سرکوب خشونت بار کارگران و رهبران آنان مانند اسماعیل بخشی و علی نجاتی از سر می گذرانند. فقر، افسار گسیخته افزایش می یابد. تحریم‌های همه جانبه و فشرده امریکا، ضعف مدیریت فلاکت اقتصادی را تشدید می کند و این کارگران هستند که هزینه آن را پرداخت می کنند. مشاغل از دست می روند و فقرمزدی بیش از پیش شاغلین را در بر می گیرد.

هر اعتصاب و هر مطالبه قانونی یک حرکت بر علیه امنیت ملی تلقی می شود و بادستگیری و اذیت و خشونت روبرو می شود.

کنگره کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری در کپنهاگ با همه کارگران و دانشجویان ایران اعلام همبستگی می کند.

ما سیاست ضد کارگری رژیم تهران را محکوم می کنیم، خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط همکارانمان هستیم، ما خواستاریم که تشکل‌های کارگری مستقل و شورای کارگران، نماینده قانونی آنان شناخته شوند. ما اعلام می کنیم که تحریم‌ها باید متوقف شود، حقوق کارگران و دیگر حقوق بشر در ایران رعایت شود، ما با کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری و فدراسیون جهانی اتحادیه‌ها همکاری خواهیم کرد با تا رعایت عدالت درباره کارگران ایران تضمین شود.

ترجمه از پلاتفرم سندیکا‌های کارگری سوئد - ایران

قطعنامه اضطراری کنگره کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری در همبستگی با کارگران و دانشجویان در ایران

قطعنامه اضطراری کنگره کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری در همبستگی با کارگران و دانشجویان در ایران.

کنگره خواستار آزادی کارگران بازداشتی از جمله اسماعیل بخشی و علی نجاتی و به رسمیت شناختن اتحادیه‌ها و شوراهای مستقل کارگری در ایران شده است.

کنگره چهارم کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری، آی.تی.یو.سی، امروز، جمعه ۱۶ آذر ۹۷، برابر با ۷ دسامبر ۲۰۱۸، قطعنامه‌ای اضطراری در همبستگی با کارگران و دانشجویان در ایران تصویب کرد. این قطعنامه که بدنبال تلاش‌های سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه بطور مشترک توسط تی یو سی بریتانیا، ث ژ ت فرانسه، سی اف دی ت فرانسه، سی جی آی ال ایتالیا، ال نروژ، ال او سوئد، د گ ب آلمان و سی ال سی کانادا تدوین و در اختیار کنگره آی تی یو سی داده شد امروز توسط نمایندگان در کنگره که بیش از ۲۰۷ میلیون کارگر در ۱۶۳ کشور را نمایندگی می‌کردند به تصویب رسید.

این قطعنامه ضمن محکوم کردن سیاست‌های ضد کارگری و سرکوب کارگران و دانشجویان توسط دولت ایران در ماه‌های اخیر، خواستار آزادی کارگران بازداشتی از جمله اسماعیل بخشی و علی نجاتی و به رسمیت شناختن اتحادیه‌ها و شوراهای مستقل کارگری در ایران شده است. این قطعنامه سیاست‌های ضد کارگری دولت ایران که به گسترش فقر و نابسامانی اقتصادی در ایران بطور گسترده دامن زده و نیز تحریم‌های اقتصادی آمریکا که به بدتر شدن وضعیت کارگران منجر شده را به شدت محکوم کرده است. این قطعنامه همچنین خواهان همکاری آی تی یو سی و فدراسیون‌های جهانی کارگری در حمایت از کارگران ایران شده است. متن قطعنامه به زودی منتشر خواهد شد.

سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، مراتب قدردانی و سپاس فراوان خود را از شرکت کنندگان در کنگره آی تی یو سی و تشکیلات و اتحادیه‌های کارگری‌ای که این قطعنامه حمایتی را تدوین و ارائه کرده‌اند، اعلام می‌دارد. ما نیز در کنار و دوشادوش سایر تشکلات کارگری در ایران و جهان ضمن حمایت از مطالبات و اعتراضات کارگران هفت تپه و فولاد اهواز خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط اسماعیل بخشی، علی نجاتی و سپیده قلیان هستیم و در این راستا از هیچ تلاشی فروگذار نخواهیم کرد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

جمعه ۱۶ آذر ۹۷

آدرس کانال تلگرام مورد تایید سندیکای کارگران شرکت واحد:

t.me/vahedsndica

آدرس سایت سندیکای کارگران شرکت واحد:

www.vahedsyndica.com

ارتباط با جی میل سندیکای کارگران شرکت واحد:

vsyndica@gmail.com

آدرس کانال تلگرام سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه:

t.me/syndica_7tape

حمایت اتحادیه جهانی کارگران صنعتی از کارگران هفت تپه و فولاد

از کارگران هفت تپه و فولاد

و تاکید بر آزادی فوری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان

اتحادیه جهانی کارگران صنعتی (IndustriALL)

طی گزارشی که درباره اعتصابات کارگران هفت تپه و فولاد اهواز منتشر کرده است به موج دستگیری ها در مورد کارگران هفت تپه پرداخته و منجمله گزارش کرده که «مطابق مشاهدات خانواده های اسماعیل بخشی و سپیده قلیان، این دو تن که به ترتیب اولی نماینده کارگران و دومین فرد، دانشجوی حاضر در میان تجمع کنندگان بوده است مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفته اند». در این گزارش همچنین از اعتراضات دانشجویان حمایت شده است.

در این گزارش به خصوصی سازی به ثمن بخت در این دو مجتمع تولیدی اشاره شده و همچنین دستیار دبیر کل این اتحادیه جهانی کارگری کامل اوزکان اعلام کرده است که «اینگونه تلاش های خشونت آمیز و سرکوبگرانه برای شکستن اعتصاب کارگران برای حاکمیت ایران شرمساری به بار می آورد. کارگران برایدستمزدهای خود اعتصاب میکنند و رهبران آنها با شجاعت در مقابل شکنجه رنج میکشند که از کارگران دفاع کنند. ایران باید به حقوق تشکلات کارگری و نیز مقاولهنامه های سازمان جهانی کار به ویژه دو مقاوله امه پایه ای ۸۷ و ۹۸ احترام بگذارد. فعالان و نمایندگان کارگری باید بتوانند کارشان را انجام داده بدون اینکه مورد تعقیب و سرکوب قرار بگیرند و باید این حق را داشته باشند که تشکلات مستقل کارگری خود را تشکیل دهند».

قابل ذکر است که این تشکل کارگری جهانی، نمایندگی پنجاه میلیون کارگر را در ۱۴۰ کشور مختلف در جهان به عهده دارد.

ترجمه، تلخیص و انتشار از: سندیکای کارگران هفت تپه

حمایت اتحادیه جهانی کارگران صنعتی از کارگران هفت تپه و فولاد و تاکید بر آزادی فوری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان

اتحادیه جهانی کارگران صنعتی (IndustriALL)، طی گزارشی که درباره اعتصابات کارگران هفت تپه و فولاد اهواز منتشر کرده است به موج دستگیری‌ها در مورد کارگران هفت تپه پرداخته و منجمله گزارش کرده که "مطابق مشاهدات خوانده‌های اسماعیل بخشی و سپیده قلیان، این دو تن که به ترتیب اولی نماینده کارگران و دومین فرد، دانشجوی حاضر در میان تجمع کنندگان بوده است مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفته‌اند." در این گزارش همچنین از اعتراضات دانشجویان حمایت شده است.

به گزارش سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، در این گزارش به خصوصی سازی به ثمن بخت در این دو مجتمع تولیدی اشاره شده و همچنین دستیار دبیر کل این اتحادیه جهانی کارگری کامل اوزکان اعلام کرده است که "اینگونه تلاش‌های خشونت‌آمیز و سرکوبگرانه برای شکستن اعتصاب کارگران برای حاکمیت ایران شرمساری به بار می‌آورد. کارگران برای دستمزدهای خود اعتصاب میکنند و رهبران آنها با شجاعت در مقابل شکنجه رنج میکشند که از کارگران دفاع کنند. ایران باید به حقوق تشکلات کارگری و نیز مقابله‌نامه‌های سازمان جهانی کار به ویژه دو مقابله‌نامه پایه‌ای ۸۷ و ۹۸ احترام بگذارد. فعالان و نمایندگان کارگری باید بتوانند کارشان را انجام داده بدون اینکه مورد تعقیب و سرکوب قرار بگیرند و باید این حق را داشته باشند که تشکلات مستقل کارگری خود را تشکیل دهند."

۸ دسامبر ۲۰۱۸

قابل ذکر است که این تشکل کارگری جهانی، نمایندگی پنجاه میلیون کارگر را در ۱۴۰ کشور مختلف در جهان به عهده دارد.



اعتراض شدید کنگره اتحادیه های کارگری انگلستان

به سرکوب کارگران فولاد اهواز

کنگره اتحادیه های کارگری انگلستان (TUC) با انتشار بیانیه ای سرگشاده در تاریخ ۱۹ دسامبر ۲۰۱۸ ضمن اعلام همبستگی عمیق با کارگران فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه، از دولت ایران خواسته است که پنج خواست مشخص این کنگره در همین رابطه را بطور فوری برآورده نماید. ترجمه متن در زیر آمده است:

کنگره اتحادیه های کارگری انگلستان (TUC) اقدامات دولت ایران در سرکوب مستمر فعالین سندیکایی، دانشجویان و دیگر فعالین در سراسر ایران را محکوم می کند.

کنگره اتحادیه های کارگری انگلستان، همبستگی عمیق خود را با مبارزات کارگران مجتمع ملی فولاد اهواز و کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه برای رسیدن به خواست بر حق و مشروع شان اعلام می دارد.

ما از اعتصاب نزدیک به شش هفته ای کارگران فولاد که در اعتراض به قصور کارفرما در عدم پرداخت ماهها حقوق برپا شده است، حمایت می کنیم.

کارگران مجتمع ملی فولاد اهواز بیش از یک سال است که با مالکان بخش خصوصی این مجتمع که به تعهد خود در رساندن فعالیت مجتمع به ظرفیت کامل عمل نکرده اند، درگیری دارند. کارگران خواستار بازگشت کارخانه به بخش عمومی و سرمایه گذاری دراز مدت به منظور تضمین سود اوری و ادامه کاری مجتمع می باشند.

واکنش مقامات ایران در برابر این اعتصاب و اعتراض ها طبق معمول بی رحمانه بوده است. در ساعات اولیه روز دوشنبه ۱۷ دسامبر نیروهای امنیتی به منازل بسیاری از کارگران هجوم بردند و ۳۱ نفر از نمایندگان کارگران را دستگیر کردند. چند ساعت بعد، ده نفر دیگر از کارگران اعتصابی بازداشت شدند.

بعد از این اقدامات، کارگران اعتصابی ملاقات با استاندار خوزستان را رد کردند و اعلام داشتند تا هنگامی که همه دستگیر شدگان آزاد نشوند، وارد هیچ مذاکره ای نخواهند شد.

خواسته های کارگران مجتمع فولاد اهواز و مجتمع نیشکر هفت تپه مبنی بر معکوس سازی موج خصوصی سازی ها و کنترل تولید توسط کارگران، مورد حمایت بخش بزرگی از سندیکاها و تشکل های کارگری و سازمان های سیاسی و اجتماعی قرار گرفته و نیز حمایت فزاینده جامعه در ایران را به همراه داشته است. کنگره اتحادیه های کارگری انگلستان از مقامات ایران می خواهد که خواسته های زیر را بطور فوری برآورده نمایند.

- آزادی همه کارگران و فعالین سندیکایی از زندان؛
- پرداخت همه دستمزد های معوقه و پرداخت نشده؛
- فراخواندن یگان های ضد شورش از کارخانه و اطراف آن و توقف همه تمهیدات دیگر که برای سرکوب کارگران اتخاذ شده است؛
- آغاز مذاکره جدی دولت ایران با کارگران در مورد باز گرداندن کارخانه به بخش عمومی بر مبنای آنچه که در قانون اساسی در مورد شکست و قصور کارخانه های خصوصی شده پیش بینی گردیده است؛
- دولت ایران، حقوق کارگری را مطابق با مقاله نامه های بنیادی سازمان جهانی کار، شامل مقاله نامه ۸۷ و ۹۸ به رسمیت بشناسد، احترام بگذارد و اجرایی کند.

کنگره اتحادیه های کارگری انگلستان، همراه با جنبش جهانی اتحادیه های کارگری از نزدیک موضوع را پیگیری می کند.

<https://www.tuc.org.uk/news/tuc-calls-iranian-government-account-wide-scale-union-oppression>

ترجمه و باز تکثیر از اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

<http://etehadbinalmelali.com/ak>

www.workers-iran.org

info@workers-iran.org

حمایت از اعتراضات و مطالبات کارگران هفت تپه در ایران

کارگران تولیدی نیشکر هفت تپه در استان خوزستان در ایران به مدت ۱۴ روز است که علیه حقوق های معوقه خود دست به اعتصاب زده اند و حدود ۶ روز است این کارگران اعتصابی جلوی فرمانداری شهرستان شوش برای تحت فشار قرار دادن این اداره تجمع کرده اند.

کارگران هر روز در محل کار خود حضور پیدا میکنند و بعد از انجام تدارکات خود در کارخانه، در جلو اداره فرمانداری آن شهر تجمع میکنند. طبق قراری که مردم این شهر در حمایت از اعتصاب کارگران هفت تپه داده گذاشته بودند، امروز قرار بود در جلوی اداره فرمانداری این شهر دوش به دوش کارگران دست به اعتراض بزنند اما از شب گذشته حکومت بورژوازی اسلامی ایران، صدها پلیس ضد شورش را به این شهر اعزام کرده است و صبح امروز اطراف کارخانه نیشکر هفت تپه را به محاصره درآورده اند تا از حضور کارگرانی که روزانه از کارخانه به محل فرمانداری مراجعه میکنند جلوگیری به عمل آورند و همزمان نیز دو نفر از رهبران این کارگران به نامهای اسماعیل بخشی و مسلم آرمند به همراه یک خبرنگار که برای تهیه خبر در آن جا حضور داشت دستگیر کرده اند، شیوه ای که جمهوری اسلامی ایران از طریق ایجاد رعب و وحشت میخواهد کارگران معترض و مردم این شهر را به سکوت و دارد و سرکوبشان کند.

طبق آخرین اخبار، رژیم اسلامی چند تن از رهبران و فعالین کارگری دیگر را نیز دستگیر کرده است، اما این اقدام تهدید آمیز نه تنها کارگران را مرعوب نکرده بلکه موج نارضایتی و حمایت از کارگران اعتصابی (هفت تپه) شدت بیشتری به خود گرفته است. کارگران کارخانه فولاد اهواز که آنها نیز مدتی است در وضعیت اعتراضی بسر میبرند، حمایت خود را از کارگران (هفت تپه) اعلام نموده اند و چندین تشکل و سندیکای دیگر به این حمایت و پشتیبانی پیوسته اند. شایان ذکر است که به غیر از کارگران، دانشجویان و معلمان و مردم این شهرستان نیز پشتیبانی بی دریغ خود را از خواست و اراده این کارگران نشان داده اند و در اعتراضات این کارگران مشارکت میکنند.

کارگران هفت تپه، سندیکای مستقل خود را دارند. اما مدتی است که رهبران کارگران بخصوص اسماعیل بخشی که سخنگوی این اعتصابات میباشد، بحث مجمع عمومی و ایجاد شورای کارگران هفت تپه را اعلام نموده است. کارگران هفت تپه دارای یک تاریخ به نسبت طولانی از مبارزه در جهت خواست و مطالبات خود و علیه بی حقوقی و محروم شدن از حقوق خود از طرف صاحبکار و دولت میباشد. رژیم جمهوری اسلامی از گسترش و

رادیکال شدن این اعتراضات کارگری به وحشت افتاده است به همین دلیل به هر شیوه ای برای سرکوب و مرعوب کردن چنگک میزنند.

ما، از حزب کمونیست کارگری کردستان، همراه با اعلام پشتیبانی خود از خواسته های کارگران هفت تپه و همچنین حمایت از اعتراضات شان، دستگیر کردن رهبران و فعالین کارگری هفت تپه را به شدت محکوم میکنیم و باید رژیم بورژوازی اسلامی ایران فوراً دستگیرشدگان را آزاد کند و یگان ضد شورش و هر نیروی سرکوبگر را از اطراف محل تجمع کارگران معترض و محیط کارشان متفرق بکند. پیروزی و موفقیت کارگران هفت تپه منوط است به پشتیبانی و حمایت کارگران تولیدی و شهرهای دیگر و تمام مردم معترض و آزادیخواه ایران. پشتیبانی کارگران کارخانه فولاد اهواز و چند تشکل و سندیکای دیگر، یک نمونه امید بخش است و بایست به جاهای دیگر نیز گسترش یابد. ما منتظر پیروزی شما هستیم.

پیروز باد اعتراضات کارگران هفت تپه!

زنده باد اتحاد بین المللی کارگران!

حزب کمونیست کارگری کردستان

۱۸ نوامبر ۲۰۱۸

نامه بخش کارگری حزب (Enhedslisten اتحاد سرخ و سبز) کشور دانمارک، به سفارت جمهوری اسلامی ایران در کپنهاک در اعتراض به دستگیری کارگران نیشکر هفت تپه

کارگران زندانی نیشکر هفت تپه را آزاد کنید

زنده باد کارگران، سرنگون باد ستمگران

دیروز ۱۸ نوامبر حداقل ۱۸ نفر از فعالان و نمایندگان کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه در شهر شوش از جمله اسماعیل بخشی نماینده برجسته کارگران در طی تظاهرات دستگیر شدند.

اعتصاب کارگران کارخانه علیه شرایط بد کاری، مدیریت ناکارآمد و فاسد و عدم پرداخت حقوق در ۴ ماه گذشته، امروز ۱۹ نوامبر وارد شانزدهمین روز می شود.

کارگران هم چنین با خصوصی شدن کارخانه که منجر به بدتر شدن شرایط کاری آن ها شده، اعتراض دارند. آن ها هم چنین خواهان حق تشکل هستند که جزء حقوق بشر و مقابله نامه ۹۸ سازمان جهانی کار می باشد.

ما فعالان اتحادیه ای عضو حزب اتحاد سرخ- سبز خواهان آزادی کارگران دستگیر شده از جمله اسماعیل بخشی، جلیل احمدی، سعید منصوری، عظیم سرخه، مهدی داوودی، سید حسن فاضلی، عماد کثیر، مسلم آرمند و..... هستیم.

با احترام

توربن کنراد

۱۹ نوامبر ۲۰۱۸

بیانیه همبستگی کارگران صنایع فولاد آرژانتین و

معدن کاران بولیوی با کارگران فولاد اهواز

سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به‌عنوان چرخه بی‌انتهای تورم و رکود و فقر و نابرابری، ضربه شدیدی بر زندگی میلیون‌ها کارگر و خانواده‌هایشان در سراسر کشور وارد آورده است. روزی نیست که بدون اعتراض و گردهمایی و اعتصاب کارگری بابت ابتدایی‌ترین خواسته‌هایشان سپری شود؛ خواسته‌هایی که تنها یک پاسخ از سوی حکومت می‌گیرند: سرکوب!

اوایل ماه نوامبر امسال کارگر شرکت «کشت و صنعت نیشکر هفت تپه» در شوش با خواست پرداخت حقوق معوقه و علیه فساد مالکان خصوصی مجموعه دست به اعتصاب و تجمع در مقابل دفتر فرمانداری زدند. یکی از مطالبات اصلی اعتصاب‌کنندگان خلع ید از بخش خصوصی و مدیریت کارخانه تحت نظارت تشکل مستقل و جدیدالتأسیس آن‌ها یعنی «شورای کارگران هفت تپه» بود.

تنها چند روز بعد کارگران «گروه ملی فولاد اهواز» (با فاصله تنها یک ساعت از شهر شوش) دست به اعتصاب و تجمعات خیابانی زدند که قریب به ۴۰ روز به طول انجامید. کارگران معترض خواهان دریافت حقوق معوقه، ازسرگیری تولید، تأمین مواد خام و همچنین بازگشت مالکیت شرکت به بخش دولتی بودند.

پاسخ حکومت ایران در هر دو مورد به روال همیشه‌چیزی نبود جز سرکوب سخت و افزایش فشارهای امنیتی.

تقریباً ۲۰ تن از کارگران اعتصابی هفت تپه پس از چند هفته تظاهرات بازداشت و نهایتاً آزاد شدند. هرچند یکی از نمایندگان کارگری به نام «اسماعیل بخشی» بنا به گزارش‌ها به طرز وحشیانه‌ای با خوراندن اجباری داروهای روان‌گردان و شوک برقی به بیضه‌ها در زندان شکنجه شده بود. او تا چندین روز پس از آزادی به خاطر ضایعات روانی ناشی از شکنجه قادر به تکلم نبود.

در ساعت اولیه روز دوشنبه ۱۷ دسامبر نیروهای امنیتی به منازل بسیاری از کارگران اعتصابی گروه ملی در اهواز یورش بردند. دامنه بازداشتی‌ها ظرف چند روز به ۴۲ تن رسید. پس از تجمع اعتراضی خانواده‌ها و پرداخت وثیقه‌های سنگین برخی آزاد شدند. گرچه هنوز ۷ تن از کارگران در بازداشت هستند.

این ترس وجود دارد که جسورترین کارگران معترض فولاد اهواز نظیر «کریم سیاحی» با همان شکنجه‌هایی روبه‌رو شده باشند که اسماعیل بخشی تجربه کرده بود.

بنابراین ما از تمام کارگران، اتحادیه‌ها، تشکل‌ها و جنبش‌های مترقی سراسر جهان و همه آن‌هایی که به عدالت و آزادی اعتقاد دارند می‌خواهیم که کنار کارگران هفت تپه و گروه ملی فولاد بایستند و دربارهٔ مبارزات آنان اطلاع‌رسانی کنند. صدای آن‌هایی باشد که به خاطر مبارزه با ستم و دفاع از حقوق بی‌چون و چرای کارگران در بند هستند.

یک طبقه کارگر بین‌المللی: یک مبارزه!

امضا کنندگان:

- کارگران شرکت فولاد ارسلور میتال
- گوتا (قطره) بولتین خبری کارگران صنایع فولاد شهر ویلا کانستیتوسیون-سانتا ف-آرژانتین
- کارگران شرکت فولاد ترنیوم-سیدرار-سانتا نیکلاس، بوینس آیرس-آرژانتین

گروهی از کارگران معدن از شهر هوانونی-بولیوی

در کنار کارگران رزمنده و بپاخاسته ایران می‌ایستیم!

موج اعتراضات و اعتصابات کارگری سرتاسر ایران را فرا گرفته است، زحمتکشان برای کسب ابتدایی‌ترین حقوق به جاده‌ها ریخته جمهوری خون‌آشام مذهبی را به وحشت انداخته‌اند. سردمداران خون و خیانت «ولایت فقیه» به روش استبدادی همیشگی خود، به سرکوب هر صدای مخالف با غل و زنجیر متوسل شده و ده‌ها کارگر مبارز و فعال اجتماعی را دستگیر و زیر شکنجه‌های قرون وسطی برده‌اند.

البته مردم شریف و ستم‌ستیز ایران از سال‌هاست که تحت سایه دار و زندان رژیم جنایتکار خامنه‌ای - روحانی علیرغم سرکوب وحشیانه، با اعتراضات عظیم و پرخروش خود بر جمهوری منفور اسلامی خط بطلان کشیده‌اند. طی نزدیک به سه ماه اخیر اعتصابات سراسری و راهپیمایی‌های گسترده کارگران کارخانه‌جات نیشکر هفت تپه و شرکت فولاد در خوزستان، بار دیگر روحیه رزمندگی و جسارت کارگران ایران را به نمایش گذاشته است.

در کارخانه نیشکر هفت تپه بیش از هفت هزار کارگر دائمی و فصلی مصروف کار اند، اینان دو سال پیش، بعد از واگذاری کارخانه به شرکت‌های خصوصی شدیدتر از قبل زیر چرخ سرمایه‌داری آخوندی له شده و دیگر ماه‌هاست از دستمزد آنان خبری نیست. یک سال قبل همزمان با خیزش‌های مردمی ماه‌جدی، این کارگران در اعتراض بر شرایط طاقت‌فرسای کار و پرداخت نشدن حقوق شان، راهپیمایی نمودند که بعد از چند روز خاتمه یافت. در عقرب امسال اما بار دیگر قاطع‌تر با شعار «مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر!» دست به اعتصاب زدند، در یکی از شعارهای دیگر خود با صراحت به جمهوری خونخوار اعلام کردند: «نه تهدید نه زندان این بار اثر ندارد!». آنان با زنان و کودکان شان مشترک راهپیمایی می‌نمایند و شعارها و خواسته‌های آنان سیاسی‌تر می‌شود.

بالتر از چهار هزار کارگر از شرکت فولاد ایران در خوزستان نیز که نزدیک به یکسال می‌شود دستمزد دریافت نکرده‌اند و کارد به استخوان شان رسیده، ماه‌هاست که در اعتصاب بسر می‌برند. زنان و محصلان هم در همبستگی با کارگران، با آنان پیوسته‌اند. جلادان بسیجی در یک یورش شبانه پانزده تن از فعالان کارگر را دستگیر و زندانی کردند.

رژیم ستم‌پیشه ایران همانند هر رژیم فاشیست دیگر دلیل تمامی مشکلات و بحران‌های اقتصادی را به گردن عوامل دست‌چندم و بیرونی انداخته تلاش می‌کنند تا رد پای سیاست‌های ارتجاعی و غارتگری‌های نجومی مهره‌های اصلی رژیم در کشانیده شدن توده‌ها به سیاهروزی را پنهان سازد. اما دیگر کارگران آگاه ایران پی برده‌اند که مسبب اصلی فقر و دربدری آنان در درجه اول حاکمان فاسد رژیم ضد‌مردمی و جنایتکار اسلامیت. آنان به

درستی شعار می دهند که «دشمن ما همین جاست، دروغ میگویند امریکاست!». آنان می دانند که دست دولت و مفسدان سرمایه دار در یک کاسه است بنا شعار می دهند: «دولت، مختلص، پیوند تان مبارک!»

در حالی که طبقات ستم بر ایران بار سنگین تحریم های اقتصادی امریکای جهانخوار را که ناشی از بازی موش و پشک برنامه های هستوی ایران است، بر دوش می کشند، دولت تیوکراتیک ایران نوکران و سرسپردگانش چه در سوریه و یمن و چه در افغانستان، قبلا تنظیم های هشنگانه و امروز طالبان ددمنش را حمایت نموده و میلیون ها دالر را صرف تجهیز و تسلیح گروه های تروریستی و وحشی می کند. کارگران همچنان چهره کثیف و تجاوزگر رژیم را افشا نموده فریاد زدند: «سوریه را رها کن فکری به حال ما کن!».

رژیم در یک اقدام نوزده تن از رهبران اتحادیه های کارگری را دستگیر نمود که در این میان اسماعیل بخشی و مسلم آزمند از فعالان و رهبران سندیکا را به اتهام «امنیتی» در زندان نگه داشته و شکنجه می کند. اسماعیل بخشی که جریان شکنجه شدن و وحشیانه اش را بازگو نموده بود تحت فشار قرار گرفت که آنرا انکار نماید اما او در نامه سرگشاده ای وزیر اطلاعات را به مناظره در برنامه زنده تلویزیونی فراخوانده از موضع خود ذره ای عقب نشینی نکرد. علی نجاتی عضو برجسته سندیکاهای کارگران نیشکر هفت تپه در ۷ قوس هم از منزلش رپوده شد و حالا تحت شکنجه های وحشیانه رژیم در کنار سایر رزمندگان مقاومت می کند.

اسماعیل بخشی رهبر اعتصابات کارگری شرکت نیشکر هفت تپه که در بند جلاد رژیم جمهوری اسلامی بسر می برد.

موج اعتراضات کارگران تنها مختص به خوزستان نماند بلکه به شهرهای دیگر ایران هم سرایت نموده است. رژیم ده ها کارگر، فعال مدنی و روزنامه نگار با وجدان را که صدای معترضان را انعکاس دادند، دستگیر و تحت فشار گرفته است.

مقاومت و دلیری های زنان و مردان مبارز ایران دایما سرمشق و الهام بخش مبارزان و نیروهای دموکراتیک در افغانستان بوده است. ما همواره همبستگی و حمایت قلبی خود را با این ستاره های درخشان راه آزادی و برابری ابراز داشته ایم. ما در حالی که دفاع از خون فرزندان صدیق و شجاع ایران چون فرزاد کمانگر، ستار بهشتی، ندا آغا سلطان، شیرین علم هولی، فرهاد و کیلی، شاهرخ زمانی، جعفر پوینده، مجید کاووسی فر، سینا قنبری، وحید حیدری، رامین حسین پناهی و ده ها انقلابی دیگر را وظیفه ی ضروری خود می دانیم، نفرت و انزجار عمیق خود را نثار دستپرودگان رژیم جنایت پرور ایران در افغانستان؛ محقق، خلیلی، اکبری، اسماعیل، قانونی، عطا محمد... و «اواکی» های فرهنگی نظیر رهنورد زریاب، کاظم کاظمی، عسکر موسوی، حسین فخری... می نماییم.

درد بر کارگران انقلابی ایران!

زنده و پاینده باد مبارزات خلق سلحشور ایران علیه جمهوری خیانت و جنایت!

حزب همبستگی افغانستان ۲۲ جدی ۱۳۹۷

به برخوردهای امنیتی با فعالین کارگری پایان دهید!

سازمان سراسری کارگران سوئد، اتحادیه کارگران ترانسپورت سوئد و دیگر اتحادیه های تحت پوشش ال.او. سالهاست که از نزدیک و بطور منظم مبارزات و اتفاقات کارگری در ایران را دنبال کرده و در موارد متعددی اعتراض خود به نقض حقوق پایه شهروندی و کارگری را به سمع شما رسانده اند. یکی از این موارد دستگیری، آزار و اذیت و شکنجه فعالین کارگری بوده است. بنا به مشاهدات ما در کشور شما هر اعتصاب و هر مطالبه قانونی یک حرکت بر علیه امنیت ملی تلقی می شود و بادستگیری اذیت و اعمال خشونت روبرو می شود .

متأسفانه در روزهای اخیر از دستگیری وحشیانه و با حمله شبانه به منازل کارگران و اعمال شکنجه در زندان تعدادی از کارگران معترض شرکت نیشکر هفت تپه و گروه ملی صنعتی فولاد اهواز با خبر شده ایم. از جمله می توان به دستگیری و شکنجه اسماعیل بخشی و علی نجاتی در رابطه با اعتراضات کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و مصطفی عیبات، کاظم حیدری، طارق خلفی، محمدرضا نعمت پور، بهزاد علیخانی، کریم سیاحی، میثم علی فنواتی و غریب حویزوی در رابطه با اعتراضات کارگران فولاد اهواز اشاره کرد. تعدادی از این کارگران پس از آزادی از زندان موارد اعمال شکنجه در زندان را به اطلاع عموم از جمله مقامات مختلف قضایی، اجرایی و قوه مقننه رسانده و تعدادی از آنان هنوز در زندان بسر می برند .

کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و مزایا و نیز برای مطالبه بازگشت این واحد به بخش دولتی ماه گذشته اقدام به برپایی تجمعات اعتراضی کرده بودند .

دستگیری و شکنجه کارگران این شرکت ها که در اعتراض به نقض ابتدایی ترین حقوق خویش از جمله عدم پرداخت به موقع دستمزدها اعتصاب کرده اند، باور نکرنی است .

چه حقی از این مشروع تر که کارگران خواهان پرداخت به موقع دستمزد کاری که انجام داده اند باشند؟

آیا وظیفه هر دولتی حمایت از این حق قانونی در مقابل کارفرمایان نیست؟

آیا وظیفه دستگاه قضایی هر مملکت پیگیری قضایی شکایت، مجازات متخلفین و بازپسگیری حقوق ضایع شده شهروندان و کارگران نیست؟

در کشور شما دستگاههای دولتی نه تنها به وظایف اولیه هر نهاد دولتی عمل نمی کنند بلکه معترضین به حقوق ضایع شده را زندانی و شکنجه می کنند. ما بشدت به این اعمال شما معترضیم و آن را محکوم می کنیم. از نظر ما

هر گونه برخورد امنیتی با مسائل کارگری نقض ابتدایی ترین حقوق برسمیت شناخته شده بین المللی است. به این برخوردها فوراً پایان دهید!

ما از شما می خواهیم که به ادعاها و شکایات این کارگران در یک دادگاه منصفانه و علنی و با حضور وکلای آنان رسیدگی کنید. ما از شما می خواهیم که :
به دستگیری فعالان کارگری پایان دهید .

ما از شما می خواهیم که به تهدید، اذیت و آزار و شکنجه فعالین کارگری پایان دهید !

ما از شما می خواهیم که به برخورد امنیتی با فعالین کارگری که رویه مرسوم در کشور شما است پایان دهید !

ما خواستاریم که تشکل های کارگری مستقل ، به عنوان نماینده قانونی کارگران برسمیت شناخته شوند
حقوق کارگران و دیگر حقوق بشر در ایران رعایت شود، ما با کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری و فدراسیون جهانی اتحادیه ها همکاری خواهیم کرد با تا رعایت عدالت درباره کارگران ایران تضمین شود.

۸ ژانویه ۲۰۱۹

پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد - ایران

در همبستگی با کارگران ایران

این روزها ایران شاهد به میدان آمدن یک جنبش وسیع توده ای به رهبری طبقه کارگر است. جنبشی که حول احقاق حقوق پایه ای این طبقه یعنی ایجاد تشکل های مستقل کارگران شکل گرفت. حقوقی که حتی توسط کنوانسیونهای آی ال او به رسمیت شناخته شده است. جرقه این اعتراض اجتماعی با اعتصاب ۴۰ روزه کارگران فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه آغاز شد. جمهوری اسلامی در این راستا اقدام به دستگیری و شکنجه رهبران و سازماندهندگان این دو مجتمع بزرگ کارگری کرد.

اتحادیه سراسری کارگران عراق، هرگونه سرکوب و تعدی به فعالین طبقه کارگر چه در ایران و چه در اقصی نقاط جهان را محکوم میکند. ما خواهان آزادی بدون قید و شرط رهبران این اعتراض کارگری در ایران هستیم. این حق طبقه کارگر است که دست به ایجاد تشکل های مستقل خود خارج از مدار دولت شود. این حق طبیعی طبقه ماست که برای احقاق حقوق خود دست به اعتصاب و مبارزه جمعی و متحدانه بزند.

اتحادیه سراسری کارگران عراق

بغداد

۱۴ ژانویه ۲۰۱۹

حمایت کارگران زندانی شرکت نفت لاهراس از کارگران زندانی فولاد اهواز

شرح واقعه: در سال ۲۰۰۶ پس از یک اعتصاب ۲۰ روزه از سوی کارگران شرکت نفت لاهراس، پلیس با دستگیری یکی از رهبران کارگری در حین سخنرانی رادیویی اش به تحریک کارگران میپردازد. قریب به هزار نفر از همکاران کارگر زندانی به سوی زندان محل نگهداری او حرکت میکنند و در آنجا دست به تظاهرات میزنند. در جریان این تظاهرات اعتراضی یک پلیس کشته میشود. پس از آن تعقیب و اذیت و آزار مردم این شهر کوچک از سوی دولت آرژانتین آغاز میشود. دستگیریهای بدون مجوز، آزار و شکنجه جسمی، اعلام وضعیت فوق العاده و نظامی کردن شهر کلید میخورد. و نهایتاً عده ای کارگر که حتی به اعتراف برخی مقامات هم «گوسفند قربانی» شدند، بی هیچ مدرک قابل اتکایی به احکام زیر محکوم میشوند:

۴ کارگر محکوم به حبس ابد و ۶ کارگر تا ۵ سال زندان.

دولت آرژانتین همچنین دستور سرکوب تظاهراتی حمایتی از کارگران را میدهد.

کارگران زندانی لاهراس هرچند در حبس اما با شعار یک طبقه، یک مبارزه، پیشگام دفاع از هم طبقه‌ای‌های خود یعنی کارگران زندانی فولاد اهواز شدند.

بیانیه جمعی از کارگران و خانواده های کارگری سندج در حمایت از کارگران هفت تپه و فولاد اهواز!

اعتصاب و اعتراضات، کارگران نیشکر هفت تپه برای دریافت چندین ماه حقوق معوقه و پافشاری و استمرار کارگران تا لغو کامل خصوصی سازی شرکت که جز فقر و بدبختی و استثمار کارگران چیزی عایدشان نکرده و همچنین ضرورت دخالت گری کارگران در اداره شرکت توسط کارگران به صورت شورایی و دیگر مطالبات شان بیش از دو هفته است که شهر شوش را به میدان رزم طبقاتی و سخنرانی کارگران و خانواده هایشان تبدیل کرده است. و بازداشت پیشروان و فعالان کارگری برخلاف تصور نهادهای امنیتی و حامیان سرمایه نتوانست به اعتراضات خاتمه دهد و از عزم راسخ کارگران برای دستیابی به حقوقشان بکاهد و در مقابل به موجی از حمایت و همبستگی کارگران، فرهنگیان، دانشجویان و مردم شوش. انجامید. حمایت سایر بخش های طبقه کارگر از جمله، کارگران عسلویه، هپکو اراک، فولاد اهواز، پتروشیمی ماهشهر، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، معلمان و فرهنگیان و پشتیبانی بسیاری دیگر از تشکل ها و افراد از اعتصاب کارگری هفت تپه به تقویت و پیروزی نهائی اعتصاب کمک می کند.

شرکت خانوادگی کارگران همینطور حضور شهروندان در راهپیمائی کارگران هفت تپه، عملی بودن پیوند مبارزات کارگری با مبارزات سراسری طبقه کارگر را به تصویر کشیده است و یقیناً توان آنها را برای دست یابی به اهدافشان افزایش داده و در به زانو درآوردن حامیان سرمایه آنها را یاری خواهد رساند .

بر اثر همین پشتیبانی وسیع و کم سابقه که از کارگران معترض در سطح منطقه و در سراسر کشور بعمل آمد، بازداشت شدگان به استثنای اسماعیل بخشی و فعال دانشجویی و مدنی سپیده قلیان، آزاد شده اند.

در راهپیمائی های چند روز گذشته کارگران هفت تپه که جمع کثیری از کسبه، خانواده های کارگران و اهالی شهر در آن شرکت داشتند، سخنرانان با تأکید بر ادامه اعتراضات تا رهائی همه بازداشت شدگان و همینطور بر اراده اشان برای به پیروزی رساندن اعتصاب و اعتراض اشان تأکید ورزیدند .

اتحاد و یکپارچگی کارگران هفت تپه و فولاد، همچنین عزم راسخ آنها برای بدست آوردن خواست‌هایشان را می‌توان با حمایت و پیوستن به آنها تقویت کرد. لذا ما جمعی از کارگران و خانواده‌های کارگری سندج حمایت بی‌دریغ خود را از اعتصاب و اعتراض کارگران هفت تپه و فولاد اهواز اعلام می‌داریم و خواهان آزادی بی‌قید، تمامی بازداشت‌شدگان این اعتراضات از جمله نماینده کارگران هفته تپه، اسماعیل بخشی هستیم.

زنده باد مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد و دیگر بخشهای کارگری برای رسیدن به خواستها و مطالبات خود و هم طبقه‌هایشان.

کارگران، فعالین کارگری و خانواده‌های کارگری سندج

۱۳۹۷/۸/۲

اعلام حمایت کارگران در دماوند با کارگران اعتصابی هفت تپه

امروز شنبه ۲۶ آبان ماه اعتصاب و اعتراض کارگران شرکت هفت تپه وارد سیزدهمین روز خود شد و کارگران اعتصابی همچنان محکم و استوار به پیش میروند.

ما جمعی از کارگران فصلی و مهاجر دماوند ضمن اعلام حمایت و همبستگی از اعتصاب و اعتراض بر حق کارگران هفت تپه از دیگر هم طبقه ای هایمان در سراسر ایران و جهان هم می خواهیم تا متحد و یک صدا به دفاع از خواستها و مطالبات کارگران هفت تپه برخیزند.

قدرت ما در اتحاد و همبستگی ماست.

پیروز باد مبارزات بر حق کارگران هفت تپه.

جمعی از کارگران فصلی و مهاجر دماوند.

۱۳۹۷ آبان ۲۶

گزارش حمایت کارگران باز نشسته هفت تپه از اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه

کارگران و زحمت کشان هفت تپه !

به واقع وبا تمام وجود از مشکلات معیشتی شما و دستمزدهای شندر غازی که آنهم با تاخیر و اکنون با بیش از سه ماه تاخیر پرداخت نشده آگاه هستیم. همین دستمزدی که به بنا به اعتراف مقامات دولتی چند برابر زیر خط فقر هم هست و همین دستمزد ناچیز به شما انسانهای شریف پرداخت نمیشود... واقفیم که عدم پرداخت دستمزد وسایر مطالبات شما کارگران محرکی شده است که اکنون دست به اعتصاب بزنید.

بنابر این ما شاغلان دیروز و بازنشستگان امروز وظیفه طبقاتی خود میدانیم که از این حرکت به حق شما یاران و از اعتصاب شما عزیزان و همکاران حمایت کنیم .

جمعی از بازنشستگان نیشکر هفت تپه

شنبه ۲۶ ابان ۹۷

بیانیه ۲۰۰ نفر از کارگران و فعالین کارگری در حمایت از اعتراضات و اعتصابات کارگری در مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و مجتمع ملی فولاد اهواز

کارگران، مردم آزادیخواه و برابری طلب

طبقه کارگر ایران در حال عبور از یکی از دشوارترین دوران های خود از لحاظ اجتماعی _ اقتصادی ست . میلیونها کارگر بیکارند و هزاران کارگر شاغل چشم انتظار پیوستن به خیل عظیم ارتش بیکاران اند، دستمزدهای عموماً پایین تر از خط فقر نیز برابر آمارهای رسمی تنها جواب گوی ۲۵ درصد از نیازهای اولیه سفره کارگران است، چنین دستمزدهایی مصداق عدم تامین و دسترسی کارگران به نیازهای مهم و حیاتی چون درمان، آموزش، مسکن، پوشاک را تداعی می کند، این شرایط دشوار گویا قرار است عرصه را بر مردم محروم و طبقه کارگر در روزها و ماه های پیش رو تنگ و تنگ تر نماید، موج جدید گرانی و تورم لجام گسیخته ناشی از تحریم های آمریکا و دول غربی که پایین آمدن ارزش پول ملی و در قبال آن کاهش هرچه بیشتر قدرت خرید کارگران را در پی خواهد داشت همگی نشان از آن دارد که بورژوازی ایران طبق نرم همیشگی، عزم خود را برای اعمال ریاضت های بیشتر که از مسیر سفره کارگران بایستی بگذرد، جزم کرده است. طبقه کارگر همواره هشدار داده و صراحتاً اعلام کرده است، جنگ دول امپریالیستی در منطقه و جهان بر سر منافع اقتصادی شان هیچ ربطی به منافع مردم زجر دیده و طبقه کارگر آن کشورها و خصوصاً ایران ندارد و امید جریانات بورژوازی اپوزیسیون خارج و نیز بخشی از اپوزیسیون متوهم داخل کشور به دول غربی برای مداخله سیاسی و نظامی در ایران را چیزی جز به انحراف کشاندن مبارزات برحق مردم و طبقه کارگر ایران که هم اکنون بر این بستر اجتماعی دارد می جوشد، نمی داند. این فشار فقر و گرسنگی است که کارگران و همه فرودستان را به فریاد و شورش و حضور در خیابان ها و امیدارد. وقتی که صندوق های بازنشستگی را چپاول و بین اعوان و انصار خود بذل و بخش می کنند؛ وقتی هر روزه کارخانه ها را تعطیل و زمین های آن ها را می فروشند؛ وقتی حقوق کارگران را ماه های متمادی نمی پردازند، واضح و روشن است که کارد به استخوان نیروی کار میخورد و بخش های مختلف طبقه کارگر از معلمان، رانندگان کامیون، کارگران خباز، پرستاران، کشاورزان و بازنشستگان را به واکنش و امیدارد. این فریادها از اعماق جامعه معترض به وضع موجود ریشه می گیرد نه از آن سوی مرزها، از آه و ناله کودکان گرسنه در خانواده های کارگران، زحمتکشان و تهیدستان تغذیه می شود نه از تبلیغات رسانه ای این یا آن اپوزیسیون بورژوازی.

در چنین اوضاع و احوالی است که طبقه کارگر فصل جدیدی از مبارزات را در پیش روی خود می بیند. اعتصابات و اعتراضات کارگری در بخش های مختلف طی ماه های اخیر به روشنی نشان داده است، طبقه کارگر برای جلوگیری از تباهی جسمی و روانی و برای تجلی انسانیت خود هیچ راهی جز مبارزه ای متحدانه با شرایط موجود حاکم بر زندگی اش ندارد. اعتصابات و اعتراضات کنونی در شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز اعتلای مبارزات تاکنونی طبقه کارگر ایران است. اعتراضاتی که افق دیگری از مبارزات کارگری را به روی ما گشوده است. از مطرح نمودن امر شوراهای مستقل کارگری با اتکا به نیروی طبقه کارگر در محیط کار و تولید، بعنوان ظرفی مناسب جهت کانالیزه کردن مبارزات کارگران و دخالت دادن بخش وسیع تری از کارگران در امر مبارزه، گرفته تا حضور چشم گیر زنان بعنوان بخشی از نیروی کار، فضای مردم محور اعتراضات و اعتصابات کارگری را به کلی دگرگون کرده است، انتقال مبارزات کارگران از محیط کارخانه و کارگاه های کار و تولید به محیط زیست و زندگی کارگران و پشتیبانی و حمایت مردم از خواست و مطالبات کارگران، پیوند و اتحاد طبقاتی کارگران در دو مجتمع بزرگ کشور (صنایع ملی فولاد اهواز و شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه) حول مطالبات مشترکشان ضمن اینکه نشان از نقطه قوت طبقه کارگر در این برهه زمانی مشخص است، اما همزمان این مبارزات نیازمند و مستلزم حمایت و پشتیبانی سراسری و هم جانبی دیگر کارگران در بخش های مختلف تولیدی و صنعتی کشور و همچنین دیگر جنبش های اجتماعی، جنبش معلمان، دانشجویان، زنان، و هم هی فعالین سیاسی در عرصه های مختلف است که چنین امری نیز خود مستلزم ایجاد تشکلهایی در سطح سراسری و در محیط کار و زیست کارگران برای هماهنگی و ایجاد حمایت و همدلی بیشتر در میان کل طبقه کارگر است. ما جمعی از کارگران و امضا کنندگان این بیانه ضمن اعلام پشتیبانی و حمایت هم جانبی از اعتراضات و اعتصابات کارگران کشت و صنعت هفت تپه و مجتمع فولاد اهواز و محکومیت شدید قشون کشتی کارفرمایان و مسولین که بجای رسیدگی به خواستها و مطالبات برحق کارگران، اقدام به آوردن و استقرار نیروهای یگان ویژه در سطح شهر شوش نموده و در همین راستا دوتن از نمایندگان کارگران و یکی از خبرنگاران حاضر در محل را دستگیر نموده اند. ما ضمن محکوم نمودن این دستگیریها و سیاست ارباب و سرکوب خواهان آزادی بی قید و شرط افراد دستگیر شده بوده و خواستار حمایت بخشهای مختلف جامعه از این حرکت برحق کارگران هستیم.

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران ایران

۲۷ آبانماه ۹۷

...

یدی قطبی - رضا حسینی - رازان حسینی - حشمت شعاعی - فرشته نیکاموز - سعید مهاجر - سپهر الماسی - سارا جوانشیر - نعیمه حسینی - کاوان حسینی - بهروز جوانشیر - عبدالله بلواسی - سینا محمدی - شهین ویسی - جلیل رحمانی - سردار رحمانی - محسن محمدی - انور قربانی - فرشید صادقی - احمد رحمانی - خلیل رحمانی

- صباح شادی - سیف الله شادی - ادریس شادی - زاهد قربانی - حسن امانی - شورش خاطری - حسن قربانی -
عدنان رستمی - فواد قادری - سیروس شادی - فیروز قربانی - ناصر امانی - هوشنگ قربانی - زاهد قربانی -
سیروس شاپوری - آزاد پشبادی - یزدان محمدی - کاوه گودرزی - جبار قربانی - عبدالله یوزی - الیاس قربانی -
محمود رضانی - رحمان یوزی - ظفر یوزی - مهرداد صبوری - عبدالله قربانی - برهان شاکری - عرفان شاکری -
رضا اقدسی - جوانمیر مرادی - طیب چتانی - فتح الله کمانگر - یدالله کمانگر - نصرالدین قربانی - نسرین
جوادی - سینا محمدی - شهین ویسی - فرامرز احمدی - سه روین عبدالهی - محمود صالحی - اهون خادمی -
پارسا بغدادی - ناصح فرجی - هوشیار ویسی - خبات محمودی - فریاد محمودی - کمال کریمی - سه رکوت
لطفی - فواد فلاحی - شادی رسولی - بهزاد ریحانی - سامان لطفی - عبدالله خانی - فرهاد زندی - محسن خوش
چشم - زبیر رحیمی - فرهاد حسنی - زهرا صادقی - مرتضی صیدی - سمیرا امینی - امیر عباسی - پوریا مجیدی
- (از رفقای کارگر افغانستانی در ایران) - مهرین بشری - سورج ملک - عارفه ایماق - سید ذکی فقیرزی -
رحمت کارگر - میوند عباسی - عزیز احمد - نصیر کریم بخش - راشد فلاح - فرزاد مرادی - احسان اسدی -
رشید ناصر زاده - مصطفی شاه علی - موسی نیکو قدم - بهنام آقایی - خیرالنسا مرادی - افشین زمانی - زهره
خرسندی - سهیلا صادق آبادی - رحیم محمدخانی - نجیبه صالح زاده - عثمان اسماعیلی - حامد نباتی - کاوه
حکیمی - علی حسینی - محمد احمدی - مظفر صالح نیا - رفیق کریمی - شریف ساعدپناه - هاشم رستمی -
لطف الله احمدی - فرهاد چتانی - خالد حسینی - بختیار سعیدی - شیث امانی - طیب چتانی - آرمان نوریزاد -
عبدالله صمدی - افسر کریمی - نامیق باباخانی - حبیب الله کریمی - رشید اسماعیلی - هاجر سعیدی - یدی
صمدی - جبار قادری - عبدالله خیرآبادی - محمد گویلی - کامران ساختمانگر - علی احمدی - صابر صفری -
ویدا خسروی - صدیق ریحانی - پیمان ساعدی - ریوار عبداللهی - طوبی احمدی - عمر شبانی - منصور کریمی
- بیژن رستمی - فردین میرکی - کاوه کریمی - محمد کریم ساعد پناه - مجید حیدری - مجید حمیدی - شهاب
نقدی - فرامرز شریعتی - علی نجاتی - برهان گرگان - یوسف آب خرابات - محمد جواهری - فواد فتحی -
فرهاد حاتمی - رامین قلی وند - واله زمانی - الناز قلی پور - علی نجفی - اکتای قلی وند - محسن بهارلو - کاظم
شمس آبادی - مرسته آقائی - شاکر رحیمی - بهروز مهماندوست - ریزان احمدی - رامین کریمی - تینا بخشی
- سامان رحمانی - ثنا شیخی - بهنام ابراهیم زاده - شهلا حیدری - کیهان زاهدی - آزاده حیدری - بهاره خرسندی
- زهرا خزایی - مژگان خرسندی - شهرام شکوهی - مهران زمانی - شایان تابعی - خلیل دولتشاهی - هما
دولتشاهی - فرشته مرادی - کاوه مرادی - شهین مرادی - الهام کاوه - آرمان سیدی - فرزاد شریفی - اکبر علی
پور به نمایندگی از کارگران معدن جادرملو - اشرف پیرخضری - صلاح زمانی - خلیل کریمی - مهدی نقشبندی
- طاهر آلتون - محمد مولانایی - واحد سیده - رحیم لطفی حق - غفور میری - الهام کاوه - پیمان نوریزاد -
زهرا چوبتاشان - سعدی نقی زاده - عمر محمدی - میکائیل صدیقی - منصور کریمی - عمران محمدیان.

بازداشت اعضای "مجمع نمایندگان کارگری نیشکر هفت تپه" را محکوم می کنیم!

سرکوب و یورش به کارگران معترض نیشکر هفت تپه، برای شکستن مقاومت کارگران، انحلال تشکل های مستقل و پراکنده کردن و به تسلیم کشاندن آنان است .

اعتصاب و تظاهرات اعتراضی کارگران که بیش از ۱۵ روز است خواهان پرداخت مردهای عقب افتاده، لغو خصوصی سازی و سلب مالکیت از مدیران و مالکان ضد کارگر و اختلاسگر و حق نظارت کارگران بر امورات شرکت نیشکر هفت تپه هستند، پاسخخ دستگیری بیش از ۱۸ نفر از نمایندگان کارگران توسط نیروهای انتظامی و امنیتی با تأیید مسئولان قضایی و دولتی بوده است.

بر هیچ کس پوشیده نیست که دولت و مقامات مسئول از پاسخ گویی به کارگران شانه خالی می کنند و هیچ راه حلی برای این گردابی که برای کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر زحمتکشان ساخته اند، ندارند. به همین دلیل آسان ترین راه حل آنها برای حل این معضلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سرکوب، دستگیری و زندان است. بازداشت های سراسری کارگران و معلمان فعال و سایر افرادی که برای مطالبات خود مبارزه می کنند و انحلال تشکل های مستقل کارگران، معلمان و بازنشستگان پروژه های مشترک دولت، سرمایه داران و دست یاران دست راستی آنها در جنبش کارگری و سایر جنبش های اجتماعی است. ما با اتحاد خود، یاریگر هم هستیم و حق طلبی را به سیاست خود تبدیل می کنیم و دولت و ارگان های دولتی را مسئول مشکلات موجود در جامعه می دانیم.

"گروه اتحاد بازنشستگان"

۲۸/۸/۹۷

دستگیری اعضای مجمع نمایندگان کارگری نیشکر هفت تپه اقدامی دیگر در جهت سرکوب و انحلال تشکل های مستقل کارگری است!

طبق گزارش سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه «تمامی اعضای مجمع نمایندگان کارگری نیشکر هفت تپه و چند فعال کارگری بازداشت شدند.

آمار و تعداد همه نفرات بازداشت شده به شرح زیر است:

پویا بشمه: خوراک دام - سعید منصوری: نماینده تحقیقات - جلیل احمدی: نماینده کشاورزی - عظیم سرخه: نماینده خدمات پشتیبانی - مهدی داوودی: خدمات پشتیبانی - سعید آلکثیر: حراست - امید آزادی: کارخانه شکر - سید حسن فاضلی: نماینده تجهیزات - سمیر احمدی: تجهیزات - مهندس سلامات نیا: مدیر تجهیزات مکانیکی - عماد کثیر: نماینده زیر بنایی - محمود سعدی: نماینده تجهیزات - اسماعیل بخشی: نماینده تجهیزات - سپیده غلیان: خبرنگار - مسلم آرمند: نماینده تجهیزات - مجمد خنیفر: تجهیزات - خالد تمیمی: مدیر ترابری.

این اقدام تبهکارانه نیروهای نظامی و انتظامی و دستگاه قضائی حاکم نشان دهنده اراده سرمایه داران و دولت حامی آنها برای درهم شکستن تشکل های کارگری مستقل و به زانو درآوردن کارگران در پیکار برای خواست های عادلانه اقتصادی و سیاسی شان است. کارگران هفت تپه خواهان پرداخت فوری مرزها و مزایای پرداخت نشده، خواهان لغو خصوصی سازی شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و همچنین خواهان شرکت در اداره این واحد بزرگ صنعتی - کشاورزی هستند. دست گیری نمایندگان کارگران هفت تپه ادامه یورش هائی است که حاکمیت طی سال های گذشته در دستگیری و سرکوب فعالان کارگری نیشکر هفت تپه به راه انداخته است. علاوه بر کارفرما و عوامل سرکوبگر حکومتی برخی عناصر راست و رفرمیست در جنبش کارگری نیز این یورش های ضد کارگری را تأیید و با این کار خود را شریک جرم سرکوبگران کرده اند. همان گونه که برخی عناصر دست راستی همگام با کارگزاران دولت و دستگاه امنیتی و اطلاعاتی اش در تهران کوشیدند و می کوشند با اعلام مجمع عمومی قلبی سندیکای شرکت واحد را به انحلال بکشند. ما دستگیری نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه را به شدت محکوم می کنیم و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط آنها و آزادی تمام کارگران، معلمان و فعالان کارگری زندانی و بازداشتی هستیم. ما بر آنیم که تلاش برای آزادی فعالیت سندیکایی و حزبی، حق ایجاد و فعالیت آزاد سازمان های کارگری برای کارگران مانند هوا، آب، غذا و مسکن است. اگر کارگران نمی خواهند

تنها به ابزار منافع و امیال کارفرما تبدیل شوند که هر زمان نخواست به دور اندازند، اگر کارگران می خواهند آزاد باشند و از زندگی مرفهی برای خود و خانواده شان بهره مند گردند لازم است برای دست یابی به حقوق سیاسی و برای اداره کار و اداره جامعه به مبارزه ای پیگیر، آگاهانه و مصممانه روی آورند.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

زنده و پاینده باد تشکل های مستقل کارگری

شکوفای مبارزه سیاسی کارگران علیه حاکمیت سرمایه داری

کارگران پتروشیمی های منطقه ماهشهر و بندر امام - جمعی از کارگران محور تهران - کرج

کارگران پروژه های پارس جنوبی - فعالان کارگری شوش و اندیمشک - فعالان کارگری جنوب

Kargaran.parsjonobi@gmail.com

۲۸ آبان ۱۳۷۹

۱۹ نوامبر

انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه

کارگران بازداشت شده شرکت نیشکر هفت تپه باید فوراً آزاد گردند

روز ۲۷ آبان ۹۷ پس از پایان تجمع کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در اعتراض به چهار ماه حقوق معوقه، تا غروب آن روز تمامی نمایندگان مجمع کارگران شرکت نیشکر هفت تپه به همراه تعداد دیگری از کارگران توسط مامورین امنیتی بازداشت و به محل پلیس امنیت شوش منتقل شدند.

اسامی نماینده ها و کارگران بازداشت شده عبارتند از:

سعید الکثیر : حراست

علیزاده : حراست

سعید منصوری : نماینده تحقیقات

جلیل احمدی : نماینده کشاورزی

پویا بشمه : خوراک دام

امید آزادی : کارخانه شکر

سید حسن فاضلی:نماینده تجهیزات

صمیر احمدی : تجهیزات

مهندس سلامات نیا : مدیر تجهیزات مکانیکی

اسماعیل بخشی : نماینده تجهیزات

سپیده غلیان : خبرنگار

عماد کثیر:نماینده زیربنایی

محمود سعدی :تجهیزات

مسلم ارمند :نماینده تجهیزات

محمد خنیفر: تجهیزات

خالد تمیمی: مدیر ترابری

عظیم سرخه: نماینده خدمات پشتیبانی

مهدی داوودی: خدمات پشتیبانی

بازداشت نمایندگان کارگران و تعدادی از کارگران و همچنین خبرنگاری که از وقایع روز گذشته فیلم و گزارش تهیه کرده بود در شرایطی توسط نیروهای امنیتی صورت گرفته است که هزاران کارگر هفت تپه در اعتراض به ندادن چهار ماه حقوق توسط کارفرما که از وابستگان به مقامات دولتی است، بیش از دو هفته است که صدای اعتراضشان در سراسر دنیا طنین انداز شده و سیل حمایت‌ها و پشتیبانی‌ها از حضور مردم شوش گرفته تا بیانیه‌های حمایتی تشکلهای کارگری، کارگران مراکز کارگری، دانشجویان، معلمان و کلا و فعالین کارگری را به سوی خود روان نموده اند.

اینک که دستگاههایی سرکوبگر انتظامی، امنیتی و قضایی مانند همیشه اقدام به سرکوب و بازداشت کارگرانی کرده است که اعتراضاتشان طی همین چند روز گذشته مورد حمایت وسیع توده ای قرار گرفته، شکی نیست با نیرویی بسیار قدرتمندتر و متحدتر تا آزادی همه بازداشت شدگان روبرو خواهد شد و هزینه سرکوبگر هایشان به مراتب سنگین تر خواهد بود.

زنده باد کارگران هفت تپه

انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه

۲۸ آبان ۹۷

بیانیه جمعی از معلمان_عدالتخواه ایران در حمایت از اعتراضات برحق کارگران_هفت_تپه

این صدایی که از هفت تپه به گوش می رسد که

”نه زندان ، نه تهدید

دیگر اثر ندارد

بغض فرو خفته طبقه کارگر ایران و تمام مزدبگیران است که دیگر نمی خواهند تن به استعمار و ستم بدهند.

آن چیز که امروز کارگران نیشکر هفت تپه و طبقه کارگر ایران فریاد می زنند همان چیزی است که معلمان ایران در تحسن سراسری مهر و آبان فریاد زدند صدای دردمند رانندگان کامیون است صدای وجدان بیدار و آگاه جامعه ، صدای جنبش دانشجویی ایران است.

اگر چه امروز بخاطر تشدید سرکوب و زندان،شعار

از هفت تپه تا تهران

زحمتکشان در زندان

از خوزستان/کردستان تا تهران/خراسان

کارگران(معلمان/دانشجویان) در زندان

بر ما تحمیل شده و نشان از هجمه طبقه مسلط و باندهای قدرت بر معیشت و زندگی اقشار فرودست جامعه دارد در عین حال این شعار حامل این است که جنبش آزادی خواهی و عدالت طلبانه طبقه کارگر پیشروی جدی کرده است.

آن چیز که دانشجویان را به حمایت و همبستگی با معلمان وا می دارد و معلمان را متحد کارگران می کند اداهای روشنفکری و برخاسته از حرکات ماجراجویانه نیست بلکه این وضعیت مادی و عینی طبقات فرودست و تحت ستم است که آنها را در یک هم سرنوشتی تاریخی برای اتحاد علیه حافظان سرمایه و وضع موجود قرار داده است.

پیوند و اتحاد معلم، کارگر و دانشجو تنها از دل تضادهای اصلی جامعه و در پیوند با مطالبات عینی تمام زحمتکشان ممکن می‌گردد تا راه به تغییر بنیادین بگشاید و اینک "هفت تپه" و مبارزات "کارگران نیشکر" می‌تواند کانون همگرایی و پیوند جنبش‌های اجتماعی باشد. جایی که حاکمیت و دولت بعنوان حامی و پشتیبان صاحبان سرمایه بنام خصوصی سازی بر اموال عمومی چوب حراج می‌زنند و به اتکا استفاده از زور و پلیس و تهدید و زندان می‌خواهند مقاومت کارگران را در هم شکنند.

جایی که ساختار مرتجع سرمایه سالار نمی‌خواهد صدای زن کارگر هفت تپه را بشنود. جایی که شنیدن صدای "قدرت به دست شورا" خواب صاحبان قدرت و ثروت را آشفته می‌کند. انگار هفت تپه همان چیزی را فریاد می‌زند که معلمان فریاد می‌زنند و دانشجویان با آن اعلام همبستگی می‌کنند: خصوصی سازی را متوقف کنید بیش از این به زندگی ما تعرض نکنید.

ما بعنوان جمعی از معلمان عدالتخواه ضمن حمایت از مطالبات و اعتراضات طبقه کارگر ایران از اراک تا هفت تپه و از اهواز تا زنجان، نسبت به برخورد قهری و سرکوب فعالان کارگری نیشکر هفت تپه اعتراض داریم و خواهان آزادی بدون قید و شرط کارگران بازداشتی هستیم و خطاب به آمران و عاملان خط برخورد و سرکوب می‌گوییم:

اگر شما با زندان کردن بهشتی‌ها و عبدی‌ها و حبیبی‌ها و رمضان زاده‌ها ... توانستید صدای معلمان را خفه کنید پس می‌توانید با بازداشت بخشی‌ها و ... کارگران هفت تپه را نیز به تسلیم وادارید. ولی کیست که نداند با هر معلم زندانی دهها فعال صنفی تکثیر شدند و با بازداشت اسماعیل بخشی صدها کارگر پا به میدان خواهند گذاشت مگر نشنیدید صدای زنان و مردان کارگری را که یک صدا فریاد می‌زدند

"ما همه بخشی هستیم"

باور کنید این صداها، صدای ضبط شده و نوار نیست و مطالبات سراسری جنبش طبقه کارگر است که در فریاد هفت تپه بارز شده است.

ما، معلمان عدالتخواه ایران، ضمن حمایت از مطالبات کارگران هفت تپه به تمام نهادهای مدنی بخصوص تشکل‌های صنفی فرهنگیان برای دفاع از حقوق کارگران هفت تپه فراخوان می‌دهیم و از معلمان و همکاران خود درخواست می‌کنیم در استان خوزستان و در شوش و هفت تپه از مطالبات کارگران به هر نحو ممکن حمایت نمایند همچنین از همکاران گرامی می‌خواهیم در کلاس درس و در مواجهه با دانش آموزان خانواده‌های کارگری ضمن تشریح و حمایت از مطالبات کارگران هفت تپه برای آنان توضیح دهید که جنبش معلمان ایران با طبقه کارگر در مطالبات "توقف خصوصی سازی"، "حقوق و دستمزد بالای خط فقر"، "بیمه (تامین اجتماعی/درمانی) کارآمد و فراگیر"، "حقوق بازنشستگی بالای خط فقر"، "حق تشکل‌یابی مستقل، آزاد و

سراسری"، "آزادی فعالان صنفی/کارگری" و ... همسو و هم سرنوشت است. بخصوص از معلمان عزیز در هفت تپه می خواهیم دانش آموزان خانواده های کارگران بازداشتی و تحت تعقیب را حمایت نمایند. ما معتقدیم در ایران مشکلات و معضلات را نمی توان به یک قشر و طبقه و جنس خاصی تقلیل داد پس باور داریم تحقق مطالبات معلمان در گرو تحقق مطالبات کارگران، زنان و دانشجویان و ... است و برای تحقق آن بصورت قدرتمندانه تلاش خواهیم نمود.

جمعی از معلمان عدالتخواه ایران

۲۹ آبان ۹۷

بیانیه حمایت کارگران فصلی و ساختمانی شهرهای ایران در حمایت از کارگران هفت تپه

کارگران، زحمت کشان، رنجبران ایران

با توجه به پیگیریها و طبق آخرین اخبار، متأسفانه خبرها حاکی از سرکوب و زندانی کردن چندی از فعالین صنفی سندیکای شرکت هفت تپه در پانزدهمین روز اعتصابات مسالمت آمیز و بر حق کارگران نسبت به مطالبات معوقه چندین ماهه خود بوده اند، هستیم.

سفره کارگران این بخش از کارگران ایران به مانند تولید کنندگانی که چرخه های اقتصاد و شکوفایی ایران عزیزمان را در دست دارند روز به روز خالی و خالی تر میشود و متأسفانه به جای پیگیری مطالبات بر حق و قانونیشان شاهد دستگیری و سرکوب این بخش از کارگران هستیم.

همچنان که میدانید طبق بند ۳ اساسنامه تمامی انجمنها و سندیکاها که توسط خود وزارت کار تدوین شده و حفاظت از حقوق هم صنفی ها از ارکان اصلی فعالیت و وظایف فعالین کارگری شمرده میشود اما میبینیم هنگام عملی کردن این تئوری های قانونی با سرکوب و زندانی مواجه می شویم و کارگران رنج دیده هفت تپه نمونه بارز این اعمال هستند.

سندیکای هفت تپه بیشتر از هر دوره ایی برجسته ترین اعتراضات به حق خود را داشته است و به هر نوع فداکاری و همراهی و اعتراض برای به دست آوردن مطالبات خود دست زده اند.

از این رو ما کارگران ساختمانی انجمنهای مندرجه زیر، تحمیل فقر و گرسنگی به کارگران شرکت نیشکر هفت تپه را و امنیتی کردن مطالبه گری کارگری را قویا محکوم میکنیم و خواهان رسیدگی فوری و بی چون و چرا به خواستههای آنان هستیم و اعلام حمایت خود را از کارگران هفت تپه اعلام می داریم.

۱: انجمن صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی مریوان و سروآباد

۲: انجمن صنفی کارگران ساختمانی سقز

۳: انجمن صنفی کارگران ساختمانی دیواندره

- ۴: انجمن صنفی کارگران ساختمانی کامیاران
- ۵: انجمن صنفی کارگران ساختمانی برقکاران کرمانشاه
- ۶: انجمن صنفی کارگران ساختمانی شهرستان نظرآباد
- ۷: انجمن صنفی کارگران ساختمانی بانه
- ۸: انجمن صنفی کارگران ساختمانی پاوه
- ۹: انجمن صنفی کارگران ساختمانی جوانرود
- ۱۰: کانون کارگران ساختمانی استان کردستان
- ۱۱: انجمن صنفی کارگران ساختمانی روانسر
- ۱۲: انجمن صنفی کارگران ساختمانی هرسین
- ۱۳: کانون انجمن های کارگری (حرف) کرمانشاه
- ۱۴- انجمن کارگران ساختمانی کرمانشاه
- ۱۵: انجمن صنفی کارگری اسلام آباد غرب
- ۱۶: انجمن صنفی کارگری ساختمانی پاوه
- ۱۷: انجمن صنفی کارگری شهرستان روانسر
- ۱۸: انجمن صنفی کارگران ساختمانی دهگلان
- ۱۹: انجمن صنفی کارگری ساختمانی جوانرود
- ۲۰: انجمن صنفی کارگری ساختمانی سرپل ذهاب
- ۲۱: انجمن صنفی کارگری ساختمانی قصرشیرین
- ۲۲: انجمن صنفی کارگران ساختمانی شهرری..و حسن آباد فشافویه
- ۲۳: انجمن صنفی کارگری ساختمانی سنقر کلیایی
- ۲۴: انجمن صنفی کارگری ساختمانی کنگاور
- ۲۵: انجمن صنفی کارگران ساختمانی قروه
- ۲۶: انجمن کارگری ساختمانی هرسین
- ۲۷: انجمن کارگری ساختمانی صحنه
- ۲۸: انجمن صنفی کارگران ساختمانی آبادان
- ۲۹: کانون کارگران ساختمانی خوزستان
- ۳۰: انجمن صنفی کارگران ساختمانی رشت
- ۳۱: انجمن صنفی کارگران ساختمانی دماوند

بازداشت اعضای "مجمع نمایندگان کارگری" نیشکر هفت تپه را قویا محکوم می کنیم!

بازداشت کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه را قویا محکوم می کنیم و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط بازداشت شدگان می باشیم. در ششمین روز از اعتراض کارگران در مقابل فرمانداری، همه نمایندگان کارگران و چند تن دیگر از کارگران پیشرو همچین یک خبرنگار که ۱۸ تن می باشند؛ بازداشت شده اند. مطابق اخبار منتشر شده همگی کارگران بجز آقایان اسماعیل بخشی، مسلم آرمند، محمد خنیفر، سید حسن فاضلی و خبرنگار بازداشت شده، در کمتر از ۴۸ ساعت با قرار کفالت آزاد شده اند.

کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در سال جاری در اعتراض به عدم پرداخت حقوق بارها دست به اعتصاب زده اند. از دور جدید اعتصاب پانزده روز گذشته است و یک هفته است که کارگران مطالبات خود را در خیابان های شوش و مقابل فرمانداری فریاد می زنند. اصلی ترین خواسته کارگران در دور اخیر اعتصاب شان، خلعت بخش خصوصی از کارخانه و پرداخت حقوق های معوقه شان می باشد. اما تاکنون هیچ توجهی به خواسته های کارگران نشده است. مردم منطقه و بسیاری دیگر از اقشار جامعه در همبستگی با کارگران از خواسته های آنان اعلام حمایت کرده اند.

با وجود دستگیری ها، کارگران به درستی از خواسته های خود عقب نشینی نکردند و ضمن ادامه اعتصاب، در حمایت از کارگران بازداشت شده اعتراض خود را به مقابل دادگستری شهر شوش برده اند. تداوم ادامه اعتراض کارگران به این روش قطعا در آزادی دستگیر شدگان و دستیابی به خواسته هایشان بسیار موثر خواهد بود.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه قویا بازداشت کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه را محکوم می کند و همبستگی خود را با اعتصاب کارگران اعلام می دارد. از طبقه کارگر سراسر کشور می خواهیم به هر شکل ممکن از کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه حمایت کنند. نمایندگان کارگران و سایر کارگران بازداشت شده باید فوری و بی قید و شرط آزاد شوند و خواسته های کارگران فوری اجرا شود.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

اعلام همبستگی با کارگران "گروه ملی فولاد اهواز"

هم طبقه ای های ما در اهواز، در "گروه ملی فولاد اهواز" صنعتی چهارده روز است که اعتصاب کرده اند و ده روز است که مطالبات خود را در خیابان های اهواز و مقابل استانداری فریاد می زنند؛ اما فریاد رسی نیست! بنابر گزارش منتشر شده از سوی کارگران اعتصاب کننده، عمده خواسته کارگران: خلع ید بخش خصوصی از شرکت و واگذاری آن به دولت، پرداخت حقوق های معوقه، تامین مستمر مواد اولیه برای تولید، تشکیل شورای کارگری مستقل برای دفاع از حقوق کارگران و ... می باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه همبستگی خود را با کارگران "گروه ملی فولاد اهواز" و سایر کارگران در کشور اعلام می کند. ما خواهان رسیدگی فوری به خواسته های این کارگران و نیز سایر کارگران در سراسر کشور می باشیم و در این رابطه از مسئولین ذیربط قویا می خواهیم که در راستای اجرای خواسته های این کارگران زحمتکش و استیفای مطالباتشان اقدامات لازم و فوری را اتخاذ کنند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۱ آذر ۱۳۹۷

پیروز باد اعتصاب شکوهمند کارگران هفت تپه

اکنون بیش از ۲۰ روز از اعتصاب کارگران بخش های مختلف شرکت هفت تپه میگذرد، اعتصاب و اعتراضی که برای خلعت از بخش خصوصی و دریافت حقوق های معوقه شکل گرفته و علی رغم بازداشت چند تن از نماینده کارگران و همینطور سرما و بارندگی در شهر شوش همچنان ادامه دارد.

در شرایطی ما شاهد اعتصاب کارگران هفت تپه هستیم که کارگران فولاد ملی اهواز هم از چند روز پیش در شهری اهواز دست از کار کشیدند و در اعتصاب به سر میبرند و بارها در تجمعات اعتراضی خودشان از کارگران اعتصابی هفت تپه اعلام حمایت کردند.

اینها در شرایطی است که طبقه کارگر ایران در شرایط معیشتی اسفناکی به سر میبرد، گرانی و تورم بیداد میکند، کارگران چندین ماه حقوق معوقه دارند و روزانه ما شاهد اعتراض، اعتصاب و تجمع کارگران بخش های مختلف در سطح کشور هستیم.

اما با تمامی این اوصاف کارگران اعتصابی هفت تپه امروزه راه را نشان میدهند که همانا اتحاد و همبستگی است و ایستادگی بر سر خواست و مطالباتشان تا رسیدن به موفقیت.

در پایان ضمن اعلام حمایت از کارگران اعتصابی هفت تپه از تمامی کارگران و زحمتکشان ایران میخواهیم که همچون چند روز گذشته در کنار کارگران هفت تپه بایستند و همبستگی طبقاتی خود را نشان داده تا قوت قلبی باشد برای این کارگران اعتصابی و همه با هم برای آزادی اسماعیل بخشی یکی از نمایندگان کارگران هفت تپه و همینطور سپیده قلیان خبرنگاری که به همراه دیگر کارگران هفت تپه بازداشت شد تلاش کنیم.

زنده باد اتحاد کارگران و زحمتکشان

پیروز باد اعتصاب کارگران هفت تپه

جمعی از کارگران شاغل در شهرک های صنعتی جابان و خرمداشت

۳ آذر ۱۳۹۷

کارزار حمایتی در حمایت از کارگران فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه

گزارش حقوق معلم و کارگر، در روزهای گذشته، کارزاری در حمایت از کارگران فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه راه اندازی شد؛ تا کنون صدها نفر به این کارزار حمایتی پیوسته اند و خواستار رسیدگی به مطالبات صنفی و قانونی کارگران معترض شده اند. این کارزار، توسط معلمان، کارگران و فعالان مدنی راه اندازی شده است.

اسامی پانصد نفر اول امضاکننده:

رضا شهابی، عبدالله وطن خواه، حسن سعیدی، نسرين هزاره مقدم، محسن عمرانی، عزیز قاسم زاده، رضا مسلمی، نبی اله باستان، سعید رضایی، جواد لعل محمدی، علی یوسفی، دومان بکایی، امیرحسین پورشمسی، فرشاد عباسی، کاظم فرج الهی، فریبرز رییس دانا، فرزاد احمدی، سارا سیاهپور، نسرين بهمن پور، شبنم بهارفر، همایون حاجی خانی، آرمان ذاکری، فرحناز حیدری، سیدبابک مجابی، مرتضی اسماعیل پور، نجمه نصیری، شهرزاد قدیری، سایر ارفیعی، رهام یگانه، عمر مینائی، عزت دولت آبادی، صلاح آزادی، محمد غزنویان، لیلی حبیبی، علی ابوطالبی، حمیده مصطفی نژاد، سیاوش ابراهیمی، محمد قاسمی، سعید رضایی، داود رضوی، حمید اکبری، فرزانه سجادی، علی اسماعیلی، شاهین ایرانی، ویهان علیان، عباس خسروی فارسانی، فخرالسادات حسینی رضوی، حمزه منصوری، ولی آقازاده، شهرام بیدگلی، تحسین مصطفی، محمدرضا زارعی مرام، پری ناز امیری، جعفر محسنی خواه، فرشید حسین زاده، مرتضی امیرزادگان، اصغر امیرزادگان، جعفر امیرزادگان، مجتبی امیرزادگان، گلناز ریحانی، حمزه ریحانی، یدالله ریحانی، بابک ریحانی، عزت ریحانی، ابراهیم مروت، سعدی مروت، احسان رضائی، قادر اناری، مرضیه درود، صادق رضایی، هانا خضری، آرمین مالکی، رحمان ابراهیمی، زانیار سهرابی، وحید بشیری، سعید تبریزی، پرستو عباسپور، یوسف عقاب نشین، شبنم آشوری، سعید کلانکی، ماهان صالحی، منصوره عرفانیان، عبدالله صیادی، پگاه تایکندی، کامیار فکور، امجد ساعدی، علی وفائی نژاد، امجد ساعدی، میلاد همپور، مهناز حیدری، حسین رضایی، جعفر سبحانی، پیمان شجیراتی، آروین سعیدپور، محمد فروتن، سولماز اسکندری، کاوه اسدپور، بهزاد بارخدائی، هیمن پزشکیان، امید علایی، عیسی مرعی، محسن سلیمان نژاد، الهام صالحی، علی اکبر پیرهادی، شریف تمیمیان فر، پیمان حسینی، احمد رحیمی (خسرو)، امین دشت بزرگی، عاطفه رنگریز، سحر صبا، آرشین وانگهی، الهام صالحی، محدثه محمدی، انسیه یزدانیان، صدیقه پاک ضمیر، ادیب قادری نگار، مجید

رعایایی، محمد مهدی، کفاح خالدی، میثم ال‌مهدی، مریم وحیدیان، آرمان شکری، بهروز خباز، آرمان شکری، بهروز قاسمی، امین کریمی، مصطفی کردلو، علیرضا غلامی، سحر محمدی، لطیف روزی خواه، یاسر ریکی، فلور فتاحی، غلامرضا خانی، عباس نژند کودکی، سیدرضا نعمتی پور، امیر تاخیری، آرمین شریفی، عطا باباخانی، علی پورعلی، حسین محمدی نوا، ابراهیم نوروزی گوهری، بیژن کیارسی، زهره قهرمانی، نادر احسنی، شیوا میلوسی، عسل محمدی، جعفر ابراهیمی، مازیار گیلانی نژاد، حسن سرداری، یارمحمد اکبری، احمد زرگریان، حمید شرقی، طغیان انگشتی، نرگس حسینی، بهالدین صدیقی، آ. ابراهیمی اشکور، علی دهباشی، محمدرضا جعفری، علی شکیا، حسین حقی قبادی، فتح‌الله کیایی‌ها، نگین بانک، حکیمه قائدی، حمیدقبادی، علیرضا تبریزی، ابراهیم کروشاتی، امیر برج‌خانی، کوشا اثمی، حسین پورمهدی، علی رستمی، مهدی رستمی، علی فرخی، کاظم عظیمی، هادی مفاخری، زهرا کازرونی، شاهرخ مددی، حسین زارعی، خدیجه پاک‌ضمیر، سعید سیفی، نادر پورخانی، اولدوز هاشمی، مینو کیخسروی، مهرنوش حیدرزاده، رحیم امیری، شهناز هاشمی، علی شفیع، لیلا سلیمی، هیوا بابایی، رضا حائری، مسعود امینیان، رضا مرادی، ریحانه انصاری، امیر کارگر، مولود رضازاده، پرستو فاطمی، جلال نباتی، میلاد حسینی، عباس (کسرا) روئینیان، حسن نایب‌هاشم، امید اشرفی، نازلی فرخی، اصغر بهبهانی، علی نجار، سیدرسول طالب‌مقدم، علیرضا (امیر) هروآبادی، میثاق آق‌داغی، سعید توکلی، جاسم جرفی، سعید توکلی، سوسن احمدی، احمد جاسمی، پیمان دوستی، احمد توکلی، آذر توکلی، سالومه رحیمی، علی مراد کسایی، سیدعباس کاوسی، فرزاد ابوالفتحی، عرفان رشیدی، سروش قادری، علی آزاد، مینا رضایی، فرانک عبدی، شاهو محمدی، آتوسا وزیری، اقدس پورمرادی، نسیم سلیمانی، قادر مسلم‌خانی، سعید سلیمانی، ناهید میرحاج، حمیدرضا قاضی‌زاهدی، محمد کاشفی، بهجت میری، رضا فروتن، محمد اشرفی، وحید صالحی، صادق عشایری، احسان بحری، علی معلم، گیتی احمدی، فیروزه مرادی، الهام مرادی، طاهره مرادی، هیراد پیربدایی، ادريس مهدی، ولی عظیم‌زاده، مهرداد امامی، پیمان سالم، فرزاد کاردان، اصغر مشهدی، بهزاد سهرابی، نبی‌الله معروفی، علیرضا گللی، ابراهیم شیری، شکوفه آذرماصوله، فریا سلیمی، احمد آل‌بوطرفی، م. کبیری، زهرا فرهنگی، امیرحسین محمدی‌فرد، ساناز اله‌یاری، ویکتوریا آزاد، فاطمه میرابوالحسنی، سعید اسکندری، امیر جواهری‌لنگرودی، بهزاد فریدی، غزال یوسفی، مسعود وطن‌دوست، مریم معتقد، نگین شایسته، امیر حیدری، منصور اسانلو، محمد مهدی‌پور، هژیر شریعتی، آرمان امامی، محمود رستگار، آرزو درویش، رزا تهرانی، فرید کریمی، حانیه متحیر، فروزان یوسفی، یدی لرستانی، ابیدر اریز، امین شریفی، رضا ابراهیم‌نژاد، مهرداد آریز، احمد زاهدی لنگرودی، احمد بنی‌طرف، بهمن نظرعلی‌لو، فاطمه میرک، رضا نیکویی، آذرننگ افروز، رضا خدارحمی، محمد خانی، ادريس دژبند، جعفر شهبازی، کاوه اخوان، نسرين پوری، منصور شبگیر حسنی، سیاوش حیاتی، نگار هاشمی، سعید ملانی، مسعود فرجی، مهسا مکارم، هانا صالحی، حمیدرضا مصیبي، عالیہ اقدام دوست، فرشته عبدی، مرتضی ترمه چی، شوگار فاتحی، فریبرز عبدی، شارا میرزایی، احمد زرگریان، حامد خسروی، زهره نجفی، جلال طبایی، قاسم کریمی،

فریبا باقری، علی خداری، وفا صمدی، محمد صادق اسفندیاری، جهانگیر مهربخش، ابراهیم ذکری، نادر تیف، دریا صبور، فرشید فرشیدی، رضا حسینی، رمان ساعد، امیر صمدی افشار، مجتبی گودرزی، احمد مستجاب الدعوه، جواد سلیمانی، قاسم کریمی، امیر یعقوبی، حسین درخشان، شکبیا مدی زاده، زهرا فیاض، پری مسعود، آراز امین ناصری، محسن اصفهانی زاده، علیرضا زرین اقبال، محمد جواهری، شیرین امیری، پردیس بگلو، ایمان ایمانی، حیدر زمان، حجت آزاده، میرزاپور، سیما وزیرنیا، تهماسب سهرابی، ربابه محمودی، اباصلت امیدی، فاطمه نوچیان، شایان داودی، پری اسدی، پروین محمدی،

سیامک پیرنیا، سیاوش لاهوتی، کیمیا میرزایی، حسین اکبری، اسفندیار پیل آرام، محمد حسن پوره، محیا و کیلی، محمد رضا فرهادی، علی اکبر یوسفی، حسن جانبزرگی، جلال کربوند، گوهر افشار، مصطفی پورمند، محمود صدیقی پور، سیروس دلفانی، محمد لک معروفی، عشرت گرجی، سمیه بیات، سلیمان اسماعیلیان، شهین غلامی، رویا بخشی، حمید کرمی، میترا رضایی، عمر مینائی، عیسی موسوی، علی رفاهی، مریم بابایی، فرنگیس بایقره، حسن جانباز، مرضیه فتحی، حمید شرقی، امیر مصباحی، فرهاد زرگران، زهرا افراز، زهرا حسینی، فاطمه زند کریمی، بهرام کیوان، شهلا آتش سودا، الهام رسولی، مهرداد گریوانی، چنور سعیدی، مهدی مجیدی، ابراهیم مرزدشتی، محبوبه کارمند، هاشم آزاد، محمد مختاری پور، محمد افشار، مهرداد محمدی، احمد رضایی، حسن دریایی مهرداد علیان،

جعفر صحرانورد (کوچصهان)، پانید فاضلیان، قنبر توحیدی نژاد، علیرضا امیرزادگان، محمد رضا امیرزادگان، غلامعباس شجاع پور، نجم پوریونس، سعدی قبادی، نوروز رستمی، ابراهیم مروت، مریم رشیدی، نفیسه مروت، گلناز ریحانی، نجمه مروت، امید مروتی، شاپور همایون فرد، غفار الیاسی، شاپور الیاسی، روح اله زارع، میرزاحسین زارع، امان الله نصیری، عبدالرضا امیرزادگان، مدینه شجاعپور، امیرعلی مرادی، اشکان احمدی، احمدی حامد، ناصر حمیدی، فاطمه بازیار، حوریه فرج زاده، سعید نادری، محسن بالش آبادی، فریده موسوی، تینا قراگزلو، امین عاشوری، محسن کیوانفر، مهدی توپچی، آرشام رضایی، عباس تقی پور، علیرضا خوشرو، حجت آزاده، افشین نامداری، سعدی نوری، نوری کردستانی، فاضله رضایی، حیدر لک معروفی، رضا معمار زاده، شاهپور ساکی، قباد ساکی، یوسف رفاهیت، محسن یوسفوند، شیدا رضایی، محمد گرجی، محمد سرداری، احمد اسمعیل زاده، متاف ساکی، مینا پوره، مریم پوره، مهدی ازناپی، بهروز گرجی، قاسم توکلی، امیر چمنی، مهدی سرکانی، مجید لک، محبوبه زارعی، رضا زارعی نسب، داراب ریاحی، ژیلا خیر، منصور شفیع، محترم لک پور، احمد پورمند، علی بیاتیان، رضا نظری، حسین علی ترک، سعید گرجی، شوکت عباسی، سهیلا ورمزیار، تقی پور احمد، آرمین شریفه، محمد وحدت، امیرعلی ماملی، حسن علی تیموری، سیامک بیات، پروانه لک حیدری، محسن عابدی، قادر جاب، علی یزدانی.

باز نشر.

اسامی پانصد نفر دوم:

۵۰۱. رضا خلیلی ۵۰۲. غلامرضا همتی ۵۰۳. لیلا سیف‌اللهی ۵۰۴. حمید خدانی ۵۰۵. عباس شیخی ۵۰۶. محمد شریف عباس پناه ۵۰۷. نرجس ناصحی ۵۰۸. فاطمه رحمانزاده ۵۰۹. فرحناز جوادی ۵۱۰. ترانه راد ۵۱۱. حسین سلامی ۵۱۲. علی توانا ۵۱۳. محمدابراهیم پژوهش (صابر) ۵۱۴. نادر نادری ۵۱۵. ذوالفقار احمدی ۵۱۶. حمید کریمی مفید ۵۱۷. فرنگیس مرادی ۵۱۸. طاهر قادرزاده ۵۱۹. داودامیری ۵۲۰. فرهاد خانبلوکی ۵۲۱. غفار دیندار امین جان ۵۲۲. فرخنده جعفری ۵۲۳. حجت آزاده ۵۲۴. مریم کرمی ۵۲۵. شهرام بیدگلی ۵۲۶. جمیله روح‌زنده ۵۲۷. مهناز خیر ۵۲۸. فرزانه مشیری ۵۲۹. تیمور خرسند ۵۳۰. فرانک امیری ۵۳۱. رویا امینی ۵۳۲. حسین یادگاری ۵۳۳. هاشم محمدی ۵۳۴. پویا غلامی ۵۳۵. آمنه خرمی ۵۳۶. سولماز طالبی ۵۳۷. کرامت تقی‌پور ۵۳۸. مریم صادقی ۵۳۹. اشرف گرجیان ۵۴۰. شهناز رفیعی ۵۴۱. صادق موسیوند ۵۴۲. امیرحسین سرلک ۵۴۳. سیدعباس میرامینی ۵۴۴. بهرام مظفری ۵۴۵. آرمان مروت‌نسب ۵۴۶. منصور بیات ۵۴۷. ثریا محمدی ۵۴۸. عبدالرضا خوانساری ۵۴۹. محمد عباسی ۵۵۰. علی مرزبان ۵۵۱. ناصر رضانی ۵۵۲. محمدرضا دهقان ۵۵۳. حمیدرضا بیات ۵۵۴. ام‌البین هموله ۵۵۵. محمد هموله ۵۵۶. علی حسن جان‌بزرگی ۵۵۷. اشرف کشاورز ۵۵۸. علی اکبر قاسمی ۵۵۹. جمیله قاسمی ۵۶۰. علی رضا ترک‌سالاروند ۵۶۱. احمد لک ۵۶۲. رؤیا شجاعی ۵۶۳. سمیرا پورمند ۵۶۴. احمد آسترکی ۵۶۵. عبدالرسول هاشمی جوکار ۵۶۶. مریم گنجی ۵۶۷. حسین ملکی ۵۶۸. نادر زند ۵۶۹. مرتضی خلیلی ۵۷۰. علی یادگاری ۵۷۱. محمود ستوده ۵۷۲. ایرج سرلک ۵۷۳. محمود هیودی ۵۷۴. نادر کعبی ۵۷۵. عزت‌الله نصیری ۵۷۶. داوود سلطانی ۵۷۷. اسماعیل دهقان ۵۷۸. اکرم میرباقری ۵۷۹. محسن میرباقری ۵۸۰. محمدرضا وجدیان ۵۸۱. حسین میرامینی ۵۸۲. حسن میرامینی ۵۸۳. کریم جان‌بزرگی ۵۸۴. رحمان جان‌بزرگی ۵۸۵. عباسعلی بیات ۵۸۶. منوچهر سالاروند ۵۸۷. عزت‌الله لک ۵۸۸. رحیم بیات ۵۸۹. داوود لک ۵۹۰. علی ترک ۵۹۱. محسن پورمند ۵۹۲. روح‌الله گنجی ۵۹۳. میثم گنجی ۵۹۴. حسن سرلک ۵۹۵. محمود هیودی ۵۹۶. رحمت‌الله نصیری ۵۹۷. زری پورزال ۵۹۸. مرجان داودی ۵۹۹. حسین باقری ۶۰۰. سوگل مرادی ۶۰۱. مجید تهرانی ۶۰۲. سیما سلمانی ۶۰۳. ناهید دلنواز ۶۰۴. حمیدرضا مساحی ۶۰۵. ثریا نور ۶۰۶. عباس نوری ۶۰۷. سلمان نیک‌نام ۶۰۸. محسن عطار ۶۰۹. منیژه آزادی ۶۱۰. فرشته بادی ۶۱۱. فهیمه بادکوبه ۶۱۲. علی خدایی ۶۱۳. جادر شریفی ۶۱۴. معصومه پاداش ۶۱۵. شروین رها ۶۱۶. جواد حریرزوی ۶۱۷. یونس شرفی ۶۱۸. اردشیر جم‌نشان ۶۱۹. سیدامیرموسوی ۶۲۰. کبری تاجداری ۶۲۱. آمنه رحیمی ۶۲۲. مهدی کمائی ۶۲۳. احد امراللهی ۶۲۴. عاطفه دهقان ۶۲۵. کاظم حیدری ۶۲۶. مجید جنادله ۶۲۷. مسعود سعادت ۶۲۸. داود جلیلی ۶۲۹. سعیده منتظری ۶۳۰. یوسف صفاری ۶۳۱. شریفه محمدی ۶۳۲. آذر حضرت ۶۳۳. سیروس فتحی ۶۳۴. سعید سعادت ۶۳۵. سعید نوری ۶۳۶. فاطمه گواهی ۶۳۷. حسین کاویان ۶۳۸. سیما احسان‌خواه ۶۳۹. روح‌الله مرادی ۶۴۰. شهناز هماپور ۶۴۱. اسماعیل گودرزی ۶۴۲. هادی ملکی دمقی ۶۴۳. علیرضا تخمه‌چی ۶۴۴. اکبر گودرزی ۶۴۵. علی مولایی‌پور ۶۴۶. شهره هادی‌اکمل ۶۴۷. رضا طاهری ۶۴۸. سیدعلی ملک‌زاده ۶۴۹. حمیدرضا رعایایی ۶۵۰. علی رضا اسدپور ۶۵۱. فرامرز

بیرانوند ۶۵۲. مهرداد صبوری ۶۵۳. کاوس اسلامی ۶۵۴. لطف‌اله احمدی ۶۵۵. رامین دریایی ۶۵۶. اردشیر زارعی قنواتی ۶۵۷. راحله طارانی ۶۵۸. سینا چالشگر ۶۵۹. تورج ابوذرخانی ۶۶۰. منوچهر افضلی ۶۶۱. اشکان پارسا پسند ۶۶۲. بهنام ابراهیم‌زاده ۶۶۳. علی محمدی ۶۶۴. آرمان اسماعیلی ۶۶۵. محمد حسین‌زاده ۶۶۶. فرزانه لک ۶۶۷. سودابه ملک‌محمودی ۶۶۸. صفدر پایمردی ۶۶۹. نادر عبدالوند ۶۷۰. زرتشت احمدی‌راغب ۶۷۱. اسماعیل هموله ۶۷۲. احمد توکلی ۶۷۳. سیما پاشا ۶۷۴. حسن فلاحی ۶۷۵. رقیه اورنگی ۶۷۶. محمد مولایی ۶۷۷. محمود مصدقی ۶۷۸. رضا نظری ۶۷۹. کریم بسحاق ۶۸۰. مرضیه پوره ۶۸۱. محسن مقصودی ۶۸۲. خدیجه بهمنی ۶۸۳. زهرا کلهر ۶۸۴. سیف‌الله گرجی ۶۸۵. قاسم گرجی ۶۸۶. بهنام پوره ۶۸۷. نرگس پوره ۶۸۸. شوکت نژد ۶۸۹. عین‌الله رحیمی ۶۹۰. علی معروفی ۶۹۱. ولی‌الله معروفی ۶۹۲. سعید حاجیوند ۶۹۳. حمید حاجیوند ۶۹۴. سهراب لک قاسم‌آبادی ۶۹۵. مهرباب لک قاسم‌آبادی ۶۹۶. سکینه لک ۶۹۷. فاطمه بیات ۶۹۸. عزت‌الله هنرمند ۶۹۹. حجت‌الله هیودی ۷۰۰. اسماعیل هداوند ۷۰۱. سیدحجت سجادی ۷۰۲. حشمت‌الله رحیمی ۷۰۳. نبی مرزبان ۷۰۴. محمود مرزبان ۷۰۵. قاسم مردانی ۷۰۶. فاطمه محمدی ۷۰۷. محمدتقی بیات ۷۰۸. حسین ملکی ۷۰۹. محمد تاجیک ۷۱۰. مریم ازناپی ۷۱۱. غلامعباس لک ۷۱۲. محمدقربان لک ۷۱۳. هاشم لک ۷۱۴. جهانگیر پورمند ۷۱۵. مصطفی پورمند ۷۱۶. ناصر ابوغیش ۷۱۷. مهدی پورعالی‌منش ۷۱۸. نورالله عبدالوند ۷۱۹. سهراب عبدالوند ۷۲۰. فاطمه فولادوند ۷۲۱. حمید عسگری ۷۲۲. حسنی دخت میرحسینی ۷۲۳. علی محمد بیرانوند ۷۲۴. قاسم مهرآور ۷۲۵. موسی ساری ۷۲۶. محمد ساری ۷۲۷. امیر حسینی ۶۹۲. سعید حاجیوند ۶۹۳. حمید حاجیوند ۶۹۴. سهراب لک قاسم‌آبادی ۶۹۵. مهرباب لک قاسم‌آبادی ۶۹۶. سکینه لک ۶۹۷. فاطمه بیات ۶۹۸. عزت‌الله هنرمند ۶۹۹. حجت‌الله هیودی ۷۰۰. اسماعیل هداوند ۷۰۱. سیدحجت سجادی ۷۰۲. حشمت‌الله رحیمی ۷۰۳. نبی مرزبان ۷۰۴. محمود مرزبان ۷۰۵. قاسم مردانی ۷۰۶. فاطمه محمدی ۷۰۷. محمدتقی بیات ۷۰۸. حسین ملکی ۷۰۹. محمد تاجیک ۷۱۰. مریم ازناپی ۷۱۱. غلامعباس لک ۷۱۲. محمدقربان لک ۷۱۳. هاشم لک ۷۱۴. جهانگیر پورمند ۷۱۵. مصطفی پورمند ۷۱۶. ناصر ابوغیش ۷۱۷. مهدی پورعالی‌منش ۷۱۸. نورالله عبدالوند ۷۱۹. سهراب عبدالوند ۷۲۰. فاطمه فولادوند ۷۲۱. حمید عسگری ۷۲۲. حسنی دخت میرحسینی ۷۲۳. علی محمد بیرانوند ۷۲۴. قاسم مهرآور ۷۲۵. موسی ساری ۷۲۶. محمد ساری ۷۲۷. امیر حسینی ۷۲۸. پیرمراد سگوند ۷۲۹. احمد شرهانی ۷۳۰. محمد رسولی ۷۳۱. ابراهیم ساکی ۷۳۲. الله‌مراد پاپی ۷۳۳. مه‌لقا پارسامنش ۷۳۴. سلطان‌مراد صالحی ۷۳۵. رقیه لک علی‌آبادی ۷۳۶. ابوالفضل سجادی ۷۳۷. کاوه بنایی ۷۳۸. ارسلان طالبی ۷۳۹. عیوض هاشمی ۷۴۰. رضا پارسایی ۷۴۱. گشتاسب دهقانی ۷۴۲. فروغ سجادی ۷۴۳. آذر معتضدی ۷۴۴. علی اصغر ممینی ۷۴۵. عطا مرادنژاد ۷۴۶. فاطمه شاه‌محمدی ۷۴۷. دانیال بهروز ۷۴۸. محمد ربانی ۷۴۹. علی سنجری ۷۵۰. ناصر آقاجری ۷۵۱. حبیب مرادعلی‌بیگی ۷۵۲. آدینه بیگی ۷۵۳. فریا سلیمی ۷۵۴. مهدیه گلرو ۷۵۵. سلیمان عبدالله‌زاده ۷۵۶. محمد باسری ۷۵۷. مسعود خدری ۷۵۸. غلامرضا بچای‌زاده ۷۵۹. کیانوش بابادی ۷۶۰. جلیل صبوحیان ۷۶۱. علی‌یاور مرادی ۷۶۲. عباس خورشیدوش ۷۶۳. مجیدمنصوری ۷۶۴. وحید هموله محمدی ۷۶۵. رضا فلاح ۷۶۶. اسماعیل صادقی ۷۶۷. محمود صادقی ۷۶۸. فاطمه املشی ۷۶۹. نسترن باوندپور ۷۷۰. بهزاد زیبایی ۷۷۱. کرامت مهرآور ۷۷۲. مهران

صادقی ۷۷۳. سامره داشاد ۷۷۴. جواد حقی ۷۷۵. بیان احمدی ۷۷۶. محمد حسن زاده ۷۷۷. محمدطاهر تنکابنی ۷۷۸. وحید میرشکار ۷۷۹. هرمز دهار ۷۸۰. نادر جمال زاده ۷۸۱. نادر عرفانی ۷۸۲. اعظم حسنی ۷۸۳. علی کسایی ۷۸۴. محمد دشت بزرگی ۷۸۵. امیر ثابتی ۷۸۶. سحر شهیار ۷۸۷. یاسین منابی ۷۸۸. موسی لویمی ۷۸۹. مهدی لویمی ۷۹۰. خدیجه س ۷۹۱. بهروز نور ۷۹۲. مالک زهیری ۷۹۳. حسین عیوضی ۷۹۴. حسین عیوضی ۷۹۵. سمیه اعصامی ۷۹۶. اکرم نصیریان ۷۹۷. هادی وائلی زاده ۷۹۸. رحمان شهبازی ۷۹۹. میترا همایونی ۷۸۰. سعید مقدم ۷۸۱. مهدی رضایی ۷۸۲. ماهان کیانی ۷۸۳. هانیه انصاری ۷۸۴. مریم نخعی ۷۸۵. سید عبدالله موسوی ۷۸۶. موسی جامدی ۷۸۷. لطیف شوشتری ۷۸۸. یاسر جرفی زاده ۷۸۹. آرام امینی ۷۹۰. حمید باوی ۷۹۱. محمد سگوری ۷۹۲. مهدی قنبرنژاد ۷۹۳. بتول سلطانی ۷۹۴. آمنه دهقانی ۷۹۵. پروین نوری ۷۹۶. سیده ندا محمدی ۷۹۷. نسرین بابادی ۷۹۸. مینا مرشد ۷۹۹. حسین بهادری ۸۰۰. بهکام قائمی فر ۸۰۱. الهام رستگار مهر ۸۰۲. شایان قائمی فر ۸۰۳. مهدی منجزی ۸۰۴. نسرین تمیمی ۸۰۵. بنیامین حیدری ۸۰۶. علی نظیف ۸۰۷. احمد بابایانی ۸۰۸. مراد سازور ۸۰۹. حسین یوسفی ۸۱۰. هایده بابامیری ۸۱۱. علی رضا جباری ۸۱۲. حسن عرب زاده حجازی ۸۱۳. گوهر شمیرانی ۸۱۴. پوران شهپر ۸۱۵. علی دهدشتیان ۸۱۶. علی افتخاری ۸۱۷. رضا قباد ۸۱۸. شمسی فامیل ۸۱۹. شمسی فامیل ۸۲۰. سیداشکان حسینی ۸۲۱. ناهید شقاقی ۸۲۲. فریده نخستین ۸۲۳. نرگس خرمی ۸۲۴. نرگس خرمی ۸۲۵. مهدی پناهی ۸۲۶. مهری ورکاله ۸۲۷. فرحناز شیری ۸۲۸. مصطفی گودرزی ۸۲۹. معصومه محمودی ۸۳۰. ترانه راد ۸۳۱. پروانه راد ۸۳۲. سیمین مردوک ۸۳۳. سهند ریاحی ۸۳۴. فردوس جمشیدی رودباری ۸۳۵. عزت دولت آبادی ۸۳۶. منوچهر گلشن ۸۳۷. علی نجفی ۸۳۸. مهرانگیز هاشمی ۸۳۹. مریم بهاران ۸۴۰. بیژن فتحی ۸۴۱. مهوش فتحی ۸۴۲. عباس جعفری ۸۴۳. علی توانا ۸۴۴. بهمن احمدی ۸۴۵. فرهاد ایمانی ۸۴۶. علی اکبریان ۸۴۷. جواد معصومی ۸۴۸. ربابه رضایی (همسر رضاشهابی) ۸۴۹. علی شهابی ۸۵۰. محمود شهابی ۸۵۱. فریدون ضیایی ۸۵۲. علی قربانی ۸۵۳. بهرام شهابی ۸۵۴. حمید رضایی ۸۵۵. شبنم محمدی ۸۵۶. شقایق محمدی ۸۵۷. مهدی رسولی ۸۵۸. علی صمدی ۸۵۹. شایان آزادوار ۸۶۰. مریم قاسمی ۸۶۱. سارا شهابی ۸۶۲. عبدالرضا صحرانورد ۸۶۳. عبدالرضا صحرانورد ۸۶۴. پرویز تیبانی ۸۶۵. سمیرا حسن جان زاده ۸۶۶. علی خاکباز ۸۶۷. نسرین رحیمی ۸۶۸. محمد قاسمی ۸۶۹. اسکندر لطفی ۸۷۰. وحید فریدونی ۸۷۱. زینب سپهری ۸۷۲. ناصر محرم زاده ۸۷۳. نرگس منصوری ۸۷۴. خ

ومسعود حسینی ۸۷۵. نوروز آمدی ۸۷۶. سینا حبیبی ۸۷۷. حمید شرقی ۸۷۸. حسین اشتری ۸۷۹. حسن محمدی ۸۸۰. سید جعفر درخشان ۸۸۱. سید فرهاد مسیبی ۸۸۲. مصطفی شوکت ۸۸۳. فاطمه حیدری ۸۸۴. غزال فخروری ۸۸۵. فاطمه حیدری ۸۸۶. اسماعیل رضایی ۸۸۷. اسماعیل رضایی ۸۸۸. مزدک دلاور ۸۸۹. زهرا سهرابی ۸۹۰. کوروش عارفیان ۸۹۱. طاهر قادرزاده ۸۹۲. حسن حاجی زاده ۸۹۳. علی سجادی ۸۹۴. حسین پیرا ۸۹۵. ناهید میرزایی ۸۹۶. صادق عشایری ۸۹۷. مهدی قوامی پور ۸۹۸. علی یزدانی ۸۹۹. جمیله روح زنده ۹۰۰. مهتاب رسولی ۹۰۱. ناهید شریفی ۹۰۲. سعید سهرابی ۹۰۳. غلام رضا غلامحسینی ۹۰۴. محمد ابراهیم رضانی ۹۰۵. گل آرا جهانیان ۹۰۶. امین متاجی ۹۰۷. مسعود اسدی ۹۰۸. ثمین علیزاده ۹۰۹. شهریار ظفرمند ۹۱۰. اصغر احمدی ۹۱۱. اسماعیل احمدی ۹۱۲. مجید احمدی ۹۱۳. پریسا احمدی ۹۱۴. مسعود بهمنش ۹۱۵. لهراسب ساریخانی ۹۱۶. سیاوش

ساعدی ۹۱۷. محمود خسروی ۹۱۸. مسعود خسروی ۹۱۹. خاتون بهزادی ۹۲۰. مینا فاضل نژاد ۹۲۱. بهمن فرازنده ۹۲۲. آرش دعوتی ۹۲۳. محمود سلیمانی. ۹۲۴. ترانه طهماسبی ۹۲۵. داوود یآوری ۹۲۶. دلاور شفیعی ۹۲۷. جعفر عرفان فر ۹۲۸. محمدعلی سنجری ۹۲۹. زهرا سنجری ۹۳۰. محمد بارانی ۹۳۱. وحید نادری ۹۳۲. جاسم خاوری ۹۳۳. فاطمه حمودی ۹۳۴. مسعود اهوازی ۹۳۵. عبدالرضا ظاهری ۹۳۶. مسعود ظاهری ۹۳۷. بابک ولی نژاد ۹۳۸. علی بیرانوند ۹۳۹. سعید طاهرخانی ۹۴۰. روح الله علیدادی ۹۴۱. مهین قوامی ۹۴۲. ثریا کیوانی ۹۴۳. سیدمحمدرضا حسینی ۹۴۴. کامران محمدی ۹۴۵. نادر عرفانی ۹۴۶. سعید رناسی ۹۴۷. ایوب امیری ۹۴۸. امیرحسین سایمی ۹۴۹. شاهین فدایی ۹۷۰. گلناز جعفری ۹۷۱. علی باقری ۹۷۲. صابر محمدی ۹۷۳. هادی رفیعی ۹۷۴. سیدقاسم مرتضوی ۹۷۵. آیت الله حاجتی ۹۷۶. صادق علایی ۹۷۷. کریم بلوچی ۹۷۸. مانی خدایی ۹۷۹. یحیی خادمی ۹۸۰. لاله مجیدی ۹۸۱. علی سامانی ۹۸۲. فرج الله ساطحی ۹۸۳. کیانوش مجد ۹۸۴. حسین عسگری ۹۸۵. فرهاد کاووسی ۹۸۶. حسین سخایی ۹۸۷. فرشاد هدایتی ۹۸۸. عارف دهقان نسب ۹۸۹. پرهام غلامی ۹۹۰. ثریا واحدی ۹۹۱. حامد داوودی ۹۹۲. میرمحمد قادری ۹۹۳. مهناز خسروی ۹۹۴. مرتضی نوابی ۹۹۵. حشمت الله نوابی ۹۹۶. اکبر قنبرنژاد ۹۹۷. سیامک نصرآبادی ۹۹۸. سهیلا اسدی ۹۹۹. نصیر قاسمی ۱۰۰۰. لیلا هرمزی

چهارشنبه ۷ اذر ۹۷

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

بیانیه شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران در حمایت از مطالبات کارگران و دانشجویان

در حالی که این روزها بسیاری از اصناف، از کارگران تا معلمان و از پرستاران تا رانندگان، خود با مشکلات عدیده اقتصادی دست و پنجه نرم می کنند به همراه دانشجویان، بعنوان وجدان بیدار جامعه، حمایت شایسته ای از مطالبات فرهنگیان داشته اند.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران ضمن قدردانی از حمایت های کارگران، دانشجویان و سایر اقشار اجتماعی، وظیفه خود می داند از مطالبات تمام اقشار جامعه بخصوص کارگران و دانشجویان حمایت نماید. ما معلمان وقتی مطالبه #آموزش_رایگان و عادلانه را مطرح می کنیم در اصل از حقوق فرزندان کارگران دفاع می کنیم چرا که معلمان به واسطه ارتباط مستمر با دانش آموزان که اکثریت آنان متعلق به طبقه کارگر هستند به وضوح می بینند وضعیت زندگی و معاش طبقه کارگر در این یک سال نه تنها بهبود پیدا نکرده بلکه نسبت به سال های پیش دچار افول نیز شده است تا جایی که می توان گفت از دی ماه ۹۶ تاکنون کمتر روزی بوده است که یک یا چند واحد کارگری نسبت به وضعیت خود معترض نباشند.

بی شک تورم و گرانی افسارگسیخته و عدم پرداخت به موقع دستمزد کارگران در کنار سیاست های "خصوصی سازی" و "ارزان سازی نیروی کار" در بخش های صنعتی و تولیدی باعث بینواسازی گسترده کارگران و کاهش امنیت شغلی آنان شده است. فقیرسازی کارگران در کنار پولی سازی آموزش از جمله عوامل مهم در ترک تحصیل دانش آموزان است.

با آگاهی طبقه کارگر، واکنش کارگران از هپکو اراک تا معدن آق دره و ... به شرایط موجود، اعتراض گسترده به این روند ظالمانه بوده اما متأسفانه تاکنون دولت و قوه قضاییه به این مطالبات با مشت آهنین پاسخ داده و عملاً بعنوان ابزار سرکوب کارفرما عمل نموده اند.

در یک چنین شرایطی است که کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز حدود یک ماه است در اعتصاب و اعتراض به سر می برند و ضمن تاکید بر قطع دست "مافیا" و دریافت "معوقات مزدی"، بصورت جدی خواهان برچیده شدن "خصوصی سازی" هستند.

در روزهای اخیر شاهد تلاش نیروهای امنیتی از طریق احضار و تهدید گسترده برای به شکست کشاندن اعتصاب در هفت تپه بودیم که با ایستادگی کارگران پیشرو هنوز به اهداف خود نرسیده اند شیوه ای از سرکوب و ارعاب

که ما معلمان آن را بارها تجربه کرده و باور داریم حتی اگر هفت تپه را وادار به عقب نشینی کنند اعتراضات فردا در فولاد اهواز و روزهای دیگر در سایر کارخانه ها ادامه خواهد داشت.

شورای هماهنگی ضمن حمایت از مطالبات برحق و قانونی تمام کارگران و زحمتکشان ایران خواستار توقف “خصوصی سازی” در هفت تپه و فولاد اهواز است و از مشارکت کارگران در مدیریت و اداره کارخانه حمایت می کند و خط سرکوب تشکل های مستقل، هر نوع تشکل، سندیکاسازی موازی و وابسته و بازداشت فعالان کارگری بخصوص بازداشت #اسماعیل_بخشی و #علی_نجاتی را به شدت محکوم می کند.

همچنین شورای هماهنگی در آستانه روز ۱۶ آذر، روز “مبارزه با استبداد و استعمار”، روز دانشجو را به تمام دانشجویان عزیز تبریک می گوید. همانگونه که دانشجویان در حمایت از کارگران و معلمان شعار دادند “فرزند کارگرانیم/معلمانیم، کنارشان می مانیم”. معلمان نیز از دانش آموزان دیروز خود حمایت می کنند.

اگر چه بخاطر فقدان سیاست های درست و راهبردی متأسفانه بین مدرسه و دانشگاه پیوندی ارگانیک وجود ندارد اما دانشجویان و معلمان وقتی از عدالت آموزشی، نفی پولی سازی آموزش و استقلال نهاد دانشگاه و مدرسه از قدرت سخن می گویند جنس مطالباتشان یکی است.

شورای هماهنگی با تاکید بر این نکته که دانشگاه مکمل مدرسه است و بایستی عرصه آموزش عاری از سیاست های انحصاری صاحبان قدرت باشد بر حق تشکل یابی مستقل دانشجویان تاکید کرده از شوراهای صنفی دانشجویی حمایت می کند.

شورای هماهنگی خواهان توقف روند کالایی سازی آموزش عالی است و تاکید می کند روند سرکوب فعالان دانشجویی باید متوقف گردد و برای دهها دانشجویی که در یک سال گذشته زندانی و به حبس های سنگین محکوم شده اند باید حکم منع تعقیب صادر گردد.

در پایان تاکید می کنیم اگر چه کارگران، دانشجویان و معلمان به تناسب حرفه و جایگاه خود مطالبات جداگانه ای دارند اما برخی مطالبات نیز مشترک است بعنوان مثال “برخورداری از حقوق و دستمزد بالای خط فقر” از مطالبات مشترک کارگران و معلمان است و اینک “توقف خصوصی سازی”، “آزادی فعالان صنفی” و “تشکل یابی مستقل” و “آموزش همگانی رایگان و کیفی و عادلانه” از جمله مطالبات مشترک جنبش معلمان، دانشجویان و کارگران است.

پس ضروری است کارگران، معلمان و دانشجویان ضمن پیگیری مطالبات حوزه خود، مطالبات مشترک را نقطه پیوند اجتماعی قرار داده و برای رفع تبعیض از جامعه، بسط آزادی و عدالت اجتماعی در کنار هم تلاش نمایند.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران

حمایت سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه از کارگران فولاد اهواز!

کارگران عزیز و هم طبقه ای ها در فولاد اهواز؛ صدای رسای شما عزیزان در تجمعات اعتراضی بر حق شما را کارگران هفت تپه، تمام کارگران کشور و تمام دنیا شنیده است. اعتراضات متحدانه، شکوهمند و غرورآفرین شما در شهر اهواز برگ جدید و افتخارآمیزی در تاریخ مبارزات جنبش کارگری است. خواسته های برحق و قانونی شما دوستان عزیز مورد تایید و حمایت ما کارگران هفت تپه و تمامی کارگران ایران و جهان است .

ما صدای دادخواهی شما را روزهای متمادی است که شنیده ایم و آنرا صدای خودمان میدانیم. مطالبات کارگری و برحق شما عزیزان، مورد تایید و خواسته ی ما نیز هست. ما صدای وحدت بخش و همدلانه و صمیمانه ی شما را شنیدیم که از کارگران هفت تپه و دوستان بازداشت شده ی ما اسماعیل بخشی و علی نجاتی حمایت کردید. فریاد شما که میگویید " کارگر هفت تپه آزاد باید گردد"، آن فریاد لازمی است که همه ی کارگران باید در حمایت از یکدیگر سر دهند. همدلی شما عزیزان برای ما قوت قلب و امیدی بود و تایید بر این واقعیت که کارگران در اتحاد و همبستگی خواهند توانست به خواسته ها و مطالبات بر حق خود دست یابند .

بدینوسیله اعلام میداریم که ما از مطالبات شما کارگران فولاد حمایت میکنیم و خواستار اجرایی شدن این مطالبات برای کارگران گروه ملی فولاد اهواز هستیم:

- بازگشت شرکت به بدنه دولت

- ورود مستمر شمش و مواد اولیه

- راه اندازی تمام خطوط تولید و تامین تجهیزات و قطعات مورد نیاز

- فروش مستمر محصولات

- پرداخت به موقع و مستمر حقوق

و همچنین: مطالبات حداقلی دیگری چون اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، شمول طرح مشاغل سخت و زیان آور، افزایش دستمزد با لحاظ نظر نمایندگان مستقل کارگری و برخورداری کارگران از امکانات رفاهی لازم. ما نیز کارگران فولادیم و با شما عزیزان همراه و متحد. امیدواریم بتوانید هر چه زودتر و همزمان با اعتراضات برحق خودتان در راستای ایجاد و تثبیت تشکل کارگری مستقل از دولت و کارفرما نیز قدم های محکمی بردارید.

چهارشنبه ۱۴ آذرماه ۹۷

فراخوان کارزار سراسری در حمایت از کارگران هفت تپه و برای آزادی اسماعیل بخشی، علی نجاتی و سپیده قلیان

ما تشکل‌ها و نهادهای مستقل کارگری در ایران و نیز جمعی از فعالین کارگری هفت تپه و دیگر نقاط کشور، سرکوب، بازداشت و حبس کارگران حق طلب نیشکر هفت تپه را قویا محکوم می‌کنیم.

پس از آنکه در تاریخ ۲۷ آبان ماه نمایندگان کارگران اعتصابی هفت تپه بازداشت شدند، بدنبال اعتراضات عمومی، همه آنها به جز اسماعیل بخشی با قید کفالت آزاد شده‌اند. مقامات برای تسهیل سرکوب کارگران و مطالباتشان به دنبال بهانه و در صدد پرونده سازی امنیتی علیه اسماعیل بخشی هستند. این نخستین بار نیست که نمایندگان کارگران و فعالین کارگری در شهرهای مختلف کشور با اتهامات واهی امنیتی بازداشت و زندانی شده‌اند. اسماعیل بخشی نماینده منتخب کارگران نیشکر هفت تپه است. هزاران کارگر هفت تپه مدتهای طولانی و به کرات علیه خصوصی سازی و تجزیه شرکت و برای احقاق حقوق و دستمزدهای معوقه خود اعتصاب و اعتراض کرده‌اند. هرچند سرکوب کارگران و پرونده سازی امنیتی برای نمایندگان این کارگران ممکن است بصورت مقطعی اعتصاب و اعتراض آنان را موقتا کم رنگ کند اما قطعا صدای اعتراض آنان خاموش نخواهد شد.

در اقدام سرکوبگرانه ی دیگری، ماموران امنیتی در روز هشتم آذرماه، با یورش به منزل علی نجاتی، کارگر و عضو هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه را ضرب و شتم کرده و به مکان نامعلومی منتقل کردند. مقامات قضایی نخست به دروغ اعلام کردند این دستگیری بابت پرنده ی دیگری است اما بعدها علی نجاتی را به اعتصابات هفت تپه منتسب کردند و برای او پرونده ی دیگری مفتوح کرده‌اند. این در حالی است که آقای نجاتی منجمله از ناراحتی قلبی رنج میبرد و در این مورد چند بار مورد عمل جراحی قرار گرفته و هنگام بازداشت نیز دچار ناراحتی جسمی شده است.

همچنین خانم سپیده قلیان شهروندی که در همدلی با خانواده های کارگران هفت تپه در تجمع مسالمت آمیز آنها شرکت داشته مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفته و بازداشت شده است. مطابق اخبار موثق، اسماعیل بخشی و خانم قلیان علاوه بر ضرب و شتم شدید تحت بازجویی ها و فشارهای روحی و جسمی شدید نگه داشته شده‌اند

و نگرانی های جدی درباره سلامت آنها وجود دارد. تاسف آور این است که مقامات قضایی حتا اجازه مطالعه پرونده را به وکیل این عزیزان نداده است و کماکان و بی هیچ بهانه ای قرار بازداشت آنها را تمدید کرده اند.

اختلاس های میلیاردی و غارت اموال عمومی توسط مسئولین دولتی و سرمایه داران، تبدیل به یک واقعیت غیرقابل انکار شده و انزجار مردم کشور را به همراه آورده است. کارگران و خانواده های کارگری و تهیدست، قربانیان این غارتها و خشونت های اقتصادی هستند تا جایی که از تامین ابتدایی ترین نیازهای زندگی خود نیز محروم شده اند. در عوض و در تداوم این روند فلاکت بار، اعتراض و اعتصاب بر حق کارگران، معلمان، پرستاران و دیگر اقشار جامعه با تهدید، باتوم و حبس مواجه شده است، حال آنکه کارفرمای دزد و مختلس آزادانه جولان می دهد.

ما امضا کنندگان این فراخوان از کلیه کارگران و تشکلات کارگری در ایران و جهان درخواست می کنیم که صدای اعتراض کارگران هفت تپه باشند و متحدانه برای آزادی فوری و بدون قید و شرط اسماعیل بخشی و علی نجاتی و نیز تحقق مطالبات کارگران نیشکر هفت تپه و همچنین برای آزادی خانم سپیده قلیان، شهروندی که در تجمعات کارگران و خانواده هایشان حضور داشته و بازداشت شده است از هر گونه اقدامات حمایتی دریغ نکنند. از اعتراضات کارگران هفت تپه و فولاد و مناطق دیگر حمایت و در آن شرکت کنیم. طومارها و نامه های اعتراضی برای آزادی کارگران زندانی را امضا و پخش کنیم. در محیط های کار و زندگی پلاکاردهای آزادی کارگران زندانی را در دست بگیریم. در رسانه های اجتماعی، حمایت از کارگران زندانی را برجسته نگاه داریم و از هر اقدام دیگری دریغ نکنیم.

کارزار سراسری برای آزادی اسماعیل بخشی، علی نجاتی و سپیده قلیان و حمایت از مبارزات کارگران هفت تپه و فولاد را تا پیروزی آنها ادامه دهیم و اجازه ندهیم که تهدید و سرکوب مانع از حمایت ما کارگران از یکدیگر شود.

کارگر متحد و متشکل همه چیز، کارگر منفرد و متفرق هیچ چیز

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

کانون صنفی معلمان تهران

گروه اتحاد بازنشستگان

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

معلمان عدالتخواه

۱۶ آذر ۱۳۹۷

آدرس سایت سندیکای کارگران شرکت واحد:

www.vahedsyndica.com

ارتباط با جی میل سندیکای کارگران شرکت واحد:

vsyndica@gmail.com

لینک کانال تلگرام سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

<http://t.me/vahedsyndica>

حمایت دانشجویان دانشگاه‌های مختلف ایران از اعتراضات و اعتصابات کارگران هفت تپه و فولاد

بعد از شروع اعتراضات و اعتصابات کارگران هفت تپه برای خواست و مطالباتشان، دولت هار سرمایه داری جمهوری اسلامی از یک طرف با دستگیری نمایندگان کارگران و از سوی دیگر با ایجاد تفرقه و نفاق سعی در به شکست کشاندن این اعتراضات کرد. اما در طرف مقابل لایه های متفاوت جامعه حمایت و پشتیبانی بی دریغ خود را از خواست و مطالبات برحق کارگران و دستگیر شدگان را اعلام کردند در این میان دانشجویان دانشگاهی مختلف ایران در سطوح متفاوت و به اشکال گوناگون از کارگران و خواست و مطالباتشان حمایت و همبستگی خود را با کارگران اعلام کردند.

تجمع دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی تهران در حمایت از اعتصابات و اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه

دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی در حمایت از کارگران متحصن نیشکر هفت تپه صبح روز، دوشنبه ۲۸ آبان ۹۷، در محوطه این دانشگاه تجمع اعتراضی برگزار کردند.

دانشجویان علامه شعار میدادند: «نان کار آزادی، نبرد تا رهایی»، «کارگر زندانی آزاد باید گردد»، «معلم زندانی آزاد باید گردد»، «اسماعیل بخشی آزاد باید گردد»، «نان کار آزادی آموزش رهایی»

در بخشهایی از بیانیه دانشجویان آمده است:

تولید چیزی جز ماحصل رنج و نیروی کار خود کارگران نیست که میخواهند آن را از آن خودشان کنند. با درود به کارگران هفت تپه و همه کارگران ستمکش خاور میانه. گسترش مبارزات کارگران هفت تپه که در ادامه اعتراضات و اعتصابات چند سال اخیر این کارگران در راستای منافع به حق خود یعنی نظارت بر تولیدی که ماحصل نیروی کار همین کارگران است هم هنگام با غلبه خصوصی سازی بر همه جوانب روزمره ما پاسخی آگاهانه و همه جانبه را از ما می طلبد.

دانشگاه تهران

روز چهارشنبه ۲۹ آبان ماه ۹۷، دانشجویان دانشگاه تهران در حمایت از کارگران هفت تپه و در اعتراض به بازداشت کارگران تجمع اعتراضی برگزار کردند.

این دانشجویان با جمع شدن در محوطه دانشگاه، پلاکاردهایی در دست گرفته بودند که رویشان نوشته شده بود: «فرزند کارگرانیم، کنارشان میمانیم»، «از هفت تپه تا تهران، سرکوب زحمت کشان» و... در ادامه دانشجویان با قرائت بیانیه ای همبستگی خود را با کارگران زحمت کش هفت تپه اعلام کردند.

اعلام همبستگی دانشجویان با کارگران

در دهه های اخیر، دولت های گوناگون، با وجود رنگ و لعاب متفاوتشان، همگی یک برنامه ی واحد را دنبال می کردند: سلب حقوق اجتماعی زحمتکشان، کوچک کردن نقش دولت در اقتصاد و خدمات اجتماعی و تسهیل راه سودجویی سرمایه داران خصوصی و دولتی. این برنامه در ساحت های گوناگون زندگی اجتماعی - از اقتصاد گرفته تا آموزش و درمان - اجرا شده است. پایه ی این برنامه ها یک چیز بوده است: سلب قدرت و مالکیت از زحمتکشان، به حاشیه راندن مضاعف آنان و واگذاری تمام ارکان قدرت و تصمیم گیری در همه ی سطوح جامعه به دست طبقات مسلط.

چند ماهی می شود که در نقطه ای از کشور، این پایه ی نه چندان محکم هدف قرار گرفته است: در شهر شوش، در شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه. کارگران هفت تپه از خواسته ی دستمزدهای معوقه آغاز کردند و چند ماه پیش به طرح خواسته ی اداره ی شورایی شرکت رسیدند. کارگران در روند فعالیت های خود به این نتیجه رسیده بودند که کوچک ترین خواسته هایشان نیز یک علت عمده دارد: ساختار قدرت و تصمیم گیری ای که هر دم بیش تر آن ها را به حاشیه می راند، ساختاری که می خواهد آن ها بردگانی گوش به فرمان و مزدبگیر باشند - تازه اگر خبری از مُزد باشد.

کارگران هفت تپه که هر دو شکل مدیریت دولتی و خصوصی و آفت هایش را تجربه کرده بودند دریافتند که فارغ از دولتی یا خصوصی بودن مدیران، فقر و تنگدستی و بی قدرتی ملازم زندگیشان است. هر آنچه از اعتصابات هفت تپه در ماه های اخیر دیده و شنیده ایم، مبارزه ی کارگران با دوگانه ی خصوصی/دولتی و تلاش برای اجرایی کردن ایده ی اداره ی شورایی بوده است. روز یکشنبه ۲۷ آبان، نیروهای امنیتی با بازداشت ۱۹ نفر از کارگران و نمایندگان کارگری هفت تپه به این تلاش ها پاسخ دادند. اما برخلاف تصورات آن ها، این بازداشت ها نه تنها به عقب نشینی کارگران هفت تپه نینجامید، بلکه اعتصابات تا مقابل دادگاه شهر شوش پیش رفت. کارگرانی که طعم کار جمعی را چشیده بودند، لحظه ای در دفاع از همکاران و یارانشان عقب نشستند.

ورشکستگی هفت تپه آینه‌ای از ورشکستگی آموزش عالی است. سیاست‌هایی که با خصوصی‌سازی هفت تپه و کارگزارانش را به ورشکستگی کشاندند، درون دانشگاه‌ها پیامدهایی مصیبت‌بار به دنبال داشته‌اند: تشدید تضاد طبقاتی، کاهش کیفیت علمی آموزش عالی، دور افتادن مطالعات دانشگاهی از نیازها و مطالبات مردم و تبدیل آن به ابزار سودآوری سرمایه و اعمال کنترل بر کار، و دلمردگی فضای دانشگاه‌ها. با پیشروی سیاست‌های پولی‌سازی در مدارس و دانشگاه‌ها، دستیابی به تحصیلات عالی برای فرزندان اقشار زحمتکش بیش از پیش دشوار می‌شود. دانشگاه هر دم بیش تر به جولانگاه ثروتمندان بدل می‌شود. همچنین، پیشبرد طرح‌هایی در جهت تبدیل دانشگاه به یک بنگاه سودآور و کارخانه‌ی کارمندسازی این محیط را هرچه بیش تر به زندگی زحمتکشانی بی تفاوت می‌کند. دانشجو هرچه بیش تر باید به فکر موفقیت و پیشرفت شخصی خود با خدمت به طبقات مسلط باشد و مسئولیت و تعهد اجتماعی بی معنا می‌شود. تلاش جنبش صنفی در تمام این سال‌ها آن بوده که فارغ از توقع و تصور دست‌اندرکاران دانشگاه از فعالیت صنفی، صدایی باشد علیه این رویه‌ها و در حد توانش این رویه‌ها را به عقب براند. جنبش صنفی صدای تعهد اجتماعی دانشگاه نسبت به زندگی و مطالبات فرودستان بوده است، در برابر جریانی که هر روز در گوش دانشگاه آواز بی‌تعهدی و بی‌مسئولیتی می‌خواند.

امروز، بسان سال‌های گذشته، ما دانشجویان و فعالان صنفی خود را هم‌سرنوشت تمام زحمتکشانی می‌دانیم که زیر ضرب انواع و اقسام حملات اقتصادی و امنیتی بوده‌اند، زحمتکشانی که با وجود هزاران درد و سختی، به قدرت خویش برای اداره‌ی امورشان پی برده‌اند. ما دانشجویان و فعالان صنفی، نظر به این هم‌سرنوشتی، همبستگی خود را با کارگران هفت تپه اعلام و بازداشت نمایندگان کارگری این شرکت را قویاً محکوم می‌کنیم.

حمایت دانشجویان نوشیروانی بابل در چهارشنبه ۳۰ آبان از اعتصاب کارگران

دانشجویان این دانشگاه در آفی تئاتر این دانشگاه پلاکارهای را که بروی فرزند کارگرانیم / کارگر زندانی آزاد باید گردد / دانشجو معلم کارگر اتحاد نوشته بودند حمایت و همبستگی خود را از کارگران هفت تپه اعلام کردند.

جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران در حمایت از کارگران هفت تپه و فولاد در پردیس مرکزی دانشگاه تهران تجمع کردند.

- هفت تپه هپکو فولاد کارگر دانشجو اتحاد اتحاد
- هفته تپه‌ی خوزستان الگوی زحمتکش
- دانشجو آگاه است با کارگر همراه است
- ایستاده‌ایم در سنگر دانشجو کارگر
- فرزندان کارگرانیم کنارشان میمانیم

- کارگر زندانی آزاد باید گردد

بیانیه‌ی تجمع

این جمع همچنین بیانیه‌ای با عنوان «اعلام همبستگی دانشجویان با کارگران هفت تپه» صادر کرده‌اند که در بخشی از آن آمده است.

ورشکستگی هفت تپه آینه‌ای از ورشکستگی آموزش عالی است. سیاست‌هایی که با خصوصی‌سازی هفت تپه و کارگزارانش را به ورشکستگی کشاندند، درون دانشگاه‌ها پیامدهایی مصیبت‌بار به دنبال داشته‌اند: تشدید تضاد طبقاتی، کاهش کیفیت علمی آموزش عالی، دور افتادن مطالعات دانشگاهی از نیازها و مطالبات مردم و تبدیل آن به ابزار سودآوری سرمایه و اعمال کنترل بر کار، و دلمردگی فضای دانشگاه‌ها. با پیشروی سیاست‌های پولی‌سازی در مدارس و دانشگاه‌ها، دستیابی به تحصیلات عالی برای فرزندان اقشار زحمتکش بیش از پیش دشوار می‌شود. دانشگاه هر دم بیش تر به جولانگاه ثروتمندان بدل می‌شود. همچنین، پیشبرد طرح‌هایی در جهت تبدیل دانشگاه به یک بنگاه سودآور و کارخانه‌ی کارمندسازی این محیط را هر چه بیش تر به زندگی زحمتکشان بی تفاوت می‌کند. دانشجو هر چه بیش تر باید به فکر موفقیت و پیشرفت شخصی خود با خدمت به طبقات مسلط باشد و مسئولیت و تعهد اجتماعی بی معنا می‌شود. تلاش جنبش صنفی در تمام این سال‌ها آن بوده که فارغ از توقع و تصور دست‌اندرکاران دانش‌بنگاه از فعالیت صنفی، صدایی باشد علیه این رویه‌ها و در حد توانش این رویه‌ها را به عقب براند. جنبش صنفی صدای تعهد اجتماعی دانشگاه نسبت به زندگی و مطالبات فرودستان بوده است، در برابر جریانی که هر روز در گوش دانشگاه آواز بی‌تعهدی و بی‌مسئولیتی می‌خواند.

همبستگی دانشجویان دانشگاه هنر با کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز

روز چهارشنبه ۷ آذر ۹۷ دانشجویان دانشگاه هنر در همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه و کارگران گروه ملی فولاد اهواز گرد هم آمده و همبستگی خود را با این کارگران اعلام کردند.

دانشجویان رشته‌های مختلف هنر، علاوه بر اعلام حمایت از مطالبات کارگران و معلمان، این پیام را منعکس کردند که:

- هنرمند بخواهد نخواهد سیاسی است
- فرزند کارگرانیم؛ کنارشان می‌مانیم
- هفت تپه خوزستان؛ الگوی زحمتکشان
- دانشجویان دانشگاه قیامدشت

روز سه‌شنبه ۶ آذر ۱۳۹۷ دانشجویان دانشگاه قیامدشت حمایت و همبستگی خود را با کارگران هفت تپه و کارگران گروه ملی فولاد اهواز اعلام کردند.

ما دانشجویان دانشگاه قیامدشت تهران حمایت خود را از کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز و همچنین از کشاورزان اصفهان و پرستاران بیمارستان خمینی در کرج اعلام می‌نماییم.

- دانشجویان بیدار است
- کارگر زندانی آزاد باید گردد
- حقوق مردم مظلوم ایران پرداخت باید گردد
- حقوق ملتو پس می‌گیریم
- ایران را آزاد می‌کنیم

تهران ۶ آذر ۱۳۹۷

حمایت دانشجویان دانشگاه جهان وطن شهر مونیخ آلمان از کارگران هفت تپه

چهارشنبه ۷ آذر ۱۳۹۷ دانشجویان دانشگاه جهان وطن شهر مونیخ آلمان با ارسال عکسی از جمعی از دانشجویان حمایت خود را از اعتصاب و اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کردند. روی دستنوشته دانشجویان که در دست گرفته‌اند؛ نوشته است: «همبستگی از مونیخ» «اسماعیل بخشی را آزاد کنید» و «ما همه هفت تپه‌ای هستیم» و «در حمایت از زنان کارگر هفت تپه»

دانشگاه زنجان

روز چهارشنبه ۷ آذرماه ۹۷ حمایت و همبستگی دانشجویان زنجان از کارگران با برگزاری یک تجمع اعتراضی در این دانشگاه برگزار شد! دانشجویان دانشگاه زنجان با کارگران هفت تپه، فولاد و هپکو اراک اعلام همبستگی کردند دانشجویان در این تجمع پلاکاردهایی در دست داشتند که روی آنها نوشته بودند به هر کجا که نشان ز ثروت است ز حاصل تلاش کارگر است.

- فرزند کارگرانیم کنارشان میمانیم
- نان کار آزادی
- کارگران زندانی را آزاد کنید
- دانشجو کارگر معلم اتحاد اتحاد

دانشگاه رازی کرمانشاه در حمایت از فولاد و هفت تپه و معلمان زندانی

سه شنبه برابر با ۱۳ آذرماه ۱۳۹۷ خورشیدی، جمع کثیری از دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه در سالن آمفی تئاتر این دانشگاه، در حمایت از معلمان دربند و کارگران بازداشتی نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز با در دست داشتن پلاکارد و بنرهایی با مضمون "نان، کار، آزادی و فرزند کارگرانیم، همراهشان می‌مائیم و نان، آزادی و برابری دست به تجمع اعتراضی زدند.

پیام دانشجویان دانشگاه چمران اهواز

زنده باد جنبش کارگری ایران

پیام کوتاه مرا از خوابگاهی میشنوید که امکانات اولیه زیستن در آن وجود ندارد. قلب ما دانشجویان طبقه ی کارگر در خوابگاه های دانشگاه چمران اهواز برای تک تک شما میتپد. هفت تپه امروز برای جنبش دانشجویی یک مدرسه ست و اساتید ما نه اساتید سکوت و مجریان نئولیبرال سازی دانشگاه که شما کارگرانید.

فریادهای اسماعیل طبقه ی کارگر در لحظه لحظه ی زندگی حضور دارد. آلترناتیو ما شوراهای مردمی و کارگری ست، ما دیگر چیزی برای از دست دادن نداریم مگر زنجیرهایمان.

۱۶ آذر امسال روز دانشجو مصادف شده ست با همبستگی دانشجویان و کارگران، از چندی پیش شروع کرده اند به کنکاش و جستجو تا فرزندان طبقه ی کارگر را در دانشگاه سرکوب کنند. اما من آن روز را میبینم که ماموران لباس آبی دانشگاه با ما متحد شوند.

تجمع دانشجویان دانشگاه امیرکبیر (پلی تکنیک) تهران در حمایت از فولاد و هفت تپه

دانشجویان دانشگاه امیرکبیر تهران روز سه شنبه ۱۳ آذر در حمایت از اعتصاب و اعتراض کارگران فولاد و هفت تپه و معلمان دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار آزادی کارگران، معلمان و دانشجویان زندانی شدند.

این اعتراضات در پی فراخوان از پیش اعلام شده توسط دانشجویان در محوطه دانشگاه امیرکبیر برگزار شد و دانشجویان در حالی که دست‌هایشان را در یکدیگر زنجیر کرده بودند، دست‌نوشته‌هایی را به همراه داشتند که بر روی آن‌ها نوشته شده بود: «توپ تانک مسلسل دیگر اثر ندارد»، «کارگر دانشجو اتحاد اتحاد»، «کارگر، دانشجو، معلم زندانی آزاد باید گردد».

دانشگاه رازی کرمانشاه در حمایت از فولاد، هفت تپه و هپکو

در تاریخ ۱۴ آذر ۹۷ دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه حمایت با در دست داشتن پلاکاردهای که روی آنها نوشته شده بود از هفت تپه تا تهران، کارگران درزندان - فرزندان کارگرانیم، کنارشان میمانیم هپکو، فولاد، هفت تپه پیوندتان مبارک از کارگران هفت تپه و فولاد اهواز و هپکو اراک حمایت خود را اعلام کردند.

یکشنبه ۱۸ آذر ۹۷

بر متن اعتراضات کارگران فولاد و هفت تپه ۱۶ آذر امسال در دانشگاه های مختلف برگزار شد در این اعتراضات ما شاهد حمایت و همبستگی مجدد دانشجویان از کارگران هفت تپه و فولاد بودیم .

دانشجویان دانشگاه تهران روز شنبه ۱۸ آذر برابر ورودی دانشگاه دست به تجمع زدند

دانشجویان در حمایت از معلمین، دانشجویان و کارگران زندانی شعار می دادند: کارگر، دانشجو، اتحاد اتحاد

دانشجویان دانشکده فنی شمسی پور تهران به مناسبت روز دانشجو تجمع اعتراضی برپا کردند. دانشجویان شعار می دادند: دانشجو آگاه است، با کارگر همراه است، آموزش و سلامت، در خدمت تجارت، تفکیک جنسیتی، برای چی؟ برای چی؟، حتی خوابگاه نداریم، چطور دووم بیاریم؟

دانشجویان دانشکده هنر با شعارهای در حمایت از کارگران به مناسبت روز تجمع اعتراضی برپا کردند. همچنین دانشجویان گردهمایی ها و تظاهراتی اعتراضی در دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه تربیت معلم در تهران، دانشگاه نوشیروانی بابل، دانشگاه تبریز، دانشگاه گرمسار، دانشگاه اهواز، دانشگاه سمنان و دانشگاه علوم پزشکی سهند، دانشگاه فنی تبریز، دانشگاه مرنند و دانشگاه ارومیه برگزار کردند.

دانشجویان در دانشگاه های مختلف شعار دانشجوی زندانی آزاد باید گردد سردادند و به حمایت از اعتصابها و اعتراضهای کارگری برخاستند.

جمعی از وکلای دادگستری به حسن روحانی؛ شکنجه اسماعیل بخشی دردناک و مایه شرمساری است

جناب آقای حسن روحانی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

باسلام

احتراما پیرو بیانیه‌ی قبلی که خطاب به ملت ایران در مورد جلوگیری از شکنجه آقای اسماعیل بخشی صادر کرده بودیم و با استناد به اصول سوم، هشتم، نهم، بیست و دوم، سی و چهارم، سی و هشتم، یکصد و سیزدهم و یکصد و بیست و یکم قانون اساسی و ماده ۱۶۹ و ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳۵ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ایران و ماده‌ی یک کنوانسیون منع شکنجه و ماده‌ی ۵ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و مقررات کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو و دو پروتکل اختیاری الحاقی به آن در سال ۱۹۷۷ و کنوانسیون‌های حقوق سیاسی مدنی ژنو ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ و مفاد منشور حقوق شهروندی و سایر مقررات مرتبط به استحضار می‌رساند؛

موضوع شکنجه‌های صورت گرفته علیه آقای اسماعیل بخشی بسیار دردناک و تاسف‌بار و مایه‌ی شرمساری است و جای پرسش است که حضرت‌عالی به عنوان رئیس جمهور ملت ایران چرا سکوت کرده‌اید؟ زیرا طبق اصل یکصد و سیزدهم سوگند وفاداری و پاسداری از اصول شریف قانون اساسی بسان اصل سی و هشتم را یاد کرده‌اید که بطور کامل هر نوع شکنجه را ممنوع اعلام کرده است و شکنجه‌گران را قابل تعقیب کیفری دانسته و حسب اصل یکصد و بیست و یکم این قانون، جنابعالی مسئول اجرای قانون اساسی هستید و این تکلیف مهم عهده‌ی شماست و در یک تبلیغات وسیع انتخاباتی منشور حقوق شهروندی را مطرح و در انظار عمومی و در حضور خبرنگاران و فعالان مدنی کشور آن را امضا کرده‌اید و سوگند و قول تحقق آن را بیان کرده‌اید که در آن تصریحا هر نوع شکنجه ممنوع اعلام گردیده است، اما شاهد شکنجه‌ی آقای اسماعیل بخشی هستیم که گناه ناکرده‌ی وی فقط اعتراض به نقض حقوق کارگری خود و عدم پرداخت دستمزد عادی بوده است.

جناب رئیس جمهور! چرا از کنار این موضوع به سادگی رد می‌شوید؟ چرا شهادت و شجاعت لازم به پشتوانه‌ی رای ملت در برخورد با شکنجه‌گران را ندارید؟ زیرا یا این شکنجه‌ها مورد تایید حضرت‌عالی است؟ یا رعایت

کرامت ذاتی بشر برای شما اهمیتی ندارد که چنین ساده از کنار آن رد می‌شوید؟ بلاشک شکنجه از پلید ترین اقدامات غیر انسانی علیه بشریت است که کرامت ذاتی بشر را پایمال و ارجمندی آن را از بین می‌برد.

جناب رئیس جمهور! برای حفظ حرمت این ملت ستمدیده و اندک آبروی باقیمانده برای دولت ایران و پاسداری از اصول قانون اساسی، به موضوع شکنجه‌ی آقای اسماعیل بخشی و دیگر کارگران مظلوم خوزستان و سایر متهمین امنیتی و سیاسی دیگر که چنین از شکنجه رنج می‌برند وارد شده و دستورات شایسته برای تعقیب کیفری شکنجه‌گران صادر فرمایید. بگذارید با این اقدام خود در تاریخ نامی نیک برای خود رقم زنید و تا دیر نشده دست بکار شوید و گزارش آن را به جناب اسماعیل بخشی و ملت ایران ارائه دهید. تصمیم شما احترام به انسانیت، قواعد حقوق بشر، قوانین و ایفای تعهدات بین‌المللی ایران است.

سالیان سال است که شکنجه ایران و ایرانیان را رنج می‌دهد و بصورت سیستماتیک در نهادهای خاص امنیتی و اطلاعاتی متهمین و ملت ایران را آزار می‌دهد و قوه قضاییه نه تنها نظاره‌گر و ساکت بوده بلکه همگام و همراه آنان بوده است و با انکار و تکذیب نمس تواند پاسخگوی تاریخ و ملت ایران بود.

با احترام مجدد

حسین احمدی نیاز، محمد مصطفایی، هوشمند رحیمی، مسعود اختری تهرانی، احسن حسن پور.

اخبار روز: www.akhbar-rooz.com

شنبه ۱۵ دی ۱۳۹۷ - ۵ ژانویه ۲۰۱۹

بیانیه ۵۱ تن از وکلای دادگستری در حمایت از حقوق کارگران معترض سراسر ایران

آنان که دل و عقل در گرو عدالت دارند

همیشه نسبت به عدالت و رفع تبعیض ناروا در جامعه حساس بوده، دغدغه‌های جدی داشته و دارند.

معمولاً انواع مختلف قدرت (سیاسی، مالی و ...) خاستگاه ظلم و تبعیض می‌باشد و تلاش برای عدالت، معنایی غیر از تلاش برای تعدیل قدرت و حمایت از اقشار ضعیف در مقابل صاحبان قدرت ندارد.

از جمله اقشار ضعیف در جوامع، کارگران هستند که همیشه از جانب صاحبان سرمایه و پول مورد ظلم قرار گرفته‌اند و حمایت از آنها گامی به سوی عدالت خواهد بود.

با عنایت به اعتراضات اخیر کارگران نسبت به جفاهایی که در حق آنها رفته است و رسالت وکلای دادگستری در دفاع از حقوق جامعه و برقراری عدالت، ما جمعی از وکلای دادگستری ضمن حمایت از اعتراض کارگران در نقاط مختلف کشور به ویژه خوزستان، آمادگی خویش را برای اعلام وکالت از آنها اعلام می‌نماییم.

به حکومت نیز اندرز می‌دهیم که با سرلوحه قرار دادن اصول ۲۰، ۲۲، ۲۷، ۲۸، ۲۹ و بند های ۲ و ۴ اصل ۴۳ قانون اساسی و میثاق‌ها و مقاله‌نامه‌های بین‌المللی که آنها را امضاء کرده است، به جای برخورد با کارگران، به تکالیف قانونی خود در حمایت از آنها عمل کرده و به خواسته‌های به حق آنها تمکین و زمینه‌ی تحقق آنها را فراهم نماید.

۱- آرش رجبی کرمانشاهی ۲- سمیه سلیمی ۳- پروانه شهبواری ۴- سارا اله ویسی ۵- حسن رنجبر ۶- شهاب تجری ۷- کیوان عزیزی ۸- سیروس آزادی ۹- محمدرضا پشمی ۱۰- وحید کریم پور ۱۱- اردشیر محمدی ۱۲- حسین ناصری ۱۳- امیرحسین پویان فر ۱۴- الهام الماسی ۱۵- صالح نیک بخت ۱۶- مصطفی احمدیان ۱۷- سید محمد اکبری ۱۸- حجت اله مرادی ۱۹- پرورش هاشمی ۲۰- نعمت فلاح پیشه ۲۱- روح اله پیروزی نژاد ۲۲- یزدان گل محمدی ۲۳- مریم انصاری پور ۲۴- نجمه شاه آبادی ۲۵- حامد دارابی ۲۶- معصومه راحمی ۲۷- مصلح قربانی ۲۸- حیدر خدامرادی ۲۹- اسماعیل سالاری پور ۳۰- امیر سجادی ۳۱- مازیار طاطائی ۳۲- عرفان

عارفی ۳۳- آرش کمانگر ۳۴- کامل خلیلی ۳۵- میثم عزیزخانیان ۳۶- شهین اسمعیلی ۳۷- عبداللطیف ولدبیگی
۳۸- بهروز نعلبندی ۳۹- حسین احمدی نیاز ۴۰- حسین آزریده ۴۱- مهرداد مهری ۴۲- سجاد خسروی ۴۳- احسن
حسن پور ۴۴- فریدون دندانمزد ۴۵- عبدالعظیم برومندیان ۴۶- عثمان مزین ۴۷- کامران مرادخانی ۴۸- مرضیه
سادات رضوی ۴۹- هومن علیزاده ۵۰- کورش حافظی مقدم ۵۱- فواد متوسل.”

بیانیه جمعی از معلمان ایران در حمایت از اسماعیل بخشی و اعتراض به خط سرکوب فعالان صنفی و مدنی

سیصد گل سرخ یک گل نصرانی/ ما را ز سر بریده می ترسانی؟

گر ما ز سر بریده می ترسیدیم/ در مجلس عاشقان نمی رقصیدیم

معلمان عدالت خواه

کارگران مبارز

دانشجویان آزادی خواه

مردم شریف ایران

با توجه به گذشت چهل سال از انقلاب در حالی که خواست انقلابیون راستین و مردم آزاده ایران از میان برداشتن مظاهر دیکتاتوری و وجود آزادی اعتراضات و اجتماعات بوده و هست؛ متأسفانه شاهد برخوردهای قهری و خشن با معترضان اقشار مختلف از جمله معلمان و کارگران هستیم.

پس از دستگیری خشونت بار معلم عدالت خواه، محمد حبیبی، که با ضرب و شتم و به کار بردن الفاظ رکیک صورت گرفت، امروز شاهد رنج نامه کارگر زحمتکش، اسماعیل بخشی هستیم که به شرح شکنجه های وحشیانه در دوران بازداشت در اداره اطلاعات پرداخته است.

ما، گروهی از فرهنگیان ایران، ضمن محکوم کردن این رفتارهای غیر انسانی و غیر قانونی حمایت خود را از آقای اسماعیل بخشی اعلام می داریم و تاکید می کنیم با پخش برنامه هایی که یادآور "برنامه هویت" دوران سعید امامی است نمی توان حقیقت را وارونه کرد.

ما سخنان اسماعیل بخشی را باور داریم و خواستار مجازات آمران و عاملان شکنجه هستیم.

چرا که بسیاری از همکاران ما توهین و ضرب و شتم معلمان شاغل و بازنشسته بخصوص محمد حبیبی را دیده یا شنیده اند.

وقتی نیروهای امنیتی به خود اجازه می دهند در برابر دیدگان ما و در مقابل دوربین ها اینگونه معلمان زن بازنشسته را مورد خشونت قرار دهند؛ کتف یکی را بشکنند و با ضربه مشت ابروی دیگری را بشکافند، و با تیز بر کیف بانوی معلمی را پاره نمایند یا بازنشسته شریف هاشم خواستار را ربوده در بیمارستان روانی بستری نمایند و به هیچ کس پاسخگو نباشند، پس تصور شکنجه کارگر مظلومی مانند اسماعیل بخشی پشت درهای بسته و دور از انظار عمومی دور از ذهن نیست.

ما، فعالان صنفی، که بارها شاهد این رفتارهای وحشیانه و فراقانونی بوده ایم، بر صدق گفتار آقای اسماعیل بخشی شهادت می دهیم و خواهان پایان دادن به خشونت و شکنجه تمام زندانیان و آزادی زندانیان صنفی و سیاسی هستیم اسامی امضا کنندگان اولیه بر اساس حروف الفبا:

۱- آذر گیلانی ۲- آرام قادری ۳- آرام محمدی ۴- آرش خضری ۵- آوات رضوی ۶- احمد ایران پناه ۷- احمد قربانی ۸- ادیب قادری ۹- اصغر امیرزادگان ۱۰- ابراهیم محمدی ۱۱- اسکندر لطفی ۱۲- اصغر حاجب ۱۳- الناز رحیمی ۱۴- الهام بهزادی ۱۵- امین قنواتی ۱۶- انور فرج زاده ۱۷- اولدوز هاشمی ۱۸- برهان حسینی ۱۹- بهرام احمدی ۲۰- بهزاد قوامی ۲۱- بهمن خدایار ۲۲- بیژن نجفی ۲۳- پروین اسفندیاری ۲۴- پروین حیدر ۲۵- جعفر ابراهیمی ۲۶- جعفر فاطمی رضوان ۲۷- حسین شاه پری ۲۸- حمیده زارعی ۲۹- حمیده منوچهری ۳۰- خالد عبداللهی ۳۱- خدیجه پاک ضمیر ۳۲- رحیم امیری ۳۳- رحیم لطف اللهی ۳۴- رضا سیدی پور ۳۵- روزبه نعمتی ۳۶- زهرا امیری ۳۷- زهرا سلطانی ۳۸- زهرا فیاض ۳۹- زهره سیدی ۴۰- زیبا خانی ۴۱- زینب سپهری ۴۲- زینب عزیززاده ۴۳- ژاله صیرفی ۴۴- ژایلا خیر ۴۵- سارا سیاهپور ۴۶- سلیمان عبدی ۴۷- سولماز طالبی پور ۴۸- سهراب مهدی پور ۴۹- سیاوش اعظمی ۵۰- شبلم بهارفر ۵۱- شعبان محمدی ۵۲- شهرزاد قدیری ۵۳- شهناز سیروس ۵۴- شیما فراهانی ۵۵- صادق شریعتی ۵۶- صدیقه پاک ضمیر ۵۷- صدیقه مالکی فرد ۵۸- صلاح آزادی ۵۹- عالم بها غلامحسین زاده اقلیدی ۶۰- عبدالله صیادی ۶۱- عبدالله نظری ۶۲- عزیز قاسم زاده ۶۳- عصمت فرهادی ۶۴- علی اکبر باغانی ۶۵- علی حاجی ۶۶- علی نجفی ۶۷- عنایت وثوقی ۶۸- فهیمه بادکوبه ۶۹- کژال کریم نژاد ۷۰- کورش بابا مرادی ۷۱- لیلا ملکی ۷۲- لیلا عنایت زاده ۷۳- محبوبه فرحزادی ۷۴- محسن عمرانی ۷۵- محمدرضا بهنام نژاد ۷۶- محمدعلی زحمتکش ۷۷- محمد تقی فلاحی ۷۸- مرضیه زارعی ۷۹- مریم زارعی ۸۰- مریم حق شناس ۸۱- مریم زیرک ۸۲- مریم رنود ۸۳- مژگان طاهر خانی ۸۴- مسعود زینال زاده ۸۵- مسعود شفیعی ۸۶- مصطفی تحسین ۸۷- منصوره عرفانیان ۸۸- منصوره فرحزادی ۸۹- منیژه رفیعی ۹۰- مهدی فتحی ۹۱- مهنوش حیدرزاده ۹۲- مهناز شاه زیدی ۹۳- مهناز میرزایی ۹۴- مینو کیخسروی ۹۵- میلاد خورشیدی ۹۶- مختار اسدی ۹۷- نسرین بهمن پور ۹۸- وحید میرشکار ۹۹- هیوا قریشی ۱۰۰- یاسر ریگی

پیام ارسالی

سلام می خوام این پیام رامنشره کنید

ماجمعی ازفعالین کارگره شهرستان سقزو دوروبره حمایت خودمان را از علی نجاتی و اسماعیل بخشی واعتصاب کارگران نیشکره هفت تپه وفولاد اهواز را اعلام می کنم وخواهان آزادی تمام کارگران زندانی هستیم.

زنده باد مقاومت کارگران نیشکره هفت تپه وفولاد اهواز

ارسالی به کانال سندیکای کارگران هفت تپه

نامه ۳۴ تشکل دانشجویی خطاب به وزیر اطلاعات در ارتباط با شکنجه و درخواست مناظره اسماعیل بخشی

جناب آقای سید محمود علوی

وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی ایران

با سلام؛

احتراماً پیرو درخواست جناب آقای «اسماعیل بخشی» فعال کارگری هفت تپه که اخیراً مدتی را در بازداشت به سر برده‌اند، تشکل‌های امضا کننده این نامه درخواست برگزاری مناظره برای روشن شدن موارد مطرح شده توسط ایشان را دارند.

در آستانه‌ی ورود به پنجمین دهه انقلاب، انتظار می‌رود جمهوری اسلامی در مرحله‌ای قرار گرفته باشد که یک کارگر بتواند بلندترین مقامات کشور را مورد نقد قرار دهد و در جایگاه شهروندی خود، آنها را به پاسخگویی وا دارد.

لذا ضمن درخواست برگزاری مناظره با ایشان، ما تشکل‌های دانشجویی امضا کننده این نامه، آمادگی خود را برای میزبانی این نشست اعلام می‌داریم.

لیست تشکل‌های امضا کننده:

- ۱- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تبریز
- ۲- انجمن اسلامی دانشجویان ترقی خواه علوم پزشکی همدان
- ۳- انجمن ایران اسلامی دانشگاه مازندران
- ۴- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه گلستان
- ۵- انجمن دانشجویان ایران اسلامی دانشگاه ارومیه
- ۶- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه دامغان

- ۷- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه
- ۸- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه هرمزگان
- ۹- انجمن فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل
- ۱۰- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه لرستان
- ۱۱- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شهرکرد
- ۱۲- تشکل اسلامی انجمن فرهنگ و سیاست دانشگاه بین‌المللی امام خمینی «ره»
- ۱۳- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه اراک
- ۱۴- انجمن فرهنگ و سیاست دانشگاه زنجان
- ۱۵- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه هنر اصفهان
- ۱۶- انجمن اسلامی فرهنگ و سیاست دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا همدان
- ۱۷- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی شیراز
- ۱۸- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی کرمانشاه
- ۱۹- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شاهرود
- ۲۰- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
- ۲۱- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی شاهرود
- ۲۲- انجمن اسلامی دانشجویان نو اندیش دانشگاه فردوسی مشهد
- ۲۳- انجمن اسلامی دانشجویان پیرو خط امام دانشگاه شهید چمران اهواز
- ۲۴- انجمن اسلامی دانشجویان ترقی خواه دانشگاه صنعتی امیرکبیر
- ۲۵- انجمن اسلامی دانشجویان پیرو خط امام دانشگاه سیستان و بلوچستان
- ۲۶- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمان
- ۲۷- انجمن اسلامی دانشجویان آزاد اندیش دانشگاه علامه طباطبایی
- ۲۸- مجمع اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)
- ۲۹- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه هنر تهران
- ۳۰- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه ولیعصر (عج) رفسنجان

۳۱- انجمن اسلامی آرمان دانشجویان دانشگاه علم و صنعت

۳۲- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه بناب

۳۳- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه خلیج فارس (بوشهر)

۳۴- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه کردستان.”

۱۵ دیماه ۱۳۹۷

جمعی از کارگران هفت تپه، خطاب به ۳۴ تشکل اسلامی دانشجویی

دانشجویان عزیزی که در تشکلات انجمن اسلامی متشکل شده اید و نامه ای منتشر کرده اید که حاضرید میزبان مناظره اسماعیل بخشی و وزیر اطلاعات باشید. با سلام. نکات و ملاحظاتی را درباره نامه شما، به اطلاع میرسانیم.

۱- گویا از نظر شما، صحت مطلب منتشره شده توسط کارگران هفت تپه، منجمله کانال مستقل کارگران هفت تپه، نوشته های اسماعیل بخشی و ده ها خبر و گزارش منتشره دال بر شکنجه و آزار و اذیت اسماعیل بخشی، خانم قلیان، آزار آقای علی نجاتی کارگر بازنشسته، هنوز وضوحا مورد تایید نیست! به نظر میرسد شما خودتان را در مقام واسط برای روشن شدن حقیقت میدانید. یعنی اینهمه اخبار کارگری و شهادت های مستقیم کارگران که آخرینش نوشته ی اسماعیل بخشی بوده برای شما سندیت ندارد؟ در اینصورت میانجی گیری شما بین کارگران هفت تپه و وزیر اطلاعات از نظر ما کاملا یکطرفه و به نفع وزیر اطلاعات و دولت است. دست کم خوب بود نامه ای مینوشتید و خواهان آن میشدید که وزیر اطلاعات بیاید و درباره این واقعیات و شکنجه ها پاسخگو باشد و توضیح دهد. همچنین قابل ذکر است که اسماعیل بخشی فقط فعال کارگری در هفت تپه نیست. ایشان مضافا نماینده چند هزار کارگر در هفت تپه هستند.

۲- گویا شما دانشجویان عزیز هنوز در توهمید که در ایران، یک شهروند میتواند به راحتی مقامات را مورد نقد قرار دهد و از احضار و حبس و تهدید و اخراج و آزار و شکنجه در امان باشد! در نامه شما این توهم، به روشنی دیده میشود. کجای عمر چهل ساله حکومت در ایران خالی از آزار و اذیت سیستماتیک علیه شهروندان و مشخصا کارگران بوده است؟

۳- ما از شما تشکلات اسلامی دانشجویی، واکنشی در قبال سرکوب تشکلات مستقل کارگری منجمله در هفت تپه مشاهده نکرده ایم. مشاهده نکردیم که شما هم همصدا با کارگران مخالف باشید که انتخابات تحمیلی، زورکی و تقلبی برای ایجاد شورای اسلامی کار برگزار شود. مثلا همانطور که شما را آزاد میگذارند که انجمن اسلامی تشکیل دهید سایر دانشجویان نیز باید آزاد باشند سایر تشکلات مستقل و مثلا صنفی، فکری، فرهنگی و اجتماعی خود را بنا نهند و از هر اذیت و تعقیب امنیتی و قضائی مصون باشند.

۴- ما از شما دانشجویان که فرزندان طبقه کارگرید تعجب میکنیم که لزوم متشکل شدن شما در انجمن ها و نهادهای دانشجویی اسلامی به چه علت است؟ اعتقاد اسلامی شخصی هر کدام از شما امر شخصی خود شماست

اما لزوم تشکیل انجمن اسلامی چیست؟ در ایران کمبودی در زمینه ترویج و تبلیغ اسلام مشاهده میکنید؟ اینهمه بودجه و امکانات هنگفت و اضافه که برای تبلیغ و ترویج مذهبی هزینه میشود از نظر شما کافی نیست؟ ملاحظه نکرده اید که تمامی قوانین و اجرائیات در این مملکت بر اساس شریعت نوشته و اجرا میشود؟ به واقع ضرورت تشکیل انجمن اسلامی چیست؟ برای اینکه حامی یک جناح خاص از حاکمیت باشید؟ حاکمیت که خود صد ها قانون و اداره و نهاد و سازمان برای دفاع از خودش دارد پس چه لزومی دارد که شما هم متشکل شوید که در این اقدامات شراکت داشته باشید؟ چرا برای دفاع از حقوق مردم متشکل نمیشوید؟ چرا شما دانشجویان همراه و همگام با مردم برای رفع فقر و ستم و فلاکت و شکاف طبقاتی و علیه دزدی و اختلاس سیستماتیک و برای دفاع از آزادی بیان و عقیده و تشکل و تحزب و انجمن و تحصن و اجتماع و اعتصاب متشکل نمیشوید و تلاش نمیکنید؟

۵- از نظر ما اعتقاد مذهبی شما امری شخصی و انتخاب شماست. اینکه فردی مسلمان باشد یا مسیحی یا به هر خدایی اعتقاد داشته باشد یا نداشته باشد مساله ای شخصی است اما بودجه و امکانات اجتماعی نباید صرف تبلیغ و ترویج اعتقادات مذهبی افراد باشد. بودجه مملکت باید صرف ایجاد رفاه و برابری در جامعه شود. امیدواریم تلاش شما دانشجویان که مشخصا و مثلا مستقیما تبعیض آموزشی و کالایی شدن آموزش را مشاهده کرده اید علیه سیاست های تعدیل اقتصادی، خصوصی سازی، قراردادهای سفید امضا موقت، اخراج، تهدید و علیه سرکوب کارگران، فعالان کارگری و تشکلات مستقل کارگری نیز متمرکز شود. البته برای چنین تلاشی از نظر ما تشکلات مذهبی و عقیدتی مانند تشکلات شما یعنی انجمن اسلامی دانشجویی و یا شورای اسلامی کار، ماهیتا نه تنها مناسب نیستند بلکه خود به نوعی در خدمت بازتولید فقر و تبعیض و سرکوب هستند. ادامه در صفحه بعد ▼

۶- ما نمیدانیم شما به کدام یک از جناح های حکومتی تعلق خاطر دارید و آیا دعوت برای میزبانی مناظره اسماعیل بخشی و وزیر اطلاعات از نظر شما مثلا تبلیغی برای این است که گویا دولت روحانی دولتی پاسخگو است؟ مثلا میخواهید علیه رقبای دولت روحانی اقدامی کرده باشید؟ فرقی ندارد، چه موافق جناح روحانی باشید یا موافق جناح یا جناح های دیگر، خوب است به این واقعیت دقت کنید که تمامی این جناح ها در گسترش فقر و خصوصی سازی و فلاکت و سرکوب، همراه و یکدست هستند و همگی در خدمت مناسبات استثمارگرانه سرمایه داری هستند. ما شما را دعوت میکنیم که به نیروی اجتماعی عظیم طبقاتی خودتان یعنی طبقه کارگر اتکا کنید.

۷- در پایان درخواست میکنیم برای تقویت فضای نقد و گفتگو و در احترام به اصول اولیه گفتگو و حق آزادی افراد در نشر و نظر، عین نامه جوایه ما را منتشر کنید و ما نیز در ذیل، اصل نامه شما را منتشر میکنیم. همچنین از پاسخ شما به نامه خودمان استقبال میکنیم.

جمعی از کارگران هفت تپه

شنبه، پانزدهم دیماه نود و هفت

انتشار توسط: کانال مستقل کارگران هفت تپه

حمایت شوراهای صنفی دانشجویان کشور از افشاگری اسماعیل بخشی

فرزند کارگرانیم کنارشان می مانیم

در حمایت از افشاگری اسماعیل بخشی

هر کجا مستی گره شد، مشت من

زخمی هر تازیانه، پشت من

هر کجا فریاد آزادی، منم

من در این فریادها دم می زنم

اسماعیل بخشی نماینده شورای کارگری شرکت نیشکر هفت تپه، طی نامه‌ای پرده از شکنجه شدنش در دوره بازداشت برداشت و وزیر اطلاعات را به مناظره فراخواند. آنچه اسماعیل بخشی در نامه‌ی خود افشا کرد عصاره و حد نهایی بسیاری از اتفاقاتی بود که در طول یک سال گذشته بر تعدادی از دانشجویان «در کنار دیگر گروه‌های معترض» رفت. بازداشت‌های بدون حکم دستگیری، ضرب و شتم هنگام بازداشت، انفرادی‌های طولانی مدت، بازجویی با چشمان بسته و انواع تهدید و ارباب و ضرب و شتم در دوران بازجویی از جمله مصادیق شکنجه و موارد غیرقانونی‌ای بود که در بازداشت برخی فعالین صنفی_دانشجویی نیز اتفاق افتاد و اکنون به میانجی نامه‌ی اسماعیل بخشی برخی از آنان همچون رویا صغیری و سپیده قلیان به افشای آن پرداخته‌اند.

در این میان اما واکنش مسئولان امر چه بود؟ وزیر اطلاعاتی پاسخگو، مجلسی پیگیر و قوه قضاییه‌ای شفاف همه دست به دست هم دادند تا نشان دهند که هرگز خبری از «شکنجه» در این سیستم نبوده، نیست و نخواهد بود. اگر هم به اصطلاح «درگیری»ها و «خود-سری»هایی در این زندان و آن زندان یا این بازجویی و فلان بازجویی صورت گرفته تخلفات ناصواب فردی‌ای است که در هر سیستمی پیش آمده و ممکن است پیش بیاید و نمی‌توان و نباید به پای کل سیستم سیاسی نوشت! آنچه اتفاق افتاد نام درستش «نمایش زرد» دموکراسی است.

برای ما دانشجویان که به تجربه‌ی تاریخی سرکوب دانشجویان از «انقلاب فرهنگی» تا «بازداشت‌های دی‌ماه» می‌نگریم، تنها واکنش در برابر این «نمایش زرد» چیزی نیست جز طوفان خنده‌ها [ی تلخ]!

شکنجه، اعتراف، زندان و... هر چقدر هم که ذاتی و طبیعی حکومت‌ها باشند، برای ما هرگز طبیعی و عادی نمی‌شوند. از این رو تکرار بارها و بارها از شکنجه برای ما چیزی نیست که در برابرش ساکت بنشینیم و به حسابِ «منطق طبیعی سیستم» بگذاریم. آنها دقیقاً همین را می‌خواهند که «شکنجه»، «بازداشت» و «زندان» برای ما عادی شود و اصل بودن «حقوق بدیهی انسانی» مان را از یاد ببریم؛ که ما «دانشجویانیم»، «معلمانیم»، «بازنشستگانیم»، «پرستارانیم»، «زنانیم»، «اقوامیم»، «اقلیت‌های دینی ایم»، «روزنامه نگارانیم»، «دانش آموزانیم»، «کارگرانیم» و خواهانِ «آزادی» و «برابری» توأمان در این شبِ تاریک.

بارها شعار دادیم و بر آن هستیم که «فرزند کارگرانیم، کنارشان می‌مانیم» و امروز ما خود به عنوان زخم‌خورده‌گان «شکنجه» و «زندان» به خاطر فریاد «برابری و آزادی»، اسماعیل بخشی را همسنگری می‌دانیم که لحظه‌ای تنه‌ایش نخواهیم گذاشت همچنان که کارگران «هفت تپه» و «فولاد» را تنها نگذاشتیم. به او و دیگر کارگران مبارز می‌گوییم که هنوز هم «زمین زیر پای تان می‌لرزد»، چه اینکه مشت‌های گره کرده، پاها و حنجره‌های آکنده از فریادتان در بدن‌های ما کنشگران صنفی دانشگاهی به عنوان فرزندانان تکثیر شده‌است. ما چنانچه در مقاومت علیه امواج پولی‌سازی و خصوصی‌سازی همه ساحت‌های زندگیمان هم‌سنگریم، در تحمل حبس و شکنجه نیز هم‌سرنوشتیم و در ایستادن بر حقمان تا آخر هم‌پیمانیم.

هفت تپه و تحمیل انتخابات شورای اسلامی کار

چرا نهادهای امنیتی و دولتی به همراه کارفرمای شرکت نیشکر هفت تپه به یکباره بسیج شده اند تا انتخابات شورای اسلامی کار را در هفت تپه برگزار کنند؟

پس از بازگشایی مجدد سندیکا در سال ۱۳۸۷ توسط کارگران هفت تپه که با تشخیص و اراده ی خود کارگران بود که باید جامعه کارگری تشکل آزاد و مستقل داشته باشد، مجمع عمومی تشکیل و هیئت رئیسه سندیکا با رای گیری انتخاب شد؛ حرکتی که منجر به احیای نیشکر هفت تپه در آن سال‌های ورشکستگی شرکت گردید، هرچند بلافاصله اعضای سربلند سندیکای هفت تپه با شدیدترین سرکوب‌ها مواجه شدند به زندان رفتند، اخراج شان کردند فقط و فقط به این دلیل که تشکل آزاد (سندیکا) نباشد.

اما مدال زرین تاسیس سندیکا برای همیشه ی تاریخ مبارزات کارگری ایران گردن آویز سندیکای هفت تپه، ماندگار خواهد ماند.

علاوه بر سرکوب اعضای سندیکا، آنروزها نیز نهادهای امنیتی و دولتی با جبر فراوان انتخابات شوراهای اسلامی کار را برگزار کردند و تلاش کردند این شورا را به جامعه کارگری هفت تپه تحمیل کنند ولی هرگز جامعه کارگری هفت تپه، اعضای آن را نمایندگان واقعی خود ندانستند چون هیچ دستاوردی جز تلاش برای شکستن اعتصابات به حق کارگری و خوشنود ساختن کارفرما در کارنامه شورای اسلامی کار در هفت تپه مشاهده نشده است.

امروز ده سال از آخرین انتخابات هفت تپه می‌گذرد نسلی رفته و نسلی جدیدی آمده ست، موج نویی در مبارزات کارگری و مطالبه گری در هفت تپه آغاز شد، نسل جدید احساس کرد نیازمند نمایندگان شجاع کارگری است، نمایندگانی که آزاد و مستقلند و فقط در اندیشه احقاق حقوق ضایع شده ی کارگران هستند.

بنابراین به همت و اراده ی جامعه کارگری بالاخره بعد از ده سال انتخابات حقیقی و آزاد برگزار شد. نمایندگانی آزاد انتخاب شدند که در ابتدا نه کارفرما و نه نهادهای امنیتی تصورش را نمی کردند این نمایندگان چنین با صلابت و استوار عمل کنند که اگر حق کارگر داده نشود فراخوان اعتصاب سراسری صادر کنند و خود پرچمدار اعتراض باشند و اعتصاب را ۱۵ روز ادامه دهند و برای اولین بار کاری کردند که مسئولین دولت را وادار کردند برای حل مشکلات چهار جلسه شورای تأمین در سطح شهرستان و استان برگزار کنند.

چراکه مسئولین مشاهده کردند اینبار کارگران هفت تپه نمایندگان دارند که به حداقل‌ها راضی نمی‌شوند و آنقدر واژه نماینده آزاد به آنها جسارت و اعتماد بنفوس داده است که به نشانه‌ی اعتراض جلسه‌ی شورای تأمین استان را در حضور استاندار و تمامی مدیران استان ترک می‌کنند و تا حد اکثر مطالبات کارگران هفت تپه مصوب نشود هیچ توافقی را به امضا نمی‌رسانند.

از دل همین انتخابات آزاد و نمایندگان آزاد کارگری بود که در اعتصاب ۱۵ روزه‌ی مرداد ماه، به شعار و مطالبه‌ی بزرگ «شوراهای مستقل کارگری و مردمی» رسیدیم؛ مطالبه‌ای که تن خیلی‌ها را لرزاند و از پس آن بود که نهادهای امنیتی و دولتی و همچنین کارفرما برای سرکوب و مقابله با چنین نمایندگان دست در دست هم گذاشته و با موازی‌کاری انتخابات شورای اسلامی کار (یادگار نحس دولت اصلاحات) را به جامعه کارگری تحمیل کنند.

این اتفاقات باعث شد تا پرسش‌هایی اساسی در ذهن من به عنوان نماینده کارگری که البته هر روز از ذهن کل جامعه ایران میگذره تداعی شود و مصرانه خواستار شنیدن پاسخ‌شان هستم:

۱- چگونه است که مدیران امنیتی و دولتی و کارفرما، که هیچ کدام کارگر نیستند برای جامعه‌ی کارگری هفت تپه تعیین تکلیف میکنند؟

۲- مگر شعار اصلی این نظام استقلال و آزادی نیست؟ پس چرا ما نه استقلال داریم نه آزادی؟ چرا اینهمه از استقلال و آزادی مردم هراس و وحشت دارید؟ اگر مردم استقلال و آزادی داشته باشند قدرت چه کسانی در معرض خطر خواهد افتاد که حتی در یک جامعه کوچک کارگری اجازه تشکیل تشکل مستقل و آزاد داده نمی‌شود؟

۳- اگر واقعا شعار شما استقلال و آزادی است پس باید در هر کوی و برزن، شهر و روستا آزادانه «شوراهای مستقل کارگری و مردمی» و یا هر نهاد مدنی مستقل و آزاد تشکیل شود آیا شعارهایتان دروغ بود؟

۴- چرا جامعه‌ی کارگری ایران نباید سهمی از قدرت داشته باشد؟

۵- چرا از آگاه شدن و اتحاد مردم برای احقاق حقوق خود می‌ترسید؟

منتظر پاسخ هستیم...

اسماعیل بخشی

نماینده کارگری نیشکر هفت تپه - ۶ مهر ۹۷

نامه ای خطاب به رئیس اداره اطلاعات شوش

آقای صادقی رئیس اداره اطلاعات شوش و

آقای جعفری رئیس دادگستری شوش

پس از اتفاقات اخیر در شرکت نیشکر هفت تپه و اختلاس کارفرما و پرداخت نشدن حقوق ها و اعتصاب کارگران، امروز برای بررسی و مثلا حل مشکلات کارگری در محل فرمانداری شهرستان شوش جلسه شورای تأمین با نمایندگان شورای کارگری هفت تپه برگزار شد که بنده بنا بدلایلی در این جلسه غایب بودم، اما بر اساس گزارشات بدست آمده از این جلسه آقای صادقی رئیس اطلاعات و آقای جعفری رئیس دادگستری شوش طبق روال گذشته شان بجای بحث درباره مسائل و مشکلات کارگری و حل آن (که البته این افراد در حد حل مسائل ما نیستند) و شنیدن حرفهای نمایندگان کارگری، برای منحرف کردن بحث و افکار عمومی، شروع به تخریب اینجانب و چند تن از فعالین کارگری می کنند و بخصوص درباره ی بنده افاضه نمودند که بله اسماعیل بخشی که می رود روی سنگر و رگ های گردنش را برای دفاع از حقوق کارگران نشان می دهد و فریاد می کشد، اصلا دغدغه کارگران را ندارد و اهدافی دیگر را دنبال می کند، ما همه چیز زندگی اش را رصد کرده و می دانیم در زندگی اش چه خبر است، او به تازگی سفری به خارج داشته و از سه جا توسط خارج نشینان پول بحسابش می آید از نظر مالی ساپورت می شود و الی آخر ...

همچنین این دونفر در حین جلسه مرتب با پرخاشگری با نمایندگان کارگری صحبت میکنند اجازه حرف زدن به آنها رو نمیدن و تلاش میکنن با ایجاد رعب و وحشت فضا را دوباره به نفع کارفرما بچرخانند (حیف، اگر در جلسه حضور داشتم بابت رفتارشان با نماینده های کارگری، بهشون می فهماندم یک من ماست چقدر کره دارد) و در آخر به نماینده های این نصیحت فاضلانه را کرده بودند که از این شخص (یعنی بنده) دوری کنید... بسیار خب

▼ آقای صادقی، آقای جعفری بیش از یک سال است در همه ی محافل این اتهامات بی اساس را به من زده اید و همیشه با دروغ پراکنی سعی کرده فضا را علیه من بچرخانید، من بارها در چشمانتان نگاه کردم و گفتم دروغ می گوئید، و این موضع را گرفته ام که اگر راست می گوئید اثبات کنید در واقع اگر مملکت قانون داشته باشد عقلا باید شکایت شما دونفر دروغگو را بکنم اما خب دست همه تان توی کاسه ست شکایت کی را به کی

بکنم ...

اما امروز به گونه ای دیگر میخوام پاسخ تان را بدهم آقایان فکر نکنید چون در دم و دستگاه قضایی و اطلاعاتی کار می کنید فقط شما اطلاعات دارید و ما بی خبریم یا چون در حوزه قدرت قرار دارید فقط شما زبان دارید و ما لالیم... خیر

آقای صادقی یکبار به شما گفتم بنده هم آدم بی خبری نیستم و می دانم شما چه می کنید، می دانم شما و آقای جعفری چه زد و بند و بده بستانی با کارفرمای هفت تپه داشته اید و اگر به دروغ پراکنی و اتهام زدن بیخودی علیه بنده و دیگر فعالین کارگری ادامه دهید مثل خودتان رفتار خواهم کرد و به کارگران و مردم خواهم گفت بین شما دونفر و کارفرمای هفت تپه چه بوده است ...

آقای صادقی در اعتصاب مرداد ماه که مرا به زور برای گفتگو با مافوق اطلاعاتی تان بردین که نمی دانم از کجا آمده بود به شما گفتم یک باز از کارفرما و آدماش پرسیدم چرا صادقی اینقدر حمایت تان می کند؟ گفتند که بده بستانی بینتان بوده مورد لطف و مرحمت شما بودند... جلوی مافوق تان برآشفته شدین چندتا فحش هم در ظاهر به کارفرما دادین اما، منکر هم نشدین

یا آقای جعفری فکر می کنید خبر نداریم در چند پرونده قضایی در دادگاه شوش به نفع کارفرمای هفت تپه دخالت مستقیم کردین و بارها مانع بازداشت کارفرمای هفت تپه شدید؟ یا همین پرونده شکایت کارفرما از کارگران هفت تپه (پرونده حمله به کوی ایلام) فکر کردین نمی دانیم این شما هستین که اجازه ی بسته شدن این پرونده را نمیدین و الا همه می دانند در این پرونده کارفرما هیچ مدرک و سندی علیه کارگران ندارد و چندین بار حکم به نفع کارگر صادر شده و شما مانعش شدین؟

بله فکر نکنید شما از همه چیز خبر دارین و ما بیخبرانیم ...

و در آخر همه اینها را گفتم که به شما گوشزد که اولاً بنده یک انسان آزاد هستم با هر فرد با هر تفکری گفتگو میکنم با هر کس دلم بخواهد رفت و آمد میکنم و این اصلاً به شما مربوط نیست که من کجا میروم یا کی پیش من می آید.

دوما هیچ چیز در زندگی من وجود ندارد که بدرد شما بخورد که اینگونه سرتان را در زندگی من کرده اید و ژستش را می گیرید، اسماعیل بخشی کارگر فقیری ست که بهمراه همسر و دخترش در یک اتاق ۱۶ متری در منزل پدری زندگی می کند و می گوید من «صدای کارگر هستم» پاسپورت هم ندارد که برود خارج از کشور سوما شما خیلی غلط میکنید سرک می کشید توی زندگی من و بقیه مردم، شما خیلی مرد هستین برید توی زندگی همفکران و هم حزبیان دزد و اختلاسگرتان سرک بکشید ببینید چه خبر است، سفره شان رنگین از خون ملت و فرزندان شان با پول مردم در بلاد کفر و آمریکای جنایتکاران خوش و خرم مشغول زندگی

ما کارگریم و فقیر اما در بین مردم با افتخار راه می‌رویم با شادی شان شادیم، با غم شان غمگین _ شما چه؟ با چه رویی در بین مردم تردد می‌کنید؟ آیا حاصل ۴۰ سال مدیریت شما و همفکران بی سوادتان چیزی جز فقر و فلاکت و رنج و درد و سرکوب بوده است؟

در نهایت همه اینها را گفتم که بگویمتان از شما نمی‌ترسم

« زنده باد کارگر، زنده باد کارگر، زنده باد کارگر »

اسماعیل بخشی

نماینده شورای مستقل کارگری هفت تپه

۱۹ آبان ۹۷

نامه اسماعیل بخشی به وزیر اطلاعات

تا سر حد مرگ مرا شکنجه کردند

جناب آقای علوی در ۲۵ روزی که ناعادلانه در بازداشت وزارت اطلاعات بودم مصائب و رنج‌هایی بر من تحمیل شد که هنوز از شر آنها خلاص نشدم و برای رهایی از آن‌ها به داروهای اعصاب و روان پناه آورده‌ام، اما در این مدت دو پرسش اساسی مثل خره مغز مرا درگیر خود کرده است که پاسخ دهنده‌ی اصلی آنها فقط شخص شما می‌باشید و این حق بنده و ملت شریف ایران است که پاسخ این پرسش‌ها را بدانیم.

اول اینکه در روزهای اول بدون دلیل یا هیچ حرفی تا سر حد مرگ مرا شکنجه و زیر مشت و لگد گرفتند که تا ۷۲ ساعت در سلولم از جایم نمی‌توانستم تکان بخورم و آنقدر زده بودند که حتی از تاب درد خوابیدن هم برایم زجز آور بود و امروز پس از گذشت تقریباً دوماه از آن روز سخت در دنده‌های شکسته‌ام، کلیه‌ها، گوش چپم و بیضه‌هایم احساس درد می‌کنم.

جالب اینکه شکنجه‌گران خود را سرباز گمنام امام زمان می‌نامیدند اما به بنده و خانم قلیان انواع اقسام فحش‌های رکیک جنسی می‌دادند و ایشان را هم کتک می‌زدند اما از شکنجه‌ی جسمی بدتر، شکنجه‌های روانی بود، نمی‌دانم چه بر سرم آوردند که مثل موش آب کشیده شده بودم و هنوز دستهایم میلرزد، منی که زمین زیر پایم میلرزید تحقیر شدم و به شخصیت دیگری بدل شده بودم و هنوز با وجود قرص‌های اعصاب و روان گاهی دچار حمله‌های شدید عصبی روحی و روانی می‌شوم، اکنون از جنابعالی بعنوان وزیر اطلاعات و کسی که خودش یک روحانی مذهبی ست این پرسش را دارم: از نظر اخلاقی، حقوق بشری و بخصوص دین اسلام حکم شکنجه‌ی یک بازداشتی چیست؟ آیا رواست؟ اگر رواست به چه میزان؟

مسئله دوم که برای من و خانواده‌ام بسیار بسیار مهمتر از شکنجه‌های جسمی و روحی ست بحث «شنود» مکالمات تلفنی بنده و خانواده‌ام توسط دستگاه اطلاعاتی شماست، بازجویم می‌گفت ما از همه چیز تو خبر داریم حتی می‌دانیم همسرت چند بار بخاطر مبارزات با تو دعوا کرده است گفتم از کجا می‌دانید گفت مدت

ها تماس های تو «شنود» می شد که باعث عصبانیت شدید من حین بازجویی شد حال پرسش بنده و خانواده ام از شما بعنوان وزیر اطلاعات و یک شخصیت روحانی و مذهبی این است که : آیا «شنود» خصوصی ترین مکالمات انسان ها از نظر اخلاقی، حقوق بشری و دین اسلام رواست؟ به چه حقی مکالمات تلفنی خصوصی بنده و همسر عزیزم را دستگاه اطلاعاتی شما باید «شنود» کند؟؟؟

لذا جناب آقای علوی اینجانب اسماعیل بخشی برای شنیدن پاسخ هایتان شما را به یک مناظره در یک برنامه زنده تلویزیونی دعوت می کنم.

نامه سپیده قلیان

از آنچه در زندان بر او گذشته و هفت_تپه میگوید

هفت تپه یک اتفاق تاریخی در گذشته‌ای دور برای درس و عبرت سیاسی کارگران نیست. آنچه که در هفت تپه گذشت، آغاز سیاست‌ورزی طبقاتی کارگران به شکل عیان و تمام عیار بود. سرکوب کارگران هفت تپه هم با دستگیری‌ها، نه آغاز شد و نه پایان یافت! سرکوب در هفت تپه با حمله‌ی همه جانبه به معیشت کارگران، با تصویب حداقل حقوق‌های تحقیر آمیز، با روی کار آمدن سیاست‌ها ر خصوصی سازی آغاز شده بود و اکنون نیز به شدت تداوم دارد.

افراد، گروه‌ها و جریان‌های مختلفی به اشکال گوناگون به حمایت از کارگران هفت تپه پرداختند. کارگران، معلمان، و کلا، فعالان اجتماعی و سیاسی، دانشجویان، و هر آنکه دل در گروی آزادی و عدالت اجتماعی دارد از هفت تپه حمایت کردند.

من هم به عنوان یک دانشجوی و کارگر، مانند صدها تن از مردم شوش، به سبب نزدیکی محل زندگی من به هفت تپه از اعتراضات هفت تپه را با حضور در کنار آنها به جای آوردم. و البته این به مذاق نهادهای امنیتی خوش نیامد و بازداشت شدم.

در طول سی روز بازجویی مداوم، اتهاماتی همچون عضویت در گروه‌های سیاسی و تلاش برای سیاسی کردن هفت تپه به من زده شد. و من نمی‌دانم چه چیزی سیاسی‌تر و جدی‌تر از شعارهای چند هزار کارگر هفت تپه بود که من بخواهم دخالتی در وقوعش داشته باشم؟

سی روزی که با ضرب و شتم شروع شد و با شکنجه‌های روانی ادامه پیدا کرد و با وثیقه‌ی پانصد میلیون تومانی، چنان که گویی من مرتکب جنایت شده‌ام پایان یافت. در حال زندگی همچنان ادامه دارد...

مخاطبان این متن از یک سو رفقا و عزیزانی هستند که نگران وضعیت من بودند. و از سوی دیگر آنانکه از تخریب و تحقیر من در این مدت سرخوش شدند. سرخوشی‌شان مدام باد.

مقاومت ادامه دارد. برای آزادی همه. برای آزادی کارگران فولاد. برای رهایی ایران

برای رفقای روزهای سخت؛ سپیده قلیان و اسماعیل بخشی

که فریاد آزادی خواهی و برابری طلبیشان خاموش شدنی نیست.

عسل محمدی

برخورد امنیتی با کارگران و فعالان کارگری توسط حاکمیت مدافع صاحبان سرمایه دور از ذهن نبود. قرن هاست که مشت آهنین سرکوب همان جایی ست که صدای حق طلبی طنین انداز میشود، چرا که تداوم استثمار در گرو قلع و قمع و منکوب کردن هر آن کسی ست که رویای برابری در سر دارد. رشادت کارگران هفت تپه در جهت احقاق حقوق به تاراج رفته شان آنچنان بر حاکمیت گران آمد که سراسیمه مشغول پرونده سازی های امنیتی برای کارگران و فعالین کارگری شدند و برای مرعوب ساختن آنان از تهدید و افترا و حتی شکنجه فرو گذاری نکردند و من شاهد ستمی شدم که بر شما میرفت. آنچه در بازداشتگاه و زندان بر خودم گذشت را کنار میگذارم و از لحظاتی میگویم که شاهد زجر رفقایم بودم.

بخاطر میاورم روزهای بازداشت را در بازداشتگاه امنیتی اطلاعات اهواز.

روز ششم بازداشتم در اهواز به سلول کوچک و نموری منتقل شدم که هفت زندانی در آنجا محبوس بودند. یکی از آنان سپیده قلیان بود که برای شناختن چهره اش زمانی مکث کردم. باورم نمیشد که در مدت کوتاهی چهره ی بشاش و شادابش چنان تکیده و لاغر و نحیف شده باشد. هنوز آثار کبودی بر گردن داشت و جای چنگ و خراش روی دستهایش. برایم از ستمی گفت که در آن بیست و یک روز بر او گذشته بود و دیدنش در آن وضعیت گفته هایش را اثبات میکرد. من شاهد ساعتهای طولانی بازجوییش بودم، از ده صبح تا پاسی از نیمه شب که تقریباً هر روز این پروسه تکرار میشد. من صدای فریادها و توهینهای بازجوییش را از اتاق کناری میشنیدم. من شاهد روزی بودم که چنان فشاری برای اعتراف دروغ بر او آوردند که پنجه بر چهره ی نازنینش میکشید.

من صدای ممتد سرفه ها و تنگی نفس شدید اسماعیل را از اتاق بازجویی مجاور میشنیدم و تمسخر ماموران را که میگفتند "فیلمشه حالش از ما بهتره". چه رنجی بود دانستن اینکه رفیق شریفم در اتاق کناری در حال آزار است و

حداقل اقدامات درمانی از او دریغ میشود. من روزی که برای هواخوری به حیاط بازداشتگاه میرفتم صدای فریادها و توهین‌ها و افترای بازجو به اسماعیل را شنیدم. من حاضر به شهادت برای آنچه که شنیدم و دیدم هستم. احتمالاً اینها فقط گوشه‌هایی از آنچه بود که بر رفقایم گذشت و من با چشمان بسته شاهد آن بودم اما یقین دارم حالا که جز زنجیرهایمان چیزی برای از دست دادن نداریم این گردنکشی‌ها قدمی ما را به عقب نمی‌راند. چرا که ما عاشقان مست دل از دست داده‌ایم.

زنده باد کارگر

برقرار باد شوراهای مستقل کارگری و مردمی.

امیل زولا در هفت تپه: داستان یک اعتصاب

مقدمه:

تولد و رشد جنبش کارگری ایران در قامت طبقه ای آگاه به منافع خود که می‌رود به طبقه ای برای خود تبدیل شود، از برجسته ترین تحولات جهان امروز است. ما حق داشتیم بگوییم که؛ "تاثیرات عظیم و زیور و کننده این اعتصابات و سلسه اعتصابات و تجمعات اعتراضی پس از آن در سراسر ایران، که هنوز ادامه دارد، امروز قابل اندازه گیری نیست! هنوز ابعاد عروج و حضور و ابراز وجود طبقه کارگر صنعتی در ایران به رهبری پیشروترین نمایندگان و سخنگویانش، و تبدیل شدن آنها به اصلی ترین کاراکترهای سیاسی در جامعه ایران و در فضای رسانه های اصلی جهانی، قابل اندازه گیری نیست"

به نقل از بخشی از: "اطلاعیه" حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی) تحت عنوان "قدرت طبقه کارگر و انگل شورای اسلامی" منتشره ۱۳ دیماه ۱۳۹۷ ۳ ژانویه ۲۰۱۹

ثریا شهابی

امیل زولا در هفت تپه: داستان یک اعتصاب

رضا نوری، روزنامه نگار

۵ ژانویه ۲۰۱۹ - ۱۵ دی ۱۳۹۷

منتشره در بی بی سی فارسی

رمان و واقعیت های اجتماعی گاهی آینه وار بازتاب دهنده یکدیگرند، حتی اگر در دوره های متفاوت تاریخی ظاهر شوند. کارگران در طول تاریخ برای احقاق حقوق خود مبارزه کرده اند و با وجود تفاوت های مبارزاتی

که متناسب با شرایط اجتماعی-تاریخی شان است، اما شباهت ها دارند:

اجتماع و مشورت و اعتراض کارگران در مراحل آغازین، تصمیم به اعتصاب، چگونگی اعتصاب، پیروزی ها و لبخندها، شکست ها و اشک ها، خیانت ها و تفرقه اندازی درون تشکل های کارگری و زندان و جفای مضاعفی که بر پاره ای از کارگران وارد می شود، همه این موارد در جنبش های کارگری از جمله در جنبش کارگری ایران به چشم می خورد که گاه در قالب رمان بازگویی می شود گویی تجربه ایست مکرر. این روزها اعتصابات کارگری در هفت تپه و فولاد اهواز جزو خبرهای رسانه ها بود. اسماعیل بخشی یکی از کارگران فعال هفت تپه دستگیر شد و در نامه ای به محمود علوی وزیر اطلاعات، چگونگی ضرب و شتم و شکنجه هایش در دوره بازداشت را بازگو کرد.

آنچه در روزها و هفته های اخیر در منطقه هفت تپه استان خوزستان گذشت، به اندازه کافی مایه و ملاط و یادآور یک رمان اجتماعی را دارد؛ از شروع اعتراض و اعتصاب کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در آبان ماه، بازداشت کارگران و شعارهایی که سر داده شد تا آزادی نماینده معترضان و قول های مسئولان به کارگران.

برای نوشتن چنین رمانی، علاوه بر شم ادبی و قلمی توانا، باید چشم هایی باز و گوش هایی شنوا داشت و همه پیشینه ها، اسناد و اخبار را جمع آوری کرد؛ دقیقا همان کاری که امیل زولا، نویسنده بزرگ فرانسوی برای نوشتن رمان "ژرمینال" انجام داد.

تازه این ابتدای کار است. مثل زولا باید به بطن حادثه رفت و علاوه بر شنیدن سخنان رسمی، با تک تک کارگران معترض گفت و گو کرد و به درددل آنان گوش سپرد. گاهی یک جمله از رنج آنان که با صدای لرزان ادا می شود، کافی است ذهن خلاق را به کار بیندازد و خیل واژه ها را به یاری این کارگران روانه کند. در این صورت اگر قرار باشد رمان اعتراض و اعتصاب کارگران نوشته شود، کارگرانی که اکنون در صف اول مبارزه برای حقوق کارگران اند، الهام بخش یکی از شخصیت های کلیدی آن خواهد بود. همان ها که در زندان شکنجه شدند و پس از آزادی از "روح پریشان"، "لکنت زبان" و "قلم لرزان" خود نوشتند.

ژرمینال، یک داستان واقعی

رمان ژرمینال نوشته امیل زولا که در سال ۱۸۸۵ در فرانسه منتشر شد (این کتاب را سروش حبیبی به فارسی ترجمه کرده است)، داستان اعتراض و اعتصاب کارگران یک معدن در شمال این کشور در سال های ۱۸۶۶ و ۱۸۶۷ است.

رمان از آنجا آغاز می شود که جوانی به نام "اتی ین لانتیه" پس از اخراج از یک کارگاه در شهر لیل، در شمال فرانسه بیکار شده و برای یافتن کار به منطقه معدن خیز مونسو در همان شمال فرانسه می رود. اما در بدو داستان پیرمردی اربابان به او می گوید: "این طرفا روزگار مردم سیاست. کارگرا رو دسته دسته مرخص می کنن. کارگاها یکی یکی بسته می شه. شاید هم امپراتور تقصیری نداشته باشه. اما آخه مگه بیکار بود بره آمریکا

بجنگه؟ حالا دیگه یه تیکه نون خالیم گیر مردم نمی‌آد. چیزی نمونه که همه کاسه گدایی دست بگیرن و سر به صحرا بذارن". (ترجمه سروش حبیبی، انتشارات نیلوفر ۱۳۸۴).

اتی‌ین لانتیه در خانه یکی از کارگران به نام گیوم ماهو ساکن می‌شود و به یکی از دختران او به نام کاترین دل می‌بازد.

زمانی که به دنبال بحران اقتصادی، شرکت صاحب معدن تصمیم می‌گیرد دستمزد کارگران را کاهش دهد، لانتیه کارگران را به اعتصاب تشویق می‌کند. در جریان درگیری کارگران معترض با سربازان، گیوم ماهو کشته می‌شود.

وقتی اعتصاب‌کنندگان تصمیم می‌گیرند به کار بازگردند، یک کارگر آنارشویست - که زولا برای خلق این شخصیت از ماجرای حمله مرگبار به امپراطور روس در ۱۸۸۱ الهام گرفته بود - دست به اقدامی خرابکارانه می‌زند و با ریزش معدن چندین کارگر کشته می‌شوند.

کاترین هم که همراه با اتی‌ین لانتیه زیر آوار معدن گرفتار شده، پیش از رسیدن نیروهای کمکی جان می‌سپرد ولی لانتیه از این آوار جان سالم به در می‌برد و تصمیم می‌گیرد که برای فعالیت در سندیکاهای کارگری و بهبود شرایط زندگی کارگران به پاریس برود.

در پایان رمان، کارگران گرچه مجبور به پذیرش شرایط جدید هستند، اما بر ظلمی که به آنان می‌شود آگاهند و به پیروزی قریب‌الوقوع خود ایمان دارند.

ژرمینال، یک رمان اجتماعی

امیل زولا که از او به عنوان بنیانگذار مکتب ادبی ناتورالیسم نام می‌برند، بر توصیف و روایت دقیق و موشکافانه زندگی کارگران، شرایط محیطی و حتی گروه مقابل آنان یعنی ثروتمندان و صاحبان کار نیز تأکید داشت. او چند سال قبل از نگارش رمان ژرمینال، در یک کتاب با عنوان "رمان تجربی" نوشته بود که برای هر عملی باید به بررسی "قضایا در عین طبیعت آنها" و همچنین "تغییراوضاع و شرایط پیرامونی" پرداخت.

زولا در این طبیعت‌گرایی به نقش و تأثیر وراثت بر زندگی انسان - در جامعه‌ای که عدالت وجود ندارد و فرصت‌ها برابر نیست - می‌پردازد. او این نکته را مثلاً به طور نمادین در خلق شخصیت آلیز، دختر معلول گیوم ماهو نشان داده که از شدت گرسنگی و تب می‌میرد.

در واقع، زولا در ژرمینال نشان می‌دهد که در یک جامعه ناعادلانه، چگونه مشکلات کارگران به طور خاص و فقر و فلاکت به طور عام، از یک نسل به نسلی دیگر منتقل می‌شود. این کار تبارشان بود. مثل هر کار دیگری پدر در پدر ادامه داشت."

او همچنین در ژرمینال به مبارزه با خرافات و به ویژه خرافات مذهبی می‌رود و کشیشان را مقابل کسانی می‌داند که از زندگی کارگران خبری ندارند.

اما رمان ژرمینال پیش از آنکه اهمیت ادبی داشته باشد، زاده یک شرایط خاص سیاسی و اجتماعی است.

امیل زولا با الهام از مجموعه رمان‌های "کمدی انسانی" نوشته انوره دو بالزاک، دیگر نویسنده قرن نوزدهم فرانسه تصمیم گرفت مجموعه رمان‌هایی درباره شرایط اجتماعی دوران "امپراطوری دوم" فرانسه بنویسد. این مجموعه حول محور خانواده "روگن ماکار" می‌گذرد و داستان افراد مختلف این خانواده را بازگو می‌کند. انتشار این مجموعه که شامل ۲۰ رمان است، از سال ۱۸۷۱ آغاز شد و تا ۱۸۹۳ طول کشید. اما رمان "ژرمینال" که سیزدهمین رمان از این مجموعه است، در هیچ کدام از طرح‌های اولیه‌ای که زولا در نظر گرفته بود، قرار نداشت.

منتقدان ادبی درباره اینکه چرا زولا به نوشتن رمانی درباره شرایط کارگران در معدن روی آورد، دلایل متعددی را ذکر کرده‌اند که مهم‌ترین آنها تحولات سیاسی در فرانسه پس از انتخابات سال ۱۸۷۹ است که منجر به پیروزی جمهوری خواهان شد. در آن زمان، به لطف یک عفو عمومی در ۱۸۸۰، قانونی مبنی بر آزادی برگزاری تجمع در سال ۱۸۸۱ و همچنین آزادی نسبی مطبوعات، فضای سیاسی کشور تا حدودی گشایش یافت. همچنین جنبش‌های کارگری در فرانسه جان تازه گرفته بودند و برخی از دوستان زولا نیز نقش مهمی در جنبش‌های اجتماعی داشتند؛ مثل پل الکسی که روزنامه‌نگار نشریه "فریاد خلق" بود و زولا را با ژول گسد، یکی از رهبران جنبش کارگری فرانسه آشنا کرد و این نویسنده را به یکی از جلسات حزب کارگر برد. در همان برهه بود که کارگران در برخی از نقاط فرانسه به صورت پراکنده دست به اعتراض و اعتصاب می‌زدند. مثلاً در شهر آزن در شمال فرانسه که کارگران معدن بارها اعتصاب کردند و همچنین اعتصاب کارگران معدن در شهر مونسوله‌مین در اعتراض به اخراج پانزده کارگر که منجر به خشونت‌های بی‌سابقه شد و واکنش‌های گسترده‌ای را در فرانسه به دنبال داشت.

ژرمینال، یک سند تاریخی

امیل زولا که روزنامه‌نگار هم بود و در جرگه روزنامه‌نگاران جمهوری خواه به شمار می‌رفت، وقایع مربوط به اعتصاب کارگران را حتی در روزنامه‌هایی که مخالف اعتصاب‌کنندگان بودند، به دقت دنبال می‌کرد و بعداً از برخی از مطالب این روزنامه‌ها در نوشتن رمان ژرمینال بهره برد. در واقع، زولا برای نوشتن ژرمینال همچون یک مورخ یا مستندساز عمل کرد، زیرا می‌خواست، از خود سندی اجتماعی درباره دنیای کارگران معدن در نیمه دوم قرن نوزدهم برجای گذارد. او برای نوشتن ژرمینال، کتاب‌های بسیاری نیز درباره معدن، بحران‌های اقتصادی، سوسیالیسم و اعتصاب خواند. همچنین از تجربه‌های شخصی، خاطرات و موضع‌گیری‌های سیاسی اطرافیان دور و نزدیکش بهره گرفت. حتی گفته می‌شود که موضوع اصلی این رمان، یعنی نوشتن درباره زندگی کارگران معدن را یکی از نمایندگان سوسیالیست به زولا پیشنهاد کرده بود.

خود زولا در طرح اولیه رمانش به خوبی تأکید می‌کند که چگونه انباشت بی‌مه‌ار سرمایه، بدون توجه به حقوق

کارگران، جامعه را دچار بحران می‌کند": رمان، داستان شورش حقوق‌بگیران است، کمکی به جامعه که هر لحظه در حال فروپاشی است. در یک کلام، جنگ سرمایه و کار. اهمیت رمان در همین است و من می‌خواهم آینده را با طرح این مسئله، که مهم‌ترین مسئله قرن بیستم خواهد بود، به پیش ببرم".

زولا فقط به خواندن و شنیدن اکتفا نکرد و برای این کار عازم شمال فرانسه شد. او در تاریخ ۲۳ فوریه تا چهارم مارس ۱۸۸۴ به شهر آنزن، محل برگزاری اعتصاب کارگران رفت.

رضا نوری

۵ ژانویه ۲۰۱۹ - ۱۵ دی ۱۳۹۷

بی بی سی فارسی

نبردِ گرسنگان!

نه از تفنگ‌هایت می‌هراسیم،

و نه ماشین‌ارباب‌ات

دیگر

برپیکر ما

عرقِ سردِ وحشت را می‌نشانند.

نان را پرچم کرده ایم

و آزادی را مشعل راه،

آمده ایم که قانون‌ات را به آتش بکشیم،

و جهانی را که خود ساخته ایم

فاتح شویم.

عهد کرده ایم

پایان بربریت را

به شادی بنشینیم

تا پرچم سوسیالیسم را

بر قلب سنگ‌ات فروکنیم.

نه شلیک گلوله‌هایت را

توانِ توقف ما است،

و نه این جاسوسان قحبه‌ات را

توانِ برافرازیِ پرچمِ تفرقه است!

ما شانه به شانه آمده ایم

که در رزمِ رهایی

مرگ را به بازی بگیریم،

بین که چگونه

در حلقه‌ی شادابِ نبردمان

هر رفیقی که بر زمین میافتد

به هزار تکثیر میشود،
 وهررفیقی که در بند میشود
 در فریادهای ما
 حضوری سرافراز میابد.
 نه تفنگت و نه جاسوسان ات،
 نه ارباب ات و نه اردوی چماق دارانت،
 حتی اوراد آسمانی ات را
 توان سد طوفان انقلاب نیست.
 این یورشِ سرخِ ارتشِ گرسنگان است،
 که حضورش را
 در جغرافیای بین الملل اعلام میکند.
 و ما در این پاره ی جهان
 گردانی از این ارتشیم.
 خورشید انسان
 از اردوگاه جنبش ما
 طلوع خواهد کرد.

«داریوش سلحشور»

* به نقل از کانال تلگرامی هنر اعتراضی



اولین مجمع عمومی کارگران فولاد اول آذر ۹۷



پنج شنبه اول آذر ۱۳۹۷



کارگران فولاد در اهواز ۱۱ آذر ۲ دسامبر



میشم آل مهدی ۱۱ آذر ماه ۱۳۹۷



کارگران فولاد ۱۳ آذر در اهواز



تجمع کارگران فولاد ۱۳ آذر ۴ دسامبر در اهواز



مجمع عمومی دوم فولاد ۱۵ آذر ۶ دسامبر



گروه ملی فولاد ۲۵ آذر ۱۶ دسامبر



اسماعیل بخشی نیشکر هفت تپه ۱۷ آبان ماه ۱۳۹۷



فولاد ۲۲ آبان مقابل استانداری خوزستان



کارگران فولاد- اهواز ۲۵ آبان- ۱۹ نوامبر



هفت تپه ۲۶ آبان



هفت تپه ۲۷ آبان مقابل فرمانداری شوش



کارگران هیکو در حمایت از گروه ملی فولاد و هفت تپه ۲۷ آبان



کارگران هفت تپه در مقابل دادگاه شوش ۲۸ آبان



کارگران فولاد- استانداری خوزستان ۲۹ آبان ۹۷- ۲۰ نوامبر



تجمع کارگران هفت تپه مقابل فرمانداری شوش برای آزادی همکاران ۳۰ آبان ۱۳۹۷



حضور کارگران و مردم شوش اعم معلمان بازاریان در مه و سرمای شدید ۳۰ آبان ۱۳۹۷

کارگر زندانی آزاد باید گردد



سه شنبه ۱۱ دی ۱۳۹۷



گروه ملی فولاد



حمایت دانشجویان ۱۱ دی ۱۳۹۷



فعالین کارگری سنندج در دفاع از اعتصابات و اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه ۱۳۹۷



کارگران هفت تپه با ارج نهادن به حضور زنان و تریبون دادن به آنها نشان دادند که جنبش شورایی به تبعیض جنسیتی "نه" می گوید

#هفت_تپه_فولاد

#به_خشونت_علیه_زنان_پایان_دهید







کریم سیاحی یکی از نماینده های کارگری گروه ملی فولاد اهواز



کارگران فولاد اهواز ۱۳۹۷



اسماعیل بخشی نماینده کارگران نیشکر هفت تپه



انتشارات حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

ژانویه ۲۰۱۹ - دی ماه ۱۳۹۷